

به نام خدا
فصلنامه پژوهش حسابداری
سال هشتم، شماره ۳ (پیاپی ۳۰)، پاییز ۱۳۹۷

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سردبیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

هیأت تحریریه:

پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سید علی حسینی، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

حمید حقیقت، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

ولی خدادادی، دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

سید احمد خلیفه سلطانی، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

محمد کاشانی پور، دانشیار دانشگاه تهران

غلامرضا کردستانی، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

بیبا مشایخی، دانشیار دانشگاه تهران

مهناز ملا نظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

کاوه مهرانی، دانشیار دانشگاه تهران

اعظم ولی‌زاده لاریجانی، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه‌آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

تحقیق‌های ارسال‌شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که تحقیق‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم تحقیق به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل تحقیق

تحقیق در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان تحقیق ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی تحقیق ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی تحقیق و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت تحقیق‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن تحقیق از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار تحقیق

۲-۱. صفحه جلد تحقیق: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل تحقیق؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

۲-۲. **صفحه اول تحقیق:** عنوان و چکیده تحقیق به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف تحقیق، روش تحقیق، یافته‌های تحقیق، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای تحقیق:** این بخش باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً تحقیق‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای تحقیق را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های تحقیق؛
- روش تحقیق (شامل: روش تحقیق، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های تحقیق (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های تحقیق‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با تحقیق‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای تحقیق‌های آتی با توجه به محدودیت‌های تحقیق یا چگونگی توسعه تحقیق حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن تحقیق از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن تحقیق به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **تحقیق:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان تحقیق. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

-فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا تحقیقی که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره) ۱ () تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جدا اما دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین معادل انگلیسی

BSc.	کارشناس
MSc. Student	دانشجوی کارشناسی ارشد
MSc.	کارشناسی ارشد
Ph. D. Student	دانشجوی دکترا
Ph. D.	دکترا
Assistant Prof.	استادیار
Associate Prof.	دانشیار
Prof.	استاد

* تحقیق‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش تحقیق‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش تحقیق‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و تحقیق‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب تحقیق به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال تحقیق باشد. ۱۳۹۱ تحقیق‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ تحقیق، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال تحقیق از ویرایش فنی و ادبی تحقیق و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* تحقیق‌های تحقیقی به تحقیق‌هایی گفته می‌شود که از پروژه تحقیقاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- بکارگیری هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای شناسایی اقدامات بهتر در کتابخانه‌های دانشگاهی (مطالعه موردی: کتابخانه دانشگاه کاشان) ۱
عبدالرضا محسنی، عبدالرسول رحمانیان کوشکی
- تأثیر مالکیت، کنترل و مدیر عامل خانوادگی بر سیاست‌های تقسیم سود ۲۱
وحید بخردی نسب، حسام رحمانی، فاطمه ژولانژاد
- بررسی رابطه بین نوع مالکیت (نهادی و انفرادی) و عدم تقارن اطلاعاتی با تاکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل گر ۴۹
مهدی حیدری، حمزه دیدار، علی بیدقی
- ریسک سقوط قیمت سهام و اثر آن بر رقابت بازار محصول ۷۱
زهرا فضل الهی دهکردی، فرشید احمدی
- چرایی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای در حال توسعه ۸۷
منوچهر روستا، علی اصغر دهقانی سعدی
- مطالعه ارتباط بین تردید حرف‌های حسابرس، چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی شرکت‌ها ۱۰۱
عزیز گرد، مونا ناصری
- فرا تحلیل در تحقیقات حسابداری ۱۲۵
مهدی مران جوری، جهانگیر رضوانی
- اندازه‌گیری و گزارش ارزش تسهیلات اعطایی بانک‌ها ۱۴۹
مینا مقدسی، رضوان حجازی، مرتضی اکبری، محمدعلی دهقان دهنوی

بکارگیری هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای شناسایی اقدامات بهتر در کتابخانه‌های دانشگاهی (مطالعه موردی: کتابخانه دانشگاه کاشان)

عبدالرضا محسنی^۱، عبدالرسول رحمانیان کوشکی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۰۳

چکیده

در محیط رقابتی امروز و ظهور رسانه‌های دیجیتال کتابخانه‌ها نیز باید ایده‌های جدید ارائه نمایند و انعطاف‌پذیری خود را حفظ کنند. در دهه‌های گذشته کتابخانه‌ها با روند ثابتی روبرو بودند، اما با ظهور خدمات دیجیتال، هزینه‌های بالای نگهداری اطلاعات و محدودیت بودجه کتابخانه‌ها، بهبود و افزایش بهره‌وری و تسریع تحویل کتاب با کیفیت بالا و هزینه کمتر، لزوم برنامه‌ریزی برای هزینه‌یابی در این حوزه را بیشتر نموده است. در این زمینه بهینه‌سازی سیستم مدیریت کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی به یک ضرورت تبدیل شده است. با این حال پژوهش‌های کمی در این زمینه برای کتابخانه‌ها انجام شده است. روش پژوهش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای محاسبه بهای تمام شده خدمات کتابخانه، با استفاده از روش موردکاوی کتابخانه دانشکده‌های مختلف دانشگاه کاشان است. به منظور گردآوری داده‌ها به بررسی اسناد و مدارک حسابداری پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان دهنده بهبود عملکرد با استفاده از هزینه‌یابی زمان‌گرا در کتابخانه است. براساس نتایج حاصل شده کتابخانه‌های سراسر کشور می‌توانند از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا استفاده نمایند و از این روش برای دستیابی به هزینه‌های واقعی و صحیح استفاده شود. همچنین از زیان‌های حاصل از هزینه‌یابی اشتباه جلوگیری و موجبات کاهش هزینه‌ها و کارایی بیشتر فراهم شود.

واژه‌های کلیدی: هزینه‌یابی، هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، نرخ هزینه ظرفیت.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.16239.1319

^۱ استادیار گروه حسابداری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران، (Mohseni.abdoreza@yahoo.com)

^۲ مربی، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران، (نویسنده مسئول)، (abr.rahmanian@gmail.com)

مقدمه

در چند دهه اخیر کتابخانه‌ها به دلیل ظهور خدمات دیجیتال، هزینه‌های بالای نگهداری اطلاعات و محدودیت بودجه، ملزم به تحویل خدمات با کیفیت بالا و هزینه‌ی کمتر با بهبود بهره‌وری هستند که این موضوع اهمیت برنامه‌ریزی برای هزینه‌یابی را دو برابر می‌کند. علاوه بر این خدمات الکترونیکی مانند کتابخانه‌های دیجیتال این امکان را برای دانشجویان و دانشگاهیان فراهم می‌سازد تا از طریق اینترنت و از راه دور بتوانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند. از سوی دیگر هزینه کتابخانه‌ها نسبت به قبل بیشتر شده است و به سیستم هزینه‌یابی منطبق با این تغییرات نیاز است (کارتریس و همکاران، ۲۰۱۶). مدیران نیز برای انجام هر یک از وظایف خود همواره با مواردی مواجه می‌شوند که نیاز به اخذ تصمیم دارد و برای تصمیم‌گیری در ارتباط با هدف‌های برنامه‌ریزی، کنترل، هدایت و رهبری، هماهنگی نیرو و امکانات، نیازمند اطلاعات هستند. یکی از مهمترین اطلاعات مورد نیاز آنها، اطلاعات مالی است. نظام‌های حسابداری همواره یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی مالی در سازمان است و نظام هزینه‌یابی می‌تواند بخش مهمی از نیازهای اطلاعاتی مدیران در زمینه امور مالی را فراهم کند. اهمیت شناخت و کنترل هزینه چه در مؤسسات دولتی و چه در سازمان‌های خصوصی بر کسی پوشیده نیست، اما دستیابی به این مهم نیازمند طراحی نظامی مناسب و کارا است که قادر به شناخت تنوع و پیچیدگی فعالیت‌ها و سنجش تأثیر آن بر هزینه‌ی ارائه خدمات باشد.

در این ارتباط در اغلب موارد هزینه یا قیمت ارائه خدمات با توجه به هزینه‌ای که در کتابخانه‌ها وجود دارد طبق تعرفه‌ی مشخص شده، تعیین نمی‌شود (سلطانی و میرزایی کلانی، ۱۳۹۱). بنابراین، مهم‌ترین بخش سود که در اختیار و کنترل مدیر است، بخش هزینه یا مصرف منابع است که در کتابخانه‌ها می‌توان از طریق افزایش کارایی نظام هزینه‌یابی از ضرر و زیان جلوگیری نمود.

نظام هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت یکی از نظام‌های هزینه‌یابی محصول است که در سال ۱۹۸۷ میلادی برای اولین بار به وسیله کپلن و جانسون مطرح شد. این نظام جانشین هزینه‌یابی سفارش کار یا روش مرحله‌ای نیست، بلکه می‌تواند همراه با آن به کار گرفته شود. نظام هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت اطلاعات مناسب‌تری در مورد تولید یا ارائه خدمات، فعالیت‌های پشتیبانی و هزینه‌های محصول یا خدمت ارائه می‌کند تا مدیریت بتواند با

تمرکز روی محصولات و فرآیندهایی که دارای بیشترین اهرم است، سود خود را افزایش دهد. متأسفانه، دشواری‌های اجرا و نگهداری نظام متداول هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت از کارایی، بهنگام بودن و به روز بودن این نوآوری به‌عنوان یک ابزار مدیریت، جلوگیری کرده است. رویکرد هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا این دشواری‌ها را رفع میکند (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

هدف از این پژوهش بررسی به‌کارگیری مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا و شناسایی نقاط قوت آن برای کتابخانه‌ها و محاسبه هزینه‌ی تمام شده خدمات، اندازه-گیری عملکرد واحدها و ظرفیت به‌کار گرفته شده است. برای این منظور هزینه‌های عملیاتی کتابخانه‌ها شامل هزینه‌های پرسنل، هزینه‌های اکتساب، هزینه‌های امانت بین کتابخانه‌ای، هزینه‌های نگهداری مجموعه کتب، هزینه‌های اداری و هزینه‌های دیگر شناسایی شده است. هزینه‌های پرسنل به‌عنوان بیشترین هزینه برای کتابخانه‌ها در نظر گرفته می‌شود و به‌دنبال آن هزینه‌های اکتساب، هزینه‌های اداری و هزینه‌های دیگر می‌آیند. بنابراین کتابخانه‌ها دقیقاً دانسته‌اند که هزینه‌ها متعلق به چه طبقاتی می‌شوند، اما یک مرور کلی و ویژه از فعالیت‌هایی که این هزینه‌ها در میان آن‌ها تقسیم می‌گردند وجود ندارد؛ حتی اگر آن‌ها دانش دقیقی از اینکه چه مقدار پول خرج می‌شود، داشته باشند. برای مثال در زمینه انتشار باز هم تعیین کل هزینه اکتساب و فهرست‌گذاری بسیار مشکل شده است و معمولاً هزینه‌های پرسنل، مربوط به پردازش یک انتشار اکتساب شده به قیمت خرید انتشار افزوده نشده و کتابخانه‌ها باید هزینه‌های خود را واضح بیان کرده و مدیریت کارآمدی بر آن داشته باشند. همچنین آنها باید نسبت به تقاضاها پاسخگو باشند که این موارد ارائه سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا را برای آنها به امری کارا مبدل می‌کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

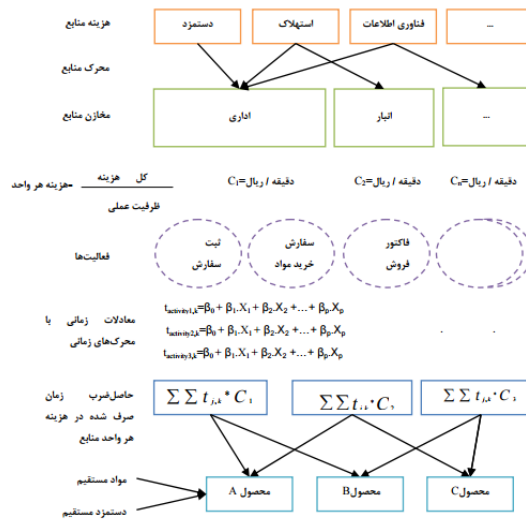
هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت ادعا می‌کند محصولات و خدمات تولید شده، مستقیماً مصرف‌کننده منابع نیست، بلکه مصرف‌کننده فعالیتها است. از این نظر هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، سیستم تسهیم هزینه بر مبنای رسیدگی و تحقیق است؛ به نحوی که از طریق تجزیه و تحلیل واحد اقتصادی و فرآیندهای مورد عمل، محرکه‌ای هزینه‌شناسایی می‌شود (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا

هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا (TDABC)، تکنیک مدیریتی مفید جهت هزینه‌یابی است که توسط کاپلان و اندرسون در سال ۲۰۰۴ برای رفع مشکلات هزینه‌یابی قبلی ارائه شد. روش TDABC با استفاده از یک چارچوب آسان، ساده و سریع که به واحدها، ظرفیت منابع و مدت زمان فعالیت‌ها بستگی دارد، هزینه‌یابی را انجام می‌دهد. هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا برای تخصیص هزینه‌های منابع به فعالیت‌ها، نیازی به مصاحبه و پیمایش کارکنان ندارد و مدل جدید با استفاده از یک چارچوب کارآمد که تنها نیاز به دو مجموعه است، هزینه منابع را مستقیماً به موضوعات هزینه تخصیص می‌دهد. این مدل نخست هزینه تدارک و تامین ظرفیت منابع را محاسبه می‌کند. همچنین این روش ظرفیت مورد نظر هر موضوع هزینه (معمولاً بر حسب زمان) را برآورد می‌سازد و از نرخ هزینه ظرفیت برای تخصیص هزینه‌های منابع دایره به موضوعات هزینه استفاده می‌کند (گرم، ۲۰۱۴).

نحوه اجرای هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمانگرا بر اساس شکل یک، شامل شش مرحله به شرح زیر است:

- ۱) شناسایی گروه‌های مختلف منابع که فعالیت‌ها را انجام می‌دهند؛
- ۲) برآورد هزینه هر گروه از منابع؛
- ۳) تخمین ظرفیت هر گروه از منابع؛
- ۴) محاسبه هزینه واحد هر گروه از منابع، از طریق تقسیم هزینه کل آن بر ظرفیت عملی؛
- ۵) تعیین زمان مورد نیاز رویدادهای یک فعالیت، بر اساس محرک‌های زمانی مختلف؛
- ۶) ضرب هزینه واحد هر گروه از منابع در زمان مورد نیاز هر رویداد.



شکل (۱): رهگیری هزینه مخازن منابع به موضوع هزینه‌یابی بر اساس خروجی معادلات زمانی هر فعالیت در مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گر

شکل ۱ مدل کلی هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا را نشان می‌دهد. مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا مدلی قوی، اما ساده جهت هزینه‌یابی است. در این مدل هزینه هر واحد با ظرفیت تامین شده از تقسیم گزینه‌های کل هر کدام بر ظرفیت عملی حاصل می‌گردد؛ جهت محاسبه آن لازم است که هزینه عملی و هزینه‌های ظرفیتی واحدها محاسبه شود. یکی از مزیت‌های روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، حذف نیاز به مصاحبه و مشاهده فعالیت کارکنان برای تخصیص هزینه بر مبنای فعالیت‌ها است. در این روش هزینه‌ها مستقیماً به موضوع هزینه تخصیص و از طریق هزینه‌های مربوط به انبار، کارکنان، تجهیزات و فناوری و... که در بخش‌ها به کار رفته‌اند و بر مبنای ظرفیت و نرخ هزینه هزینه‌یابی را انجام می‌دهد (کاپلان و اندرسون، ۲۰۰۷).

بر اساس این مدل، هزینه هر فعالیت از حاصل ضرب زمان لازم جهت انجام آن فعالیت در هزینه هر واحد زمان بدست می‌آید.

$$T_{jk} = T_{jk} C_i$$

هزینه هر واحد رویداد k مربوط به فعالیت j

$$C_i = C_i$$

هزینه هر واحد زمان مربوط به مخزن منابع

$$T_{jk} = \text{زمان مصرفی توسط هر رویداد } k \text{ مربوط به فعالیت } j$$

هزینه کل تمام رویدادهای مربوط به کلیه فعالیتها را نیز می توان از جمع هزینه فعالیتها بدست آورد. هزینه کل از رابطه زیر بدست می آید:

$$\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m \sum_{k=1}^1 T_{jk} C_i = \text{هزینه کل هزینه یابی}$$

$$T_{jk} C_i = \text{هزینه هر واحد رویداد } k \text{ مربوط به فعالیت } j$$

$$C_i = \text{هزینه هر واحد زمان مربوط به مخزن منابع}$$

$$T_{jk} = \text{زمان مصرفی توسط هر رویداد } k \text{ مربوط به فعالیت } j$$

M تعداد فعالیتها

N تعداد مخازن منابع

I تعداد دفعاتی که فعالیت J انجام می شود یا تعداد رویدادهای مربوط به فعالیت J

مقایسه دو مدل ABC و TDABC

در روش هزینه یابی بر مبنای فعالیت در ابتدا تیم پروژه با سرپرستان و کارکنان دایرهها مصاحبه می کند و سپس در مورد فعالیتهای متفاوتی که در دایره انجام می شود به جمع - آوری اطلاعات می پردازد. در این روش زمان اختصاص یافته برای فعالیتها نیز در نظر گرفته می شود.

مدل هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا پتانسیل قابل ملاحظه ای را جهت استخراج در کتابخانه های الکترونیکی فراهم می سازد. به مجرد اینکه پردازش منابع چاپ شده به بازدهی خود برسند، آنگاه می توان توجه خود را به مواد دیجیتالی معطوف نمود. برای مثال مذاکرات با در نظر گرفتن مجوزها برای مواد الکترونیکی نسبت به مجوزهایی که برای انتشارات یا نشریه های چاپ شده در نظر گرفته می شود، می تواند بسیار بیشتر زمان بر باشد. استفاده از برخی از مواد الکترونیکی نیازمند تجهیزات ویژه و ایستگاه های کار کامپیوتری است. اکتساب یک چنین فراساختار و نگهداری آن برای کتابخانه ها اجباری است و این مخارج نیز باید در نظر گرفته شود. علاوه بر آن خدمات مرتبط با مواد الکترونیکی به نوبه خود به پرسنل ماهرتر همراه با پرداخت حقوق بیشتر نیازمند است.

گرچه مدیران کتابخانه‌ها به عنوان حسابدار آموزش ندیده‌اند، اما آن‌ها جهت برنامه‌ریزی استراتژیکی و تصمیم‌گیری عملیاتی متکی به اطلاعات حسابداری هستند. افزایش تقاضاها برای قابلیت حسابداری موسساتی با عملکرد دانشگاه و هزینه‌ها با موشکافی بیشتر، مدیران کتابخانه‌ها را جهت نگهداری خدمات کیفیتی تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد، در حالی که آن‌ها با کاهش صندوق بودجه و بودجه‌گذاری‌های سخت‌تر مواجه هستند. تعهد برای بازدهی بیشتر نیازمند درک رفتار هزینه است.

پیشینه پژوهش

رگ جان و میرگوشه (۱۳۹۱) به ارزیابی بکارگیری سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا و مقایسه با روش سنتی در شرکت تولید دنا صنعت یاسوج پرداختند. در این پژوهش با مقایسه هزینه‌ی تمام شده در هر متر لوله، بین محاسبه هزینه‌ها در سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا با سیستم هزینه‌یابی سنتی (روش فعلی)، اختلاف معنی‌داری مشاهده شد و پیشنهاد شد که شرکت جهت شناسایی ظرفیت‌های کارخانه و بهره‌وری بیشتر در کارخانه و اتخاذ تصمیم‌گیری‌های صحیح مدیریتی، سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا را در شرکت اجرا نموده و از نتایج آن در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده نماید.

سلطانی و میرزایی کلانی (۱۳۹۱) به بررسی اصول بنیادی مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا به عنوان ابزاری مناسب برای تخصیص هزینه‌ها به موضوعات هزینه‌یابی و مقایسه آن با مدل‌های هزینه‌یابی پیشین پرداختند. آنها بیان می‌کنند که به کارگیری مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت سنتی به دلیل هزینه‌های زیاد مصاحبه با اشخاص، استفاده از روش‌های ذهنی و پرهزینه برای ارزیابی تخصیص‌های زمانی و مشکلات نگهداری و به‌هنگام‌سازی مدل، برای بسیاری از سازمان‌ها با دشواری همراه بوده و این عوامل سبب شده‌اند که این مدل نتواند به عنوان یک ابزار مدیریتی موثر، به موقع و به‌هنگام ایفای نقش نماید. در مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا نیاز به برآورد دو پارامتر شامل هزینه هر واحد ظرفیت تامین شده و زمان مورد نیاز انجام یک فعالیت است. این مدل علاوه بر حل مشکلات مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت سنتی، قادر به اندازه‌گیری ظرفیت بلااستفاده بوده و با محاسبه هزینه ظرفیت بلااستفاده، مدیران را در امر ارزیابی عملکرد دوایر مختلف سازمان یاری می‌رساند.

عباسی (۱۳۹۱) به بررسی کاربرد روش‌های هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و سنتی در محاسبه قیمت تمام شده آموزش دانشجویان پرداخت. هدف محاسبه و تخصیص سربار به روش‌های هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و روش سنتی در تعیین قیمت تمام شده آموزش دانشجویان گروه‌های حسابداری و فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ بود. با استفاده از مدل رگریسون سربار به روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت برای هر گروه آموزشی تخصیص یافت و سپس با نتایج روش سنتی تخصیص سربار مقایسه شد. نتایج نشان داد که قیمت تمام شده رشته‌های تحصیلی در هر دو گروه آموزشی به روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت کمتر از روش سنتی است. میزان تخصیص سربار غیر مستقیم در بین همه رشته‌های تحصیلی در روش سنتی، بیشتر از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت است. علاوه بر آن، بین قیمت تمام شده و متوسط شهریه هر دانشجو در گروه‌های آموزشی، به دو روش، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که در همه رشته‌های تحصیلی، خالص منافع حاصل از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت بیشتر از روش سنتی است.

خدای پور و اکبری نفت چالی (۱۳۹۲) به بررسی هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا پرداختند. آنها بیان داشتند تغییرات در محیط تجاری، تکنولوژی تولید، شیوه تولید، مشتری‌مداری، افزایش سهم هزینه‌های سربار در تولید، مفاهیم جدید در حسابداری مدیریت و... باعث گردیده تا مدیریت نیازمند اطلاعات مفیدی در مورد هزینه‌ی تمام شده و عوامل تولید باشد. با تغییرات بوجود آمده سیستم هزینه‌یابی سنتی دیگر پاسخگوی نیازها نیست. علاوه بر این اطلاعات فراهم شده توسط این سیستم نیز از صحت کافی برخوردار نیست. به همین خاطر سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت مطرح و مورد استفاده قرار گرفت، اما بعد از چند سال از مطرح شدن این سیستم، علی‌رغم مزایایی که برای این سیستم هزینه‌یابی عنوان گردید به خاطر مشکلات و مسائل مربوط به آن از جمله پیچیدگی در طراحی، اجرا و نگهداری هزینه زیاد، وقت‌گیر بودن، بروز رسانی بسیار سخت، عدم شناسایی ظرفیت بلااستفاده و... باعث شد تا این سیستم مورد پذیرش عمومی قرار نگیرد. تلاش‌ها برای ساده‌سازی سیستم صورت گرفت. تلاش‌های اولیه برای ساده‌سازی بیشتر به صورت ساده‌سازی بعد از وقوع بوده است، تا در نهایت با مطرح شدن سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، یک نوع ساده‌سازی پیش از وقوع صورت گرفت. سادگی سیستم، بروزرسانی ساده، امکان استفاده در شرکت‌های

کوچک و بزرگ با فرایندهای ساده یا پیچیده، امکان شناسایی ظرفیت بلااستفاده، امکان ارتباط با سایر سیستم‌های داخل شرکت و... از جمله مزایای سیستم هزینه‌یابی جدید می‌باشد. این سیستم بر عامل زمان تکیه دارد. اشتباه در برآورد زمان و معادله زمانی موجب انحراف در سیستم خواهد شد. سیستم با توجه به محدودیت زمان بهتر از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت بوده و با دیدگاه استراتژیک براساس کارت ارزیابی متوازن شرکت نیز در ارتباط است.

نوری و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی به کارگیری هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در یکی از بانک‌های کشور پرداختند. در این پژوهش از مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای بانک سینا استفاده کردند و طرحی برای محاسبه قیمت تمام شده خدمات بانکی ارائه نمودند. نتایج نشان داد که حدود ۴۸ درصد از زمان عملی کارکنان استفاده نمی‌شود و در واقع ۴۸ درصد از هزینه‌های سازمان هدر می‌رود و قیمت تمام شده خدمت تنها به تعداد تکرار فعالیت‌ها و حجم تولید وابسته نیست و به زمان تولید و نرخ هزینه ظرفیت نیز وابسته است.

مندیکو و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی استفاده از هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا جهت بهبود استفاده از منابع مراقبت‌های بهداشتی در میرباله هائیتی پرداختند. با توجه به آنکه در محیط‌های با منابع محدود بازده از اهمیت زیادی برخوردار است، به حداقل رساندن هزینه منابع مورد استفاده و در دسترس بیمار اولویت دارد. هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا، هزینه‌های مستقیم فرایندهای بالینی و اداری مورد استفاده در مراقبت بیمار را بدست می‌آورد و اطلاعات مفیدی را برای بهبود فرایند ارائه می‌نماید. روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا از کارایی بهتری نسبت به هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت سنتی برخوردار است. در این پژوهش هدف بهینه‌سازی هزینه‌یابی بوسیله استفاده از هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در یک محیط با منابع محدود بود تا روش سریع‌تر و دقیق‌تری برای هزینه‌یابی ارائه شود. در این پژوهش چند گروه از قسمت‌های مراقبت‌های مامایی (زنان و زایمان)، بخش سرطان پستان و شیمی‌درمانی، جراحی، خدمات پشتیبانی، داروخانه، رادیولوژی، آزمایشگاه و مشاوره انتخاب شدند و زمان هر یک از منابع تعیین شد سپس هزینه پرسنلی، هزینه‌های سربار و هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم بدست آمد. هزینه‌های سربار برای مدیریت، تعمیر و نگهداری، تاسیسات و عملیات، آموزش، انبار،

سردخانه و بانک خون بود. یافته‌ها نشان دادند که استفاده از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا نسبت به هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت هزینه کم‌تری دارد و هزینه‌ها با استفاده از این روش کاهش می‌یابند.

روسو و همکاران (۲۰۱۵) به تجزیه و تحلیل بکارگیری هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای شناسایی اقدامات بهتر در داروخانه‌ها پرداختند. هدف آن‌ها از این پژوهش محاسبه هزینه خدمات دارویی برا کمک به سیاست‌گذاری و مدیریت بهتر داروخانه‌ها بود. آن‌ها برای این کار خدمات چند داروخانه را از طریق مشاهده مورد مطالعه قرار دادند. جزئیات ثبت و از داده‌ها و اسناد حسابداری داروخانه‌ها نیز استفاده شد. هزینه‌های سرویس‌های توزیعی و خدمات در این داروخانه‌ها محاسبه شد و نتایج حاکی از آن بود که هزینه‌یابی برای خدمات درمانی و بهداشتی به‌طور خاص در مورد خدمات دارویی، روشی مفید به منظور اطلاع‌رسانی بهتر مدیریت داروخانه‌ها و بسط دادن سیاست دارویی است.

آردیانسیا و همکاران (۲۰۱۷) به اندازه‌گیری سودآوری مشتری از طریق هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت مبتنی بر زمان پرداخته و برای این کار هتل ایکس جوجاکارات را بررسی کردند. هتل‌ها به‌عنوان یکی از ارائه‌دهندگان خدمات اقامتی باید قادر به تخصیص دقیق منابع با توجه به ظرفیت‌های مورد نیاز واقعی و سیاست‌های کامل تعرفه‌گذاری باشند و در عین حال به رقبا و سود خود نیز توجه داشته باشند. سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت می‌تواند منابع را تخصیص نماید. در این پژوهش با توجه به اینکه سودآوری مشتری مد نظر بود مشتریان به گروه‌های سودآور و غیرسودآور طبقه‌بندی شدند. این مطالعه بر روی یک هتل ۵ ستاره انجام شد و نتایج نشان دادند که سیستم جدید نسبت به سیستم سنتی موفق‌تر عمل می‌کند و داده‌ها را بهتر تجزیه و تحلیل نموده و سودآوری بهتری دارد.

پرسش‌ها و فرضیه پژوهش

مبتنی بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق سؤالات تحقیق حاضر عبارتند از:

۱) مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا و مزایای استفاده از آن در کتابخانه چیست؟

۲) چگونه می‌توان مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا را در کتابخانه بکار گرفت؟

۳) آیا مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا نتایج متفاوت و صحیح‌تری را نسبت به مدل هزینه‌یابی سنتی فراهم می‌کند؟

۴) آیا مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا قابلیت حل مشکلات این دو مدل را دارا است؟

۵) آیا میتوان این مدل را برای کتابخانه‌های دانشگاهی به سهولت اجرا و به روزرسانی نمود؟

به منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق، فرضیه تحقیق به صورت زیر بیان میگردد.
فرضیه اصلی: به کارگیری مدل هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در کتابخانه‌های دانشگاهی، در مقایسه با مدل هزینه‌یابی سنتی نتایج مربوط‌تری را ارائه می‌نماید.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، جزء تحقیق توصیفی و از نوع بررسی موردی می‌باشد. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌ها شامل کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها استفاده شده است و برای محاسبه هزینه‌ی تمام شده محصولات و خدمات، از داده‌های حسابداری موجود برای کتابخانه استفاده شده است. روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای محاسبه هزینه‌ی تمام شده خدمات و محصولات، به طریق مورد‌کاوی و برای کتابخانه دانشگاه کاشان انجام شد. به منظور گردآوری داده‌ها به بررسی اسناد و مدارک حسابداری پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

تعداد کتابخانه‌ها و دانشجویان

کتابخانه‌های دانشگاه کاشان دارای ۲۱۲۵۵۰ جلد کتاب فارسی و ۵۱۰۷۰ جلد کتاب لاتین است و تعداد دانشجویانی که از این کتاب‌ها استفاده می‌کنند ۶۳۹۹ نفر است. این اطلاعات در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره (۱): اطلاعات کتابخانه مورد بررسی

تعداد دانشجو	تعداد کتاب		محل کتابخانه
	لاتین	فارسی	
۱۹۳۴	۲۹۰۰۰	۱۳۸۰۰۰	علوم و ادبیات انسانی
۱۶۲۴	۱۳۵۰۰	۲۶۰۰۰	دانشکده علوم
۲۰۱۱	۵۷۷۰	۲۶۲۵۰	دانشکده مهندسی
۶۸۰	۲۷۰۰	۱۷۰۰۰	معماری و هنر
۱۵۰	۱۰۰	۵۳۰۰	پردیس خواهران
۶۳۹۹	۵۱۰۷۰	۲۱۲۵۵۰	جمع بندی

حوزه فعالیت‌ها در کتابخانه‌ها

- سفارشات و مجموعه سازی
- سازماندهی و فهرست نویسی
- بخش مرجع
- بخش گردش کتاب و امانت
- مدیریت و اداره کتابخانه

منابع هزینه

هزینه‌های مربوط به تجزیه و تحلیل یا هزینه منابع یا مخازن هزینه در کتابخانه‌ها به شرح زیر (نگاره ۲) شناسایی شد. بر این اساس ۱۰ مخزن هزینه شناسایی شد.

نگاره (۲): منابع هزینه‌ای در کتابخانه‌ها

۱. حقوق و دستمزد	۶. اینترنت
۲. هزینه مدیریت	۷. تجهیزات کتابخانه
۳. آب	۸. خرید- نگهداری و استهلاك کتاب
۴. برق	۹. خدمات نظافتی
۵. گاز	۱۰. یارانه غذا

هزینه‌های مربوط به تجزیه و تحلیل

در ادامه هزینه‌های سربار و سایر اطلاعات مرتبط برای شناسایی نرخ تخصیص هزینه برای هر کتابخانه شناسایی شد (نگاره ۳).

نگاره (۳): اطلاعات مربوط به هزینه‌های سربار

محل کتابخانه	تعداد کتب ها	نرخ کتاب‌ها	مبلغ (ریال)
کتابخانه ادبیات و علوم انسانی	۱۶۷۰۰۰	۳۴۰۰۰۰	۵۶/۷۸۰/۰۰۰/۰۰۰
کتابخانه دانشکده علوم	۳۹۵۰۰	۸۷۵۰۰۰	۳۴/۵۶۲/۵۰۰/۰۰۰
دانشکده مهندسی	۳۲۰۲۰	۸۷۵۰۰۰	۲۸/۰۱۷/۵۰۰/۰۰۰
معماری و هنر	۱۹۷۰۰	۸۷۵۰۰۰	۱۷/۲۳۷/۵۰۰/۰۰۰
پرديس خواهران	۵۴۰۰	۳۴۰۰۰۰	۱/۸۳۶/۰۰۰/۰۰۰

هزینه یابی برای قسمت قفسه‌ها: تعداد کتب * نرخ کتب

در نگاره ۴ تعداد قفسه و نرخ هزینه برای قفسه‌ها نشان داده شده است که نشان دهنده هزینه یابی برای هر قفسه و کل قفسه‌ها است.

نگاره (۴): تعداد و نرخ هزینه قفسه‌ها مربوط به تجزیه و تحلیل

ردیف	محل کتابخانه	تعداد قفسه	نرخ قفسه (ریال)	مبلغ (ریال)
۱	کتابخانه ادبیات و علوم انسانی	۱۴۱	۵/۴۵۰/۰۰۰	۷۶۸/۴۵۰/۰۰۰
۲	کتابخانه دانشکده علوم	۱۳۰	۵/۴۵۰/۰۰۰	۷۰۸/۵۰۰/۰۰۰
۳	دانشکده مهندسی	۱۵۲	۵/۴۵۰/۰۰۰	۷۲۸/۴۰۰/۰۰۰
۴	معماری و هنر	۷۱	۵/۴۵۰/۰۰۰	۳۸۶/۹۵۰/۰۰۰
۵	پرديس خواهران	۲۹	۵/۴۵۰/۰۰۰	۱۵۸/۰۵۰/۰۰۰
	جمع	۵۲۳		۲/۸۵۰/۳۵۰/۰۰۰

هزینه یابی برای قسمت قفسه‌ها: تعداد قفسه * نرخ قفسه

در نگاره ۵ نیز هزینه فعالیت و سهم هزینه‌های مربوطه نشان داده است.

نگاره (۵): هزینه فعالیت و سهم هزینه مربوط به تجزیه و تحلیل

ردیف	عنوان فعالیت	هزینه فعالیت	سرايه نگهداری کتابخانه	سهم هزینه
۱	سازمان دهی و فهرست نویسی	۵۶۷۳۰۸۰۹۲	۳۹۲۴۹۱	۱۸٪
۲	منابع	۴۳۱۴۸۳۹۲۸	۳۰۲۵۹	۱٪
۳	امانت و مراجعین	۱۱۲۲۹۴۳۰۴۴	۵۶۸۳۵۷	۲۶٪
۴	مدیریت	۱۰۰۶۸۳۱۴۵۴	۱۲۲۵۳۲۰	۵۵٪
	جمع	۳۱۲۸۵۶۶۵۱۸	۲۲۱۶۴۲۷	۱۰۰٪

هزینه فعالیت = مجموع هزینه‌های فعالیت هر بخش برای کلیه کتابخانه‌های موجود در دانشکده‌ها
 سرانه نگهداری کتابخانه = مجموع سرانه‌های دانشجویی هر بخش کتابخانه جهت نگهداری کتابخانه
 سهم هزینه = مجموع سهم هزینه‌ها مربوط به هر بخش

هزینه فعالیت‌ها مربوط به کلیه فعالیت‌ها از جمله مواردی همچون آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت، خرید و استهلاک تجهیزات، خرید و استهلاک کتب نیز می‌باشد.

همانطور که از نگاره (۵) قابل مشاهده است بیشترین هزینه مربوط به بخش مدیریت است و تابع هزینه کلیه فعالیت‌ها شامل مواردی همچون آب، برق، گاز، تلفن، اینترنت، خرید و استهلاک تجهیزات، خرید و استهلاک کتب نیز می‌باشد که به دلیل فقدان داده‌های کافی در این زمینه و در دسترس نبودن شاخصی برای تسهیم این قبیل هزینه‌ها به فعالیت‌های مورد نظر هزینه‌های مذکور بین فعالیت‌ها سرشکن نشده بنابراین متأسفانه به طور قابل ملاحظه‌ای از قابلیت اتکاء "هزینه سرانه دانشجویی" کاسته می‌شود.

عدم وجود شاخص بدین معنی است که به عنوان مثال برای استهلاک کتاب نمی‌توان مانند استهلاک ساختمان از روش مستقیم و یا نزولی استفاده کرد چرا که اساساً به جز تعداد معدودی کتاب، بقیه از چرخه خارج نمی‌شوند بلکه برخی به بخش مرجع منتقل گردیده و برخی دیگر نیز پس از تعمیر و صحافی، مجدداً به چرخه امانت باز می‌گردند. نکته دیگر اینکه به دلیل خرید کتاب در سال‌های متمادی و ماندگاری بالای آن‌ها و نیز جذب و فارغ‌التحصیلی دانشجویان، تخصیص هزینه‌های مذکور به دانشجویان قبلی، فعلی و آتی کاری دشوار و درعین حال با میزان خطای قابل توجهی همراه خواهد بود که این مسئله در قبال تجهیزات کتابخانه‌ای از قبیل قفسه‌ها نیز صادق است. در مدل هزینه‌یابی جذبی سنتی فعلی مورد استفاده، شرکت با استفاده از یک

نرخ جذب سرانه و به کارگیری مبنای نرخ قفسه کتاب‌ها و خدمات، سرانه کل را به کتابخانه و خدمات تخصیص می‌دهد. در نگاره ۶ ظرفیت کاربردی و در نگاره ۷ نیز نرخ هزینه‌های ظرفیت با توجه به ساعت کاری نشان داده شده است.

نگاره (۶): محاسبه ظرفیت کاربردی: تعداد کارکنان یا ماشینین * ساعت کاری * روزهای کاری

کل زمان مصرفی	روزهای کاری در سال	ساعت کاری (دقیقه)	مقدار محرک	مکان
۴۳۸۹۰۰	۲۲۰	۲۸۵	۷	سازمان دهی و فهرست نویسی
۳۱۳۵۰۰	۲۲۰	۲۸۵	۵	منابع
۴۳۸۹۰۰	۲۲۰	۲۸۵	۷	امانت و مراجعین
۳۱۳۵۰۰	۲۲۰	۲۸۵	۵	مدیریت
۱۵۰۴۸۰۰			۲۴	جمع

نگاره (۷): نرخ هزینه ظرفیت

نرخ هزینه (ریال)	ظرفیت عملی منابع	هزینه‌های ظرفیت	فعالیت
۱۲۹۲	۴۳۸۹۰۰	۵۶۷۳۰۸۰۹۲	سازمان دهی و فهرست نویسی
۱۳۷۶	۳۱۳۵۰۰	۴۳۱۴۸۳۹۲۸	منابع
۲۵۵۸	۴۳۸۹۰۰	۱۱۲۲۹۴۳۰۴۴	امانت و مراجعین
۳۲۱۱	۳۱۳۵۰۰	۱۰۰۶۸۳۱۴۵۴	مدیریت

برای محاسبه نرخ هزینه ظرفیت از فرمول زیر استفاده می‌شود

$$\text{نرخ هزینه ظرفیت} = \frac{\text{هزینه ظرفیت عرضه شده}}{\text{ظرفیت عملی منابع عرضه شده}}$$

در نگاره ۸، مقدار محرک، زمان و نرخ هزینه برای ایجاد معادله زمان نشان داده شده است.

نگاره (۸): تعیین معادله زمانی فعالیت‌ها

مکان	مقدار محرک	زمان لازم	نرخ هزینه	جمع
سازمان دهی و فهرست نویسی	۷	۲۸۵	۱۲۹۲	۲۵۷۷۵۴۰
منابع	۵	۲۸۵	۱۳۷۶	۱۹۶۰۸۰۰
امانت و مراجعین	۷	۲۸۵	۲۵۵۸	۵۱۰۳۲۱۰
مدیریت	۵	۲۸۵	۳۲۱۱	۴۵۷۵۶۷۵

معادله زمان:

$$T = B1X1 + B2X2 + B3X3$$

$$T = 285 X1 + 285 X2 + 285 X3 + 285 X4$$

نگاره (۹): هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا

مکان	فعالیت مبتنی بر هزینه یابی	هزینه یابی مبتنی بر فعالیت	هزینه یابی مبتنی بر فعالیت زمان‌گرا
سازمان دهی و فهرست نویسی	۵۶۷۳۰۸۰۹۲	۲۵۷۷۵۴۰	۵۶۴۷۳۰۵۵۲
منابع	۴۳۱۴۸۳۹۲۸	۱۹۶۰۸۰۰	۴۲۹۵۲۳۱۲۸
امانت و مراجعین	۱۱۲۲۹۴۳۰۴۴	۵۱۰۳۲۱۰	۱۱۱۷۸۳۹۸۳۴
مدیریت	۱۰۰۶۸۳۱۴۵۴	۴۵۷۵۶۷۵	۱۰۰۲۲۵۵۷۷۹

فعالیت مبتنی بر هزینه یابی - هزینه یابی مبتنی بر فعالیت = هزینه یابی مبتنی بر فعالیت زمان‌گرا

با استفاده از روش هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا (نگاره ۹)، ظرفیت استفاده نشده در هر بخش مشخص شد. در صورت بازنگری هزینه ظرفیت استفاده نشده بخش‌ها و همچنین با استفاده از فن مهندسی ارزش می‌توان تعیین کرد که چگونه هزینه‌های دوره‌های بعد را کاهش داد و کارایی و اثر بخشی این بخش‌ها را افزایش داد.

آزمون T و تحلیل نتایج حاصل

همان‌طور که بیان شد هدف این پژوهش بررسی قابلیت اجرا روش هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا در کتابخانه‌های دانشگاهی است. برای بررسی هدف مورد نظر به کارگیری هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان‌گرا برای شناسایی اقدامات بهتر در کتابخانه‌های دانشگاهی ابتدا آزمون t

دو زوجی جهت بررسی وجود یا عدم وجود اختلافی معنی‌دار بین دو روش بیان شده انجام می‌گیرد. فرضیه صفر و یک و نتایج حاصل طی نگاره‌های شماره ۱۰ و ۱۱ به این صورت است:

فرض صفر: بین روش سنتی و جدید اختلاف معناداری وجود ندارد.
فرض یک: بین روش سنتی و روش جدید اختلاف معناداری وجود دارد.

نگاره (۱۱): آزمون t

		تفاوت جفت‌ها				t	df	Sig. (2-tailed)	
		میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار	سطح اطمینان ۹۵ درصد				
					حد بالا				حد پایین
Pair ۱	b - a	-۳/۵۴۶	۱۵۰/۴۸۵/۸۲۴	۷۶/۲۴۲/۹۱۱	-۵۹۱۳۳۳۳/۴۹۷	-۱۱۳۴۸۳/۰۰۳	-۴/۶۷۵	۰/۰۱۸	

نگاره (۱۰): نتیجه آزمون

مقیاسات	میانگین	تعداد	انحراف معیار	اشتباه معیار
جفت a	۷۹/۷ ^۸	۴	۳۳/۳ ^۸	۶۶/۱ ^۸
b	۸۲/۷ ^۸	۴	۳۴/۳ ^۸	۶۷/۱ ^۸

فرض صفر: ارقام همان‌طور که در نگاره نتایج آزمون t دو زوجی مشاهده می‌شود به دلیل بزرگ بودن میزان sig از سطح خطای ۵ درصد نبود تفاوت معنا دار رد شده در نتیجه فرض صفر رد شده و می‌توان گفت که بین دو روش مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد بعد از اینکه نتایج وجود تفاوت معنادار را تایید نمود با استفاده از آزمون فریدمن در جهت تعیین تأثیر دو روش نتایج مورد آزمون قرار می‌گیرد. فرض‌ها و نتایج حاصل به شرح زیر است (نگاره ۱۲ و ۱۳):

فرض صفر: ارقام حاصل از روش سنتی نسبت به روش جدید دقیق تر است.

فرض یک: ارقام حاصل از روش جدید نسبت به روش سنتی دقیق تر است.

نگاره (۱۲): میانگین رتبه ها

میانگین رتبه	
۲	a
۱	b

نگاره (۱۳): آزمون فریدمن

۴	تعداد
۴	کای اسکوار
۱	درجه آزادی
۰/۰۴۶	sig

با توجه به نتایج آزمون فریدمن میزان سطح معناداری ۰/۰۴۶ درصد است که از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است و با اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می شود. لذا می توان نتیجه گرفت ارقام حاصل از به کارگیری روش جدید از سنتی دقیق تر است.

بحث و نتیجه گیری

مدل های هزینه یابی چه سنتی و چه زمان گرا هر دو برای کتابخانه های دانشگاه ها مناسب هستند. به ویژه زمانی که مدیران در پی پاسخ به سوال های ویژه هستند. به عنوان مثال هزینه هایی برای بدست آوردن یک کتاب، فهرست نویسی یک کتاب - فراهم نمودن خدمات امانت بین کتابخانه ای، فراهم نمودن خدمات مرجع، دسترسی به پایگاه های اطلاعاتی الکترونیکی و غیره. براساس نتایج حاصل، به کارگیری هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا نسبت به هزینه یابی بر مبنای فعالیت سنتی نتایج بهتری را نشان می دهد. بنابراین کتابخانه های دانشگاهی سراسر کشور می توانند از روش هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا استفاده کنند و استفاده از این روش موجب دستیابی به هزینه های واقعی و صحیح می شود و از زیان های حاصل از هزینه یابی اشتباه جلوگیری می کند و استفاده از آن باعث کاهش هزینه ها و کارایی بیشتر می شود و اگر هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا در کتابخانه های دانشگاهی اجرا شود، باعث سهولت بیشتری است و اینکه این سیستم می تواند در تشریک مساعی با بخش حسابداری سازمان وسیع تر اجرا گردد، اما این حداقل کاری که می تواند انجام دهد نیست. هزینه یابی بر مبنای فعالیت زمان گرا می تواند توسط مدیران بخش ها برای هر بخش مجزای کتابخانه ای اجرا شود و بسیاری از جنبه ها را از نظر

بازدهی و عملکرد کارکنان تحت تأثیر قرار می‌دهد به عنوان مثال دوره‌های استراحت، زمان شخصی برای تعطیلی، زمان ورود و خروج و ارتباطات و کارهای مربوط به مطالعه که غیر مرتبط با عملکرد کار واقعی هستند.

منابع

- Abbasi, Ibrahim, Saberi, Mahmood (2012) application of based on activity and traditional costing methods in total price calculation of student education. *Research in Educational Systems*, 4 (8): 109-134. (in persian)
- Ardiansyah, G. B. , Tjahjadi, B. , & Soewarno, N. (2017). Measuring customer profitability through time-driven activity-based costing: a case study at hotel x Jogjakarta. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 34, p. 08004). EDP Sciences..
- Gregório, J. , Russo, G. , & Lapão, L. V. (2016). Pharmaceutical services cost analysis using time-driven activity-based costing: A contribution to improve community pharmacies' management. *Research in Social and Administrative Pharmacy*, 12 (3) , 475-485.
- Guzman. Lorena Siguenza, (2014) , Time-Driven Activity-Based Costing Systems for Cataloguing Processes: A Case Study
- Hasanzadeh brothers, Rasool, Sayyidnezhad, Mir Javad, (2007) , a comparative study of traditional costing and costing based on activity in the I. T. Forfing Company. *International Journal of Management Sciences and Business Research*, (4) 3: 12-19.
- Kaplan S. Robert, Anderson R. Steven, (2007a) , Time-Driven Activity-Based Costing, A Simpler and More Powerful Path to Higher Profits, Harvard Business School Press, Boston, Massachusetts.
- Khani, A. , Mehrani, S. , Ghane, E. (2014). Applying Time-Driven Activity-Based Costing in the ICU Ward of Shariati Hospital of Isfahan Province. *Journal of Health Accounting*, 2 (4) , 40-57. (in persin)
- Khodamipour, Ahmad and Isa Akbari Khalili, 2013, Time-Based Costing, Second National Conference on Accounting, Financial Management and Investment, Gorgan, Academic and Professional Association of Golestan Managers and Accountants. (in persian)
- Mandigo, M. , O'Neill, K. , Mistry, B. , Mundy, B. , Millien, C. , Nazaire, Y. ,... & Lucien, F. (2015). A time-driven activity-based costing model to improve health-care resource use in Mirebalais, Haiti. *The Lancet*, 385, S22.
- Musov. Michael , (2017) , Time-Driven Activity-Based Costing: Potential for Application at the SMEs in Poland and Bulgaria
- Namazi, mohammad, (2016) , Time-driven activity-based costing: Theory, applications and limitations, Vol. 9, No. 3. (in persian)
- Noori, Maryam, Kordlooe, Hamidreza, Ismaeilzade Maghari, ali (2015) checking the deployment of costing system based on time-consuming activity in Sina Bank. *Standard and Quality Management*, 5 (3) , 68-84. (in persian)
- Ragjan, Adel, Mirgoosheh, Najmoddin, (2012) , evaluation of costing system using based on TDABC time-consuming activity and comparing to traditional method (case study of Yasuj Dena sanat company). The first national

conference on the ways to promote issues of management, accounting and engineering in the organizations, Gachsaran, Islamic Azad University of Gachsaran. (in persian)

Siguenza-Guzman, L. , Auquilla, A. , Van den Abbeele, A. , & Cattrysse, D. (2016). Using Time-Driven Activity-Based Costing to Identify Best Practices in Academic Libraries. *The Journal of Academic Librarianship*, 42 (3) , 232-246.

Soltani, Sayyid Ahmad Khalifeh, Mirzaee Kalani, Maghsood (2012) costing based on time- consuming activity model. *Accounting and Auditing Studies*, 3 (2): 35-42. (in persian)

Stouthuysen Kristof, Swiggers Michael, Reheul Anne-Mie, Roodhooft Filip, (2009) , Time-Driven Activity Based Costing for a Library Acquisition Process: A Case Study in a Belgian University, *Hub Research Paper in Economics & Management*, Vol. 25.

تأثیر مالکیت، کنترل و مدیر عامل خانوادگی بر

سیاست‌های تقسیم سود

وحید بخردی نسب^۱، حسام رحمانی^۲، فاطمه ژولانژاد^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۰۳

چکیده

شرکت‌های خانوادگی، با ویژگی‌های مختلف در سراسر کشورها در کسب و کار جهانی نقش دارند. از طرفی با افزایش برتری کسب و کارهای خانوادگی در اقتصاد جهانی، پژوهش و مطالعه در رابطه با شرکت‌های خانوادگی در دهه‌ی اخیر مورد توجه زیاد پژوهشگران قرار گرفته است و جنبه‌های مختلف شرکت‌های خانوادگی و سیاست‌های سازمانی شرکت‌های خانوادگی مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه حاضر از میان جنبه‌های مختلف شرکت‌های خانوادگی مالکیت خانوادگی، کنترل خانوادگی و مدیر عامل خانوادگی را انتخاب و به ارزیابی تأثیر آن‌ها بر سیاست تقسیم سود پرداخته است. از این رو ۵۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر شرکت داشته و کنترل آنها توسط اعضای یک خانواده بوده طی بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ با استفاده از روش حذف نظام‌مند انتخاب گردید. شواهد پژوهش حاکی از آن است که هر چه مالکیت اعضای یک یا دو خانواده در شرکت افزایش یابد میزان سود تقسیمی روند نزولی دارد. همچنین هر چه کنترل اعضای یک یا دو خانواده بر شرکت افزایش یابد و این اشخاص حداقل ۵۰٪ سهام آن شرکت را تحت تملک خود داشته باشند، میزان سود تقسیمی کاهش یافته و به سمت صفر میل می‌کند، اما نمی‌توان گفت اگر مدیر عامل از اعضای یک خانواده مالک یکی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد، میزان سود پرداختی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مالکیت خانوادگی، کنترل خانوادگی، مدیر عامل خانوادگی، سیاست تقسیم سود

طبقه‌بندی موضوعی: G35, G32

DOI: 10.22051/ijar.2018.16267.1320

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول،

(vahid.bekhradinasab@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، (hesamrahmani1989@gmail.com)

^۳ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان، ایران (jolanejad1022@gmail.com)

مقدمه

اهمیت شرکت‌های خانوادگی در دنیای اقتصاد به حدی است که چیزی حدود ۳۵ درصد (۱۷۵ شرکت) از ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی از نوع شرکت‌های خانوادگی می‌باشند (امیدوار، ۱۳۸۹). به همین منظور در بسیاری کشورها، شاخص‌های متعددی برای تعریف اینگونه شرکت‌ها ارایه شده و پژوهشگران در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت این شرکت‌ها پژوهش‌های مختلفی را در مورد این شرکت‌ها انجام داده‌اند. در ایران، متأسفانه به دلیل شفافیت کم، اطلاعات افشا شده در مورد ماهیت و مالکیت شرکت‌ها و به تبع آن عدم تشخیص و تفکیک شرکت‌های خانوادگی (شرکت‌هایی که یک یا چند خانواده به خصوص در اجرای سیاست‌های کلی و راهبردی شرکت، نقش کلیدی ایفا می‌کنند)، تاکنون تحقیقات زیادی در مورد اینگونه شرکت‌ها صورت نگرفته است. از طرفی به دلیل اهمیت تقسیم سود و اهرم مالی به عنوان اساسی‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، رفتار و سیاست سود تقسیمی در شرکت‌های خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در خصوص رفتار تقسیم سود، نظریه‌های مختلفی از سوی پژوهشگران دانش مالی ارایه شده است. از آن جمله می‌توان به نظریه‌های نمایندگی، علامت دهی و فرضیه جریان نقدی آزاد، اشاره نمود. شرکت‌های سهامی امروزی از کوشش‌های دسته جمعی گروه‌هایی نظیر مدیران، کارکنان، سهامداران و اعتبار دهندگان تشکیل شده‌اند. این گروه‌ها از طریق انعقاد قراردادهای رسمی و غیررسمی گوناگون در یک شرکت سهامی گردهم می‌آیند. برای سالیان متمادی در گذشته اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند، اما در دو دهه گذشته، موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه شرکت‌ها با این گونه تضادها توسط اقتصاددانان مطرح شده است. این موارد به طور کلی با عنوان تئوری نمایندگی مورد اشاره قرار می‌گیرد (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). فرانکفورت و وود (۲۰۰۴) مدیران شرکت‌ها را به عنوان کارگزاران و سهامداران را به عنوان کارگمار تعریف می‌کند. مدیران عاقل و محتاط که در جهت بهترین منافع سهامداران عمل می‌کنند، باید روی تمام فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری نمایند؛ اما مالیانی و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند تجمیع و ترکیب مدیریت و مالکیت در شرکت‌های

خانوادگی، مدیران خانوادگی را به این وسوسه می اندازد که از وجوه مازاد سوء استفاده کرده، یا به طریق دیگر آن‌ها را تلف کنند.

استفاده ناکارآمد از وجوه مازاد علی رغم فرصت‌های سرمایه گذاری سودآور توسط جنسن (۱۹۸۶) مورد بررسی قرار گرفت و برای کاهش جریان‌های نقدی موجود برای مدیران و بنابراین کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی، جنسن (۱۹۸۶) پیشنهاد می کند که بهتر است نقدینگی اضافه به صورت سود سهام به سهامداران بازگردد تا احتمال سرمایه گذاری در پروژه‌های غیرسودآور کاهش یابد (کوکی و گویزانی، ۲۰۰۹). از سوی دیگر مالیانی و همکاران (۲۰۱۶) بیان می دارند که بهتر است نقدینگی موجود در سازمان به صورت سود تقسیمی بین سهامداران تقسیم گردد، زیرا پرداخت سود، وجوه موجود برای مصارف متفرقه و فرصت‌های سرمایه گذاری را کاهش می دهد و مدیران شرکت‌های خانوادگی را وادار می کند که در بازارهای سرمایه در جستجوی تأمین مالی باشند و سطح وجوه موجود برای مصرف متفرقه توسط مدیران شرکت‌های خانوادگی را کاهش می دهد (فرانکفورت و وود، ۲۰۰۲). با توجه به این مهم که، مدیران این شرکت‌ها نسبت به افراد خارج شرکت اطلاعات بیشتری در مورد جریان‌های نقدی آینده دارند و انگیزه‌های آنان برای انتشار اطلاعات به سرمایه گذاران و توزیع سود نامشخص بوده، نظارت بر رفتار مدیریت از طریق سهامداران در شرکت‌های خانوادگی الزامی می شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰).

در حقیقت مطابق با پیشنهاد جنسن (۱۹۸۶) و مالیانی و همکاران (۲۰۱۶) بهتر است نقدینگی اضافه به صورت سود سهام به سهامداران بازگردد (کوکی و گویزانی، ۲۰۰۹) و شرکت‌ها وجوه نقد در حال جریان را کمتر تجربه کرده (جان و کماین، ۲۰۱۳)، تا امکان اینکه وجوه در پروژه‌های غیر سودآور به هدر بروند، کاهش یابد (کوکی و گویزانی، ۲۰۰۹). مالیانی و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که در چنین شرایطی مدیران هنگامی که از تقسیم سود صرف نظر می کنند، بدهی‌های شرکت را بهانه می کنند. مدیران شرکت‌های خانوادگی از این حربه استفاده نموده که شرکت بدهی داشته و از پرداخت سود به سهامداران امتناع ورزند. از سوی دیگر سرمایه گذاران سعی دارند در شرکت‌هایی سرمایه گذاری کنند که سود خوبی عاید آن‌ها شود. بنابراین شرکت‌های خانوادگی باید مقدار مناسبی از سود پرداختی و نسبت اهرم مالی ایده آلی داشته باشند.

از دیگر طرف نظارت کارآمد، به دلیل حجم ثروت سرمایه گذاری شده، منجر شده تا نهادها احتمالاً سرمایه گذاری خود را به صورت فعال مدیریت نمایند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). با توجه به اهمیت اهرم مالی و پرداخت یا عدم پرداخت سود یا به عبارتی سیاست تقسیم سود بر فرآیند تصمیم گیری سرمایه گذاران در بازار سرمایه و نقشی که مالکیت خانوادگی بر تقسیم سود و اهرم مالی می تواند داشته باشد، محققین به بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی بر اهرم مالی و سیاست تقسیم سود پرداخته اند. البته این نکته حائز اهمیت است که در سال های اخیر، پژوهش های انجام شده، تصمیم گیری های ساختار سرمایه یا اهرم مالی و تقسیم سود را با فرض وجود نقص و کاستی (مالیات ها، هزینه های مبادلات، عدم تقارن اطلاعاتی^۱ و هزینه های نمایندگی^۲) در بازارهای سرمایه بررسی کرده اند (آلنجار، ۲۰۱۳)؛ اما با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش آلنجار (۲۰۱۳) مبنی بر تأثیر گذاری این تصمیم ها بر ارزش شرکت و اهمیتی که مالیانی و همکاران (۲۰۱۶) برای تأثیر مالکیت خانوادگی بر اهرم مالی و سیاست تقسیم سود ذکر می کنند، این پژوهش در نظر دارد از کلی نگری بپرهیزد و با دیدی جزئی نگر در خصوص شرکت های خانوادگی و تأثیر مالکیت خانوادگی را بر اهرم مالی و سیاست تقسیم سود بررسی کند. بنابراین سوال این پژوهش اینگونه بیان می شود که آیا ساختار سازمانی در شرکت هایی با مالکیت خانوادگی، توانایی کاهش سود تقسیمی، به نفع مالکان خانوادگی، اعضای خانواده در شرکت های خانوادگی و همچنین مدیرانی که جزء اعضای خانواده هستند، را دارد یا خیر؟ در ادامه پژوهش به بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهش، روش اجرای پژوهش، یافته ها و بحث و نتیجه گیری پرداخته شده است.

مروری بر ادبیات نظری

مروری بر ادبیات رفتار و عملکرد شرکت های خانوادگی نشان می دهد که پژوهش های پیشین نظیر مولیانی و همکاران (۲۰۱۶)، خان و همکاران (۲۰۱۵)، خواجوی و اسحاقی (۱۳۹۳)، واعظ و همکاران، (۱۳۹۳) و نمازی و اکبری (۱۳۹۰) در تلاش برای ارزیابی و بررسی سیاست تقسیم سود در شرکت هایی با مالکیت خانوادگی و همچنین عملکرد بهتر یا ضعیف تر شرکت های خانوادگی با توجه به جوانب مختلف بوده اند. با توجه به بالا بودن طول عمر این شرکت ها و موفقیت های برجسته اکتسابی برخی از شرکت های خانوادگی، باعث این تصور رایج شده اند که کنترل شرکت های خانواده در راستای رویکرد بلند مدت مدیریت است (برتراند

و اسچوار، ۲۰۰۶). برای نمونه، لاپورتا و همکاران (۱۹۹۹) دریافتند که ۶۵٪ از ۲۰ شرکت بزرگ در آرژانتین، حداقل ۲۰٪ مالکیت خانوادگی دارند. در حالی که در هنگ کنگ این نسبت ۷۰٪ است و در ژاپن تنها به ۵٪ می‌رسد. حتی اگر این نتایج قطعی هم نباشند، این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی ممکن است تحت شرایط خاصی نظیر مدیریت شرکت از اعضای خانواده یا تسلط و کنترل اعضای خانواده بر شرکت و یا به عبارتی افزایش میزان مالکیت خانوادگی در شرکت، سودآورتر و دارای ارزش بازار بیشتری باشند، اما علی‌رغم سودآور بودنشان، با افزایش میزان مالکیت خانوادگی در شرکت‌ها میزان سود پرداختی کاهش می‌یابد. مالکیت خانوادگی یکی از سازوکارهای داخلی راهبری شرکتی است. راهبری شرکتی یکی از مولفه‌های اساسی و مهم رشد است (فضل زاده و همکاران، ۱۳۸۸). ترکیب سهامداران و میزان تمرکز مالکیت، دو جنبه اساسی ساختار مالکیت شرکت‌ها به شمار می‌رود (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۸۹). در یک نگاه کلی راهبری شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کنند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت، اعضای هیئت مدیره و ترکیبات آنها، مدیریت شرکت که توسط مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفعانی که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). در خصوص رفتار تقسیم سود نظریه‌های مختلفی از سوی پژوهشگران دانش مالی ارائه شده است. از آن جمله می‌توان به تئوری نمایندگی، علامت دهی و فرضیه جریان نقدی آزاد، اشاره نمود.

تئوری نمایندگی دو دیدگاه مختلف را در خصوص مالکیت خانوادگی نشان می‌دهد؛ دیدگاه اول معتقد است که، در مقایسه با انواع مالکیت‌های دیگر، مالکیت خانوادگی رابطه‌ی بهتری بین مدیریت و صاحبان سهام فراهم می‌کند. در واقع صاحبان سهام نظارت بهتری بر مدیریت دارند (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳). همچنین دمسترز و لن (۱۹۸۵) نشان دادند که ترکیب کنترل خانوادگی و مالکیت می‌تواند در کاهش مالکیت اتخاذ شده توسط مدیریت مفید باشد. از سوی دیگر، دیدگاه دوم نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی کنترل و دسترسی بیشتری داشته و قدرت، سهامداران را به سوء استفاده از ارزش شرکت منجر می‌سازد (شلایفر و ویشنی، ۱۹۹۷).

سود سهام می‌تواند به عنوان یک سازوکار از راهبری شرکتی برای کنترل مشکلات نمایندگی استفاده شود، زیرا منجر به کاهش وجه نقد در دسترس شده و در غیر این صورت می‌تواند، تقسیم نشود (لاپورتا و همکاران، ۲۰۰۰؛ فاسیو و همکاران، ۲۰۰۱؛ فارینها، ۲۰۰۳). جنسن (۱۹۸۶) دریافت که شرکت می‌تواند با توزیع و تقسیم وجه نقد و پول بین سهامداران منجر به کاهش درگیری بین سهامداران داخلی و خارجی گردند.

گونزالس و همکاران (۲۰۱۴) در کلمبیا دریافتند که مالکیت خانوادگی در مدیریت بر سیاست تقسیم سود تأثیر ندارد. کارنی و گدجاریلیو (۲۰۰۲) دریافتند که رابطه‌ی مالکیت خانوادگی و پرداخت سود سهام در هنگ‌کنگ مثبت است. ستیاآتماجا و همکاران (۲۰۰۹) گزارش کردند که سود سهام و بدهی یکی از سازوکارهای موثر در کاهش سلب مالکیت خانوادگی از سهامداران اقلیت دارای ثروت می‌باشد. دیگر پژوهشگرانی نظیر یوشیکاوا و رشید (۲۰۱۰) دریافتند که کنترل خانوادگی مربوط به پرداخت سود سهام در شرکت‌های ژاپنی مثبت است. همچنین ایساکوف و ویسکوف (۲۰۱۵) نشان دادند که اساساً شرکت‌های خانوادگی عملکرد قابل توجهی در پرداخت سود سهام نسبت به شرکت‌های با دیگر ساختارهای مالکیت دارند. لاپورتا و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که اطمینان یافتن از توزیع و تقسیم متناسب سود سهام بین سهامداران و تغییر ارزش شرکت از کنترل سهامداران خارج است. سازوکارهای مالی سهامداران در شرکت‌های خانوادگی (به عنوان مثال جبران بیش از حد) باعث تسهیل فرآیند سلب مالکیت از سهامداران اقلیت دارای ثروت می‌شود.

اندرسون و ریب (۲۰۰۳) در واقع، در موضوع سلب مالکیت نشان دادند که خانواده‌ها پرداخت سود سهام کم برای حفظ جریان‌های نقدی را ترجیح می‌دهند. نتایج تجربی ویرا (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی در پرداخت سود سهام کمتر از شرکت‌های غیر خانوادگی، به پشتیبانی نیاز دارند. عتیق و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که در سراسر اقتصاد شرق آسیا، شرکت‌های خانوادگی پرداخت سود سهام پایین‌تری نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی دارند و اخیراً مولیانی و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که با افزایش میزان مالکیت خانوادگی، پرداخت سود در شرکت‌ها کاهش می‌یابد. پس با توجه به مبانی نظری انتظار می‌رود که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با افزایش مالکیت خانوادگی میزان سود پرداختی کاهش می‌یابد. همچنین پیش بینی می‌شود که با افزایش کنترل اعضای خانواده بر شرکت، میزان

سود پرداختی سالیانه کاهش می‌یابد و در شرکت‌هایی که مدیر جزء اعضای خانواده است، تمایل به پرداخت سود سالیانه کاهش می‌یابد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی سیاست تقسیم سود در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی انجام نشده است. این اولین پژوهشی است که به بررسی و ارزیابی سیاست تقسیم سود در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی می‌پردازد. لذا پژوهش‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش و برخی از تحقیقات عمده‌ای که به نحوی به موضوع تحقیق ارتباط پیدا می‌کنند، بیان می‌گردند تا بدین وسیله پشتوانه‌ای برای متغیرهای بکارگرفته شده، فراهم گردد.

مولیانی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تقسیم سود، اهرم مالی و مالکیت خانوادگی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین افزایش مالکیت خانوادگی و سیاست تقسیم سود رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش کنترل اعضای خانواده بر شرکت، میزان سود پرداختی سالیانه را کاهش می‌دهد.

عمر اسقدا (۲۰۱۶) در پژوهش خود به بررسی علامت دهی شرکت‌های خانوادگی به بازار در خصوص راهبری شرکتی و تعادل در سیاست تقسیم سود پرداخته است. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های با حاکمیت ضعیف رابطه منفی وجود دارد. همچنین، یافته‌های پژوهش عمر اسقدا نشان داد که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی رابطه بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سیاست تقسیم سود مثبت است.

مونیر و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین مالکیت خانوادگی، معاملات با اشخاص وابسته و کیفیت سود در بورس مالزی پرداختند، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند شرکت‌هایی که درصدی پایینی از سهام آن‌ها در مالکیت خانواده است سود باکیفیت بالاتری گزارش می‌کنند. همچنین نتایج آن‌ها بیانگر آن است، زمانی که درصد بالایی از سهام شرکت‌ها در مالکیت خانواده است، فعالیت در حالت مصادره اموال بوده و همچنین میزان معاملات با اشخاص وابسته آن‌ها بالاست.

هانگ و نگوین (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه متقابل بین مالکیت مدیریتی، اهرم مالی و سیاست تقسیم سود را برای ۸۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کشور استرالیا در بازه زمانی ۲۰۰۷-۲۰۱۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مالکیت مدیریتی رابطه منفی و معناداری با اهرم مالی دارد. این یافته‌ها مطابق با نظریه نمایندگی است. همچنین، نتایج نشان داد که شواهد قوی برای حمایت از نظریه سلسله مراتب وجود دارد که حاکی از آن است که رابطه ای منفی و معنادار بین اهرم مالی و سود سهام برقرار است. با این وجود برخلاف انتظار، مالکیت مدیریتی تأثیر مثبتی بر سود سهام دارد. به این معنا که شرکت‌های با سطوح مالکیت مدیریتی بالا به طور آگاهانه‌های سطح بالایی از سود سهام را انتخاب می‌کنند.

فلوراکیس و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود، مالکیت مدیریتی و ایجاد بدهی را برای ۷/۳۷۶ شرکت در بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین مالکیت مدیریتی و سیاست تقسیم سود در سطوح به نسبت پایین مالکیت، رابطه منفی وجود دارد. با این وجود، زمانی که سطح مالکیت مدیریتی در سطوح بالا باشد، این رابطه تبدیل به رابطه ای مثبت می‌شود. همچنین، ماهیت رابطه بین مالکیت مدیریتی و سیاست تقسیم سود ممکن است پیچیده تر از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه باشد و این رابطه به طور قابل توجهی در سطوح مختلف بدهی، متفاوت است. این نتایج سازگار با نظریه نمایندگی است، اما نمی‌تواند به طور کامل چگونگی توزیع سود سهام شرکت را توضیح دهد.

جاین و کماین (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی ساختار سرمایه، هزینه بدهی، پرداخت سود سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار نیویورک و شانگ‌های پرداخته‌اند. این پژوهش به جمع آوری داده‌های پانل از شرکت‌های ذکر شده در بورس اوراق بهادار نیویوریک و شانگ‌های در طول سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸ می‌پردازد. از این داده‌ها برای انجام تخمین‌های رگرسیون پانل برای شرکت‌های ذکر شده در بازار بورس استفاده می‌شود. هدف اصلی مقایسه تصمیمات اتخاذ شده در مورد پرداخت سود سهام موسسه‌های تجاری ذکر شده در دو بازار بورس (مورد مقایسه) است. نتایج تخمین‌ها نشان می‌دهد عواملی که پرداخت سود سهام از موسسات تجاری در بورس اوراق بهادار نیویورک را تبیین می‌کند، قادر نیستند بطور کامل سود سهام موسسات تجاری در

بورس اوراق بهادار شانگهای را نیز تبیین کنند و بین ساختار سرمایه و هزینه بدهی با پرداخت سود سهام رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.

ریزکیا و سامیاتی (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی، اهرم مالی، سودآوری، اندازه شرکت و فرصت‌های رشد را بر سیاست تقسیم سود مورد بررسی قرار دادند و سپس تأثیر این متغیرها را بر ارزش شرکت تجزیه و تحلیل کردند. کلیه شرکت‌های تولیدی در بورس اوراق بهادار اندونزی در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش آنان نشان داد که مالکیت مدیریتی و فرصت‌های رشد، سیاست تقسیم سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد در حالی که اهرم مالی، سودآوری و اندازه شرکت تأثیری بر سیاست تقسیم سود ندارد. این نتایج نشان می‌دهد که متغیرهایی همچون مالکیت مدیریتی، اهرم مالی، سودآوری، اندازه شرکت، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سیاست تقسیم سود ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جئو (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان سهامداران کنترلی نهایی شرکت‌های خانوادگی و پرداخت سود سهام به بررسی اینکه آیا سطح حقوق کنترل و انواع کنترل از سهامداران کنترل نهایی از شرکت‌های پذیرفته شده در چین تحت تأثیر سیاست‌های تقسیم سود نقدی قرار می‌گیرد پرداخته است. سطح حقوق کنترل مثبت با هر دو تمایل به پرداخت و سطح پرداخت سود سهام نقدی، که نشان می‌دهد که کنترل نهایی سهامداران به احتمال زیاد به استفاده از سود سهام نقدی به تغییر مسیر منابع مالی از شرکت به عنوان کانال‌های دیگر تونل زنی، توسط سازمان‌های چینی تنظیم مقررات امنیتی مسدود شده است.

دین و جاوید (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی تأثیر مالکیت مدیریتی بر سیاست‌های مالی و عملکرد ۱۰۰ شرکت خانوادگی را در بورس اوراق بهادار پاکستان در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که تمرکز مالکیت مدیریت، سیاست‌های مالی همچون اهرم مالی و سود تقسیمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، اهرم مالی، مالکیت مدیریتی را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این فرضیه حمایت می‌کند که سطوح پایین اهرم مالی منجر به سودآوری بالا در شرکت‌های با مالکیت مدیریتی پایین می‌شود. افزون بر این، نتایج پژوهش رابطه منفی بین تمرکز مالکیت و سیاست تقسیم

سود را نشان داد. این نتایج از نظریه نمایندگی حمایت می کند و حاکی از آن است که در شرکت هایی که مالکیت مدیریتی بالایی دارند نامتقارنی اطلاعات آنان پایین است.

ژولانژاد و همکاران (۱۳۹۶) به ارزیابی ارتباط گزارشگری مالی با کیفیت بر محدودیت های اعمال شده در سیاست های تقسیم سود بر تصمیمات سرمایه گذاری پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که وجوه نقد بر گزارشگری مالی تأثیرگذار است و کیفیت گزارشگری مالی نیز بر سیاست های تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیرگذار است.

تقی زاده خانقاه و بادآورنهندي (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی، اهرم مالی و سیاست تقسیم سود شرکت های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از معادلات هم زمان پرداخته اند. پژوهش حاضر، کاربردی با رویکرد پس رویدادی و طرح آن از نوع شبه تجربی است. برای دستیابی به هدف های پژوهش، تعداد ۲۰ شرکت دارویی به روش شبه تجربی در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۱ انتخاب شد. در این پژوهش از روش معادلات هم زمان حداقل مربعات سه مرحله ای، داده های ترکیبی و نرم افزار Eviews نسخه ۷ برای آزمون فرضیه های پژوهش استفاده شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین اهرم مالی و مالکیت مدیریتی شرکت ها و هم چنین، بین سیاست تقسیم سود و مالکیت مدیریتی شرکت ها و نیز، بین سیاست تقسیم سود و اهرم مالی شرکت ها رابطه متقابل منفی وجود دارد.

ستایش و صالحی نیا (۱۳۹۴) تأثیر ساختار مالکیت و سرمایه بر جریان های نقدی را در بورس اوراق بهادار تهران در بین ۷۵ شرکت در سالهای بین ۸۵ تا ۹۳ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که مالکیت شرکتی به صورت مستقیم و نسبت بدهی به صورت معکوس با جریان نقد آزاد شرکت ها رابطه معناداری دارند، اما شواهدی دال بر وجود رابطه بین مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و تمرکز مالکیت با جریان نقد آزاد شرکت ها مشاهده نشد.

مهرانی و نوروزی (۱۳۹۳) به بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین ارزش شرکت و مدیریت سود پرداخته اند. هدف از این پژوهش بررسی نقش حاکمیت شرکتی در کاهش اثر منفی مدیریت سود بر ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۶، می باشد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که سهامداران مدیریت سود را فرصت طلبانه تلقی کرده و مدیریت سود دارای اثری منفی بر ارزش شرکت می باشد ولی در

شرکتهای دارای حاکمیت شرکتی قوی چنین اثری کاهش می یابد. به عبارت دیگر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و ارزش شرکت تاثیر مثبت دارد و شرکتهای دارای رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر با اثر منفی کمتری مواجه هستند .

سلطانی و مومنی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان مروری بر عوامل موثر بر سیاست تقسیم سود سهام و احتمال پرداخت سود سهام به بررسی عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود سهام پرداخته اند. آن ها در این پژوهش به دنبال تعیین معیارها و شاخص هایی از متغیرهای مالی بودند که بر این سیاست اثرگذار است و توانایی شرکت را در پرداخت سود تقسیمی می سنجند. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای مالی می توانند بر سیاست تقسیم سود و پرداخت سود تقسیمی تأثیر بگذارند، ریشه یابی اثر متغیرهای مالی بر خط مشی تقسیم سود مشخص، از سوی شرکت ها می تواند راهگشای تصمیم گیری های مهم اقتصادی برای گروه های ذینفع، به ویژه سرمایه گذاران باشد .

حقیقت و بشیری (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه ی بین انعطاف پذیری مالی و ساختار سرمایه، به بررسی رابطه ی بین انعطاف پذیری مالی و ساختار سرمایه پرداخته اند. آن ها در این بررسی به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از رگرسیون چند متغیره استفاده کرده اند و به این نتایج دست یافته اند که شرکت های مرحله تولد به انتشار سرمایه و بدهی کم خطر می پردازد و نسبت های اهرمی متعادلی را نگهداری می کند. به عبارتی شرکت ها در مرحله ی رشد از تامین مالی بدهی استفاده و نسبت های اهرمی بالایی را نگهداری می کنند و شرکت ها در مرحله ی بلوغ به تامین مالی درون سازمانی متکی هستند و نسبت های اهرمی کمی را نگهداری می نمایند.

ستایش و کاظم نژاد (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر سیاست تقسیم سود در بین ۷۷ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران در بین سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ پرداختند. یافته های این پژوهش نشان داد که مالکیت شرکتی و استقلال هیئت مدیره به طور مثبت و مالکیت نهادی به طور منفی، نسبت سود تقسیمی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را تحت تأثیر قرار می دهد. با وجود این، شواهدی دال بر وجود رابطه معنادار بین مالکیت مدیریتی و میزان تمرکز مالکیت با سیاست تقسیم سود مشاهده نشد.

با بررسی پیشینه پژوهش، نوآوری مطالعه حاضر را می توان اینگونه بیان نمود که در مطالعات گوناگون مبحث مالکیت خانوادگی مورد بررسی قرار گرفته، اما سیاست تقسیم سود در این نوع

شرکت‌ها برای استفاده کنندگان از اطلاعات مالی دارای ابهام است. بنابراین این پژوهش درصدد آن است تا با بررسی این موضوع و همچنین تأثیر کنترل این اشخاص بر تقسیم سود، اطلاعات مفیدی را به استفاده کنندگان ارائه نماید. علاوه بر این بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که موضوع وجود مدیریت عامل خانوادگی تاکنون در داخل کشور مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین این پژوهش با بررسی مباحث ذکر شده در تلاش برای ارائه اطلاعات تجربی می‌باشد.

فرضیه‌ها و مدل‌های پژوهش

موضوع سیاست تقسیم سود همواره به عنوان یکی از بحث برانگیزترین مباحث مالی مطرح بوده به طوری که علاقه اقتصاددانان قرن حاضر و بیش از پنج دهه اخیر را به خود معطوف کرده است. بطور کلی رابطه بین سود تقسیمی و سود هر سهم نشان دهنده سیاست تقسیم سود شرکت است (قالیباف اصل، ۱۳۸۶). انتظار بر این که شرکت‌های خانوادگی، بخاطر اینکه رشدشان ادامه پیدا کند، وجوه نقد در حال جریان را کمتر تجربه کند (مولیانی و همکاران، ۲۰۱۶؛ جان و کماین، ۲۰۱۳). در حقیقت مطابق با پیشنهاد جنسن (۱۹۸۶) بهتر است نقدینگی اضافه به صورت سود سهام به سهامداران بازگردد (کوکی و گویزانی، ۲۰۰۹) و شرکت‌ها وجوه نقد در حال جریان را کمتر تجربه کنند (مولیانی و همکاران، ۲۰۱۶؛ جان و کماین، ۲۰۱۳) تا امکان اینکه این وجوه روی پروژه‌های غیر سودآور به هدر بروند، کاهش یابد (کوکی و گویزانی، ۲۰۰۹). اگر مدیر در شرکت‌های خانوادگی بخواهد که تأثیر رفتار مدیرانی که جزء اعضای خانواده هستند را بر اجرای کارآمد و درست سیاست تقسیم سود تشخیص دهد، باید تصمیم‌های تجاری اتخاذ کند و این تصمیم‌ها نه تنها مربوط به توافق قراردادهای حداکثر سازی ثروت از طریق تولید سود نمی‌باشد، بلکه این تصمیم‌ها باید با استفاده از افزایش کنترل اعضای خانواده بر شرکت‌های خانوادگی و سازوکارهای راهبری شرکتی و نظارت بر روابط سهامداران، هیأت مدیره، مدیران و سایر ذینفعان تحقق یابد (مولیانی و همکاران، ۲۰۱۶؛ جان و کماین، ۲۰۱۳). بنابراین با توجه به اینکه از گروه شرکت‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و مورد بررسی کمتر قرار گرفته‌اند، شرکت‌های خانوادگی است، و بررسی سیاست تقسیم سود در این شرکت‌ها، می‌تواند جالب و حساس باشد، انتظار می‌رود که با افزایش مالکیت خانوادگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میزان سود پرداختی کاهش می‌یابد.

همچنین پیش بینی می شود که در شرکت هایی که مدیر جزء اعضای خانواده است، تمایل به پرداخت سود سالیانه کاهش یابد. از دیگر طرف هنگامی که عالی رتبه ترین، مسئول اجرایی شرکت عضو یک خانواده باشد (خان و همکاران، ۲۰۱۵) یا شرکت هایی که مدیر جزء اعضای خانواده باشد (مولیانی و همکاران، ۲۰۱۶)، انتظار می رود که تمایل به پرداخت سود سالیانه کاهش یابد. بر این اساس فرضیه های پژوهشی به شرح زیر تبیین شده است.

- (۱) با افزایش مالکیت خانوادگی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میزان سود پرداختی کاهش می یابد.
- (۲) با افزایش کنترل اعضای خانواده بر شرکت، میزان سود پرداختی سالیانه کاهش می یابد.
- (۳) در شرکت هایی که مدیر جزء اعضای خانواده است، تمایل به پرداخت سود سالیانه کاهش می یابد.

لذا برای بررسی این فرضیه ها سه مدل جهت تخمین داده های موجود تدوین گردید که در ادامه به ارائه آن ها پرداخته می شود.

جهت بررسی اول پژوهش از رابطه (۱) که در این پژوهش تحت عنوان مدل اول به کار برده می شود، استفاده شده است.

رابطه (۱)

$$\begin{aligned} Payout_{it} = & \alpha_0 + \beta_1 Leverage_{it} + \beta_2 FamilyOwnership_{it} \\ & + \beta_3 InstitutionalOwnership_{it} + \beta_4 FirmSize_{it} \\ & + \beta_5 LagProfitability_{it} + \beta_6 Profitability_{it} + \beta_7 Cashratio_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که برای تایید فرضیه اول پژوهش انتظار بر این است که β_2 به صورت منفی و معنی دار باشد.

جهت بررسی دوم پژوهش از رابطه (۲) که در این پژوهش تحت عنوان مدل دوم به کار برده می شود، استفاده شده است.

رابطه (۲)

$$\begin{aligned} Payout_{it} = & \alpha_0 + \beta_1 Leverage_{it} + \beta_2 FamilyControl_{it} \\ & + \beta_3 InstitutionalOwnership_{it} + \beta_4 FirmSize_{it} \\ & + \beta_5 LagProfitability_{it} + \beta_6 Profitability_{it} + \beta_7 Cashratio_{it} \\ & + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که برای تایید فرضیه دوم پژوهش انتظار بر این است که β_2 به صورت منفی و معنی دار باشد.

جهت بررسی فرضیه سوم پژوهش نیز از رابطه (۳) که در این پژوهش تحت عنوان مدل سوم به کار برده می‌شود، استفاده شده است.

رابطه (۳)

$$\begin{aligned} Payout_{it} = & \alpha_0 + \beta_1Leverage_{it} + \beta_2FamilyCeo_{it} + \beta_3InstitutionalOwnership_{it} \\ & + \beta_4FirmSize_{it} + \beta_5LagProfitability_{it} + \beta_6Profitability_{it} \\ & + \beta_7Cashratio_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که برای تایید فرضیه سوم پژوهش انتظار بر این است که B_2 به صورت منفی و معنی دار باشد.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

سود تقسیمی (Payout): در این پژوهش سود تقسیمی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که برای اندازه‌گیری آن، مطابق با پژوهش مولیانی و همکاران (۲۰۱۶) سود تقسیمی شرکت مبنای محاسبات بوده و جهت همگن سازی بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است.

متغیرهای مستقل

در این پژوهش مالکیت خانوادگی، کنترل خانوادگی و مدیرعامل خانوادگی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

مالکیت خانوادگی (FamilyOwnership): نمازی و اکبری (۱۳۹۰)، واعظ و همکاران، (۱۳۹۳)، خان و همکاران (۲۰۱۵) و سرینیدی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود شرکت‌هایی را خانوادگی در نظر گرفتند که حداقل حائز یکی از معیارهای زیر باشد:

۱- یک یا چند نفر از اعضای یک یا دو خانواده، مالک حداقل بیست درصد از سهام شرکت باشند؛ مگر این که با وجود تملک حداقل بیست درصد سهام، نفوذ قابل ملاحظه یا کنترل بر شرکت را نداشته باشند؛

۲- حداقل پنجاه درصد از اعضای هیأت مدیره، از اعضای یک خانواده باشند؛ و یا

۳- به نحوی، نفوذ قابل ملاحظه و یا کنترل بر شرکت توسط اعضای خانواده، ثابت شود، حتی اگر مالکیت اعضای خانواده کمتر از ۲۰ درصد باشد.

با توجه به اینکه اکثر تعاریف در ادبیات مربوط به شرکت‌های خانوادگی، درصد سهام متعلق به خانوادگی اول را مبنای انتخاب شرکت به عنوان خانوادگی در نظر گرفته‌اند، در این پژوهش با استفاده از شروط ذکر شده در بالا درصد مالکیت خانوادگی اندازه‌گیری شده و به شرکت‌هایی که طی سال مالی مالکیت آن‌ها خانوادگی بوده عدد یک تعلق گرفته و به شرکت‌های که در دیگر سال‌ها مالکیت آن‌ها خانوادگی نبوده عدد صفر تعلق می‌گیرد. به عنوان مثال شرکت سرمایه‌گذار اردکان تا سال ۱۳۹۱ به صورت غیر خانوادگی بوده ولی از سال ۱۳۹۲ به بعد آقای جلیل نظارات ۶۲ درصد سهام را خریداری و به مالکیت خانوادگی تبدیل شده است.

کنترل خانوادگی (FamilyControl): در این پژوهش کنترل به معنی توانایی راهبری سیاست‌های مالی و عملیاتی یک واحد یا فعالیت تجاری به منظور کسب منافع اقتصادی از آن در نظر گرفته شده است، با توجه به ساختار شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ساختار مالکیت شرکت‌های خانوادگی، اگر اعضای یک یا دو خانواده حداقل ۵۰ درصد سهام شرکت را در تملک خود داشته باشند به عنوان کنترل کننده شرکت در نظر گرفته شده و عدد یک تعلق می‌گیرد و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

مدیر عامل خانوادگی (FamilyCeo): مدیر عامل خانوادگی یک متغیر مجازی بوده و در صورتی که مدیر عامل یکی از اعضای خانواده، مالکین شرکت باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای بیشمار بر رابطه ابعاد مالکیت خانوادگی در شرکت‌ها و سیاست تقسیم سود موثرند، ولی مولیانی و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که بیش از سایر متغیرها سطح نگهداشت وجه نقد، سهامدار نهادی، اندازه شرکت و اهرم مالی بر ارتباط بین ویژگی‌های مالکیت خانوادگی بر سیاست تقسیم سود اثر گذارند. به عنوان نمونه انتظار بر این است که با افزایش سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت، افزایش میزان مالکان و سهامدار نهادی، افزایش اندازه شرکت و اهرم مالی، سود تقسیمی در شرکت‌های خانوادگی افزایش یابد. پس مطالعه حاضر اثر این متغیرها را در نظر گرفته که نحوه سنجش این متغیرها به شرح ذیل می‌باشد.

نگهداشت وجه نقد (Cashratio): برای اندازه گیری این متغیر از نسبت دارایی‌های نقدی به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود که دارایی‌های نقدی برابر با وجه نقد نگهداری شده در پایان دوره بوده که در ترازنامه افشاء می‌شود.

سهامدار نهادی (InstitutionalOwnership): درصد مالکیت سهامداران نهادی در هر شرکت در پایان سال مالی که از یادداشت سرمایه گزارش‌های مالی سالیانه شرکت‌ها استخراج می‌شود. برای محاسبه میزان مالکیت نهادی، مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت‌های تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی، بر کل سهام منتشره شرکت تقسیم می‌شود و درصد و میزان مالکیت نهادی به دست می‌آید.

اندازه شرکت (FirmSize): اندازه شرکت با استفاده از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها در پایان دوره مالی یا سال مالی به دست می‌آید.

سودآوری (Profitability): سودآوری از طریق نسبت بازده دارایی‌ها (نسبت سود خالص به میانگین کل دارایی‌ها) بدست می‌آید. این نسبت بیانگر کارایی مدیریت در کسب سود با استفاده از دارایی‌های موجود است

اهرم مالی (Leverage): اهرم از طریق نسبت بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها اندازه گیری می‌شود. اصطلاحی که عموماً در حسابداری و امور مالی از آن برای بیان «توانایی یک شرکت در استفاده از دارایی‌ها یا جوه با هزینه‌ی ثابت به نحوی که باعث ارائه‌ی بازده بسیار بیشتری به مالکان شرکت گردد»، استفاده می‌شود.

جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی این پژوهش، سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. همچنین شرکت‌هایی که حائز شرایط زیر بودند، با استفاده از حذف سیستماتیک به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

(۱) قبل از سال ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد .

(۲) سهام آنها در بورس معامله شده باشد .

۳) به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها پایان اسفند باشد.

۴) طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچ گونه توقف فعالیت نداشته و در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی و تغییر فعالیت نداشته باشد.

۵) شرکت‌های مورد نظر جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها، هلدینگ‌ها، لیزینگ‌ها و بیمه‌ها نباشند.

۶) داده‌های آن در طی دوره مورد رسیدگی در دسترس بوده و مشخص باشد.

در نهایت ۵۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر شرکت داشته و کنترل آنها توسط اعضای یک خانواده بوده طی بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب گردید.

یافته‌های پژوهش

در ادامه جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش، ابتدا آمار توصیفی بیان شده و در ادامه به آمار استنباطی پرداخته شده است.

آمار توصیفی

در نگاره شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل را برای کلیه مشاهدات این پژوهش نشان می‌دهد. با توجه به نوع متغیرهای پژوهش، نتایج آمار توصیفی در دو نگاره مجزا ارائه می‌گردد.

همانطور که در نگاره (۱) مشاهده می‌شود میانگین سود تقسیمی برابر با ۰/۰۵ و میانگین آن برابر با ۰/۰۱۴ می‌باشد که نشان می‌دهد به طور متوسط بیش از ۵ درصد دارایی‌ها به صورت سود تقسیم شده است، همچنین بیشترین مقدار متغیر اهرم مالی برابر با ۶/۲۰۴ بوده و کمترین مقدار این متغیر برابر با ۰/۱۴۸ است که بالاترین عدد مربوط به شرکت ناب در سال ۱۳۹۳ بوده (این شرکت در سال ۱۳۹۴ نیز دارای نسبت اهرم مالی ۶/۱۳ بوده است) و کمترین نسبت اهرمی برای شرکت نوش مازندران در سال ۱۳۹۳ می‌باشد.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای کمی (غیرمجازی)

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
سود تقسیمی	۰/۰۵۰	۰/۰۱۴	۰/۸۱۱	۰	۰/۰۸۳
اهرم مالی	۰/۷۲۷	۰/۶۶۶	۶/۲۰۴	۰/۱۴۸	۰/۴۹۳
مالکیت نهادی	۰/۱۵۷	۰/۰۳۲	۰/۹۴۵	۰	۰/۲۲۱
اندازه شرکت	۱۲/۷۵	۱۲/۵۴	۱۷/۵۹	۱۰/۳۴	۱/۲۲
سودآوری	۰/۰۵۱	۰/۰۵۲	۲/۱۰۱	-۱/۸۲۲	۰/۱۸۱
سودآوری با وقفه	۰/۰۶۸	۰/۰۵۷	۳/۲۰۸	-۱/۰۰۵	۰/۲۱۶
نگهداشت وجه نقد	۰/۰۳۷	۰/۰۲۱	۰/۳۴۲	۰/۰۰۱	۰/۰۴۵

علاوه بر این مقدار پارامتر انحراف معیار متغیر مالکیت خانوادگی برابر با ۰/۳۱۳ می‌باشد. همچنین فروانی متغیرهای مجازی به شرح نگاره (۲) می‌باشد.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای مجازی

متغیرها	فراوانی	درصد فراوانی	انحراف معیار
کنترل خانوادگی	۲۳۸	۰/۳۶۸	۰/۴۸۳
مدیریت خانوادگی	۹۸	۰/۱۵۲	۰/۳۵۹
مالکیت خانوادگی	۳۹۳	۰/۶۰۷	۰/۴۸۹

نتایج مندرج در نگاره (۲) بیانگر آن است که ۲۳۸ شرکت-سال دارای کنترل خانوادگی بوده و ۹۸ شرکت-سال دارای مدیریت خانوادگی و ۳۹۳ شرکت-سال دارای مالکیت خانوادگی می‌باشد.

فروض کلاسیک

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن‌ها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض کلاسیک آماری همسانی واریانس باقی مانده‌ها است که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه محسوب می‌شود. همچنین لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی است یا تلفیقی و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شد، باید نوع

اثرات آن مشخص گردد. برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده که نتایج آن در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج مفروضات رگرسیون

آزمون هاسمن		آزمون F لیمر		آزمون ناهمسانی واریانس		مدل
سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	
۰/۰۰۰۰	۳۷/۵۱	۰/۰۰۰۰	۵/۲۸	۰/۰۰۱۱	۱/۹۴	اول
۰/۰۰۰۰	۳۸/۵۹	۰/۰۰۰۰	۵/۳۴	۰/۰۰۷۲	۱/۷۲	دوم
۰/۰۰۰۰	۴۰/۱۸	۰/۰۰۰۰	۵/۳۲	۰/۰۲۲۲	۱/۵۷	سوم

نتایج مندرج در نگاره (۳) نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل‌های پژوهش از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است که نشان از ناهمسانی واریانس بوده و روش تخمین این مدل به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته می‌باشد. در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، نتایج آزمون F لیمر برای سه مدل کمتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد که بر مبنای این نتایج فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد شده و داده‌ها به صورت تابلویی تخمین زده می‌شود. همچنین همان‌طور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقدار احتمال مربوط به این آماره مدل‌ها از ۵ درصد کمتر است، بنابراین این مدل‌ها بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود.

نتایج تخمین مدل اول پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل اول پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل، احتمال آماره آن کمتر از ۰/۰۱ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. بر اساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دورین واتسون نیز برابر با ۱/۸۵ بوده و حاکی از آن است که بین اجزاء اختلال خودهمبستگی وجود ندارد، همچنین ضریب تعیین برابر با ۰/۳۷ است که نشان می‌دهد ۳۷ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

نگاره (۴): نتایج مربوط به تخمین مدل اول پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
اهرم مالی	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۲۱	-۰/۲۱۹	۰/۸۲۶۵
مالکیت خانوادگی	-۰/۰۰۳۳	۰/۰۰۲۰	-۱/۶۷۸	۰/۰۹۳۷
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۶۳	۰/۰۰۴۴	۱/۴۲۶	۰/۱۵۴۲
اندازه شرکت	-۰/۰۰۶۰	۰/۰۰۱۹	-۳/۰۸۰	۰/۰۰۲۲
سودآوری با وقفه	۰/۰۱۸۹	۰/۰۰۵۱	۳/۶۵۶	۰/۰۰۰۳
سودآوری	۰/۰۱۴۵	۰/۰۰۶۳	۲/۲۸۱	۰/۰۲۲۹
نگهداشت وجه نقد	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۲۰	۰/۲۱۱	۰/۸۳۲۹
عرض از مبدأ	۰/۱۲۲۷	۰/۰۲۵۸	۴/۷۴۲	۰/۰۰۰۰
آماره F	۱۲/۳۷	-	-	۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	-	-	۱/۸۵	-
ضریب تعیین	۰/۳۷	-	-	-

فرضیه اول پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا با افزایش مالکیت خانوادگی میزان سود پرداختی کاهش می‌یابد یا خیر. برای بررسی فرضیه اول پژوهش هدف نبود تأثیر مستقیم و معنی دار مالکیت خانوادگی بر سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان فرضیه صفر انتخاب و عکس فرضیه صفر به عنوان فرضیه مقابل در نظر گرفته شد. همان گونه که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت خانوادگی برابر ۰/۰۹۳۷ می‌باشد، همچنین ضریب برآورد شده برای این متغیر برابر با -۰/۰۰۳ بوده و نشان می‌دهد که رابطه دو متغیر به صورت معکوس می‌باشد به گونه ای که افزایش در مالکیت خانوادگی سبب کاهش سود تقسیم شده شرکت گردیده و دارای تغییرات معکوس می‌باشند، در نتیجه فرضیه صفر رد شده و با اطمینان ۹۰ درصد می‌توان ادعان نمود که با افزایش مالکیت خانوادگی میزان سود پرداختی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کاهش می‌یابد. با توجه به مطابقت نتایج این پژوهش با پژوهش مولیانی و همکاران (۲۰۱۶)، برتراند و اسچوار، (۲۰۰۶)، اندرسون و ریب (۲۰۰۳) و عتیق و همکاران (۲۰۱۵) بررسی‌ها نشان از مطابقت نتایج این دو پژوهش با هم می‌باشد. اما با نتایج کارنی و گدجاریلیو (۲۰۰۲) مطابقت ندارد.

نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل دوم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهنده‌گی مدل است، برای این مدل، احتمال آماره آن کمتر از ۰/۰۱ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دورین واتسون نیز برابر با ۱/۸۵ بوده و حاکی از آن است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۹ است که نشان می‌دهد ۳۹ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

نگاره (۵): نتایج مربوط به تخمین مدل دوم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
اهرم مالی	-۰/۰۰۱۴	۰/۰۰۲۱	-۰/۶۹۷	۰/۴۸۶۱
کنترل خانوادگی	-۰/۰۰۴۰	۰/۰۰۱۸	-۲/۱۱۳	۰/۰۳۵۰
مالکیت نهادی	۰/۰۰۹۲	۰/۰۰۳۳	۲/۷۳۹	۰/۰۰۶۳
اندازه شرکت	-۰/۰۰۶۴	۰/۰۰۲۴	-۲/۶۶۵	۰/۰۰۷۹
سودآوری با وقفه	۰/۰۱۷۶	۰/۰۰۴۴	۳/۹۸۹	۰/۰۰۰۱
سودآوری	۰/۰۱۴۴	۰/۰۰۶۲	۲/۳۰۰	۰/۰۲۱۸
نگهداشت وجه نقد	-۰/۰۰۴۹	۰/۰۱۳۴	-۰/۳۶۳	۰/۷۱۶۳
عرض از مبدأ	۰/۱۲۸۸	۰/۰۳۱۷	۴/۰۵۶	۰/۰۰۰۱
آماره F	۱۳/۰۳	-	-	۰/۰۰۰۰
آزمون دورین واتسون	-	-	۱/۸۵	-
ضریب تعیین	۰/۳۹	-	-	-

فرضیه دوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا با افزایش کنترل اعضای خانواده بر شرکت، میزان سود پرداختی سالیانه کاهش می‌یابد یا خیر. برای بررسی فرضیه دوم پژوهش هدف نبود تأثیر مستقیم و معنی دار کنترل خانوادگی بر سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان فرضیه صفر انتخاب و عکس فرضیه صفر به عنوان فرضیه مقابل در نظر گرفته شد. همان گونه که در نگاره (۵) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مالکیت خانوادگی برابر ۰/۰۳۵۰ می‌باشد، همچنین ضریب

برآورد شده برای این متغیر برابر با $0/004-$ بوده و نشان می‌دهد که رابطه دو متغیر به صورت معکوس می‌باشد به گونه ای که افزایش در کنترل خانوادگی سبب کاهش سود تقسیم شده می‌گردد و دارای تغییرات معکوس می‌باشند، بنابراین با توجه به این نتایج فرضیه صفر رد شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان اذعان نمود که با افزایش کنترل اعضای خانواده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میزان سود پرداختی سالیانه کاهش می‌یابد. با توجه به مطابقت نتایج این پژوهش با پژوهش مولیانی و همکاران (۲۰۱۶)، بررسی نشان از مطابقت نتایج این دو پژوهش با هم می‌باشد اما با نتایج یوشیکاوا و رشید (۲۰۱۰) مطابقت ندارد.

نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر، مدل سوم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل، احتمال آماره آن کمتر از $0/01$ است که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون نیز برابر با $1/85$ بوده و حاکی از آن است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/53$ است که نشان می‌دهد 53 درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که در شرکت‌هایی که مدیر جزء اعضای خانواده است آیا تمایل به پرداخت سود سالیانه کاهش می‌یابد یا خیر. برای بررسی فرضیه سوم پژوهش هدف نبود تأثیر معنی دار مدیرعامل خانوادگی بر سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان فرضیه صفر انتخاب و عکس فرضیه صفر به عنوان فرضیه مقابل در نظر گرفته شد. همان گونه که در نگاره (۶) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده برای متغیر مدیرعامل خانوادگی برابر $0/7351$ می‌باشد، بنابراین با توجه به اینکه بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد، فرضیه صفر رد شده و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان اذعان نمود که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که مدیر جزء اعضای

خانواده است تمایل به پرداخت سود سالیانه تغییر نمی‌یابد و با بقیه شرکت‌ها تفاوتی معناداری ندارد.

نگاره (۶): نتایج مربوط به تخمین مدل سوم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
اهرم مالی	-۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۳۰	-۰/۳۷۸	۰/۷۰۵۰
مدیر عامل خانوادگی	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۱۷	۰/۳۳۸	۰/۷۳۵۱
مالکیت نهادی	۰/۰۰۷۲	۰/۰۰۴۰	۱/۷۸۸	۰/۰۷۴۳
اندازه شرکت	-۰/۰۰۴۸	۰/۰۰۱۴	-۳/۲۹۸	۰/۰۰۱۰
سودآوری با وقفه	۰/۰۱۴۶	۰/۰۰۶۶	۲/۲۱۵	۰/۰۲۷۱
سودآوری	۰/۰۱۳۷	۰/۰۰۷۶	۱/۷۸۵	۰/۰۷۴۷
نگهداشت وجه نقد	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۲۳۲	-۰/۰۰۵۹	۰/۹۹۵۳
عرض از مبدأ	۰/۱۰۹۴	۰/۰۱۹۱	۵/۷۱۵	۰/۰۰۰۰
آماره F	۱۲/۸۹	-	-	۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون	-	-	۱/۸۵	-
ضریب تعیین	۰/۳۸	-	-	-

با توجه به مطابقت نتایج این پژوهش با پژوهش اندرسون و ریب (۲۰۰۳) که نشان داد صاحبان سهام نظارت بهتری بر مدیریت، بررسی نشان از مطابقت نتایج این دو پژوهش با هم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

شرکت‌های خانوادگی، با ویژگی‌های مختلف در سراسر کشورها در کسب و کار جهانی نقش دارند. طول عمر این شرکت‌ها بسیار زیاد است و موفقیت برخی از شرکت‌های خانوادگی برجسته، باعث این تصور رایج شده است که کنترل شرکت‌های خانواده در راستای رویکرد بلند مدت مدیریت است. بنابراین این نوع اشخاص، کنترل و دسترسی بیشتری به منابع داشته و دارا بودن قدرت، آنان را به سوء استفاده از ارزش شرکت منجر می‌سازد. از طرف دیگر، شرکت‌ها این توانایی را دارا هستند که با توزیع و تقسیم وجه نقد و پول بین سهامداران، درگیری بین سهامداران داخلی و خارجی را کاهش دهند، اما سهامداران خانوادگی دارای دیدگاه متفاوتی برای تقسیم سود هستند. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری این نوع اشخاص در شرکت‌ها با هدف

سرمایه گذاری بلندمدت صورت می گیرد، بنابراین کمتر تقسیم سود مورد توجه بوده و بیشتر دارای دیدگاه سرمایه گذاری مجدد سودهای تحصیل شده می باشند. نتایج کسب شده در این پژوهش هم راستا با موضوعات ذکر شده می باشد. بر اساس نتایج پژوهش هر چه مالکیت خانوادگی فزونی یابد، میزان سود پرداختی کاهش می یابد. این نتایج حاکی از آن است که در هر چه مالکیت اعضای یک یا دو خانواده در شرکت افزایش یابد میزان سود تقسیمی کاهش و به سمت صفر میل می کند. به عبارت دیگر این نتایج نشان دهنده این مورد است که سرمایه گذاری اعضای خانواده در سطح حداقل نفوذ بر شرکت به منظور کسب بازده بیشتر در بلندمدت بوده و از سود تحقق یافته شرکت در طی سال یا سال های قبل به منظور یکی از منابع تامین مالی استفاده می نمایند. همچنین نتایج نشان می دهد که بازده کسب شده شرکت خانوادگی بیشتر از بازده مورد انتظار سهامداران آن (اعضای خانواده) می باشد که منجر به نگهداری و سرمایه گذاری منافع به دست آمده از فعالیت شرکت می شود. علاوه بر این، نتایج کسب شده بیانگر موضوعی است مبنی بر اینکه اعضای یک خانواده قبل از سرمایه گذاری در یک یا چند شرکت، میزان بازده ناشی از فعالیت این شرکت ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و ریسک و بازدهی آن را با ریسک و بازدهی مورد انتظار خود (که هدف آن ها کسب بازده در بلندمدت بوده) مطابقت داده اند و سهام آن شرکت ها را با هدف سرمایه گذاری بلندمدت خریداری نموده اند. از طرف دیگر با توجه به اینکه هر شرکتی در تامین مالی هزینه هایی را باید پردازد و محدودیت هایی را بپذیرد، سود تحقق یافته و تقسیم نشده به عنوان یک منبع مالی در دسترس و اکثراً مقرون به صرفه در شرکت های خانوادگی مورد استفاده قرار می گیرد. نتایج پژوهش همچنین حاکی از آن است که هر چه کنترل اعضای یک یا دو خانواده بر شرکت افزایش یابد و این اشخاص حداقل ۵۰٪ سهام آن شرکت را تحت تملک خود داشته باشند میزان سود تقسیمی کاهش یافته و این کاهش با شدت بیشتری نسبت به نفوذ این افراد در شرکت ها می باشد. علاوه بر این با توجه به اینکه تملک در حد کنترل بر سهام یک شرکت به معنی کنترل حداقل بر نیمی از اعضای هیئت مدیره نیز می باشد می توان گفت که تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت در شرکت های خانوادگی وجود نداشته (یا ناچیز است) و تصمیم های مدیران در راستای افزایش ثروت سهامداران می باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که این رویکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در حالی که مدیرعامل از اعضای خانواده می باشد،

مصداق ندارد به نحوی که نتایج پژوهش بیانگر آن است که تصمیم‌های مدیر عامل در تقسیم سود شرکت‌های خانوادگی موثر نمی‌باشد.

پیشنادهای مرتبط با نتایج پژوهش

با توجه به نتایج فرضیه اول و دوم پژوهش که نشان داد مالکیت خانوادگی و کنترل این نوع اشخاص بر شرکت سبب کاهش سود تقسیمی می‌شود، بنابراین به سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری کوتاه مدت در بورس را دارند، پیشنهاد می‌شود که از خرید سهام این نوع شرکت‌ها خودداری نمایند. از طرف دیگر با توجه به سرمایه‌گذاری مجدد سود تحصیل شده در این نوع شرکت‌ها، به اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود که با بررسی سایر شرایط، اعطای اعتبار به این شرکت‌ها را در اولویت قرار دهند. علاوه بر این به دانشجویان و پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود که تأثیر انواع دیگر مالکیت را بر تقسیم سود و نوسانات آن بررسی نموده و نتایج حاصله را با نتایج این پژوهش مقایسه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که تأثیر مالکیت خانوادگی را بر سایر عوامل موثر از جمله، نوسانات جریان نقدی، کیفیت سود و مربوط و قابل اتکاء بودن اطلاعات منتشره، ویژگی‌های حسابرسان و تاخیر در ارائه گزارش آنان، مسئولیت پذیری اجتماعی، توانایی و بیش اطمینانی مدیریت و ریسک سقوط سهام بررسی نمایند.

پی‌نوشت

۱ Information Asymmetry

۲ Agency Costs

منابع

- Al-Najjar, B. (2013). The financial determinants of corporate cash holdings: Evidenc from som emerging markets. *International business review*, 22, 77-88.
- Anderson, R. C. , and Reeb, D. M. (2003). Founding-family ownership, corporate diversification and firm performance. *Journal of Law and Economics* 46, 653-684
- Attig, N. , Boubakri, N. , Ghou, S. E. , and Guedhami, O. (2015). The global financial crisis, family control, and dividend policy. *Financial Management* 1-23.
- Bertrand, M. , and Schoar, A. (2006). The role of family in family firms. *Journal of Economic Perspectives* 20 (2) , 73-96.
- Carney, M. , and Gedajlovic, E. (2002). The coupling of ownership and control and the allocation of financial resources: Evidence from Hong Kong. *Journal of Management Studies* 39 (1) , 123-146.

- Demsetz, H. , and Lehn, K. (1985). The structure of corporate ownership: Causes and consequences. *Journal of Political Economy* 93, 1155–1177.
- Din, Sh. U. and A. Y. Javid (2011). "Impact of Managerial Ownership on Financial Policies and the Firm's Performance: Evidence Pakistani Manufacturing Firms", *International Research Journal of Finance and Economics*, Vol. 81, No. 2, pp. 13-29.
- Faccio, M. , Lang, L. H. P. , and Young L. (2001). Dividends and expropriation. *American Economic Review* 91, 54–78.
- Farinha, J. (2003). Dividend policy, corporate governance and managerial entrenchment hypothesis: An empirical analysis. *Journal of Business Finance and Accounting* 30, 1173–1209.
- Fazlzadeh, Alireza, Mohammadzadeh, Parviz, Tahbaz Hindi, Ali (2009). Investigating the effect of ownership structure on the performance of companies accepted in Tehran Stock Exchange by industry. *Stock Exchange Quarterly*, No. 7 (in Persian).
- Florackis, C. ; Kanas, A. ; and A. Kostakis (2014). "Dividend Policy, Managerial Ownership and Debt Financing: A Non-Parametric Perspective", *European Journal of Operational Research*, Vol. 24, No. 3, pp. 783-795.
- Frankfurter. G. M, Bob G. Wood JR. , (2002) ,"Dividend Policy Theories and Their Empirical Tests", *International Review of Financial Analysis*, vol 11, PP. 111–138.
- González, M. , Guzmán, A. , Pombo, C. , and Trujillo, M. (2014). Family involvement and dividend policy in closely held firms. *Family Business Review* 1-21.
- Guo, Jianan (2013) , Ultimate Controlling Shareholders and Dividend Payout Policy in Chinese Stock Market (April 1,2013). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2242798> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2242798>
- Haghighat, Hamid and Bashiri, vahhab (2012). Investigating the Relationship between Financial Flexibility and Capital Structure. *Accounting Knowledge*, Spring, Volume 3, Issue 8, Page 49 to Page 71 (in Persian).
- Hong, D. and V. Yen Nguyen (2014). "Managerial Ownership, leverage and Dividend Policies: Empirical Evidence from Vietnam's listed Firms", *International Journal of Economics Debt Policy*", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 21, No. 2, pp. 131 -144.
- Isakov, D. , and Weisskopf, J. P. (2015). Pay-out policies in founding family firms. *Journal of Corporate Finance* 33, 330-344.
- Jensen, M. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economy Review* 76, 323–329.
- Jun Jiang, Komain Jiranyakul (2013) "Capital Structure, Cost of Debt and Dividend Payout of Firms in New York and Shanghai Stock Exchanges " *International Journal of Economics and Financial Issues* Vol. 3, No. 1, 2013, pp. 113-121 ISSN: 2146-4138 www.econjournals.com
- Khajavi Shakrolah and Ahmad Ishaqi. (2013). Investigating the Effect of Family and Non-Family Ownership on Conservatism in Financial Reporting of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Progress*. Pp. 67-86 (in Persian).

- Khan Arifur, Mohammad Badrul Muttakin, Javed Siddiqui. (2015). "Audit fees, auditor choice and stakeholder influence: Evidence from a family-firm dominated economy". *The British Accounting Review*. Volume 47, Issue 3, , Pages 304–320.
- Kouki, M, and Guizani, M. , (2009) ," Ownership Structure and Dividend Policy: Evidence from the Tunisian Stock Market," *European Journal of Scientific Research*. Vol. 25, No. 1, PP. 42-53.
- La Porta, R. , Lopez-de-Silanes, F. , and Shleifer, A. (1999). Corporate ownership around the world. *Journal of Finance* 54, 471–517.
- Mehrani, Sasan and Noruzi, sauna (2014). The effect of corporate governance on the relationship between firm value and profit management. *Scientific Journal of Financial Accounting*. Volume 2, Number 3, Series 6, Autumn 2014, Pages 105-122 (in Persian).
- Mulyani, E. , Singh, H. , Mishra, S. , Dividends, Leverage, and Family Ownership in the Emerging Indonesian Market, *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money* (2016) , <http://dx.doi.org/10.1016/j.intfin.2016.03.004>.
- Munir, Sa'adiyah. Saleh, Norman Mohd. Jaffar, Romlah. Yatim, Puan. (2014). "FAMILY OWNERSHIP, RELATED-PARTY TRANSACTIONS AND EARNINGS QUALITY". *Asian Academy of Management and Penerbit Universiti Sains Malaysia*. AAMJAF Vol. 9, No. 1, 129–153.
- Namazi Mohammad and Ehsan Kermani (2008). The Effect of Ownership Structure on the Performance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing*. No. 53 P. 100-83 (in Persian).
- Namazi, Mohammad and Akbar, Jalal. (2011). Investigating the Performance and Capital Structure of Family and Non-Family Companies Admitted to the Tehran Stock Exchange, Master's Degree, Shiraz University (in Persian).
- Namazi, Mohammad and Mohammadi, Mohammad. (2010). Evaluating the Quality of Earnings and Returns of Families and Non-Families Affiliated to Tehran Stock Exchange, *Accounting Progress*, No. II, pp. 152-194 (in Persian).
- Omar A. Esqueda, (2016) , Signaling, corporate governance, and the equilibrium dividend policy. *The Quarterly Review of Economics and Finance*. Volume 59, February 2016, Pages 186–199.
- Omidvar, Alireza, Rastegar, Hossein, Aghdai, Mona (2010). Corporate Governance in Pakistani Family Enterprises, Center for Corporate Governance Promotion (in Persian).
- Qalibabasl, Hasan (2007) , *Financial Management*. Tehran: Publication of Pouran Research (in Persian).
- Rezaei, Farzin; Eidan Torkzadeh, Khadijeh and Nasser Nasiri. (2011). Investigating the Effect of Ownership Structure on the Dividend Policy of Companies in Tehran Stock Exchange. *Stock Exchange Quarterly*. forth year. Number 16 99-79 (in Persian).
- Rizqia, D. A. and S. A. Sumiati (2013). "Effect of Managerial Ownership, Financial Leverage, Profitability, Firm Size, and Investment Opportunity on Dividend Policy and Firm Value", *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol. 4, No. 11, pp. 120-130.

- Setayesh Nia, Mohammad Hossein Salehi Nia, Mohsen (2015). The Effect of Ownership Structure and Capital Structure on Cash Flows. Accounting and Audit Research. Year 7 No. 25, 32-15 (in Persian).
- Setayesh, Mohammad Hossein and Kazemnejad, Mostafa (2010). "Investigating the Effect of Ownership Structure and Board Composition on the Dividend Policy of Companies Listed in the Tehran Stock Exchange. Accounting Knowledge. 1 pp. 21-29 (in Persian).
- Setia-Atmaja, L. , Tanewski, G. A. , and Skully, M. (2009). The role of dividends, debt and board structure in the governance of family controlled companies. Journal of Business Finance and Accounting 36, 863–898.
- Shleifer, A. , and Vishny, R. (1986). Large shareholders corporate control. Journal of Political Economy 94, 461–488.
- Soltani, Asghar; Momeni, Zahra; (2011). A review of the factors affecting the dividend policy and the probability of paying dividends. Accounting and financial management. Fall and Winter 2011 - No. 137 Page - From 56 to 68 (in Persian).
- Taghizadeh Khaneghah, Vahid and Badavar Nadandi, Younes (2015) , investigated the relationship between management property, financial leverage and dividend policy of the companies that were accepted in the Tehran Stock Exchange using simultaneous equations. Health Accounting Magazine. Year 4, Number 2, Number series (12) , pp. 60-86 (in Persian).
- Vaeed, Seyed Ali, Babak Abedi Sedghiani and Vahid Khajevi. (2014). Audit Audit Fees and Audit Firm Size in Family Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Audit knowledge. P. 103 to 127 (in Persian).
- Vieira, E. F. S. (2013). Family firms and the market reaction to dividend news. Journal of Modern Accounting and Auditing 9 (4) , 527-541.
- Yoshikawa, T. , and Rasheed, A. A. (2010). Family control and ownership monitoring in familycontrolled firms in Japan. Journal of Management Studies 47: 2, 274-295.
- Zholanezhad, Fatemeh, Bekhradi Nasab, Vahid, Bakhshi, Mohammad, Mohammad Hosseini, Sahar. (2017). Assessing the relationship between financial reporting quality and the limits applied to dividend policy on investment decisions (DEA). Journal of Management Studies and Accounting. Volume 3, Issue 1, Pages 205-217 (in Persian) .

بررسی رابطه بین نوع مالکیت (نهادی و انفرادی) و عدم تقارن اطلاعاتی با تاکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل گر

مهدی حیدری^۱، حمزه دیدار^۲، علی بیدقی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۰

چکیده

عدم تقارن اطلاعاتی در نتیجه رابطه نمایندگی و جدایی مالکیت و مدیریت شکل می‌گیرد و از جمله عواملی که می‌تواند این موضوع را تعدیل نماید ساختار یا نوع مالکیت است. هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین نوع مالکیت (نهادی و انفرادی) با عدم تقارن اطلاعاتی با تاکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل گر است. برای تعیین نوع مالکیت از درصد مالکیت نهادی و حقیقی و برای محاسبه عدم تقارن از اختلاف بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش استفاده شده است. همچنین به منظور محاسبه قابلیت اتکای اطلاعات مالی از گزارش سازمان بورس و اوراق بهادار با عنوان "رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از نظر کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب" استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده و روش بررسی داده‌ها به صورت داده‌های پانلی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند، در شرکت‌های با مالکیت نهادی بیشتر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل گر، عدم تقارن اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما در شرکت‌های با مالکیت انفرادی چنین رابطه‌ای وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: عدم تقارن اطلاعات، مالکیت نهادی، مالکیت انفرادی، قابلیت اتکای اطلاعات مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI : 10.1325/22051.16421.2018.ijar

^۱ استادیار گروه حسابداری دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه، نویسنده مسئول، (m.heydari@urmia.ac.ir)

^۲ استادیار گروه حسابداری دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه، (H.didar@urmia.ac.ir)

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه، (Ali_beidaghi@yahoo.com)

مقدمه

در مباحث اقتصاد خرد متعارف یا کلاسیک فرض اساسی که به طور ضمنی در همه نظریه‌ها و قواعد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، فرض اطلاعات کامل است؛ بدین معنی که بین عاملین اقتصادی در بازار رقابتی، چه در طرف عرضه و چه در طرف تقاضا اطلاعات کامل وجود دارد، اما با مطرح شدن نظریه بازارهای لمون توسط آکرلوف در سال ۱۹۷۰ مبنی بر وجود اطلاعات نامتقارن بین خریداران و فروشندگان در دنیای واقعی اصل فوق زیر سؤال رفته و زیر بنای بسیاری از مباحث اقتصاد خرد در بازار رقابتی متزلزل شد (مکیان و رئیسی، ۱۳۹۳). عدم تقارن اطلاعات ریشه در مسائل نمایندگی دارد و می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به موضوعی واحد سبب شود. در واقع، تضاد منافع بین مدیران و مالکان، سبب می‌گردد تا مدیران از افشای برخی اطلاعات درباره جنبه‌های آتی یک شرکت به خاطر دستیابی به منافع بیشتر خودداری کنند (چی و گوپتا، ۱۶۵۳: ۲۰۰۹). در این صورت این سؤال پیش می‌آید که متفاوت بودن نوع مالکیت شرکت‌ها چه تأثیری بر عدم تقارن اطلاعات منتشره آنها دارد؟ یعنی اگر ما لکان شرکت را گروه‌های مختلفی چون مالکان نهادی، مدیریتی، دولتی، انفرادی و دیگر گروه‌ها تشکیل دهند، چه تأثیری بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت خواهند داشت؟ با دستیابی به جواب این سؤال‌ها، می‌توان تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران را در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مناسب به منظور دستیابی به بازده مورد نظر و افزایش کارایی یاری نمود. عدم تقارن به وضعیتی اطلاق می‌شود که مدیران در مقایسه با سرمایه‌گذاران دارای اطلاعات افشا نشده بیشتری در مورد عملیات و جوانب مختلف شرکت در آینده می‌باشند (فدایی نژاد و خرم‌نیا، ۱۳۹۱). منشأ بخش عمده‌ای از عدم تقارن اطلاعاتی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد شرکت‌ها است و بخشی از آن نیز ریشه در روش‌های جمع‌آوری و گزارش اطلاعات توسط مدیریت دارد (رضازاده و آزاد، ۱۳۸۸). هرچه عدم تقارن اطلاعات بیشتر باشد فاصله بین قیمت مبادلاتی اوراق بهادار شرکت‌ها از ارزش ذاتی آنها بیشتر خواهد شد. یکی از انواع مالکیت که می‌تواند بر محیط نظارتی شرکت و به دنبال آن بر اطلاعات ارائه شده توسط آنها تأثیرگذار باشد مالکیت نهادی است. مطابق تعریف بوش (۱۹۹۸) سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند. سهامداران نهادی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین اجزای بازار سرمایه در بیشتر کشورهای

جهان تبدیل شده‌اند، به طوری که حجم بزرگی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را این نهادها صورت داده‌اند. این گروه از فعالان بازار سرمایه، با توجه به برخورداری از دانش و تخصص مکفی، دسترسی به کانال‌های ارتباطی موثر و انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت را کاهش می‌دهند. مکیان و رئیسی (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی دارد و از آنجا که نقش سهامداران نهادی بزرگ فراهم نمودن سازوکار معتبر برای انتقال اطلاعات به بازارهای مالی یا به عبارت دیگر سایر سهامداران می‌باشد (ابراهیمی کرد لر، ۱۳۸۶)، می‌توان انتظار داشت که مالکیت نهادی از طریق نظارت بر رفتار مدیریت در ارائه صورت‌های مالی، آن‌ها را ملزم به ارائه اطلاعات کامل و قابل اتکا می‌نماید. شرکت‌های با مالکیت انفرادی نیز شرکت‌هایی هستند که سهام آنها در مالکیت یک نفر قرار دارد. این نوع شرکت‌ها به دنبال رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و ورلد کام رو به افزایش هستند. به لحاظ تئوریک، در این شرکت‌ها با توجه به نظارت مستقیم بر فعالیت‌های مدیر توسط مالک یا اغلب مدیر بودن مالک، مشکلات مربوط به نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و مالک (سهامدار) به کمترین حد خود می‌رسد. در این نوع مالکیت ممکن است بین مالک (مدیر) و سرمایه‌گذاران بالقوه عدم تقارن اطلاعات ایجاد شود و یا اطلاعات به صورت کامل افشا نشود و این امر منجر به ارائه اطلاعات غیرقابل اتکا شود. از زمان پیدایش بازارهای سرمایه، اطلاعات مالی صحیح و قابل اتکا مورد توجه و درخواست ذینفعان و فعالان این بازار قرار گرفته است و همچنان جزو مطالبات آنان از منتشرکنندگان این اطلاعات می‌باشد، زیرا در صورت فقدان مطلوبیت لازم در اطلاعات منتشره، تصمیم‌های اقتصادی با ابهام مواجه گشته و در نهایت موجبات عدم کارایی بازار سرمایه را فراهم می‌کند. اطلاعات وقتی مفید است که قابل اتکا باشد. اطلاعاتی قابل اتکا می‌باشد که کامل بوده، عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشد و به طور صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیان کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۶۸۷: ۱۳۸۸). بنابراین اطلاعات زمانی که کامل است و به طور صادقانه بیان شده قابلیت اتکای بالایی نیز خواهند داشت و عدم تقارن نیز کاهش می‌یابد. از آنجا که گزارش‌های مالی، ابزاری برای افشای اطلاعات مالی قابل اعتماد و اتکا است، در دسترس عموم قرار می‌گیرد و منجر به افزایش کارایی بازار می‌شود، در صورت با کیفیت بودن می‌تواند از طریق کاهش اطلاعات

خصوصی و محرمانه، باعث کاهش احتمال انتخاب نادرست توسط سرمایه‌گذاران شود. بنابراین، می‌توان چنین پنداشت که ارائه اطلاعات با کیفیت و قابل‌اتکا باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران خواهد شد (حساس یگانه و امیدی، ۱۳۹۳). بنابر آنچه گفته شد در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا نوع مالکیت نهادی و انفرادی) به طور مستقیم بر عدم تقارن اطلاعات و نیز به طور غیرمستقیم، از طریق قابلیت‌اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر بر عدم تقارن اطلاعاتی اثر می‌گذارد یا خیر؟

مبانی نظری پژوهش

وجود اطلاعات کامل بین خریداران و فروشندگان به سختی امکان‌پذیر است. اولین بار نقد کامل بودن اطلاعات، تحت عنوان اقتصاد اطلاعات در کار استیگلزر که نقش اطلاعات را در تعیین قیمت‌های بازار و بازار نیروی کار مطالعه نموده، دیده می‌شود. مطالعه وی توسط اسپنس و رادسچیلد و استیگلتزر توسعه یافت. آکرلوف با استفاده از رابطه بین کیفیت و عدم قطعیت، مفهوم اطلاعات نامتقارن) وضعیتی که یک طرف معامله دارای اطلاعات بیشتری در خصوص کیفیت کالا نسبت به طرف دیگر می‌باشد) را معرفی نمود (فریدن و هاوکینز، ۲۰۱۰) و نشان داد که تفاوت اطلاعات بین خریداران و فروشندگان، باعث مساله لمون و انتخاب نامناسب شده است که نتیجه آن شکست بازار است (لیائو، ۲۰۱۰). عدم تقارن اطلاعاتی پدیده‌ای منفی است که به طور معمول در بازار اوراق بهادار نیز رخ می‌دهد و زمانی به وجود می‌آید که یک طرف از قرارداد یا معامله از اطلاعات بیشتری آگاهی داشته باشد، به شرط اینکه از این اطلاعات به طور مؤثر در هنگام برقراری ارتباط با طرف دیگر استفاده نماید (کلارکسون و همکاران، ۲۰۰۷). این آگاهی بیشتر باعث ایجاد منافع اقتصادی برای طرف برخوردار از اطلاعات اضافی می‌شود. از سوی دیگر، اطلاعات نامتقارن باعث تفاوت بین ارزش ذاتی یک سهم، با ارزشی که سرمایه‌گذاران برای آن سهم برآورد می‌نمایند، می‌شود و انتخاب‌های نامناسب اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران را موجب می‌شود (دیاموند و ورسچیا، ۱۹۹۱). به طور کلی، عدم تقارن اطلاعاتی به شکاف‌های اطلاعاتی، کیفیت، گزارشگری، قابل فهم بودن، ادراکی و ارزش تقسیم می‌شود. هر چه دامنه مطرح شده بیشتر باشد، سطح شکاف ارزش و به دنبال آن فاصله بین قیمت مبادلاتی اوراق بهادار شرکت‌ها از ارزش ذاتی آن‌ها بیشتر خواهد بود که این امر، به تصمیم‌گیری‌های نامناسب اقتصادی و مالی توسط سرمایه‌گذاران منجر

خواهد شد (خانی و قجاوند، ۶۸: ۱۳۹۱). مثلاً بخش عمده‌ای از عدم تقارن اطلاعاتی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد شرکت‌ها است و بخشی از آن نیز ریشه در روش‌های جمع‌آوری و گزارش اطلاعات توسط مدیریت دارد (رضازاده و آزاد، ۱۳۸۸). واکنش بازار به اعلان سود می‌تواند اولین معیار وجود اطلاعات محرمانه باشد. وجود اطلاعات محرمانه، بیانگر نامتقارن بودن اطلاعات در محیط بازار است. در مجموع عدم تقارن اطلاعاتی باعث کاهش کارآیی بازار (دیاموند و ورسچیا، ۱۹۹۱ ژانگ، ۲۰۰۲ و رسچیا، ۲۰۰۱)، همچنین مانع از مبادله‌های باارزش با قیمت کارآمد و هزینه کم شده و در نهایت موجب اشکال در تأمین سرمایه و نقدینگی لازم برای بنگاه‌های اقتصادی انتشار دهنده اوراق می‌شود (چنگ و دیگران، ۲۰۰۶).

به طور کلی باید عنوان کرد که بر اساس تحلیل‌های تئوریک و شواهد تجربی افزایش عدم تقارن یا نابرابری اطلاعات، با کاهش تعداد معامله‌گران، هزینه‌های زیاد معاملات، نقدینگی پایین اوراق بهادار و حجم کم معامله رابطه دارد و در مجموع منجر به کاهش سودهای اجتماعی ناشی از معامله می‌شود (خوش‌طینت و یوسفی، ۱۳۸۶). روابط نمایندگی ایجادکننده عدم تقارن اطلاعاتی است که در نهایت به ضرر کارفرما است. این عدم تقارن اطلاعاتی، می‌تواند از طریق نظارت گسترده بر فعالیت‌های مدیر و همچنین ایجاد انگیزه برای همسو کردن اهداف مالک و مدیر، کاهش یابد (سلطانی، ۲۰۰۷). طبق نظر گیلان و استارکس (۲۰۰۳) سهامداران نهادی نقش اصلی را در شکل‌گیری بسیاری از تغییرات در سیستم‌های حاکمیت شرکتی دارند. این گروه از سهامداران با توجه به مالکیت بخش درخور توجهی از سهام شرکت‌ها از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در این شرکت‌ها برخوردار بوده و می‌توانند رویه‌های آن‌ها (شامل رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی) را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین، از آنجا که مالکان نهادی بزرگترین گروه از سهامداران را تشکیل می‌دهند، نقش آن‌ها در نظارت بر رویه‌های اتخاذ شده از سوی مدیران از اهمیت بالایی برخوردار است و انتظار می‌رود حضور این مالکان در ترکیب سهامداران بر رویه‌های شرکت مؤثر باشد. همچنین این سرمایه‌گذاران به اطلاعات مختلفی در مورد چشم‌اندازهای آتی و برنامه‌های شرکت و حتی در مواردی قراردادهای آتی شرکت نیز دسترسی دارند. فاما و جنسن (۱۹۸۳) بیان کردند هنگامی که سرمایه شرکت پراکندگی داشته باشد تضاد بالقوه بین نماینده و کارگزار بیشتر از حالتی است که شرکت‌ها دارای مالکیت خانوادگی هستند. از آنجا که ساختار شرکت‌های خانوادگی و

انفرادی به هم نزدیک هستند در واقع شرکت‌های تک مالکی نوعی از شرکت‌های خانوادگی به حساب می‌آیند و نیز به این جهت که در شرکت‌های تک مالکی، مالک و مدیر یکی است پس می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات بین مدیر و مالک وجود نداشته باشد. سینقوای و دسای (۱۹۷۱) معتقدند که کیفیت به ویژگی‌های کامل بودن، صحت یا دقت و قابلیت اتکا اطلاعات اشاره دارد. فخاری و تقوی (۱۳۸۸) معتقدند کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند از عدم تقارن اطلاعاتی بکاهد.

پیشینه پژوهش

چونگ و فیرس و کیم (۲۰۰۲)، کرنر و سایرین (۲۰۰۷) نیز تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی را بر روش تهیه اطلاعات در شرکت بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی بر کیفیت حسابداری موثرند. به علاوه نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن بود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی فعال و دارای دیدگاه بلندمدت سبب کاهش مدیریت سود و در نتیجه ارتقای محتوای اطلاعاتی سود می‌شود. میدیاستوتی و مچفودز (۲۰۰۳) نیز در اندونزی شواهدی یافتند که نشان می‌دهد مالکیت نهادی بالا، مدیریت سود را محدود و مانع آن می‌شود.

پترسن و پلنبرگ (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های صنعتی بورس کپنهاگ پرداختند. آن‌ها نشان دادند که بین افشای داوطلبانه و معیارهای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی وجود دارد. همچنین، در این پژوهش نشان داده شد که اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و نسبت گردش، معیارهای اندازه‌گیری مناسبی برای عدم تقارن اطلاعاتی هستند.

چن، چن و چنگ (۲۰۰۸) در پژوهشی به ارزیابی افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی افشای داوطلبانه، اس‌اند پی اقدام کردند. آن‌ها بیان کردند شرکت‌های خانوادگی در شاخص ۵۰۰ کمتری نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی دارند. این موضوع می‌تواند با افق سرمایه‌گذاری طولانی‌تر و نظارت مناسب‌تر مدیریت و دسترسی بهتر اطلاعات مالکان خانوادگی، توجیه شود.

براون و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که هر چه کیفیت گزارشگری مالی بیشتر شود، عدم تقارن اطلاعاتی و حجم مبادلات سهام کاهش می‌یابد.

حاجی قدیر زاده و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که انواع مالکیت دولتی، مدیریتی و نهادی اثر معنی داری بر عدم تقارن اطلاعات دارد.

ژوو و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان می دهند که در کشور چین یک رابطه معنادار و مثبت بین مالکیت خارجی و عدم تقارن اطلاعات اندازه گیری شده به وسیله اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش وجود دارد.

گجوسکی و همکاران (۲۰۱۵) رابطه افشای اینترنتی و عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که افشای تحت وب، عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار سهام فرانسه کاهش می دهد.

موسوی شیری و همکاران (۲۰۱۶) تأثیر ساختار مالکیت و کیفیت افشاء بر عدم تقارن اطلاعات در ایران را بین سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ بررسی کردند که نتایج نشان داد عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت هایی که اطلاعات قابل اعتماد و به موقع منتشر می کنند، کمتر است و در شرکت هایی با ساختار مالکیت متمرکز، مالکیت نهادی بالاتر و کیفیت افشای پایین تر، بیشتر است.

لی وانگ و لوو (۲۰۱۷) تأثیر پذیرش XBRL بر عدم تقارن اطلاعات در اروپا را مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که XBRL می تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی منجر به افزایش نقدینگی شود و به معاملات در بازار سرمایه کمک کند. همچنین شکل گزارشگری الکترونیکی، شیوه مناسبی است.

قائم و وطن پرست (۱۳۸۴) به بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس تهران پرداخته اند. آنها برای تعریف عدم تقارن اطلاعاتی، از شکاف قیمت عرضه و تقاضا، استفاده کردند. نتایج این تحقیق نشان می داد که عدم تقارن اطلاعات بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی وجود داشته و این موضوع در دوران قبل از اعلان سود، بیشتر از دوران پس از اعلان سود می باشد. نتیجه دیگر مطالعه آنها، دلالت بر این دارد که عدم تقارن اطلاعات بر قیمت سهام تأثیر گذار بوده و در دوره قبل از اعلان سود، قیمت سهام دچار نوسان شده است.

کاظمی و محمد نژاد (۱۳۹۰)، به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی با عدم تقارن اطلاعاتی و عملکرد مالی شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ پرداختند. نتایج بیان می‌کند که بین مالکیت نهادی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی و معنادار و بین مالکیت نهادی و عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

مکیان و رئیسی (۱۳۹۳) تأثیر عوامل مؤثر از قبیل مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، اندازه هیأت مدیره، مدیران غیر موظف و تفکیک نقش مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره بر عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی نمودند. نتایج آنها نشان می‌دهد که مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و اندازه هیأت مدیره رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی داشته، اما متغیرهای نسبت مدیران غیر موظف به تعداد اعضای هیأت مدیره و تفکیک نقش مدیر عامل از ریاست هیأت مدیره رابطه معنی دار با عدم تقارن اطلاعاتی را نشان نمی‌دهد.

مدن حقیقی و امیدوار (۱۳۹۴) رابطه میان عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بررسی کردند. نتایج پژوهش رابطه مثبت معناداری بین مالکیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی را نشان داد، اما بین عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

رضایی و رحیمی‌زاد (۱۳۹۴)، ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت افشا، قابلیت اتکا و به‌موقع بودن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بین عدم تقارن اطلاعاتی و قابلیت اتکای اطلاعات مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این در حالی است که بین عدم تقارن اطلاعاتی و به‌موقع بودن اطلاعات مالی رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین نوع مالکیت نهادی با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نوع مالکیت انفرادی با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه چهارم: قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری به عنوان متغیر تعدیل گر بر ارتباط بین نوع مالکیت نهادی با عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر می گذارد.

فرضیه پنجم: قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری به عنوان متغیر تعدیل گر بر ارتباط بین نوع مالکیت انفرادی با عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر می گذارد.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی - همبستگی است. اطلاعات مربوط به متغیرهای این پژوهش از صورت های مالی حسابرسی شده شرکت ها در سایت شرکت مدیریت فناوری بورس تهران، مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران و لوح های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار به صورت دستی استخراج شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵، می باشد. در این مطالعه برای انتخاب نمونه جامعه از روش غربالگری (حذفی) استفاده شده است. برای این منظور معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت های نمونه انتخاب شده است.

۱- شرکت هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۶ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده اند و نام آنها تا پایان سال ۱۳۹۵ از فهرست شرکت های یاد شده، حذف نشده باشد.

۲- در طول دوره موردنظر، سهام آنها به طور فعال در بورس معامله شده باشد.

۳- دوره مالی آنها باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند.

۴- جزء شرکت های واسطه گری مالی (سرمایه گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک ها و بیمه ها) نباشند.

۵- اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

در این پژوهش بعد از اعمال پیش فرض ها، ۱۱۱ شرکت، باقی ماندند.

متغیرهای تحقیق، تعاریف عملیاتی و روش محاسبه متغیرها

وابسته، مستقل و تعدیل گر بودن هر یک از متغیرها در هر یک از فرضیات پژوهش با توجه به نگاره ۱ آورده شده است.

نگاره (۱): متغیرهای مستقل، وابسته و تعدیل گر فرضیات

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر تعدیل گر
اول	مالکیت نهادی	عدم تقارن اطلاعاتی	ندارد
دوم	مالکیت انفرادی	عدم تقارن اطلاعاتی	ندارد
سوم	قابلیت اتکا	عدم تقارن اطلاعاتی	ندارد
چهارم	مالکیت نهادی	عدم تقارن اطلاعاتی	قابلیت اتکا
پنجم	مالکیت انفرادی	عدم تقارن اطلاعاتی	قابلیت اتکا

عدم تقارن اطلاعاتی

برای سنجش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران، از مدلی که ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) برای تعیین دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام طراحی کرده اند استفاده شده است.

$$SPREAD_{i,t} = \frac{(AP - BP)}{(BP + AP) / 2} * 100$$

که در آن $SPREAD$ دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، AP میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t و BP میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t است. در آزمون فرضیه ها، قدرمطلق عدد حاصل از این مدل مورد استفاده قرار می گیرد (در ایران به دلیل محدودیت در دسترسی به قیمت های پیشنهادی خرید و فروش سهام از تفاوت بالاترین و پایین ترین قیمت خرید و فروش در یک روز بهره گرفته شده است).

قابلیت اتکا و به موقع بودن

برای اندازه‌گیری قابلیت اتکا و به موقع بودن از اطلاعات موجود در اطلاعیه سازمان بورس و اوراق بهادار تهران با موضوع "رتبه‌بندی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب" با ضریب $\frac{1}{3}$ برای قابلیت اتکا و $\frac{2}{3}$ برای به موقع بودن استفاده شده است، از جمله دلایل استفاده از معیار ذکر شده، استفاده از شاخص‌های عینی (زمان ارائه و تغییرات در پیش‌بینی‌های اطلاعات ارسالی) برای اندازه‌گیری معیارهای قابلیت اتکاء و به موقع بودن، جلوگیری از بروز سوپیه‌های ناشی از قضاوت‌های ذهنی و تفسیرهای شخصی محقق و امکان تکرار و مقایسه‌پذیری در پژوهش‌های آتی، است. لازم به ذکر است که نیکبخت و حاجی عظیمی (۱۳۹۲) از این معیار برای اندازه‌گیری قابلیت اتکا و به موقع بودن استفاده کرده‌اند.

مالکیت نهادی

مطابق تعریف بوش (۱۹۹۸) سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند. با بررسی یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، درصد مالکیت این سرمایه‌گذاران از سهام شرکت‌های مورد مطالعه مشخص شده است.

مالکیت انفرادی

منظور از مالکیت انفرادی در این پژوهش، مالکیت متعلق به اشخاص حقیقی است که برای این نوع مالکیت نیز درصد مالکیت این سرمایه‌گذاران از سهام شرکت‌های مورد مطالعه مشخص شده است.

اهرم مالی

در پژوهش حاضر برای محاسبه اهرم مالی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

$$Fl_{i,t} = Tl_{i,t} / Al_{i,t}$$

آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

مانایی متغیرها به معنی ثابت بودن میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف است. بنابراین در این قسمت به بررسی مانایی متغیرهای پژوهش از طریق آزمون‌های لوین، لین، چاو، دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیس پرون پرداخته شد. نگاره ۳ نتایج حاصل از آزمون مانایی هر یک از متغیرها را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): نتایج آزمون مانایی متغیرها

نتیجه	فلیس پرون	دیکی فولر تعمیم یافته	لوین، لین، چاو	
ماناست	۶۷۰/۰۵۹ (۰/۰۰۰۰)	۳۳۳/۱۸۱ (۰/۰۰۰۰)	-۱۲/۲۶۹۳ (۰/۰۰۰۰)	عدم تقارن
ماناست	۴۵۳/۶۹۵ (۰/۰۰۰۰)	۳۰۰/۸۸۹ (۰/۰۰۰۱)	-۱۵/۳۸۶۲ (۰/۰۰۰۰)	مالکیت نهادی
ناماناست	۵۸/۹۵۷۹ (۱/۰۰۰۰)	۹۲/۶۰۶۲ (۰/۸۸۴۰)	-۰/۳۲۱۴ (۰/۰۰۰۵)	مالکیت انفرادی
ماناست	۴۷۹/۳۵۸ (۰/۰۰۰۰)	۳۲۴/۹۳۷ (۰/۰۰۰۰)	-۱۱/۷۵۲۴ (۰/۰۰۰۰)	قابلیت اتکا
ماناست	۴۸۳/۶۵۶ (۰/۰۰۰۰)	۳۱۴/۴۳۸ (۰/۰۰۰۰)	-۱۱/۵۳۶۹ (۰/۰۰۰۰)	قابلیت اتکا * نهادی
ماناست	۱۴۶/۵۹۶ (۰/۰۰۵۵)	۱۶۲/۹۲۷ (۰/۰۰۰۳)	-۸۲/۵۴۹۱ (۰/۰۰۰۰)	قابلیت اتکا * انفرادی
ماناست	۲۸۲/۲۴۷ (۰/۰۰۱۶)	۲۶۱/۴۳۳ (۰/۰۱۸۷)	-۹/۶۹۹۲ (۰/۰۰۰۰)	اهرم مالی
ناماناست	۱۵۵/۸۵۳ (۰/۹۹۹۳)	۸۷/۴۵۹۸ (۱/۰۰۰۰)	۲/۹۷۱۸ (۰/۹۹۸۵)	اندازه شرکت
ماناست	۶۵۲/۱۰۸ (۰/۰۰۰۰)	۲۷۰/۱۶۵ (۰/۰۰۷۲)	-۴/۱۵۹۷ (۰/۰۰۰۰)	به موقع بودن

آزمون هم‌جمعی متغیرهای پژوهش

با توجه به اینکه متغیرهای مالکیت انفرادی و اندازه شرکت نامانا بودند، بنابراین برای نشان دادن رابطه بلندمدت بین جملات خطای متغیرهای پژوهش، از آزمون کائو (Kao) که یکی از معتبرترین آزمون‌ها برای رابطه هم‌انباشتگی می‌باشد، بهره گرفتیم.

نگاره (۴): نتایج آزمون هم‌جمعی

احتمال آماره	t آماره
(۰/۰۰۰)	-۵/۵۹۸۸

از آنجا که (Prob) احتمال آماره آزمون کائو (۰/۰۰۰۰) است، فرض صفر این آزمون مبنی بر نبود رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای پژوهش رد می‌شود و به عبارت دیگر متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش با هم رابطه بلندمدت دارند.

نگاره همبستگی بین متغیرها

نگاره ۵ همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش را نشان می‌دهد. جهت بررسی همبستگی بین متغیرهای پارامتریک از آزمون همبستگی پیرسون و برای متغیرهای ناپارامتریک از آزمون اسپیرمن استفاده می‌شود. در آمار پارامتریک متغیرها دارای مقیاس کمی (پیوسته) هستند و مشاهدات دارای توزیع نرمال می‌باشند، اما در آمار ناپارامتریک بیشتر متغیرها دارای مقیاس کیفی هستند و چون دقیقاً قابل اندازه‌گیری نیستند از هیچ توزیع آماری پیروی نمی‌کنند. این آمار آزاد از توزیع خوانده می‌شود (طورانی، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه تمام متغیرهای این تحقیق از توزیع غیرنرمال تبعیت می‌کنند در نتیجه از همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای مالکیت انفرادی و مالکیت انفرادی ضریب قابلیت اتکا دارای همبستگی شدید و بالا ۸۵ درصد است که برای رفع این مشکل از فرایند تفاضل‌گیری مرتبه اول از جملات اخلاص استفاده شده است.

نگاره (۵): نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

به موقع بودن	اندازه	اهرم مالی	مالکیت انفرادی* قابلیت اتکا	مالکیت نهادی* قابلیت اتکا	قابلیت اتکا	مالکیت انفرادی	مالکیت نهادی	عدم تقارن	Correlation
								۱	عدم تقارن
								۱	مالکیت نهادی
						۱	۰/۵۴۴۹	۰/۰۷۹۳	مالکیت انفرادی
					۱	۰/۰۷۰۷	۰/۱۷۲۸	-۰/۰۶۷۱	قابلیت اتکا
									قابلیت اتکا*
				۱	۰/۸۴۸۷	-۰/۳۲۱۵	۰/۵۴۴۱	-۰/۱۳۰۲	مالکیت نهادی
									قابلیت اتکا*
			۱	-۰/۰۷۲۵	۰/۱۹۷۳	۰/۸۴۵۹	-۰/۴۳۶۶	۰/۰۳۵۶	مالکیت انفرادی
		۱	-۰/۰۵۵۴	-۰/۱۲۴۷	-۰/۱۷۲۸	۰/۰۱۷۵	-۰/۰۵۵۵	۰/۰۰۰۶	اهرم مالی
	۱	۰/۰۸۹۹	-۰/۳۰۱۶	۰/۰۱۸۷	-۰/۰۶۶۴	۰/۳۸۴۳	۰/۱۲۵۴	-۰/۲۷۰۶	اندازه
۱	-۰/۱۳۴۸	-۰/۱۸۷۰	۰/۱۳۲۶	۰/۳۳۸۱	۰/۴۰۴۸	۰/۱۱۱۹	۰/۱۱۲۴۰	-۰/۰۵۰۳	به موقع بودن

انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیون

برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا خیر، از آزمون چاو یا F مقید استفاده شده است. علاوه بر آن برای آنکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در نگاره ۶ ارائه شده است.

نگاره (۶): نتایج آزمون چاو و هاسمن برای مدل پژوهش

P-Value	مقدار آماره	آماره	مشاهدات	آزمون
۰/۰۰۰۰	۳/۰۳	F	۹۷۲	چاو
۰/۰۰۰۰	۴۹/۸۹	χ^2	۹۷۲	هاسمن

با توجه به نتایج آزمون چاو و P -Value آن ($0/0000$)، فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان گر این است که می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. هم چنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P -Value آن ($0/0000$) که کمتر از $0/05$ می باشد، فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده، بنابراین لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود.

برای سنجش اعتبار مدل و بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک لازم است علاوه بر بررسی عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، آزمون هایی در ارتباط با همسانی واریانس ها و خود همبستگی نیز انجام شود. در صورتی که واریانس ها ناهمسان باشند، برآورد کننده خطی نااریب بوده و کم ترین واریانس را نخواهد داشت. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس ها از آزمون LR استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک تر از $0/05$ می باشد ($0/0000$)، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) استفاده شده است. با توجه به اینکه همبستگی متغیرهای مالکیت انفرادی و (قابلیت اتکا * مالکیت انفرادی) بالای ۸۵ درصد است نتیجه می گیریم که رابطه هم خطی بین متغیرهای پژوهش وجود دارد. برای حل مشکل خود همبستگی از تفاضل گیری مرتبه اول استفاده شده است و با توجه به اینکه آماره دورین واتسون بعد از تفاضل گیری ($2/00$)، نسبت به قبل از آن ($1/89$)، بهبود یافته است می توان دریافت که مشکل خود همبستگی رفع شده است. خلاصه نتایج آزمون های فوق در نگاره ۷ ارائه شده است.

نگاره (۷): نتایج آزمون های مربوط به مفروضات آماری مدل پژوهش

آماره Durbin-Watson		آماره LR test	
بعد از تفاضل گیری	قبل تفاضل گیری	P -Value	F
۲	۱/۸۷	۰/۰۰۰۰	۱۹۷/۷۸

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های چاو و هاسمن و همچنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد می‌شود. نتایج برآورد مدل در نگاره ۸ ارائه شده است. شکل برآورد شده مدل با استفاده از نرم‌افزار 8 Eviews به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{Asym}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Ins Own}_{i,t} + \beta_2 \text{Ind Own}_{i,t} + \beta_3 \text{IR}_{i,t} + \beta_4 (\text{Lns Own}_{i,t} * \text{IR}_{i,t}) + \beta_5 (\text{Lnd Own}_{i,t} * \text{IR}_{i,t}) + \beta_6 \text{Fl}_{i,t} + \beta_7 \text{Size}_{i,t} + \beta_8 \text{Timl}_{i,t} + \epsilon_i$$

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه تحقیق با استفاده از روش اثرات ثابت

تعداد مشاهدات: ۸۸۸ سال - شرکت				
متغیر	ضریب	آماره t	P-Value	رابطه
جزء ثابت	۰/۱۳۴۸	۵/۳۳۷۰	۰/۰۰۰	مثبت
مالکیت نهادی	-۰/۰۶۵۶	-۵/۵۲۶۳	۰/۰۰۰	منفی
مالکیت انفرادی	-۰/۰۱۱۱	-۰/۴۱۱۶	۰/۶۴۴۵	بی معنی
قابلیت اتکا	۰/۰۷۳۹	۲/۱۲۵۹	۰/۰۳۳۸	مثبت
قابلیت اتکا* مالکیت نهادی	-۰/۰۳۵۷	-۲/۰۶۹۰	۰/۳۸۹۰	منفی
قابلیت اتکا* مالکیت انفرادی	-۰/۰۱۷۳	-۰/۶۴۶۵	۰/۵۱۸۹	بی معنی
اهرم مالی	۰/۰۱۱۲	۱/۴۲۱۵	۰/۱۵۵۶	مثبت
اندازه شرکت	-۰/۰۰۲۸	-۱/۶۷۰۵	۰/۰۹۳۳	منفی
به موقع بودن	-۰/۰۱۹۱	-۳/۳۳۰۷	۰/۰۰۰۹	منفی
Ar (1)	۰/۰۷۸۸	۱/۷۶۰۲۸۱	۰/۰۲۳۳	مثبت
ضریب تعیین ۰/۴۹۹۵				
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۴۲۱۸				
آماره دوربین واتسون ۲/۹۵۸۷				
آماره F ۶/۴۲۶۷				
(P-Value) (۰/۰۰۰۰)				

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که تقریباً ۴۲ درصد از عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین نوع مالکیت (نهادی و انفرادی) با عدم تقارن اطلاعاتی با تاکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر است. بنابراین با استفاده از داده‌های ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. فرضیه اول پژوهش بیانگر وجود رابطه معنادار و منفی بین نوع مالکیت نهادی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها است. این موضوع نشان می‌دهد که هر چه مالکیت نهادی بیشتر شود عدم تقارن اطلاعاتی کمتر می‌شود و در این مورد مالکیت نهادی به عنوان یک مکانیزم نظارتی حاکمیت شرکتی عمل می‌کند که منجر به حفظ منافع سرمایه‌گذاران می‌شود. این موضوع با یافته‌های تحقیقات قبلی (مکیان و رئیس، ۱۳۹۳) و (حاجی قدیرزاده و همکاران، ۲۰۱۳) سازگاری دارد. در فرضیه دوم پژوهش، رابطه معناداری بین نوع مالکیت انفرادی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها یافت نشد، که این موضوع نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار، مالکیت انفرادی تأثیری بر عدم تقارن اطلاعاتی ندارد. فرضیه سوم پژوهش مبتنی بر وجود رابطه معنادار و مستقیم بین قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری با عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها است. نتیجه به دست آمده بیانگر این امر است که با افزایش قابلیت اتکای اطلاعات مالی، عدم تقارن اطلاعات نیز افزایش می‌یابد. این موضوع با نتایج پژوهش رحیمی زاد و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت دارد، اما با مبانی نظری تحقیق حاضر مخالف است؛ زیرا انتظار بر این بود با افزایش شفافیت اطلاعات مالی، قابلیت اتکا و اطمینان به اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد. در مورد فرضیه چهارم پژوهش با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت بین نوع مالکیت نهادی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها، با تاکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. این موضوع بیان می‌کند که قابلیت اتکای اطلاعات مالی در شرکت‌های با مالکیت نهادی بیشتر از عدم تقارن اطلاعات می‌کاهد. فرضیه پنجم پژوهش وجود رابطه معنادار بین نوع مالکیت انفرادی با عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با تاکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر را اثبات نکرد. این موضوع نشان می‌دهد که قابلیت اتکای اطلاعات مالی در شرکت‌های با مالکیت انفرادی نمی‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به نتایج به دست آمده و توضیحات ارایه شده انتظار می‌رود پژوهش حاضر، علاوه بر غنی‌تر کردن تحقیقات حسابداری در موارد زیر نیز استفاده‌کنندگان را یاری نماید؛ سرمایه‌گذاران هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری علاوه بر مواردی همچون بازدهی، سودآوری، توان نقدینگی شرکت‌ها، نوع مالکیت شرکت‌های مورد نظر را نیز مورد توجه قرار دهند، زیرا شرکت‌هایی که دارای نسبت مالکیت نهادی بیشتر هستند، اطلاعات افشا نشده کمتر و عدم تقارن اطلاعاتی کمتری دارند. مدیران شرکت‌های بورسی با نسبت مالکان نهادی کمتر اطلاعات اختیاری بیشتری را در مورد شرکت‌ها افشا نمایند تا عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد. اعتباردهندگان و تامین‌کنندگان منابع مالی شرکت‌ها، کاهش ریسک به دلیل کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را در شرکت‌های با مالکیت نهادی بیشتر مورد توجه قرار دهند.

پیشنهادات

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود که رابطه بین نوع مالکیت و عدم تقارن اطلاعاتی در طول چرخه عمر شرکت بررسی شود. علاوه بر آن با توجه به این که شرکت‌هایی با فعالیت واسطه‌گری مالی از نمونه تحقیق حذف شده بودند، پیشنهاد می‌گردد تحقیقی در رابطه با تأثیر نوع مالکیت بر عدم تقارن اطلاعاتی با تأکید بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر در این نوع شرکت‌ها انجام گرفته و نتایج آن با یافته‌های تحقیق حاضر مقایسه گردد.

منابع

- Accounting Standards Committee, 1388, "Accounting Standards of Iran, Audit Organization", Sixth Edition, Audit Organization Publications.
- Akerlof, G. (1970), "The Market for Lemons: Quality Uncertainty and Market Mechanism", Quarterly Journal of Economics, Vol. 90, 629-650.
- Brown, S. & Hillegiest, S. A. (2007). "How Disclosure Quality Affects the Level of Information Asymmetry". Review of Accounting Studies. 12: 443-477.
- Bushee, B. J. ,1998, The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior, Accounting Review, 73, pp. 305-334.
- Chen, S. Chen, X. & Cheng, Q. (2008). Do Family Firms Provide More or Less Voluntary Disclosure? Journal of Accounting Research, 64 (3): 499-536
- Chi, J. , M. Gupta (2009), "Overvaluation and Earning Management", Journal of Banking and Finance. Vol. 33 (9), PP. 1652-1663.
- Chong-En Bai, Qiao Liu, Jo Lu, Frank M, song and Junxi Zhag, en. (2006). Empirical study on corporate Governanse and Market valuation in China. Economic Research Journal, Vol 2, pp 83-111.

- Chung,R. ,Firth,M. ,and Kim,J. (2005). "Earnings managment, surplus free cash flew,and external monitoring"Journal of Business Research,Vol. 58,pp. 766-776
- Clarkson,G. ,Jacobsen,T. E. ,Batcheller,A. L (2007). "Information asymmetry and information sharing". Government Information Quarterly. Vol. 24,Issue 4,pp827-839.
- Cornett, M. M. , A. J. Marcus, A. Saunders, & H. Tehranian, (2007) , "The impact of institutional ownership on corporate operating performance", Journal of Bankingand Finance, Vol. 31, PP. 1771-1794.
- Diamond, D. W. and R. E. Verrecchia, (1991). "Disclosure, liquidity and the cost of capital. " Journal of Finance Vol. 46, pp. 1325-1359.
- Ebrahimi Kordlar. Ali. (1386). " Corporate governance system and the role of institutional stakeholders in it". Journal of Accounting Knowledge and Research, Third Year, Vol. 8, pp. 4-25.
- Fadaeinejad, Mohammad Esmail: Khoramnia, Navid. (1391). "Investigation of Information Content of Disclosure of Corporate Profit Information and Its Effect on liquidity and Information Asymmetry in Tehran Stock Exchange", Quarterly of the Stock Exchange. No. 18 pp. 61-82.
- Fama, E. , and Jensen, M. (1983). " Separation of Ownership and Control". Journal of Law and Economics, Vol. 26, PP. 325-301.
- Ghaemi, Mohammad Hosein: Vatanparast, Mohammad Reza. (1384). "The role of accounting information in reducing information asymmetry in Tehran Stock Exchange". Accounting and Auditing Reviews, Volume 12, Issue 3.
- Gillan, S. , and Straks, L. (2003). "Institutional investors,Corporate governance: Global perspective,ownership and governance of enterprises: Recent innovative developments,Laixiang Sun ,Macmillan.
- Haji ghadirzade Mehdi , Mansour Garkaz , Alireza mehrazin, (2012) ," Ownership structure and Information asymmetry" Economics and Finance Review Vol. 2 (5) pp. 62 – 70.
- Hassas Yeganeh, Yahya: Hamidi, Elham. (1393). "The relationship between the quality of accounting information, the delay of the price response and the future return on equity", Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting, No. 42, pp. 31-58.
- Jean-François Gajewski (2015) Can Internet-based disclosure reduce information asymmetry? Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting. Pp:269-279.
- Khani, Abdollah: Ghajavand, Ziba. (1391). "The Effect of the Market Competitive Sphere on the Relationship Between Information Asymmetry and Cost of Equity Capital", Journal of Financial Accounting Research, Year 4, No. 4, pp. 67-88.
- Liao, S. H. & Wu, C. c. (2010) , System perspective of knowledge management, organizational learning, and organizational innovation, Expert Systems with Applications, Vol. 37, pp: 1096-1103.
- Makyan, Seyed Nezamaldin: Raeisi, Bahman. (1393). "The Effect of Corporate Governance on Information Asymmetry (Case Study: Tehran Stock Exchange). " Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development) , No. 4, Winter 1393, Pages 1-22.

- Penman, S. , and X. Zhang (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The Accounting Review*, 77, 23..
- Petersen, C. , and T. Plenborg (2006). "Voluntary disclosure and information asymmetry in Denmark. " *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 15, pp. 127-149.
- Rezazadeh, Javad: Azad, Abdollah. (1387). "The relationship between information asymmetry and conservatism in financial reporting. " *Accounting and Auditing Reviews*, Vol. 54, pp. 63-80.
- Singhavi, S. S. , & Desai, H. B. (1971). An empirical analysis of the quality of corporate financial disclosure. *The Accounting Review*, 46 (1) , 129-138.

ریسک سقوط قیمت سهام و اثر آن بر رقابت بازار محصول

زهرا فضل الهی دهکردی^۱، فرشید احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۹

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور داده‌های مربوط به ۱۰۰ شرکت عضو سازمان بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۵ مورد استفاده قرار گرفت. برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های تابلویی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد با افزایش ریسک سقوط قیمت سهام، رقابت بازار محصول کاهش می‌یابد. وجود چنین رابطه را می‌توان در عدم تقارن اطلاعاتی و نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی مطرح کرد که انتشار یکباره اطلاعات منفی به بازار و افزایش ریسک سقوط قیمت سهام، باعث می‌شود که تحلیل‌گران مالی در پیش‌بینی‌های خود درباره عملکرد شرکت تجدید نظر کرده و کیفیت شرکت‌ها را پایین ارزیابی کنند و از این طریق شرکت مزیت رقابتی در بازار را از دست بدهد.

واژه‌های کلیدی: ریسک سقوط قیمت سهام، رقابت بازار محصول، مزیت رقابتی.

طبقه‌بندی موضوعی: D53, O16

DOI: 10.22051/ijar.2018.19758.1388

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، نویسنده مسئول، (z.fazlolahi@gmail.com)

^۲ مربی پیام نور مرکز شهرکرد، (Ahmadi.farshid2@gmail.com)

مقدمه

استدلالات اصلی علم اقتصاد بر این مبنا استوار است که رقابت در بازار محصولات، یک سازوکار عالی برای تخصیص بهینه منابع تشکیل داده و دارای اثرهای انضباطی بر رفتار مدیران و بی‌کفایتی‌های آنان است. امروزه رقابت پذیری به عنوان یک مسئله مهم جهانی محسوب می‌شود و به معنای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار است. رقابت توانایی دستیابی به موقعیت پایدار و مناسب در بازارهای بین‌المللی است. در این دوره زمانی که جهانی شدن به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است، رقابت یک موضوع مهم در بین سیاست‌گذاران، صنایع و شرکت‌ها در سراسر جهان است (کردستانی و همکاران، ۲۰۱۶). اقتصاددانان اغلب فرض می‌کنند که رقابت در بازار به وسیله کاهش اقدامات مدیریتی ضعیف موجب می‌شود بنگاه‌ها عملکرد بهتری داشته باشند. بنابراین، رقابت در بازار می‌تواند با ایجاد انگیزه‌های قوی برای بنگاه‌های با ساختار حاکمیتی ضعیف، آنها را برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران تشویق کند (چانگ و همکاران، ۲۰۱۵). از سوی دیگر بسیاری از پژوهشگران نظیر برگاوا و همکاران (۲۰۱۶) بر این باورند که مدیران به دلیل نگرانی که در خصوص پاداش و آینده شغلی خود دارند، انگیزه دارند که اطلاعات منفی را از سرمایه‌گذاران پنهان کنند. آنها تمایل دارند نگرانی‌های خود را افزایش دهند، اما میزان اخباری که مدیران تمایل به پنهان کردن آن دارند با محدودیت مواجه است. زمانی که اخبار بد انباشته شده در شرکت به یک باره در سطح بازار منتشر می‌شود، آنگاه سقوط قیمت سهام رخ می‌دهد. ریسک سقوط قیمت سهام، عدم تقارن در ریسک، به ویژه کاهش ریسک را اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین مسئله مهمی در تحلیل پرتفوی و قیمت‌گذاری دارایی‌ها است. درک ریسک سقوط برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک‌ها ضروری است (لی و همکاران، ۲۰۱۶). یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است و در صورتی که اطلاعات مورد نیاز به صورتی نامتقارن بین افراد توزیع شود، می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به موضوعی واحد سبب شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به این که در ادبیات مدرن توسعه اقتصادی، نمونه‌های متعددی از بحث در مورد ساختار بازار که تولیدکنندگان فعال هستند وجود دارد. یکی از موضوعات مهم در چنین بحث‌هایی، فراهم کردن محیط مناسب برای رقابت بین بازیگران اقتصادی است (کردستانی و همکاران، ۲۰۱۶). رقابت در بازار محصولات به عنوان یک مشخصه مهم صنعت در توضیح نوسانات سود شرکت‌ها و عدم اطمینان اطلاعات است. تعدادی

از مطالعات نظری و تجربی نیز نشان دادند که رقابت بازار محصول بر عملکرد افشاء شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. به دلیل اینکه تحلیلگران مالی از خصوصیات سود و افشاء شرکت‌ها به عنوان ورودی در پیش‌بینی‌های خود استفاده می‌کنند، بنابراین شدت رقابت بازار محصول ممکن است بر پیش‌بینی تحلیلگران مالی تأثیرگذار باشد. در صنایع متمرکز و با قدرت، قیمت‌گذاری قوی پیش‌بینی‌های تحلیلگران مالی شرکت‌ها دقیق‌تر و پراکنده‌گی کمتری دارد (هاو و همکاران، ۲۰۱۵). این پژوهش می‌تواند اهمیت فراوانی در زمینه ریسک سقوط قیمت سهام و رقابت بازار محصول شرکت داشته باشد. سوال مطرح این است که آیا بین افزایش ریسک سقوط قیمت سهام و کاهش رقابت بازار محصول شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد؟ با دستیابی به جواب این سوال می‌توان به مدیران در جهت برنامه‌ریزی برای بهبود عملکرد شرکت و ارتقای پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام و اثر آن بر افزایش مزیت رقابتی شرکت کمک کرد و اقدام‌های مناسبتری را به عمل آورد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، شرکت‌ها انگیزه زیادی برای سرمایه‌گذاری دارند، زیرا اگر شرکت‌ها قادر به افزایش مشتریان خود باشند، آن‌گاه این سرمایه‌گذاری‌ها به سود آوری خواهد رسید. آنچه دنیای امروز شرکت‌ها و سازمان‌ها را با دنیای چند دهه قبل آن‌ها متمایز می‌کند، محیط ناپایدار و پیچیده، رقابت فزاینده، تغییرات و تحولات سریع و توسعه روزافزون تکنولوژی و ارتباطات می‌باشد. طبق تعریف مارتز، رقابت‌پذیری معادل قدرت اقتصادی یک واحد در مقابل رقابیش در بازاری است که به راحتی کالاها، خدمات، مهارت‌ها و ایده‌ها فراتر از مرزهای جغرافیایی عرضه می‌شود (دیلمی و بیاتی، ۱۳۹۴). رقابت بازار معیاری کلیدی برای ارزیابی درجه موفقیت کشورها، صنایع و بنگاه‌ها در میدان‌های رقابتی سیاسی، اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید؛ بدین معنی که هر کشور، صنعت یا بنگاهی که از توان رقابتی بالایی در بازارهای رقابتی برخوردار باشد، می‌توان گفت که از رقابت‌پذیری بالاتری برخوردار می‌باشد (بگس و بتشینیز، ۲۰۰۷). وانز نرید (۲۰۰۰) نشان داد که تصمیمات مالی شرکت‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای وابسته به ویژگی‌های بازار محصولات آنها است. استدلال‌های اصلی علم اقتصاد بر این مبنا استوار است که رقابت در بازار محصولات، یک سازوکار عالی برای

تخصیص بهینه منابع تشکیل داده و دارای اثرهای انضباطی بر رفتار مدیران و بی‌کفایتی‌های آنان است (مارکرین و سنتالو، ۲۰۱۰). رقابتی بودن بازار محصول بدین معناست که شرکت‌های مختلف در تولید و فروش کالا رقابت تنگاتنگی دارند و کالاهای آنها نسبت به دیگری برتری چندانی ندارد، زیرا اگر غیر از این باشد، بازار به سمت انحصار چند جانبه تمایل پیدا می‌کند (خدمای پور و بزرایی، ۱۳۹۲).

بسیاری از مطالعات، توضیح برجسته‌ای برای ریسک سقوط سهام شرکت پیشنهاد کرده‌اند؛ مدیران انگیزه دارند تا از انتشار اخبار بد برای سرمایه‌گذاران جلوگیری کنند. زمانی که این اخبار به سطح مشخصی از تجمع رسید به یکباره در بازار منتشر می‌شود و ریسک سقوط قیمت سهام رخ می‌دهد (لی و همکاران، ۲۰۱۶). تعریف سقوط قیمت سهام دارای سه ویژگی مشخص است: ۱. سقوط قیمت سهام، یک تغییر بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه‌ی مهم اقتصادی رخ می‌دهد؛ ۲. این تغییرات بسیار بزرگ به صورت منفی هستند؛ ۳. سقوط قیمت سهام، یک پدیده‌ی واگیردار در سطح بازار است. بدین معنی که کاهش قیمت سهام تنها به یک سهام خاص منحصر نمی‌شود، بلکه تمام انواع سهام موجود در بازار را شامل می‌شود (فروغی و همکاران، ۱۳۹۱). مسأله قابل توجه در این بین آن است که براساس تحقیقات حسابداری همواره مدیران واحدهای تجاری قادر خواهند بود در انجام سیاست "تأخیر در انتشار اخبار بد و انباشته ساختن آن به صورت اطلاعات محرمانه" حجم معینی از اخبار بد را در شرکت انباشته سازند، که این به دلیل عواملی نظیر پرهزینه بودن این سیاست و یا به طور کلی عدم توانایی مدیریت برای ادامه این اقدام (نظیر تغییر مدیریت واحد تجاری) می‌باشد. در نهایت با رسیدن حجم اطلاعات منفی انباشته شده به آن مقدار نهایی، دیگر مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این اخبار به بازار و سرمایه‌گذاران جلوگیری نمایند. با انتشار این اخبار در بازار، سرمایه‌گذاران با اطلاعات جدید بدست آمده در باورهای پیشین خود که مبنای قیمت جاری سهام شرکت بوده تجدیدنظر کرده و انتظار خود را بر اساس اطلاعات جدید بنیان می‌گذارند، که این امر موجب تعدیل یکباره و منفی قیمت سهام شرکت خواهد شد، که در ادبیات مالی از آن به عنوان ریزش قیمت سهام یا سقوط قیمت سهام یاد می‌شود (هاتن، ۲۰۰۹). افشای اطلاعات نقش اساسی در تصمیمات سرمایه‌گذاری و عملکرد بازارها دارد. سرمایه‌گذاران معمولاً قبل از سرمایه‌گذاری با مسایل اطلاعاتی و بعد از

سرمایه‌گذاری با مسایل نمایندگی مواجه می‌شوند. مشکلات اطلاعاتی و نمایندگی به عدم تقارن اطلاعاتی منتج می‌شود که به طور جدی از کارایی تخصیص منابع در بازارهای سرمایه جلوگیری می‌کند (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۲). افزایش ریسک سقوط قیمت سهام شرکتها در بازار نشان دهنده انتشار یکباره اطلاعات منفی به بازار است که این امر باعث می‌شود سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی پیش‌بینی‌های مالی خود را تغییر و کیفیت شرکت‌ها را پایین ارزیابی نمایند. بنابراین شرکت‌ها مزیت رقابتی در بازار را از دست می‌دهند، زیرا افشای با کیفیت اطلاعات باعث می‌شود که مدیران اطلاعات خود را درباره فعالیت‌ها و رویدادهای شرکت به درستی و به موقع به سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان شرکت منتقل کنند و این اطلاعات آگاهی آن‌ها را نسبت به شرکت بهبود بخشیده و منجر به تصمیم‌گیری‌های کارآمد می‌شود (بروکمان و همکاران، ۲۰۱۱).

سیمونیدیس (۲۰۱۷) به بررسی این موضوع پرداخت که آیا رقابت بازار محصول فعالیت‌های اعتصابی را افزایش می‌دهد؟ نتایج تحقیق نشان داد پس از لغو کارتل‌ها، رقابت تشدید یافت؛ علاوه بر آن تعداد فعالیت‌های اعتصابی و تعداد روزهای کاری که به دلیل اعتصاب از دست رفته بود به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

ایم و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین رقابت بازار محصول و ارزش نوآوری شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که شکل ارتباطی عکسی بین رقابت بازار محصول و ارزش نوآوری وجود دارد.

طاهری نیا و فضل‌الهی (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط بین سرمایه‌فکری و رقابت بازار محصول پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین سه عنصر کارایی سرمایه‌فکری (سرمایه‌بکار گرفته شده، سرمایه‌انسانی، سرمایه‌ساختاری) و رقابت بازار محصول رابطه منفی وجود دارد.

احمدپور و فرمانبردار (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و رقابت بازار محصول ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. همچنین، بین سطح افشای عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت با رقابت بازار محصول ارتباط معناداری وجود ندارد.

گرچی و راعی (۱۳۹۲) به تبیین سرعت تعدیل ساختار سرمایه به کمک مدل دینامیک ساختار سرمایه بهینه با تأکید بر عامل رقابت، بازار محصول را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت‌های ایرانی با سرعت زیادی به سمت نسبت بدهی هدف حرکت می‌کنند. هدف دیگر این پژوهش بررسی تأثیر متغیر عامل رقابت بازار محصول بر روی ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی است. نتایج به دست آمده از مدل تخمینی به کمک روش گشتاورهای تعمیم یافته بیانگر رابطه مثبت بین این دو متغیر است که هماهنگ با مدل‌های بدهی است.

هیچ تحقیق موجودی به طور سیستماتیک تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول را بررسی نکرده است. این تحقیق کمک می‌کند تا این شکاف پر شود و نقش ریسک سقوط قیمت سهام را بر رقابت بازار محصول شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه ذکر شده و با توجه به این که هدف این تحقیق، بررسی تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول است، فرضیه تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه تحقیق: بین ریسک سقوط قیمت سهام و رقابت بازار محصول رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و از حیث هدف پژوهشی کاربردی است و از آنجا که در این پژوهش، به بررسی وضعیت موجود متغیرها با استفاده از جمع آوری اطلاعات از طریق اطلاعات گذشته اقدام کرده است، در ردیف مطالعات توصیفی - پس رویدادی قرار می‌گیرد. هدف از این پژوهش ارائه روشی مناسب برای تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به این منظور ابتدا ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های موجود در نمونه برای دوره زمانی (۹۵-۸۳) محاسبه گردیده سپس در مرحله بعد، فرضیه‌های تحقیق را با استفاده از آزمون‌های آماری مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

مدل و متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش شامل سه دسته متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل به شرح زیر می‌باشد:

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

در این پژوهش متغیر وابسته رقابت بازار محصول (شاخص هرفیندال و هیرشمن) می‌باشد. رقابت در بازار محصول براساس شاخص هرفیندال- هیرشمن اندازه گیری شده است که در پژوهش‌های راندی و جنسن (۲۰۰۴)، گیروود و مولر (۲۰۱۱)، گاستاو و رونی (۲۰۱۲) و ستایش و کارگرفرد (۱۳۹۰) مورد استفاده قرار گرفته است (خدادادی و نیک کار و رشیدی باغی، ۱۳۹۳).

$$\text{Herfindahl - Hirschman Index (HHI)} = \sum_{i=1}^n \left(\frac{S_i}{S} \right)^2 \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

S_i = عبارت از درآمد فروش شرکت i ؛ S = مجموع درآمد فروش شرکت‌های موجود در صنعتی که شرکت i در آن فعالیت می‌کند. n = تعداد شرکت‌های موجود در صنعت مورد نظر است.

متغیر مستقل

با توجه به فرضیه تحقیق، متغیر مستقل این پژوهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد، که برای اندازه گیری آن از بازده ماهانه خاص شرکت که آن را با W نشان می‌دهیم و با استفاده از رابطه (۱) و رابطه (۲) به دست می‌آید، محاسبه شده است (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۱).

$$W_{j,t} = \ln(1 + \varepsilon_{j,i}) \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$r_{j,t} = \alpha_j + \beta_1 r_{m,t-2} + \beta_2 r_{m,t-1} + \beta_3 r_{m,t} + \beta_4 r_{m,t+1} + \beta_5 r_{m,t+2} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در رابطه (۲) بازده سهام شرکت j در ماه t می‌باشد، و $r_{m,t}$ بازده ماهانه بازار (بر اساس شاخص بازار) خواهد بود.

در این تحقیق، ریسک سقوط قیمت سهام، متغیری مجازی است که اگر شرکت طی سال مالی حداقل یک دوره سقوط را تجربه کرده باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

متغیرهای کنترل

لیند نبرگ و راس (۱۹۸۱) نشان دادند که کیوتوین از توانایی قابل ملاحظه ای برای نمایش قدرت رقابت بازار شرکت برخوردار است (گرچی و راعی، ۱۳۹۲) و خدادای و نیک کار و رشیدی باغی (۱۳۹۳) در پژوهش خود از این متغیر به عنوان متغیر کنترلی استفاده کرده‌اند. همچنین احمد پور و فرمانبردار (۱۳۹۴) در پژوهش خود از دو متغیر اهرم مالی و اندازه شرکت برای بررسی رقابت بازار محصول استفاده کرده‌اند. در این پژوهش این متغیرها به عنوان متغیرهای کنترل بر رقابت بازار محصول شرکت انتخاب شدند.

کیوتوین ($Q-TOBIN$): معیار سرمایه گذاری است که برابر با نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارای‌ها می‌باشد (خدادای و همکاران، ۱۳۹۳).

اندازه شرکت ($SIZE$): برابر با لگاریتم مجموع دارایی‌ها است (ملانظری و نوری فرد و قشقایی و عبدی، ۱۳۹۱).

اهرم مالی (LEV): به مفهوم این است که از محل بدهی‌ها و استقراض (منابع خارج از شرکت) چه میزان دارایی برای شرکت (منابع) تامین می‌شود. به بیان دیگر، چند درصد از دارایی‌های شرکت از محل بدهی‌ها تامین شده است. اهرم مالی به صورت نسبت جمع بدهی‌های شرکت به جمع دارایی‌های آن در پایان سال مالی است (فرناندو و ایلدر، ۲۰۰۸).

الگوی پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول می‌باشد. بر این اساس از الگوی زیر برای بررسی فرضیه‌ها استفاده خواهد شد.

الگوی (۱)

$$HHI_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CRASH_{i,t} + \alpha_2 QTOBIN_{i,t} + \alpha_3 SIZE_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t}$$

که در الگوی مزبور:

HHI = رقابت بازار محصول (شاخص هیرفیندال و هیرشمن)؛ $CRASH$ = ریسک سقوط قیمت سهام، $Q - TOBIN$ = معیار سرمایه گذاری؛ $SIZE$ = اندازه شرکت؛ LEV = اهرم مالی، i نماد شرکت و t سال مورد نظر می باشد.

جامعه آماری و نمونه گیری

در این پژوهش، صورت های مالی مربوط به شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت ۱۰۰ شرکت که دارای شرایط زیر بودند، برای انجام آزمون انتخاب شدند:

- سال مالی منتهی به پایان اسفند ماه و در دوره مورد بررسی تغییری در آن ایجاد نشده باشد.
- شرکت در دوره مورد بررسی از فهرست شرکت های پذیرفته شده در بورس حذف نشده باشد.
- شرکت ها جزء شرکت های سرمایه گذاری و بانکها و نهادهای پولی و اعتباری نباشد.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در نگاره (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
رقابت بازار محصول	۰/۴۰۲۵	۰/۴۰۸۰	۰/۲۵۹۸	۰/۸۹۲۱	۰/۰۰۱۴
ریسک سقوط قیمت سهام	۰/۵۸۵۸	۱/۰۰۰۰	۰/۴۹۵۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
کیو توبین	۱/۳۰۹۷	۱/۰۷۷۸	۰/۷۱۲۶	۳/۹۹۵۵	۰/۰۱۳۸
اندازه شرکت	۶/۳۰۸۸	۶/۱۲۳۹	۰/۸۳۵۷	۸/۵۲۰۰	۴/۸۶۰۱
اهرم مالی	۰/۸۲۵۵	۰/۷۳۵۱	۰/۳۷۸۸	۲/۳۸۲۴	۰/۰۰۶۰

منبع: یافته های پژوهش

میانگین متغیر وابسته رقابت بازار ۰/۴۰۲۵ بیانگر میزان رقابت در بازار محصول شرکت است. میانگین ریسک سقوط قیمت سهام ۰/۵۸۵۸ بیانگر میزان اثر انتشار اخبار بد بر قیمت سهام است. میانگین متغیر اهرم مالی ۰/۸۲۵۵ بوده و بیانگر این است که بخش عمده‌ای از منابع شرکت از محل بدهی‌ها تامین مالی شده است. میانگین متغیر اندازه شرکت ۶/۳۰۸۸ که نشان دهنده مجموع دارایی‌های شرکت است. میانگین متغیر Q توبین ۱/۳۰۹۷ بیانگر فرصت‌های رشد شرکت می‌باشد.

مانایی متغیرها

آزمون مانایی عمدتاً به منظور جلوگیری از رگرسیون‌های کاذب انجام می‌گیرد. برای جلوگیری از رگرسیون کاذب بایستی متغیرها مانا باشند. در غیر اینصورت بایستی از تفاضل متغیرها که معمولاً مانا هستند، استفاده نمود. مانایی یا نامانایی یک سری زمانی می‌تواند تأثیر جدی بر رفتار و خواص آن داشته باشد. اگر متغیرهای مورد استفاده در برآورد مدل، ناپایا باشند در عین حالی که ممکن است هیچ رابطه منطقی بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود نداشته باشد ضریب تعیین به دست آمده آن می‌تواند بسیار بالا باشد و باعث شود تا محقق استنباط‌های نادرستی در مورد میزان ارتباط بین متغیرها انجام دهد. بنابراین استفاده از داده‌های نامانا می‌تواند منجر به رگرسیون‌های کاذب شود. همانطور که نگاره (۲) نشان می‌دهد متغیرهای پژوهش مانا هستند و رگرسیون کاذب ایجاد نمی‌شود.

نگاره (۲): آزمون مانایی متغیرها

متغیرها	احتمال
ریسک سقوط قیمت سهام	۰/۰۰۰۰
رقابت بازار محصول	۰/۰۰۰۰
کیوتوبین	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۲۸۰
اهرم مالی	۰/۰۰۰۰

آمار استنباطی

برای برآورد الگوهای مزبور طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۵ در چارچوب داده‌های ترکیبی، ابتدا از آزمون چاو مقید استفاده شده است. این آزمون تعیین کننده‌ی استفاده از مدل Pooled یا مدل اثرات ثابت است. اگر آماره F در سطح خطای ۵ درصد، معنی‌دار باشد، فرضیه‌ی صفر (مدل Pooled) رد می‌شود و مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون چاو در نگاره (۲) ارائه شده است:

نگاره (۳): نتایج آزمون چاو برای الگوهای تحقیق

الگوی تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۲/۷۸۵۲	۰/۰۰۸۶	الگوی اثرات ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، آماره‌ی F در سطح خطای ۵ درصد برای الگوی فوق معنادار است. بنابراین، آزمون چاو، مشابه بودن عرض از مبدأ در تمام دوره‌ها را به طور قوی رد کرده است. از این رو، در این آزمون روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. در مرحله‌ی بعد، روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می‌شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. اگر آماره‌ی محاسباتی در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار باشد، فرضیه اثرات تصادفی رد می‌شود و مدل اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. به منظور بررسی انتخاب روش برآورد، نتایج آزمون هاسمن در نگاره (۴) ارائه شده است:

نگاره (۴): نتایج آزمون هاسمن برای الگوهای تحقیق

الگوی تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۲/۲۵۷۹	۰/۶۸۸۴	اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نگاره (۴)، آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن در سطح خطای ۵ درصد در رابطه با الگوی فوق معنادار شده است، بنابراین، عدم وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی رد شده است. از این رو، برای برآورد الگوی فوق از روش اثرات تصادفی استفاده خواهد شد.

نتایج آزمون فرضیه‌ی پژوهش

نگاره (۵): نتایج حاصل از برآورد الگوی تحقیق

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره‌ی t	احتمال
عرض از مبدا	۰/۸۹۷۴	۰/۲۴۶۸	۳/۶۳۶۱	۰/۰۰۰۵
ریسک سقوط قیمت سهام	-۰/۱۳۰۶	۰/۰۴۶۷	-۲/۷۹۳۲	۰/۰۰۶۳
کیوتوبین	-۰/۰۷۸۰	۰/۰۳۳۸	-۲/۳۰۳۸	۰/۰۲۳۴
اندازه شرکت	-۰/۰۶۸۰	۰/۰۳۸۳	-۱/۷۷۴۲	۰/۰۷۹۳
اهرم مالی	۰/۱۳۷۱	۰/۰۶۷۵	۲/۰۳۰۳	۰/۰۴۵۱
ضریب تعیین	۰/۱۵۸۸			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۱۶۹			
آماره‌ی دوربین - واتسون	۱/۸۲۶۷			
F آماره‌ی	۵/۶۲۵۹			
F احتمال آماره‌ی	۰/۰۰۰۴			
احتمال آزمون بروش - پاگان	۰/۲۴۷۴			

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج ارائه شده در نگاره (۵)، ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگوی، نشان می‌دهد در مجموع متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۱۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین - واتسون (۱/۸۲۶۷) می‌توان ادعا کرد خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. احتمال آزمون واریانس ناهمسانی بروش - پاگان نشان می‌دهد که مقدار آزمون در ناحیه بحرانی قرار ندارد و فرضیه H_0 رد نمی‌شود؛ یعنی واریانس همسان است. سطح خطای احتمال مربوط به فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول برابر ۰/۰۰۶۳ است که از ۵ درصد کوچک‌تر است، بنابراین، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه، ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول تأثیر منفی معناداری دارد. متغیرهای کنترل کیوتوبین و اهرم مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار شدند و متغیر اندازه شرکت در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

نتیجه‌گیری

امروزه رقابت پذیری، یک موضوع محوری در سطح دنیا است؛ که از آن به عنوان وسیله ایی جهت دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه پایدار یاد می‌شود. یکی از ویژگی‌های شرکت موفق، برخورداری از قدرت رقابت پذیری است. در عین حال ویژگی بارز شرکت‌های ناموفق، عدم برخورداری از این قدرت است (کدیا و همکاران، ۲۰۰۹). در این تحقیق نقش ریسک سقوط قیمت سهام بر رقابت بازار محصول مورد مطالعه قرار گرفته است. مهم ترین عامل برای بیان ارتباط بین ریسک سقوط قیمت سهام و رقابت بازار محصول عدم تقارن اطلاعاتی و نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی است. ریسک سقوط قیمت سهام در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی و نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی ایجاد می‌شود (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران موضوعی بنیادی برای سرمایه‌گذاران و ناظران بازار محسوب می‌شود. عدم تقارن اطلاعاتی به طور مستقیم بر عملکرد بازار تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که افزایش آن باعث کاهش کارایی بازار می‌شود (اجنکیا و همکاران، ۲۰۰۵). در یک محیط گزارشگری غیرشفاف، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیانده شرکت نیستند. ناتوانی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سودده و زیانده در مراحل اولیه آنها باعث می‌شود که پروژه‌های زیانده ادامه یابد و با گذر زمان زیان‌دهی آنها افزایش یابد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰). افزایش زیان‌دهی شرکت و انتشار یکباره بازده منفی این پروژه‌ها به بازار و افزایش ریسک سقوط قیمت سهام باعث می‌شود که تحلیل‌گران مالی عملکرد و کیفیت این شرکت‌ها را پایین ارزیابی کنند و رقابت بازار محصول شرکت‌ها کاهش یابد.

با در نظر گرفتن مبانی نظری و پیشینه پژوهش هر یک از موضوعات زیر می‌تواند به عنوان موضوع پیشنهادی جهت انجام پژوهش‌های آتی در این زمینه در نظر گرفته شود:

- رابطه ریسک سقوط قیمت سهام و اثر آن بر مدیریت سود مورد بررسی قرار گیرد.
- تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر سیاست تقسیم سود با استفاده از معیارهای عملکرد مبتنی بر بازار مانند کیوتوبین، بازده سهام مورد بررسی قرار گیرد.
- تأثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر سرمایه‌فکری شرکت‌های عضو سازمان بورس اوراق بهادار تهران بررسی شود.

منابع

- Ahmad pur, A. Farmanbordar, M. (2015). The relationship between of firms social responsibility information disclosure and product market competition, *Journal of financial Accounting*, N. (26) , pp. 103-124. (In persian).
- Ajinkya, B. , Bhojraj, S. And Sengupta,P. , (2005). The Association between outsider Directors and Institutional Investors and the Properties of Management Earning Forecast. *Journal Of Accounting Research*, 43, 343-376.
- Baggs, J. & Bettignies, J, E, (2007).product market Competition and Agency Costs. *theJournal of Industrial conomics*,: 289-323.
- Brockman, P. and E. Unlu, (2011) , "Earned/Contributed Capital, Dividend Policy, and Disclosure Quality: An International Study", *Journal of Banking and Finance*, Vol. 35, PP. 1610-1625.
- Chang, Y,K. , Chen, Y, L. , Chou, R,K. , Huang, T, H. (2015). Corporate governance, product market competition and dynamic capital structure, *nternational Review of Economics and Finance*, 38, 44–55.
- Diyanty, Z. Moradzade, M. Mahmodi, S. (2012). The effect Institutional Investors on reduse of stock price crash risk.. *Journal of Knowledge*, N (2) , pp: 1-18. (In Persian).
- Fernando, G. D. and Elder, R. J. and Abdel-Meguid, A. M. 2008. Audit quality attributes, Client size and Cost of capital. <http://ssrn.com/abstract=817286>.
- Foroughi, D. Amiri, H. Mirzaii, M. (2011). The effect of the lack of financial information on stock price crash risk. *Journal of financial Accounting*, N (4): Pp: 15-40. (In Persian).
- Gorgi, AH. Raei, R. (2013). Speed of Adjustment to Target Capital Structure based on dynamics model to optimize the capital structure with emphasis on product market competition. *Journal of Knowledge Financial of Analysis Securities*. No, (25). pp, 43-67. (In persian)
- Hutton, a. p. M arcus, A. J. , Tehranian. H. , (2009). Opaque financial reports, R2, and stock crash risk. *J. Financial Econ*. 94. 67-86.
- Im, H. J. , Park, Y. J. , Shon, J. (2015). Product market competition and the value of innovation: Evidence from US patent data, *Economics Letters* 137 (2015) 78–82.
- Kedia, S. , Philippon, T. , (2009) , "The Economics of Fraudulent Accounting", *The Review of Financial Studies*, Vol. 22 (6) ,PP. 2169-2199.
- Khadamipoor, A. Bazraii, U. (2013). The effect product market competition on With the board structure and disclosure quality, *Journal of Knowledge accounting* , N (14) , pp: 51-66. (In Persian).
- Khodadi, V. Nikkar, J. Rashid baghi, M. (2014). The impact of product market competition on gain division policy. *Journal of Research in Financial Accounting and Auditing*. No. (24) , PP, 21-32. (In persian).
- Kordestani, G,R. , Mohamadi, M, R. (2016). A Study of the Relationship between Product Market Competition and Earnings Management, *Procedia Economics and Finance* 36 (2016) 266 – 273.
- Li, Xiaoran. , Zhu, Weikang. (2016). Short- Sales and price crash risk: evidence from an emerging market. *Economics letters*, 144, 22-24.

- Markarian, G. , and J. Santaló. (2010). Product Market Competition, Information and Earnings Management. IE Business School Working Paper .(1): 1-44.
- Mollanazar, M. Norifard, Y. , Ghashghai Abdi, SH. (2012). The effect Different of Firm size and industry type on the profitability. Journal of Research Financial accounting and auditing. No. (16). pp, 157-183. (In persian).
- Moradi, J. Valipoor, H. Ghalmi, M. (2011). The effect Accounting conservatism on reduce of stock price crash risk. Journal of Knowledge menegemant accounting, N (11) , pp: 93-106. (In Persian).
- Symeonidis, G. (2017). Does product market competition increase strike activity? Evidence from the UK, European Economic Review, 9, 1-45.
- Taherinia, M. Fazlolahi, Z. (2017) The effect of intellectual capital on product Market competition. Journal of Research Accounting, N (25) , pp: 1-17. (In Persian).
- Yaseen, s, Dajani, D, & yasmeeen, h. (2016). The impact of intellectual capital on competitive advantage: applied study in jordanian telecommunication companies. computer in human behavior, 1 62, pp168-175.

چرایی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای در حال توسعه

منوچهر روستا؛ علی اصغر دهقانی سعدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۰

چکیده

امروزه تلاش‌های روزافزون برای هماهنگ‌سازی حسابداری در سطح بین‌المللی موضوعی برجسته و البته بحث برانگیز در اکثر کشورها است. موج حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی برای افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و جلب توجه سرمایه‌گذاران خارجی، خروشان است. در این میان کشورهایی که از زیرساخت‌های مناسبی برخوردار نیستند، در صف اول پذیرش و اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری دیده می‌شوند. مطالعه حاضر با بهره‌گیری از دو نظریه کلان نهادی و اقتصادی شبکه‌ها سعی در تبیین حرکت کشورهای در حال توسعه برای پذیرش و اجرای استانداردهای گزارشگری بین‌المللی دارد. از دیدگاه نظریه نهادی، بین‌المللی شدن حسابداری ابزاری برای کسب مشروعیت و پاسخگویی به فشارهای وارده از جانب نهادهای بین‌المللی و داخلی است. از نگاهی دیگر، نظریه اقتصادی شبکه‌ها بیان می‌کند، استانداردهای گزارشگری بین‌المللی، کالایی ارزشمند است.

واژه‌های کلیدی: نظریه نهادی، نظریه اقتصادی شبکه‌ها، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G15

DOI: 10.22051/ijar.2018.16510.1329

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول، (Manuchehr.Roosta@yahoo.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز، (ira.dehghani@gmail.com)

مقدمه

امروزه حرکت به سمت هماهنگ شدن در بین سازمان‌ها و کشورها تب و تاب خاصی دارد. با مطرح شدن تجارت جهانی، بازارهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، شرکت‌های چند ملیتی و غیره گویا چارچوب‌ها و مرزهای جغرافیایی کشورها دیگر مد نظر قرار نمی‌گیرد و جهان به عنوان یک کل نگریسته می‌شود. در راستای این حرکت سریع، حسابداری نیز دستخوش تغییراتی در تعریف تا اهداف و روش‌ها شده است. هنگامی که سیر تطور حسابداری را نظاره‌گر باشیم، مشاهده می‌شود که تعاریف و انتظارات از حسابداری، ویژه و البته بهتر شده است. حسابداری در زمان حال به عنوان زبان تجارت و سیستم اطلاعاتی نامیده می‌شود. این تعاریف منجر به پیدایش محیط حسابداری و تقسیم آن بین گروه‌های استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، واحدهای گزارشگر و حرفه حسابداری می‌شود. آنچه امروزه در ذهن تدوین‌کنندگان استانداردهای بین‌المللی تداعی می‌شود، حمایت از استفاده‌کنندگان است. در چارچوب‌های نظری ارائه شده به عنوان مبنایی برای توسعه و تدوین استانداردهای حسابداری، نگاهی ویژه و خاص به استفاده‌کنندگان شده است. با این که استفاده‌کنندگان طیف وسیعی را در بر دارند، اما همه آن‌ها به طور مستقیم مورد توجه قرار نمی‌گیرند (صفرزاده، ۱۳۹۴).

همچنین، طبیعت موضوع می‌طلبد که هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی به منظور راحتی و آسان شدن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان به دنبال این باشد که صورت‌های مالی در هر کشوری براساس یک مجموعه استاندارد واحد تهیه شود. نزدیک به ۱۵۰ کشور در سایت استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی^۱ (IFRS) نسبت به استانداردهای بین‌المللی موضع خود را مشخص کردند و به نظر می‌رسد این روند همچنان ادامه‌دار باشد. پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با موانع و مزایای پذیرش IFRS چه در داخل و چه خارج از کشور انجام شده است. به طور مثال پژوهش رحمانی و علیپور (۱۳۸۹) عمده موانع برجسته شده پذیرش IFRS در ایران را مشخص ساختند که اهم آن‌ها عبارتند از (۱) عدم آموزش استانداردهای بین‌المللی در دانشگاه‌ها؛ (۲) عدم حضور موثر در مجامع حرفه‌ای حسابداری و بازارهای مالی؛ و (۳) عدم گسترش بازارهای سرمایه به عنوان یک بورس بین‌المللی و موانع سرمایه‌گذاری خارجی. همچنین تیلور و همکاران (۱۹۸۶) معتقدند که تهیه صورت‌های مالی براساس استانداردهای بین‌المللی، مربوط بودن و قابلیت مقایسه بیش‌تری نسبت به استانداردهای داخلی دارد.

طبق نظرسنجی فدراسیون حسابداری بین‌المللی (IFAC) (۲۰۰۸)، مشخص شد که یکپارچه‌سازی استانداردهای بین‌المللی باعث رشد اقتصادی در بین کشورهای عضو خواهد شد. همچنین، این امر منجر به افزایش سوددهی شرکت‌ها، تهیه آسان‌تر صورت‌های مالی به وسیله شرکت‌های چند ملیتی و کمک به سرمایه‌گذاران جهت فرصت‌های بهتر سرمایه‌گذاری می‌شود (IFRS، ۲۰۰۸). هانس هوگروست رئیس هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری در یک سخنرانی در تورنتو کانادا بیان می‌کند، مأموریت هیات، توسعه IFRS به منظور شفافیت پاسخگویی و کارایی در بازارهای مالی سرتاسر دنیا است. استفاده از یک زبان حسابداری، هزینه‌های سرمایه و گزارشگری بین‌المللی را کاهش می‌دهد (ملاطیفه، ۱۳۹۴). جای هیچ مناقشه‌ای نیست که IFRS در کشورهای توسعه یافته با سطح بالای تحصیلات دانشگاهی، سیستم‌های حقوقی مشابه و البته بازارهای آزاد پرورش یافته است.

پروا (۱۹۸۹) بیان می‌کند به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب برای اجرا در کشورهای در حال توسعه، احتمال بهره‌مندی از مزایای IFRS کم است؛ اما با توجه به حرکت کشورهای در حال توسعه برای اجرای IFRS بایستی به دنبال دلایل دیگری باشیم. حال این سوال مطرح است که چرا کشورهای در حال توسعه که عموماً از زیرساخت‌های مناسبی بهره نمی‌برند، به دنبال پیاده‌سازی و پذیرش IFRS هستند؟ البته این سوال را در ارتباط با بخش عمومی کشورهای در حال توسعه که متقاضی پیاده‌سازی مبنای تعهدی هستند، می‌توان طرح نمود. برای پاسخ به این سوال نیازمند یک نظریه هستیم که با توجه به ابعاد موضوع، پاسخگویی مناسبی داشته باشد. پژوهش‌های بسیاری در کشورهای در حال توسعه انجام شده است و همه آن‌ها با اشاره به دو نظریه کلان شامل نظریه نهادی^۲ و نظریه اقتصادی شبکه‌ها^۳ سعی در پاسخگویی به این سوال داشتند. بنابراین، در راستای مسئله مطرح شده، هدف اصلی مطالعه حاضر تبیین چرایی پذیرش IFRS با برخورداری از این دو نظریه یاده شده است. ترتیب نوشتار حاضر بدین گونه است که در بخش نخست نظریه نهادی، در بخش دوم نظریه اقتصادی شبکه‌ها و نهایتاً در بخش سوم، پژوهش‌های تجربی مرتبط با این دو نظریه ارائه شده است.

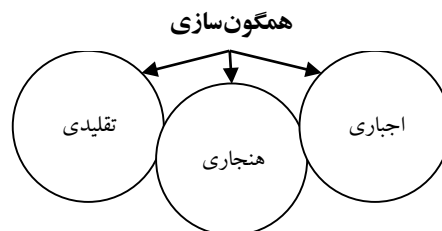
نظریه نهادی

نظریه نهادی ارتباط سازمان‌ها را از بُعد رفتاری توجیه می‌کند و بیان می‌دارد که محیط، فشارهایی را بر سازمان‌ها جهت کسب مشروعیت و مطابقت با هنجارهای اجتماعی تحمیل

می‌کند. فشارهای نهادی، سازمان‌ها را به سمت فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که مشروعیت آن‌ها را افزایش و باعث تطبیق آن‌ها با قوانین، الزامات و هنجارهای محیط کسب و کار می‌شود (زارعی و زارعی، ۱۳۸۶). نظریه نهادی بینش عمیقی را در مورد نقش فاکتورهای نهادی در فرآیند پذیرش و انتشار استانداردهای بین‌المللی در مقیاس جهانی ارائه می‌کند. از این رو، نتیجه پذیرش IFRS مشروعیت این کشورها را به جای بهبود عملکرد اقتصادی آن‌ها در پی دارد. به طور خلاصه، نظریه نهادی بیان می‌کند کشورها برای از دست ندادن مشروعیت خود، تمایل به قبول استانداردها و اصول غالب را دارند.

در سال ۱۹۸۳ دی‌ماجیو و پاول مفهوم همگون‌سازی^۴ را به عنوان مفهوم کلیدی در نظریه نهادی، مطرح کردند. این واژه علل تغییرات ناگهانی و به سرعت کشورهای در حال توسعه برای یک شکل شدن با کشورهای توسعه یافته را بیان می‌کند. همگونی نوعی فرآیند محدود است که یک واحد را مجبور به شباهت با واحدهای دیگر در یک جمعیت یا جامعه می‌کند تا همگنی با شرایط محیطی مشابهی مواجه شوند. در این بین، سه نوع همگون‌سازی اجباری، تقلیدی و هنجاری به شرح نگاره ۱ مطرح است که در ادامه تشریح می‌شوند.

نگاره (۱): انواع همگون‌سازی



همگون‌سازی اجباری^۵

نوع اول از همگون‌سازی ریشه در نفوذ سیاسی و فشارهای رسمی و غیر رسمی دارد. اجبار می‌تواند در قالب فشار، ترغیب و یا دعوت باشد (دی‌ماجیو و پاول، ۱۹۸۳). فشارهایی که نهادهای بین‌المللی بر کشورها وارد می‌کنند، در این دسته قرار می‌گیرد. سازمان‌هایی از جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد و سازمان همکاری توسعه اقتصادی اجبار را برای رعایت IFRS در کشورهای در حال توسعه در نظر دارند. فلسفه نیت آن‌ها افزایش

اطمینان سرمایه‌گذاران و کارایی بازار سرمایه در سرتاسر جهان است. کشورهای با درآمد میانه رو به پایین برای توسعه اقتصادی به کمک مالی سازمان‌های بین‌المللی نیاز دارند. نتیجه این وابستگی و نیاز مالی حرکت به سمت پذیرش IFRS است (پری‌کپ، ۲۰۱۶).

همگون‌سازی تقلیدی^۶

دومین نوع از همگون‌سازی اشاره به تقلید کشورها از سایر کشورهای پیشرو به منظور کسب مشروعیت و موفقیت دارد. از این رو، کشورهای در حال توسعه برای کسب مشروعیت در عرصه جهانی از اصول و استانداردهای کشورهای توسعه یافته تقلید می‌کنند. این تقلید می‌تواند از بعد رقابتی بودن در عرصه جهانی نیز مطرح شود. کشورها می‌دانند اگر IFRS را نپذیرند از صحنه بازار جهانی محو می‌شوند (پری‌کپ، ۲۰۱۶). بنابراین، برای ماندن در بازار و حداقل حفظ سهم خود مجبورند به گونه‌ای از دیگر کشورها تقلید کنند. همگون‌سازی تقلیدی همچنین، می‌تواند در شرایط مهم و نااطمینان هم اجرا شود. به عبارتی، سازمان‌هایی که به مشکل و مسئله‌ای برخورد می‌کنند به دنبال کپی برداری و تقلید از سازمان‌های موفق هستند (دی‌ماجیو و پاول، ۱۹۸۳).

همگون‌سازی هنجاری^۷

همگون‌سازی هنجاری اشاره به حرفه‌گرایی دارد. این نوع از همگون‌سازی از تطبیق ارزش‌های جمعی عمل و فکر در محیط‌های نهادی حاصل می‌شود. ظرفیت‌های آموزشی و دانشگاهی هر حرفه‌ای را از جمله حسابداری توسعه می‌دهد (پری‌کپ، ۲۰۱۶). فشارهایی داخلی کشورها از جانب دانشگاه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای نشان از همگون‌سازی هنجاری دارد. بنابراین، دانشگاه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای نقش اساسی در پذیرش IFRS دارند. چهار شرکت بزرگ حسابداری و خدمات حرفه‌ای مالی^۸ نقش بزرگ و اساسی در جهانی کردن حسابداری دارند. نقش آن‌ها را می‌توان در قالب همگون‌سازی هنجاری دسته‌بندی کرد.

بنابراین کشورهای در حال توسعه با توجه به فشارهای سازمان‌های بین‌المللی، مجامع حرفه‌ای و دانشگاهی و یا برای حفظ مشروعیت خود در صحنه بین‌المللی، حرکت به سمت IFRS را به عنوان یک ابزار می‌پذیرند (پری‌کپ، ۲۰۱۶).

نظریه اقتصادی شبکه‌ها (نظریه اقتصادی)

این نظریه همانند نظریه نهادی، پذیرش IFRS را در سطح کلان بررسی می‌کند. رامانا و اسلتن (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان «چرا کشورها استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را می‌پذیرند؟» از نظریه اقتصادی برای پاسخگویی به این سوال بهره بردند.

در نظریه اقتصادی، IFRS را به عنوان یک محصول یا کالا که دارای اثرات شبکه‌ای است، فرض می‌کنیم. این محصول دارای دو نوع ارزش شامل ارزش ذاتی و ارزش شبکه‌ای^۹ است. برای روشن شدن موضوع فرض کنید شما یک رایانه را خریداری می‌کنید. این رایانه از دو منظر برای شما ارزش خواهد داشت. ابتدا ارزشی است که به طور مستقیم مربوط به استفاده از رایانه است، مانند کارت گرافیک و سرعت بالا و غیره. دوم، ارزشی است که به طور غیر مستقیم برای شما دارد. به عنوان مثال، شما با رایانه می‌توانید فایل‌هایی را با دوستانان به اشتراک بگذارید. در ادبیات مرتبط با نظریه اقتصادی به ارزش ذاتی محصول، ارزش اختصاصی^{۱۰} و ارزش شبکه‌ای، ارزش جمعی^{۱۱} (ارزشی که در نتیجه هم‌افزایی و هماهنگی بدست می‌آید) نامیده می‌شود. به این معنا که اگر ارزش اختصاصی کالا از ارزش سایر کالاهای جایگزین کمتر باشد، ارزش جمعی می‌تواند دلیلی بر انتخاب آن کالا باشد. به بیانی دیگر، ارزش جمعی، ارزشی با تأثیرات شبکه‌ای است و شما را به دیگران مرتبط می‌سازد (رامانا و اسلتن، ۲۰۰۹).

با توجه به نظریه اقتصادی، از پنجره ارزش اختصاصی و جمعی پذیرش IFRS، می‌توان حرکت کشورها را به سمت IFRS توجیه کرد. همان‌طور که بیان شد ارزش اختصاصی اشاره به ارزش مستقیمی دارد که در نتیجه‌ی پذیرش و اجرای IFRS عاید کشورها می‌شود و از سوی دیگر ارزش جمعی، ارزشی است که به واسطه پذیرش IFRS در بین کشورهای دیگر (کشورهایی که خود IFRS را اجرا می‌کنند) بدست می‌آید. به بیان دیگر رامانا و اسلتن (۲۰۰۹) معتقدند وقتی در یک منطقه جغرافیای مانند یک قاره، تعداد کشورهایی که IFRS را می‌پذیرند افزایش یابد، سایر کشورهای مرتبط با آن منطقه نیز به این سمت حرکت می‌کنند. بنابراین، می‌توان براساس ارزش‌های بیان شده نتیجه‌گیری کرد اگر و تنها اگر ارزش اختصاصی و جمعی ناشی از پذیرش IFRS بیش از ارزش استانداردهای ملی باشد، کشورها به سمت IFRS حرکت می‌کنند.

ارزش اختصاصی را می‌توان به مزایای مالی مستقیم مرتبط با مدل‌های شبکه‌های اقتصادی (مزایای بالقوه اقتصادی) و مزایای سیاسی بالقوه ناشی از پذیرش IFRS تقسیم بندی کرد. در ارتباط با استانداردهای ملی نیز می‌توان این تقسیم بندی را بسط داد. توانمندی استانداردهای ملی فعلی در تخصیص بهینه منابع در اقتصاد اشاره به عوامل اقتصادی و منافع سیاسی ناشی از داشتن هیئت تدوین استانداردهای جداگانه اشاره به عوامل سیاسی دارد. با توجه به مواردی که از خاطرتان گذشت، می‌توان نتیجه‌گیری بخش قبل را به شیوه دیگر مطرح کرد. اگر و تنها اگر ارزش خالص اقتصادی و سیاسی IFRS به همراه ارزش جمعی آن بزرگتر از صفر باشد، کشورها به سمت پذیرش IFRS ترغیب می‌شوند.

رامانا و اسلتن (۲۰۰۹) خالص ارزش اقتصادی پذیرش IFRS را به دو نوع طبقه‌بندی می‌کنند. نخست، ارزش استانداردهای مشترک^{۱۲} و دوم، کیفیت نهادهای حاکمیتی^{۱۳} هر کشور.

ارزش استانداردهای مشترک

بدیهی است که IFRS برای استفاده کنندگان بین‌المللی تدوین شده است تا با صورت‌های مالی بر مبنای استانداردهای مشترک فرصت‌های سرمایه‌گذاری را شناسایی و تصمیم‌گیری اقتصادی مناسبی داشته باشند. با پذیرش IFRS هزینه تهیه اطلاعات و حسابرسی اطلاعات کاهش می‌یابد. اگر استانداردها بین‌المللی نباشد، سرمایه‌گذار بایستی بابت درک و فهم صورت‌های مالی هر کشوری هزینه‌هایی را متحمل شود. این هزینه‌ها نهایتاً کشوری که سرمایه‌گذار آن را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌کند، بایستی پرداخت کند. بنابراین، کشورهایی که از نظر اقتصادی وابستگی بیش‌تری به معاملات و سرمایه‌های خارجی دارند، پذیرش IFRS را در دستور کار خود قرار می‌دهند. این پیش‌بینی را هم می‌توان کرد که اگر کشوری در برنامه‌های بلندمدت خود نیاز به سرمایه‌های خارجی را مدنظر قرار داده باشد، IFRS را بپذیرد. مزایای ناشی از انتخاب IFRS بابت کاهش هزینه اطلاعات و ارزش جمعی آن، از نظر مفهومی مجزا است (رامانا و اسلتن، ۲۰۰۹).

کیفیت نهادهای حاکمیتی

طبیعی است که کیفیت استانداردهای ملی هر کشور در پذیرش یا رد IFRS نقش مهمی را بازی کند. استانداردهای حسابداری ملی هر کشور جزء مهمی از سیستم پیچیده نهادهای

حاکمیتی شامل آموزش حسابرسان، استانداردهای حسابرسی، نظارتی و قضایی، نگهداری سوابق مالکیت‌ها، فسادهای دولتی و غیره است. اگر هر کدام از این نهادها مخالف باشند، پذیرش IFRS هزینه بر خواهد بود. بنابراین، کیفیت نهادهای حاکمیتی نقش مهم و اساسی را در تخصیص بهینه سرمایه هر کشور بازی می‌کند. احتمالاً پذیرش IFRS، برای کشورهایی که کیفیت نهادهای حاکمیتی به نسبت بالایی دارند، جذاب نخواهد بود. کشورهایی که نهادهای با کیفیتی دارند، در پذیرش IFRS هزینه‌های فرصت و تغییر^{۱۴} را متحمل می‌شوند. هزینه فرصت اشاره به چشم پوشی کشورها از مزایای استانداردهای ملی مختص اقتصاد خود هنگام پذیرش IFRS دارد. همچنین، با توجه به بازارهای سرمایه توسعه یافته در این کشورها، پذیرش IFRS نیاز به هزینه آموزش برای شرکت کنندگان در بازار را دارد. بنابراین، این هزینه را می‌توان به عنوان «هزینه تغییر» لحاظ کرد. کشورهای با نهادهای حاکمیتی ضعیف، با توجه به هزینه‌های فرصت و تغییر کم‌تر، تمایل بیشتری به پذیرش IFRS دارند. البته این کشورها از نبود زیر ساخت‌ها و دولت قوی و کارآمد رنج می‌برند، در نتیجه پذیرش IFRS می‌تواند با شکست روبرو شود. پس به طور کلی، اگر این کشورها در تصمیم خود منفعت-هزینه را لحاظ کرده باشند، با توجه به پایین بودن هزینه فرصت و تغییر، می‌توانند IFRS را بپذیرند.

خالص ارزش سیاسی پذیرش IFRS نیز به دو نوع طبقه‌بندی می‌شود. نخست، سیاست‌های قدرت بین‌المللی^{۱۵}؛ دوم، سیاست‌های فرهنگی^{۱۶} (رامانا و اسلتن، ۲۰۰۹).

سیاست‌های قدرت بین‌المللی

رامانا و اسلتن (۲۰۰۹) معتقدند کشورهای قدرتمند با ارزش سیاسی مثبت به احتمال زیاد نقشی اساسی در تدوین استانداردهای بین‌المللی دارند. با توجه به این که هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی در اتحادیه اروپا واقع شده، اتحادیه اروپا یکی از حامیان اصلی هیات مذکور است. بنابراین، هر کشوری که IFRS را بپذیرد یا بایستی در فرآیند سیاسی مرتبط با استانداردهای بین‌المللی درگیر شود و یا از این مورد صرف‌نظر کرده و عرصه را برای دیگر بازیگران سیاسی باز بگذارد اما احتمال کمی وجود دارد که کشورهای قدرتمند مورد دوم را انتخاب نمایند. از سویی، اگر مورد اول را انتخاب نمایند، باید هزینه منازعات سیاسی با اتحادیه اروپا را متحمل شوند. بنابراین، نپذیرفتن IFRS از جانب کشورهای قدرتمند منطقی است. از

سویی دیگر، وجهه سیاسی کشورهایی که قدرت کمی دارند، با پذیرش IFRS کم‌تر خدشه دار می‌شود.

سیاست‌های فرهنگی

علاوه بر قدرت سیاسی در سطح کشور، پذیرش IFRS که پرورش یافته اروپا است در انتخاب آن موثر است. در این راستا، رمانا و اسلتن (۲۰۰۹) چنین بیان می‌دارند که کشورهایی که به فرهنگ‌های اروپایی نزدیک‌ترند، IFRS را بیش‌تر می‌پذیرند.

پژوهش‌های تجربی

این بخش به مروری بر پژوهش‌های تجربی مرتبط با دو نظریه در سطح کلان شامل نظریه نهادی و نظریه اقتصادی شبکه‌ها اختصاص دارد.

میر و رحمان (۲۰۰۵) با بررسی پذیرش IFRS در کشور بنگلادش به این نتیجه رسیدند که به دلیل فشارهای وارده بر دولت بنگلادش و حرفه حسابداری از جانب سازمان‌های بین‌المللی، مشروعیت نهادی عامل موثری در حرکت به سمت پذیرش IFRS است. فشارهای وارده برای اعتباردهی به سرمایه‌گذاران خارجی و البته پاسخگویی به سازمان‌های بین‌المللی است، اما ماهیت اجباری این فشارها باعث ایجاد تضادهایی در حوزه‌های مختلف می‌شود.

زگال و مدهبی (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل اثرگذار در پذیرش IFRS در کشورهای در حال توسعه پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد کشورهای با سطح بالای تحصیلات، بازار سرمایه مناسب و فرهنگ آمریکایی تمایل بیش‌تری به پذیرش IFRS دارند.

نتایج پژوهش رمانا و اسلتن (۲۰۰۹) شامل ۱۰۲ کشور (به جز کشورهای اتحادیه اروپا) در قلمرو زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که احتمال کمی وجود دارد کشورهای قدرتمند IFRS را بپذیرند و تسلیم یک نهاد بین‌المللی شوند. پذیرش IFRS با کشورهایی که هزینه فرصت و تغییر کم‌تر و قدرت تصمیم‌گیری به موقع دارند، سازگارتر است. همچنین، شواهدی در ارتباط با تغییرات مبادلات و سرمایه‌گذاری‌های خارجی با پذیرش IFRS وجود ندارد؛ و اثرات شبکه‌ای پذیرش IFRS مورد تایید است به عبارتی، اگر در یک منطقه جغرافیایی تعداد کشورهایی که IFRS را پذیرفتند، زیاد باشد سایر کشورهای مرتبط با این منطقه نیز پذیرش IFRS را در دستور کار خود قرار دادند. نتایج پژوهش جاج^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۰) با عنوان

«پذیرش ملی استانداردهای حسابداری بین‌المللی از منظر نهادی»، هر سه سطح همگون‌سازی (اجباری، تقلیدی و هنجاری) را در پذیرش IFRS مربوط می‌داند.

کسن تینی و عثمان (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه عوامل اقتصادی و نهادی پذیرش IFRS در اقتصادهای نوظهور» دریافتند که همگون‌سازی اجباری و تقلیدی اثر مثبت و همگون‌سازی هنجاری اثر منفی معناداری در پذیرش IFRS دارد. همچنین، مزایای شبکه اقتصادی IFRS فاکتور مهمی در پیش‌بینی پذیرش آن در اقتصادهای نوظهور است. فن و مشیتلی (۲۰۱۴) پذیرش بالقوه IFRS را در کشور ویتنام بررسی کردند. براساس پرسشنامه ارسالی به حساب‌رسان، حسابداران و دانشگاهیان ویتنامی، هر سه سطح همگون‌سازی و انگیزه‌های مشروعیت در پذیرش IFRS اثرگذار شناخته شدند. همچنین، پودل و همکاران (۲۰۱۴) با بررسی پذیرش IFRS در کشور نیپال به این نتیجه رسیدند که پذیرش IFRS در نتیجه‌ی فشارهای سازمان‌هایی از جمله بانک توسعه آسیا، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. مشکلات نبود حسابداران کافی، ضعف حرفه حسابداری، فساد و تقلب از عوامل اثرگذار در پذیرش و اجرای IFRS است.

پری‌کپ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان «نقش فشارهای نهادی در اجرای IFRS در کشورهای در حال توسعه» دریافت که همگون‌سازی تقلیدی نقش معناداری در پذیرش IFRS دارد، اما رابطه معناداری بین همگون‌سازی اجباری و هنجاری با پذیرش IFRS وجود ندارد. همچنین، رابطه مزایای اقتصادی و پذیرش IFRS در کشورهای در حال توسعه پذیرفته نمی‌شود. پاک‌نژاد (۲۰۱۷) نیز، در پژوهشی عوامل اثرگذار بر پذیرش IFRS در ایران را بررسی کرد. در این پژوهش متغیرهای رشد اقتصادی، سطح آموزشی، سیستم قانونی و تامین مالی خارجی مد نظر قرار گرفتند. نتایج همبستگی پیرسون بیانگر رابطه معنادار بین متغیرهای ذکر شده و پذیرش IFRS است اما از لحاظ ضریب بتا، متغیرهای سطح آموزشی و سیستم قانونی تأثیر معنادار بر پذیرش IFRS ندارند.

کونینگ و همکاران (۲۰۱۷) طی مطالعه‌ای تحت عنوان «محرک تغییرات نهادی در سراسر جهان: با موضوع IFRS»، چنین بیان نمودند که جستجوی مشروعیت نقش مهمی در روابط بین‌الملل دارد. این امر منجر به این ایده شده است که سیاست جهانی بر اساس باورهای مشترک یا "جامعه جهانی" استوار است. در این دیدگاه، کشورها به طور فزاینده با هنجارهای مشابه که

توسط سازمان‌های بین‌المللی منتشر می‌شوند، خود را مطابقت می‌دهند. در این راستا، نویسندگان معتقد بر این بودند که همگون‌سازی اجباری و هنجاری بر تصمیمات تصویب کشورها در انتشار استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سرتاسر کشور تأثیر گذاشته است.

نتیجه‌گیری

حسابداری در دنیای امروز در پی ایجاد یکپارچگی جهانی در سطحی وسیع، هم در بازارها و هم در سیاست‌گذاری‌ها است. برای ایجاد این یکپارچگی لزوماً باید استانداردهای گزارشگری مالی و عملکرد آن‌ها مدنظر قرار گیرد. بنابراین، امروزه حرکت به سمت IFRS در اکثر کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه حرکتی رو به رشد است. اگرچه در اجرای IFRS همواره مشکلات، موانع و ناتوانی‌هایی مطابق یافته‌های پژوهش‌های انجام شده، ذکر می‌شود، اما این موج حرکت هم‌چنان ادامه دارد. کشورهایی که شاید از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در سطح متوسط یا ضعیف هستند، خواستار اجرای IFRS هستند. مطالعه حاضر با توجه به نظریه‌های نهادی و اقتصادی علت این حرکت‌های رو به رشد را بیان کرد. از دیدگاه نظریه نهادی، فشارهای داخلی و خارجی نهادها به علاوه انگیزه کسب مشروعیت از عوامل پذیرش IFRS در این کشورها است. از منظر نظریه اقتصادی شبکه‌ها، کشورها IFRS را به دلیل ارزش‌ها و منافع بالفعل و بالقوه‌ای که دارد، انتخاب می‌کنند. از این رو، لازم به ذکر است همگرایی با استانداردهای بین‌المللی، مانع این نیست که برای موضوعی خاص، استاندارد حسابداری خاص تدوین شود یا الزامات بیشتری را حسب نیاز بازار سرمایه و جهت شفافیت اطلاعاتی بیش‌تر، مقرر کنند؛ بلکه باعث بسترسازی اجرای سیاست‌های دولت برای توسعه بازار سرمایه در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بازار اوراق بهادار؛ با توجه به فراهم نمودن امکان تصمیم‌گیری بهتر، از طریق استفاده از استانداردهای مورد توافق بین‌المللی خواهد شد.

پی‌نوشت

- | | |
|--|--|
| ۱ International Financial Reporting Standard | ۲ Institutional Theory |
| ۳ The Economic Theory of Networks | ۴ Isomorphism |
| ۵ Coercive Isomorphism | ۶ Mimetic Isomorphism |
| ۷ Normative Isomorphism | ۸ چهار شرکت بزرگ حسابرسی معروف به PWC, Deloitte, Ernest & Young, KPMG. هستند. شامل 4 |
| ۹ Intrinsic and Network Value | ۱۰ Autarky Value |
| ۱۱ Synchronization Value | ۱۲ The Value from Having a Shared Body of Accounting Standards |
| ۱۳ The Relative Quality of Local Governance Institutions | ۱۴ Opportunity and Switching |
| ۱۵ International Power Politics | ۱۶ Culture Politics |

منابع

- DiMaggio, P. J. , and Powell, W. W. (1983). The Iron Cage Revisited: Institutional Isomorphism and Collective Rationality in Organizational Fields. *American Sociological Review*, 48 (2) , 147-160.
- International Financial Reporting Standards (IFRS). (2008). An AICPA Backgrounder. Available at: http://www.ifrs.com/updates/aicpa/Backgrounder_pdf.html.
- Judge, W, Li, S. , and Pinsker, R. (2010). National Adoption of International Accounting Standards: An Institutional Perspective. *Corporate Governance: An International Review*, 18 (3) , 161-174.
- Koning, M. , Mertens, G. , & Roosenboom, P. (2018). Drivers of institutional change around the world: The case of IFRS. *Journal of International Business Studies*, 49 (3) , 249-271.
- Kossentini, Anas, and H. Othman. (2014). A study of the institutional and economic determinants of IFRS adoption in emerging economies. *Working paper, University of Tunis, Tunis*.
- Mir, M. Z. , and Rahaman, A. S. (2005). The adoption of international accounting standards in Bangladesh: An exploration of rationale and process. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 18 (6) , 816 - 841.
- Mollateyefh, S. (2015). The new mission of the International Accounting Standards Board. *Quarterly of Auditor*, 76, 94-98. (in Persian)
- Paknezhad, M. (2017). Analysis of Affecting Factors on IFRS Adoption: Case Study in Iran. *Management and Organizational Studies*, 4 (1) , 74-81.
- Perera, M. H. B. (1989). Towards a framework to analyze the impact of culture on accounting. *The International Journal of Accounting*, 24 (1) , 42-56.
- Phan, D. H. T. and Mascitell, B. (2014). Potential Adoption of International Financial Reporting Standard (IFRS) in Vietnam: From Legitimacy To Isomorphism. in *Proceedings of The 26th Asian-Pacific Conference on International Accounting Issues*, United States, 26 - 29 October, 1-14.

- Poudel, g. , Hellman, A. , and Perera, H. (2014). The adoption of International Financial Reporting Standards in a non-colonized developing country: The case of Nepal. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 30, 209-216.
- Pricope, C. F. (2016). The role of institutional pressures in developing countries. Implications for IFRS". *Theoretical and Applied Economics* , 2, 27-40.
- Rahmani, A. and Sh. Alipour. (2009). Barriers to adoption of international accounting standards in Iran. *Empirical Study in Financial Accounting Quarterly*, 7 (27) , 83-107. (in Persian)
- Ramanna, K. , and Sletten, E. (2009). Why do countries adopt International Financial Reporting Standards?. *Harvard Business School*, Working Paper.
- Safarzadeh, M. H. (2015). *A Practical Guide to IASs 1&7: Prospection of Financial Statements*, Tehran: Audit Organization. (in Persian)
- Taylor, M. E. , Evans, T. G. and Joy, A. C. (1986). The impact of IASC accounting standards on comparability and consistency of international reporting practices. *International Journal of Accounting Education and Research*, 22 (1) , 1-9.
- Zarei, B. and A. Zarei. (2008). Theoretical paradigms explaining the formation of inter-organizational relationship. *Journal of Management Knowledge*, 20 (1) , 45-62. (in Persian)
- Zeghal, D. , and Mhedhbi, K. , (2006). An analysis of the factors affecting the adoption of international accounting standards by developing countries. *The International Journal of Accounting*, 41 (4) , 373-386.

مطالعه ارتباط بین تردید حرفه‌ای حسابرسان، چرخش حسابرسان و کیفیت حسابرسانی شرکت‌ها

عزیز گرد^۱، مونا ناصری^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۲۴

چکیده

آنچه جامعه از حرفه حسابرسانی انتظار دارد، ارائه گزارش حسابرسانی با کیفیت به جامعه است، اما اقدامات مدیران و صاحب‌کاران می‌تواند منجر به ایجاد تردید حرفه‌ای و درک ریسک چرخش در حسابرسان شود و در نتیجه بر کیفیت حسابرسانی آنان اثرگذار باشد. بنابراین در پژوهش حاضر، ارتباط بین تردید حرفه‌ای حسابرسان و چرخش حسابرسان با کیفیت حسابرسانی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. روش پژوهش حاضر از نوع کاربردی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را نیز کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک بازه زمانی ۶ ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ تشکیل می‌دهند. نمونه آماری پژوهش را ۱۱۴ شرکت تشکیل می‌دهند. داده‌های مورد نیاز پژوهش نیز از بانک اطلاعاتی بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که متغیرهای تردید حرفه‌ای حسابرسان و چرخش اختیاری حسابرسان ارتباط مستقیم و معنی‌داری با کیفیت حسابرسانی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار دارند، اما متغیر چرخش اجباری حسابرسان ارتباط معنی‌داری با کیفیت حسابرسانی ندارد.

واژه‌های کلیدی: تردید حرفه‌ای حسابرسان، چرخش اختیاری حسابرسان، چرخش اجباری حسابرسان، کیفیت

حسابرسانی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

DOI: 10.22051/ijar.2017.16015.131

^۱ استادیار دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، نویسنده مسئول (afmgord@yahoo.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب، (naserimonanaseri@gmail.com)

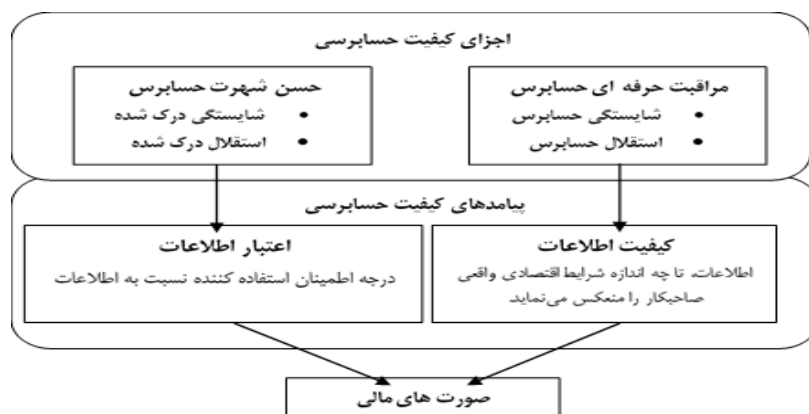
مقدمه

نقش و ماهیت حسابرسی در ارتباط با عدم قطعیت و تردیدهای حاکم بر کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده مطرح می شود. حسابرس در خط مقدم رسیدگی، گواهی دهی و در نهایت اعتباربخشی به ادعاهای مدیریت مندرج در صورت های مالی است. حسابرسی به عنوان یک سازوکار اجتماعی، برای کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار نظارتی دولت ها است. در بُعد اقتصادی، حسابرس به عنوان داور بی طرف و مستقل در روابط اقتصادی، قراردادها و کاهش مخاطرات بالقوه اطلاعات عمل می کند و اطمینان خاطر و آرامش تصمیم گیران و عموم جامعه را فراهم می آورد. حرفه حسابرسی، مانند سایر حرفه ها، برای حفظ جایگاه خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است. وظیفه اصلی حسابرسان ارائه گزارش حسابرسی با کیفیت به جامعه است (بی یو و گاتمن، ۲۰۱۲). حال مساله اساسی برای حسابرسان این است که اگر آنها در رابطه با کیفیت اطلاعات ارائه شده برای ذی نفعان رو در روی مدیریت شرکت ها قرار گیرند و نتایج آن به گزارش حسابرسی کشیده شود، آنها با خطر از دست دادن منافع اقتصادی خود از طریق از دست دادن صاحبکار و دیگر صاحبکاران بالقوه در آینده نزدیک مواجه می شوند. از طرفی مدیران شرکت ها با توجه به تأثیر قابل ملاحظه ای که در چرخش حسابرسان (ابقا و تغییر حسابرسان) دارند ممکن است با بهره گیری از این تأثیر، حسابرسانی که اظهار نظر مطلوب و دلخواه مدیریت را صادر می کنند، جایگزین حسابرسان قبلی کنند تا به این وسیله منافع خود را بیشینه کنند (داگرتی، ۲۰۱۳). این تأثیر مدیریتی منجر به فرسایش کیفیت حسابرسی می شود و عواملی را ایجاد می کند که ممکن است به شکست حسابرسی منتهی شود. به عبارتی دیگر، این رفتارها منجر به تردید حرفه ای در حسابرسان و درک ریسک چرخش در حسابرسان می شود که می تواند بر کیفیت حسابرسی آنان اثرگذار باشد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۸). با توجه به مطالب پیش گفته مساله اصلی پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین تردید حرفه ای حسابرس، چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و در این مطالعه به این موضوع پرداخته می شود.

مبانی نظری پژوهش

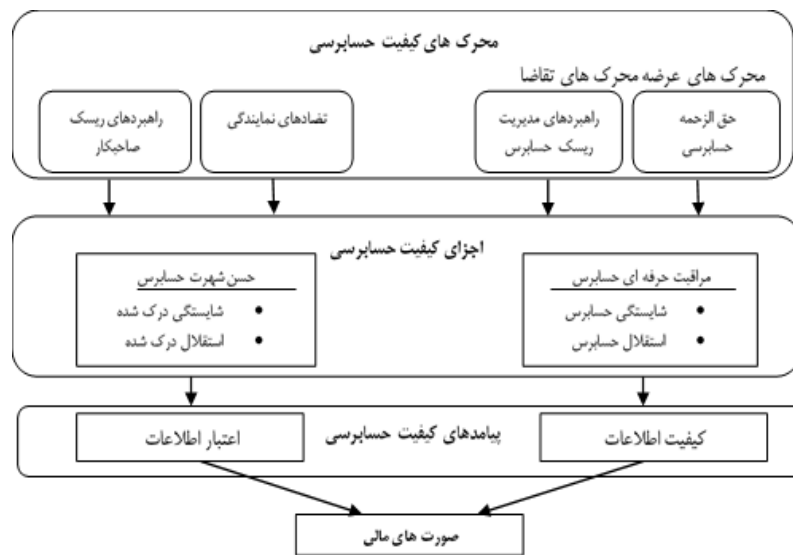
مفهوم کیفیت حسابرسی

از آنجایی که کیفیت حسابرسی، یک ساختار پنهان چند بعدی دارد، تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی که دربرگیرنده همه انواع حسابرسی و حسابرس باشد، وجود ندارد. در ادبیات کاربردی، کیفیت حسابرسی را اغلب از طریق میزان انطباق آن با استانداردهای حسابرسی تعریف نموده‌اند (کریشنان و شوئر، ۲۰۰۱؛ فرانسیس، ۲۰۰۴؛ لی و همکاران، ۱۹۹۹). کیفیت حسابرسی در اغلب پژوهش‌های تجربی انجام شده پیرامون کیفیت حسابرسی به نوعی در رابطه با ریسک حسابرسی تعریف شده است. ریسک حسابرسی آن ریسکی است که حسابرس درباره صورت‌های مالی حاوی تحریف‌های با اهمیت، نظر نامعتبر ارائه کند. برای مثال، دی آنجلو (۱۹۸۱b) کیفیت حسابرسی را به عنوان احتمال ارزیابی بازار از (الف) تحریف‌های با اهمیت موجود در صورت‌های مالی که توسط حسابرس کشف شده است و (ب) گزارش تحریف‌های مذکور، تعریف نموده است. مطابق قسمت (الف) از تعریف دی آنجلو این امر به شایستگی حسابرس یا توانایی کشف تحریف با اهمیت مربوط می‌شود. قسمت (ب) از تعریف فوق، یعنی احتمال گزارشگری تحریف مذکور، منوط به استقلال حسابرس می‌شود، بنابراین استقلال باید ویژگی بنیادی حسابرسی باشد. درجه شایستگی و استقلال حسابرس به عنوان مراقبت حرفه‌ای می، وابسته است. شکل (۱) برنامه‌ای را ارائه می‌کند که رابطه بین ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی را نمایش می‌دهد.



شکل (۱): چارچوب کیفیت حسابرسی - منبع: واتکینز، هیلیسون و مورکرافت (۲۰۰۴)

تحقیقات در زمینه کیفیت حسابداری را می‌توان در دو گروه عرضه حسابداری با کیفیت بالا و تقاضا برای حسابداری با کیفیت بالا تقسیم کرد. تحقیقات دیدگاه عرضه خدمات حسابداری، عمدتاً بر عواملی تأکید می‌کند که بر توانایی‌های حسابرسان در ارائه حسابداری با کیفیت بالا تمرکز دارد. در مقابل، تحقیقات دیدگاه استفاده‌کنندگان خدمات حسابداری با عواملی سروکار دارد که بر خواست استفاده‌کنندگان گزارش‌های حسابداری از جمله سهامداران، مراجع قانونی، اعتباردهندگان و صاحبکاران تأثیر می‌گذارد. در شکل (۲) طبقه‌بندی عملی پژوهش‌های تجربی ارائه شده است.



شکل (۲): چارچوب و طبقات پژوهش کیفیت حسابداری - منبع: واتکینز، هیلیسون و مورکرافت (۲۰۰۴)

تردید حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابداری

تردید حرفه‌ای یکی از ویژگی‌های فردی حسابرسان است که بر کیفیت حسابداری مؤثر است. تردید حرفه‌ای با سوءظن و بدگمانی متفاوت می‌باشد و آن شامل دارا بودن یک ذهن پرسشگر به همراه ارزیابی نقادانه شواهد حسابداری کسب شده از واحد مورد رسیدگی است که مبنای اظهارنظر حرفه‌ای حسابداری مستقل قرار گرفته است (لبو و ژو، ۲۰۱۱).

هرت (۲۰۰۸) تئوری‌ای را مطرح می‌کند که ویژگی‌های تردید حسابرس به صورت یک پرسش ذهنی از طرف حسابرس بر روی قضاوت و تصمیم‌گیری او عمل می‌کنند. او تردید را اینگونه تعریف می‌کند: اعتبار شواهد حسابرسی را با دید منتقدانه و با ذهنی پرسشگر ارزیابی کردن. طبق این نظریه حسابرسان برای اینکه قضاوت بهتری ارائه دهند باید با تردید حرفه‌ای شواهد را بررسی نمایند. از این رو قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان به ویژگی‌های شک و تردید حرفه‌ای بستگی دارد (هرت، ۲۰۰۸).

تردید حرفه‌ای عنصر ضروری در حسابرسی است. حسابرسان همواره شک و تردید به خود راه می‌دهند که این شک و تردید طبق تجربه و آموزش‌های لازم بدست می‌آید. تردید حرفه‌ای عنصر ذاتی اعمال قضاوت حرفه‌ای است و طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرس باید کار خود را با تردید و نه سوء ظن و بدگمانی به انجام برساند. بنابراین حفظ موازنه منطقی بین دو روی سکه الزامی است (ریب و جانو، ۲۰۱۳).

برای داشتن نگرش شک حرفه‌ای حسابرسی، حسابرس باید خود را از هر نظر تقویت نماید. داشتن اخلاق حرفه‌ای، تجربه و صلاحیت و شایستگی از موارد تأثیرگذار بر شک حرفه‌ای حسابرس مستقل است. داشتن تردید حرفه‌ای حسابرس امری ضروری برای بالا بردن کیفیت حسابرسی است، زیرا حسابرسان با حد قابل قبولی از تردید حرفه‌ای، صورت‌های مالی را دقت و حساسیت مضاعفی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند و همین موضوع منجر به کیفیت بالاتر و دقت بیشتر نتایج حسابرسی می‌گردد (زیرفار و همکاران، ۲۰۱۶). از سوی دیگر هرت (۲۰۰۸) نیز بر ارتباط مثبت بین تردید‌گرایی و کیفیت حسابرسی تاکید نموده است.

بر این اساس، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر قابل ارائه است:

فرضیه اول: بین تردید حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی

موضوع طول دوره تصدی حسابرسی و چگونگی تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی سال‌هاست که مورد مناقشه سازمان‌ها و نهادهای نظارتی، حسابرسان و سرمایه‌گذاران بوده است. موضوع چرخش حسابرسان به منظور ارتقای استقلال حسابرسان مورد توجه قرار گرفته و اهمیت بسیاری یافته است. چرخش حسابرسی چه از نوع اجباری و چه از نوع اختیاری می‌تواند به ارتقاء کیفیت

حسابرسی کمک کند (ولت و استیگباور، ۲۰۱۲). در ادامه به روابط هر یک از این دو نوع چرخش حسابرسی با کیفیت حسابرسی پرداخته می‌شود.

چرخش اختیاری حسابرس و کیفیت حسابرسی

در نقطه مقابل چرخش اجباری حسابرس، مدیران شرکت‌ها ممکن است بنا به علل مختلفی اقدام به تغییر اختیاری حسابرس مستقل واحد اقتصادی خود کنند. یکی از عوامل وقوع چنین تغییری، فرصت‌های دستکاری سود است. وجود فرصت‌های دستکاری سود می‌تواند نشان‌دهنده وجود شرایط بالقوه اختلاف نظر با حسابسان و در نتیجه، زمینه‌ساز شروع ذهنیت تغییر حسابرس باشد. عوامل گوناگونی برای وقوع پدیده تعویض اختیاری حسابرس شناسایی شده است. عمده ترین این عوامل در دو دسته عوامل مرتبط با حسابرس (نظیر حق الزحمه حسابرس، اظهارنظر حسابرس و کیفیت حسابرس) و عوامل مرتبط با واحد مورد رسیدگی (اندازه شرکت، مدیریت شرکت، پیچیدگی شرکت، وضعیت مالی شرکت و فرصت دستکاری سود) قابل طبقه بندی می‌باشد (لاوری، ۲۰۰۹).

افزایش شمار و پیچیدگی قوانین گزارشگری مالی و حسابداری، اختلاف نظر بین حسابسان و صاحبکاران را افزایش می‌دهد. از این رو انتقادهایی وجود دارد مبنی بر این که افزایش چرخش اختیاری حسابرس در سال‌های اخیر، موجب تشدید اختلاف نظرهای مذکور شده است و به توانایی حسابرس در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت‌های مالی صدمه می‌زند. بر این اساس استدلال می‌شود که تغییر حسابرس باعث کاهش کیفیت حسابرسی و در نتیجه بی‌اعتبار شدن صورت‌های مالی می‌شود. به همین دلیل برخی مقامات قانون‌گذار نگران این هستند که افزایش فراوانی چرخش اختیاری حسابرس، اعتماد استفاده‌کنندگان را به گزارشگری مالی (و نه فقط به صورت‌های مالی شرکت‌های تغییردهنده حسابرس) کاهش دهد. از طرفی در مقابل استدلال می‌شود که چرخش دوره‌ای حسابرس موجب افزایش استقلال حسابرسی و در نتیجه آن افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد (کمرن و همکاران، ۲۰۰۸).

یونگ و ون (۲۰۱۰) چرخش اختیاری مؤسسات حسابرسی را به عنوان عاملی اثربخش بر کیفیت حسابرسی معرفی کرده و ادعان داشته که چرخش اختیاری حسابسان منجر به استقلال بیشتر حسابسان و وابستگی کمتر حسابسان به کارفرمایان می‌گردد و در نتیجه کیفیت نتایج حسابرسی شرکت بهبود می‌یابد. تصدی طولانی یا به طور خاص تر نامحدود، استقلال حسابرس

را بدتر خواهد کرد. تصدی طولانی‌تر جریان نقدی را برای حسابرس تضمین می‌کند و در نتیجه حسابرس را به لحاظ مالی به مشتریانش وابسته می‌کند (لویز و سوکی، ۲۰۰۸).

بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر قابل طرح است:

فرضیه دوم: بین چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی

داگرتی و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی شرکای حسابرسی به این نتیجه رسیدند که شرکای مورد بررسی به چرخش اجباری به عنوان بهبود استقلال حسابرس (مربوط به نگرش مستقل ذهنی) و استقلال ظاهری حسابرس (مربوط به برداشت دیگران از استقلال حسابرس) که در نتیجه به تأثیری مثبت در کیفیت حسابرسی منجر می‌شود، می‌نگرند. با این حال آن‌ها دریافتند که به دلیل چرخش حسابرسی، دانش خاص مشتری از دست می‌رود و تصدی طولانی‌تر حسابرس منجر به کیفیت بالاتر حسابرسی می‌شود. زمانی که یک عضو کلیدی گروه کاری که دانش خاصی از یک مشتری به دست آورده است از گروه حذف شود، کیفیت حسابرسی می‌تواند به صورت منفی تحت تأثیر قرار گیرد (داگرتی و همکاران، ۲۰۱۳).

به زعم برخی از محققین، چرخش اجباری شریک حسابرسی پس از سه سال می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد (باندیادیای و همکاران، ۲۰۱۴). سیاست چرخش اجباری حسابرسان باعث افزایش رقابت در بازار خدمات حسابرسی شده و این رقابت می‌تواند براساس کیفیت و قیمت خدمات حسابرسی باشد (کاون و همکاران، ۲۰۱۴). این افزایش رقابت موجب می‌شود که بازار خدمات حسابرسی از انحصار موسسه‌های بزرگ خارج شده و فرصت رشد برای موسسه‌های متوسط و کوچک فراهم گردد. این سیاست می‌تواند باعث جلوگیری از زیان‌های هنگفت ناشی از عدم توانایی حسابرسان در کشف و گزارش موارد تحریف صورت‌های مالی در رسوایی‌های مالی شود. بدین ترتیب با افزایش این رقابت، کیفیت خدمات حسابرسی نیز بهبود می‌یابد (لیاو، ۲۰۱۱).

بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر قابل طرح است:

فرضیه سوم: بین چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

یعقوبزاده و همکاران (۱۳۹۱) ارتباط بین شاخص‌های مکتب تردیدگرایی و کیفیت حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش تعداد ۱۵۰ حسابرس در قالب ۱۰ موسسه حسابرسی بعنوان نمونه آماری انتخاب و فرضیه‌های تحقیق در قالب آنها مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین شاخص‌های تردیدگرایی و کیفیت حسابرسی در موسسات حسابرسی معتمد بورس ایران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بایمانی و وحیدی الیزبی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر چرخش اجباری و اختیاری موسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در بورس اوراق بهادار تهران که در آن چرخشی شدن موسسات حسابرسی از سال ۱۳۸۶ الزامی شده است، پرداختند. نتایج نشان داد که بین چرخش اجباری حسابرس با کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد. علاوه بر این، بین تغییر اختیاری موسسات حسابرسی با کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری یافت نشد.

وانسترالن (۲۰۰۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تداوم حسابرسی صاحبکار، احتمال اظهارنظر مشروط حسابرسان را کاهش می‌دهد. به نظر وی، کارایی چرخش اجباری حسابرس برای حفظ کیفیت حسابرسی ضروری است.

همیلتون و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی رابطه چرخش شریک حسابرسی و کیفیت سود پرداختند. آن‌ها مشاهده کردند در آن دسته از صاحب‌کاران کیفیت سود بالاتر و گزارشگری محافظه کارانه‌تر است که شرکا و مدیران حسابرسی به تناوب تعویض می‌شوند.

کواداگرز (۲۰۰۹) ارتباط بین معیارهای تردیدگرایی هرت و ارائه فرضیه‌های اولیه در خصوص انحرافات بالقوه را سنجید. یافته‌های وی نشان داد که حسابرسان با تردیدگرایی بالاتر برای ارائه نظر کارشناسی معمولاً شواهد بیشتری را جمع‌آوری می‌کنند و گزارشات حسابرسی آنها از کیفیت بالاتری برخوردار است.

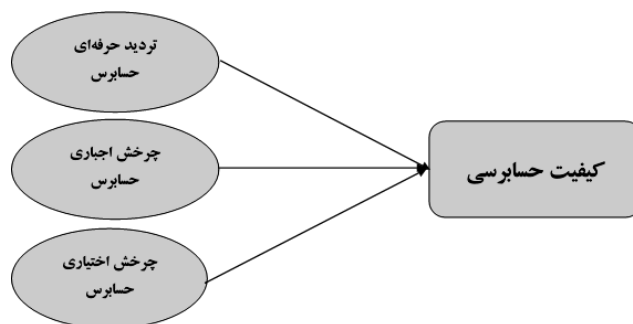
لیندچید و همکاران (۲۰۱۰) تحقیقی را با موضوعیت اثر تغییر و گردش شرکای حسابرسی بر کیفیت حسابرسی انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تغییر شریک حسابرسی منجر به عملکردهای جسورانه در حسابداری شده و در نتیجه از کیفیت حسابرسی می‌کاهد. در مورد اثر تغییر شریک اصلی بر روی کیفیت حسابرسی نتایج نشان‌دهنده ارتباط معناداری نبود.

هرت و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا دیدگاه تردید حرفه‌ای ارتباط شفاف و مشخصی با کیفیت حسابرسی دارد. نمونه آماری این تحقیق شامل ۲۰۰ حسابرس مستقل بود. با استفاده از مقیاس ارائه شده برای ارزیابی سطوح تردید حرفه‌ای حسابران، آنها اثرات این تردیدگرایی را آزمون کردند و به طور کلی نتیجه گرفتند که حسابران با سطوح تردیدگرایی بالا بطور منظم رفتار متفاوتی را نسبت به حسابران با تردیدگرایی پایین نشان می‌دهند و در نتیجه حسابرسانی که تردیدگرایی بالاتری دارند کیفیت حسابرسی بالاتری را ارائه می‌دهند.

تری (۲۰۱۴) نشان داد که شک و تردید حرفه‌ای یکی از مهمترین رویکردهای حسابرسی است که در آن حسابرس نه فرض می‌کند که مدیریت متقلب است و نه فرض بر صداقت مطلق دارد؛ بلکه عواملی چون اخلاق، تجربه و.. روش‌های حسابرسی را، در جمع‌آوری شواهد به گونه‌ای مناسب به کار می‌برد و بیان می‌کند که یکی از علل شکست‌های حسابرسی و کیفیت پایین آن، نبود شک و تردید حرفه‌ای مناسب است.

مدل مفهوی پژوهش

مبتنی بر مبانی نظری، فرضیات و پیشینه پژوهش، مدل مفهومی تحقیق به صورت زیر می‌باشد.



شکل (۳): مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر طبقه بندی بر مبنای هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. همچنین، از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است.

روش‌ها و ابزارهای گردآوری اطلاعات

در این پژوهش گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با بررسی تحقیقات مرتبط داخلی و خارجی و استخراج مباحث از کتب، مقالات معتبر، مجلات علمی-پژوهشی و پایان‌نامه‌های دانشجویی انجام خواهد شد. گردآوری داده‌های اولیه به منظور بررسی و آزمون فرضیات با مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی همچون تارنمای سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره آورد نوین صورت می‌گیرد.

جامعه و نمونه آماری

کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در یک بازه زمانی شش ساله، از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴، جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. بنابر اعلام تارنمای رسمی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران کلیه شرکت‌های پذیرفته شده تا پایان سال ۱۳۹۴ شامل ۴۹۶ شرکت در ۳۷ گروه صنعتی بوده‌اند. در این مطالعه برای انتخاب نمونه از روش غربالگری^۱ (حذفی) استفاده شد. برای این منظور معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب شده است. روند انتخاب نمونه در نگاره (۱) به تصویر کشیده شده است. حجم نمونه بر اساس معیارهای نگاره (۴) برابر ۱۱۴ شرکت می‌باشد.

نگاره (۱): تعداد شرکت‌ها پس از غربالگری

تعداد	شرح
۴۹۶	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۴
-۹۷	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش از بورس برون رفت داشته اند
-۴۴	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش وارد بورس شده اند
-۶۵	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش سال مالی آنها به ۱۲/۲۹ ختم نمی‌شوند
-۴۳	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش سال مالی تغییر داده اند
-۳۵	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش به امور سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی
-۹۸	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش بیش از سه ماه وقفه معاملاتی دارند
۱۱۴	تعداد شرکت‌های مورد بررسی

روش و ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات

به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات تحقیق از آزمون رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شد و بسته‌های نرم‌افزاری views و SPSS به کار گرفته شد.

مدل تحقیق، متغیرها و نحوه محاسبه آن‌ها

برای آزمون فرضیات پژوهش نیز از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$AQ_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PS_{i,t} + \beta_2 VFR_{i,t} + \beta_3 MFR_{i,t} + \beta_4 AUDIT\ SIZE_{i,t} + \beta_5 Audit\ Sp_{i,t} + \beta_6 Audit\ Tenure_{i,t} + \beta_7 OCF_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \beta_9 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

AQ = کیفیت حسابرسی. در این پژوهش کیفیت اقلام تعهدی به عنوان شاخصی از کیفیت خدمات حسابرسی در نظر گرفته شد.

متغیرهای مستقل

PS = تردید حرفه‌ای حسابرس. به منظور اندازه‌گیری تردید حرفه‌ای حسابرس از پرسش نامه هارت (۲۰۰۷) استفاده شد. برای ارتباط داده‌های پرسشنامه‌ای تردید حرفه‌ای با سایر داده‌های کمی تحقیق، داده‌های پرسشنامه‌ای تردید حرفه‌ای حسابرسان متناظر با شرکت-سالی که حسابرسی کرده بودند در اکسل داده‌ها قرار گرفت. به عبارتی حسابرسانی به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند که حسابرسی یکی از شرکت‌های نمونه آماری تحقیق را بر عهده داشتند. در مجموع ۱۱۴ شرکت مورد مطالعه توسط ۴۷ حسابرس مستقل عضو انجمن حسابداران رسمی، حسابرسی شده بودند. برای اندازه‌گیری متغیر تردید حرفه‌ای حسابرس، پرسشنامه تردید حرفه‌ای با

همکاری انجمن حسابداری رسمی برای این حسابسان ارسال شد و پاسخ‌های دریافتی هر حسابرس در فایل اکسل داده‌ها متناظر با شرکت یا شرکت‌هایی که آن را حسابرسی کرده بودند، قرار گرفت.

VFR = تغییر اختیاری موسسه حسابرسی. متغیر مجازی است، در صورتی که تغییر اختیاری موسسه حسابرسی حاکم باشد، عدد یک در غیر این صورت عدد صفر.

MFR = تغییر اجباری موسسه حسابرسی. متغیر مجازی است، در صورتی که تغییر اجباری موسسه حسابرسی حاکم باشد، عدد یک در غیر این صورت عدد صفر.

متغیرهای کنترل

مبتنی بر مطالعات پیشین صورت گرفته، متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند.

Audit size (اندازه موسسه حسابرسی): متغیر مجازی است، در صورتیکه سازمان حسابرسی باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

Audit Sp: تخصص حسابرس در صنعت. این معیار از نسبت مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت بدست می‌آید (عبدل القادر و همکاران، ۲۰۰۹)

Audit Tenure: دوره تصدی حسابرس (عبدل القادر و همکاران، ۲۰۰۹).

OCF: جریان نقد عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت t سال.

SIZE: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت t سال.

LEV: نسبت اهرمی، که از تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها بدست می‌آید.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی داده‌ها

نگاره (۲) آماره‌های توصیفی متغیرها را نشان می‌دهد. کل مشاهدات پس از تعدیل بایت شرکت‌های فاقد شرایط لازم و حذف داده‌های پرت، برابر با ۱۱۴ شرکت بوده است. آمار توصیفی متغیرهای وابسته و مستقل شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمیته و بیشینه است.

نگاره (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

بیشینه	کمیته	انحراف	میانه	میانگین	شرح متغیرها
۰/۵۶۴	۰/۰۴۴	۰/۶۸۱	۰/۳۱۱	۰/۳۳۲	AQ کیفیت حسابرسی
۰/۸۶۴	۰/۱۴۴	۰/۶۸۱	۰/۸۱۱	۰/۴۳۲	PS تردید حرفه ای حسابرس
۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵۶	۰/۳۴۷	۰/۳۰۳	VFR چرخش اختیاری موسسه
۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲۳۴.۱	۰/۴۳۲	۰/۴۵۲	MFR چرخش اجباری موسسه
۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۶۶۷	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵	Audit size اندازه موسسه حسابرسی
۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۳۴۱.۱	۰/۰۰۰	۰/۱۸۸	Audit Sp تخصص حسابرس در
۷/۰۰۰	۱/۰۰۰	۲/۸۷۷	۳/۰۰۰	۳/۵۶۴	Audit دوره تصدی حسابرس
۰/۳۰۹	۰/۰۳۱	۲/۹۶۴	۰/۱۳۶	۰/۱۱۹	OCF وجه نقد فعالیت‌های
۱۹/۸۱	۹/۸۲	۱/۴۱	۰/۱۲	۱۳/۱۲	SIZE اندازه شرکت
۰/۹۳۸۰	۰/۲۴۱۰	۱/۲۰۲۰	۰/۵۰۶	۰/۵۵۸	LEV اهرم مالی

نگاره (۳) نیز ترکیب جمعیت شناختی حسابرسان که پرسشنامه تردید حرفه‌ای را پاسخ دادند، نشان می‌دهد. در مجموع ۱۱۴ شرکت مورد مطالعه توسط ۴۷ حسابرس مستقل عضو انجمن حسابداران رسمی، حسابرسی شدند.

نگاره (۳): ترکیب جمعیت شناختی حسابرسان مورد مطالعه

متغیر جمعیت شناختی	مقیاس	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۳۵	۷۴٪
	زن	۱۲	۲۶٪
سن	زیر ۳۵ سال	۷	۱۵٪
	۳۵ تا ۵۰ سال	۲۷	۵۷٪
	بالای ۵۰ سال	۱۳	۲۸٪

آزمون پایایی متغیرها

به منظور بررسی پایایی، از آزمون ایم، پسران و شین (۱۹۹۷) استفاده شد. نتایج این آزمون در نگاره (۴) نشان داده شده. با توجه به نتایج آزمون IPS چون مقدار P برای تمامی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه این متغیرهای پژوهش در طی دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند نتایج آزمون IPS نشان می‌دهد که، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

نگاره (۴): آزمون ایم، پسران و شین (IPS)

p-value	W-stat	متغیر	
۰/۰۰۵	۲۴/۱۷۷	AQ	کیفیت حسابرسی
۰/۰۰۲	۳۱/۸۸۹	PS	تردید حرفه ای حسابرس
۰/۰۰۲	۵۶/۵۹۷	VFR	چرخش اختیاری موسسه
۰/۰۰۲	۵۶/۳۸۳	MFR	چرخش اجباری موسسه
۰/۰۰۱	۷۸/۱۲۹	Audit size	اندازه موسسه حسابرسی
۰/۰۰۵	۲۴/۱۵۱	Audit Sp	تخصص حسابرس در صنعت
۰/۰۰۲	۶۲/۷۵۱	Audit Tenure	دوره تصدی حسابرس
۰/۰۰۲	۶/۲۷۵	OCF	وجه نقد فعالیت‌های عملیاتی
۰/۰۰۱	۷۵/۱۵۱	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۰۲	۵۵/۱۱۳	LEV	اهرم مالی

تعیین مدل مناسب برای تخمین مدل رگرسیون

با توجه به ادبیات پژوهش موجود و نیز ماهیت فرضیه‌های تحقیق در این پژوهش از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. بمنظور تعیین مدل مناسب (تلفیقی یا تابلویی یا اثرات ثابت یا تصادفی) برای آزمون فرضیات از آزمون‌های چاو و هاسمن استفاده شده است. نتایج مربوط به آزمون آزمون چاو (F لیمر) برای مدل رگرسیونی تحقیق حاضر در نگاره (۵) نشان داده شده است. در مورد مدل رگرسیونی نتایج آزمون چاو نشان می‌دهد فرض H_0 (مدل تلفیقی) تایید نمی‌شود. به بیان دیگر، آثار فردی یا گروهی وجود دارد و باید از روش داده‌های تابلویی (پانل) برای بر آورد مدل رگرسیونی تحقیق استفاده شود که در ادامه برای تعیین نوع مدل پانل (با اثرات تصادفی یا اثرات ثابت) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

نگاره (۵): آزمون چاو

مدل رگرسیونی	مقدار بحرانی	آماره F	احتمال	نتیجه آزمون
تحقیق	۳۲/۷۷۶	۲۷۹/۱۱۱	۰/۰۰۰۰	رد فرض صفر

پس از مشخص شدن اینکه عرض از مبدأ برای سال‌های مختلف یکسان نیست، باید روش استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت یا تصادفی) تعیین گردد که بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌گردد. در آزمون هاسمن فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی را در مقابل فرضیه H_1 مبنی بر ناسازگاری تخمین‌های اثر تصادفی آزمون می‌نماید. نتایج مربوط به آزمون هاسمن برای مدل رگرسیونی تحقیق در نگاره (۶) نشان داده شده است. نتایج نشان داده که آماره χ^2 آزمون هاسمن برابر با ۹۸/۲۳۱، بدست آمده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشند که حاکی از تایید فرضیه H_1 است، بنابراین با توجه به آزمون هاسمن برازش مدل رگرسیونی این تحقیق با استفاده از مدل داده‌های پانل به روش اثرات ثابت مناسب خواهد بود.

نگاره (۶): آزمون هاسمن

مدل رگرسیونی تحقیق	آزمون هاسمن	آماره χ^2	احتمال	نتیجه آزمون
	مقدار	۹۸/۲۳۱	۰/۰۰۰۰	رد فرض صفر

آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

پیش از برازش مدل‌های رگرسیون لازم است ابتدا مفروضات رگرسیون خطی مورد آزمون قرار گیرد.

آزمون نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته از آزمون جاکوبرا استفاده شد. خروجی آزمون $J-B$ به شرح نگاره (۷) است. با توجه به نگاره فوق و آماره جاکوبرا از آنجائی که سطح معناداری برای متغیر وابسته بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه H_0 تایید شده بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت متغیر مزبور از توزیع نرمال برخوردار است.

نگاره (۷): آزمون جارکوبرا

نام متغیر	آماره جارکوبرا (J-B)	سطح معناداری	نتیجه
AQ	۱/۲۵۸	۰/۲۶۹	توزیع نرمال است

آزمون استقلال خطاها

جهت آزمون استقلال خطاها نیز از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. اگر آماره دوربین - واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، فرضیه H_0 آزمون (عدم همبستگی بین خطاها) پذیرفته می شود و در غیر این صورت H_1 تایید می شود. آماره دوربین واتسن به همراه ضریب همبستگی، ضریب تعیین، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد به شرح نگاره (۸) است. مقدار آماره دوربین - واتسون برای مدل رگرسیونی تحقیق مزبور در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد است. بنابراین فرض H_0 مبنی بر عدم وجود خود همبستگی بین خطاها تایید می شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد.

نگاره (۸): آزمون استقلال خطاها

مدل رگرسیونی تحقیق	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسن
	۰/۳۵۱	۰/۲۹۸	۱/۶۴۵

بررسی نرمال بودن توزیع خطاها

برای بررسی نرمال بودن توزیع خطاها از آزمون جارکوبرا استفاده شده است. خروجی آزمون $J-B$ به شرح نگاره (۹) است. با توجه به نگاره فوق و آماره جارکوبرا از آنجائی که سطح معناداری توزیع خطاها بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه H_0 تایید شده. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت توزیع خطاها از توزیع نرمال برخوردار است.

نگاره (۹): آزمون جارکوبرا

شرح	آماره جارکوبرا (J-B)	سطح معناداری	نتیجه
توزیع خطاها	۱/۱۱۲	۰/۲۸۸	توزیع نرمال است

ناهمسانی واریانس ها

به منظور برآورد واریانس ناهمسانی در این تحقیق از آزمون وایت استفاده شد. نتایج این آزمون در نگاره (۱۰) بیان آمده. آماره F در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار نیست. در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس در سطح خطای ۰/۰۵ رد می‌شود. به همین دلیل می‌توان از مدل رگرسیونی OLS استفاده می‌شود.

نگاره (۱۰): نتایج حاصل از ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	P-value	آماره وایت	مدل رگرسیونی
عدم وجود ناهمسانی	۰/۴۲۲	۲/۴۳۳	تحقیق

آزمون فرضیات تحقیق

پس از بررسی فروض کلاسیک، نتایج حاصل از برازش مدل‌های رگرسیونی تحقیق و به تبع آن فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد. همانطور که پیشتر گفته شد برای آزمون فرضیات تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

$$\text{Audit Sp}_i = \beta_0 + \beta_1 \text{AQ}_{i,t} + \beta_2 \text{PS}_{i,t} + \beta_3 \text{VFR}_{i,t} + \beta_4 \text{MFR}_{i,t} + \beta_5 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{OCF}_{i,t} + \beta_8 \text{Audit Tenure}_{i,t} + \beta_9 \text{SIZE}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

پس از آزمون مفروضات رگرسیون و اطمینان از برقراری آنها، نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فوق برای در نگاره (۱۱) ارائه شده است. مقدار آماره F (۱۱/۹۹۸) نیز حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون می‌باشد. همان طور که در قسمت پایین نگاره (۱۳) مشخص شده است، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق به ترتیب عبارتند از ۳۵/۱ درصد و ۲۹/۸ درصد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۲۹/۸ درصد از تغییرات کیفیت حسابرسی شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می‌شوند. در این نگاره اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان دهنده میزان تأثیر مستقیم (معکوس) هر یک از متغیرها بر تغییرات کیفیت حسابرسی شرکت‌های مورد بررسی است. بر این اساس در ادامه به آزمون و تفسیر فرضیات پرداخته می‌شود.

نگاره (۱۱): نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون

نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی
عدد ثابت	. β	۵۲۲.۱	۲/۸۷۳	۰/۰۰۴
تردید حرفه ای حسابرس	β_1	۰/۲۳۴	۲/۰۷۳	۰/۰۴۹
چرخش اختیاری موسسه	β_2	۰/۴۶۷	۲/۸۳۸	۰/۰۰۷
چرخش اجباری موسسه	β_3	۰/۶۴۱	۱/۵۸۸	۰/۱۷۷
اندازه موسسه حسابرسی	β_4	۰/۲۱۹	۱/۱۵۸	۰/۳۲۲
تخصص حسابرس در صنعت	β_5	۰/۳۱۱	۲/۹۸۷	۰/۰۱۱
دوره تصدی حسابرس	β_6	۰/۵۰۱	۱/۳۶۱	۰/۲۴۲
وجه نقد حاصل از فعالیت‌های	β_7	۰/۸۱۱	۲/۸۴۷	۰/۰۰۶
اندازه شرکت	β_8	۰/۱۹۸	۲/۵۵۸	۰/۰۳۱
اهرم مالی	β_9	۰/۱۰۵	۲/۳۳۲	۰/۰۴۵
ضریب تعیین	۰/۳۵۱	آماره F	۱۱/۹۹۸	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۹۸	معنی داری (P-Value)		۰/۰۰۰
		آماره دوربین واتسون		۱/۶۴۵

فرضیه اول: بین تردید حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری

وجود دارد.

مطابق با نگاره (۱۱) سطح معنی داری (sig) متغیر تردید حرفه‌ای حسابرس برابر با ۰/۰۴۹ می‌باشد، که این مقادیر کمتر از سطح معنی داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدرمطلق آماره t مربوط به این متغیر (۲/۰۷۳) بزرگتر از آماره t بدست آمده از نگاره با همان درجه آزادی است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، ضریب بدست آمده برای متغیر فوق در مدل رگرسیونی فوق معنادار می‌باشد، بنابراین فرضیه اول مبنی بر این که بین تردید حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد تایید می‌گردد.

فرضیه دوم: بین چرخش اختیاری حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری

وجود دارد.

مطابق با نگاره (۱۱)، سطح معنی داری (sig) متغیر چرخش اختیاری موسسه حسابرسی برابر با ۰/۰۲۷ می‌باشد، که این مقادیر کمتر از سطح معنی داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدرمطلق آماره t مربوط به این متغیر (۲/۸۳۸) بزرگتر از آماره t بدست

آمده از نگاهه با همان درجه آزادی است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، ضریب بدست آمده برای متغیر فوق در مدل رگرسیونی فوق معنادار می‌باشد، بنابراین فرضیه دوم مبنی بر این که بین چرخش اختیاری حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد، تایید می‌گردد.

فرضیه سوم: بین چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

مطابق با نگاهه (۱۱) سطح معنی‌داری (sig) متغیر چرخش اجباری موسسه حسابرسی برابر با ۰/۱۸۸ می‌باشد، که این مقادیر بیشتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر (۵٪) است؛ همچنین قدرمطلق آماره t مربوط به این متغیر (۱/۵۸۸) کمتر از آماره t بدست آمده از نگاهه با همان درجه آزادی است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، ضریب بدست آمده برای متغیر فوق در مدل رگرسیونی فوق معنادار نمی‌باشد، بنابراین فرضیه سوم مبنی بر این که بین چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد رد می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول تحقیق نشان می‌دهد بین تردید حرفه‌ای و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و درصد کشف انحرافات و توانایی حسابرسان مستقل در گزارش انحرافات با اهمیت متأثر از ویژگی‌های شخصیتی آنان علی‌الخصوص تردید‌گرایی‌شان است. تائید فرضیه فوق بدین معناست که آن دسته از موسسات حسابرسی که از حسابرسان با دیدگاه قوی‌تر از تردید حرفه‌ای بهره می‌برند در صدور گزارش حسابرسی و کشف انحرافات مهم توانایی بیشتری دارند و به اصطلاح کیفیت حسابرسی‌شان بالاتر است. هر چند کیفیت حسابرسی متأثر از عوامل زیادی است اما تردید حرفه‌ای به عنوان مولفه‌ای مهم بر کیفیت حسابرسی موثر است، چون حسابرسان مستقل اجزای تشکیل‌دهنده یک موسسه حسابرسی هستند و زمانی موسسه حسابرسی می‌تواند به درستی عمل کند که از کارکنان ماهر با توانمندی روانی و شخصیتی بالا از جمله تردید حرفه‌ای؛ بهره‌مند باشد. این نتیجه منطبق با نتایج تحقیقات تری (۲۰۱۴)، هرت و همکاران (۲۰۱۳) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق نشان می‌دهد بین چرخش اختیاری حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. با توجه به این یافته می‌توان نتیجه گرفت

که پدیده چرخش اختیاری حسابرسان می‌تواند موجبات حفظ استقلال و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی را فراهم آورد. از دید صاحب‌نظران و مراجع حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی، فرآیند چرخش موسسات حسابرسی با قطع ارتباط بلندمدت میان صاحبکار و حسابرس، موجبات حفظ استقلال حسابرسان را فراهم می‌آورد. چرخش اختیاری حسابرس هم به نوعی مانع از برقراری روابط بلندمدت شخصی میان صاحبکاران و حسابرس شده و هم معایب چرخش اجباری را در خود ندارد و منجر به بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. استقلال حسابرس، الزامی ضروری برای فراهم آوردن کیفیتی مناسب برای حسابداری و حسابرسی است. در سال‌های اخیر چرخش اختیاری حسابرسی یکی از راهبردهای مراجع حرفه‌ای و بورس‌های اوراق بهادار اغلب کشورها از جمله در ایران برای ارتقای استقلال حسابرسان مستقل و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی است. این نتیجه منطبق با نتایج تحقیقات لیندچید و همکاران (۲۰۱۰) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) است.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه سوم تحقیق نشان می‌دهد بین چرخش اجباری حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی وجود ندارد. چرخش اجباری حسابرس می‌تواند فلسفه وجودی حسابرسی را متزلزل کند. چرخش اجباری به خاطر فشارهای رقابتی، می‌تواند تهدید بزرگی برای کیفیت حسابرسی باشد. چرخش حسابرس به نوعی منجر به هدر رفتن تجربه حسابرس پس از چرخش می‌گردد و در نتیجه منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. به عبارتی با چرخش یک حسابرس از صنعتی به صنعت دیگر یا از شرکتی به شرکت دیگر، تمامی تجربیات قبلی حسابرس در صنعت یا شرکت قبلی بالا استفاده می‌شود و حسابرس در صنعت یا شرکت جدید تجربه اندکی دارد که می‌تواند منجر به کاهش کیفیت حسابرسی شود. این نتیجه نیز منطبق با نتایج تحقیقات کولینان و همکاران (۲۰۱۲) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) است.

مدیران شرکت‌ها با توجه به تأثیر قابل ملاحظه‌ای که در چرخش حسابرسان (ابقا و تغییر حسابرسان) دارند ممکن است با بهره‌گیری از این تأثیر، حسابرسانی را که اظهارنظر مطلوب و دلخواه مدیریت صادر می‌کنند، جایگزین حسابرسان قبلی کنند تا به این وسیله منافع خود را به حداکثر برسانند. این تأثیر مدیریتی منجر به فرسایش کیفیت حسابرسی می‌شود و عواملی را ایجاد می‌کند که ممکن است به شکست حسابرسی منتهی شود، بنابراین با توجه به نتیجه فرضیه تحقیق مبنی بر ارتباط مستقیم تردید حرفه‌ای حسابرس و چرخش اختیاری حسابرس به نهادهای

نظارتی همچون سازمان بورس و اوراق بهادار و جامعه حسابداران رسمی ایران پیشنهاد می‌گردد در هنگام تدوین قوانین مرتبط با تردید حرفه‌ای حسابرس و چرخش موسسات حسابرسی، به ارتباط مستقیم تردید حرفه‌ای حسابرس و چرخش اختیاری حسابرس شرکت‌ها توجه نمایند. عمده‌ترین محدودیت‌های تحقیق حاضر که در تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم آن باید مد نظر قرار گیرد به شرح زیر است:

(۱) برخی محدودیت‌ها در زمینه انتخاب نمونه از آن جمله عدم تغییر سال مالی، در دسترس نبودن اطلاعات مورد نیاز متغیرها و... قطعاً استفاده از دوره‌ها و تعداد شرکت‌های بیشتر بر اعتبار و روایی تحقیق خواهد افزود.

(۲) یکی از محدودیت‌های این تحقیق عدم استفاده از رگرسیون در سطح شرکت (رگرسیون سری زمانی) به دلیل کوتاه بودن سری زمانی هر شرکت بوده است.

برای انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

(۱) بررسی تأثیر متغیرهای همچون ساختار موسسات حسابرسی (از لحاظ تعداد کارکنان، رده شغلی کارکنان و مدارک حرفه‌ای آنها)، اندازه، تخصص موسسات حسابرسی بر کیفیت خدمات حسابرسی.

(۲) می‌توان موضوع تحقیق را در دیگر صنایع مورد بررسی قرار داد و انتظار می‌رود با توجه به تفاوت ماهیت فعالیت شرکت‌ها در صنایع مختلف نتایج متفاوتی حاصل شود.

(۳) یکی از محدودیت‌های تحقیق عدم استفاده از رگرسیون در سطح شرکت به دلیل کوتاه بودن سری زمانی هر شرکت بوده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در سال‌های آتی با در اختیار داشتن اطلاعات برای انجام تحقیق مشابه در بازه زمانی طولانی‌تر، این تحقیق با استفاده از رگرسیون سری زمانی در سطح شرکت انجام گردد.

(۴) بررسی مقایسه‌ای موضوع تحقیق، در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس اندازه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به دو گروه بزرگ و کوچک.

(۵) بررسی مقایسه‌ای موضوع تحقیق، در نمونه‌های تفکیک شده بر اساس مراحل چرخه عمر (رشد، بلوغ و افول) شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار.

منابع

- Bandyopadhyay S. P. , CH. Chen, & Y. Yu, (2014). Mandatory Audit Partner Rotation, Audit Market Concentration, and Audit Quality: Evidence from China, *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, Volume 30, Issue 1, PP. 18–31
- Baymani, H. & Vahidi Elizi, E. (2016). Investigating the Effect of Compulsory and Optional Rotation of Audit Institutions on Audit Quality in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange, *First National Conference on Economics, Management and Accounting [in persian]*
- Beyer, A. & Guttman. I. (2012). Voluntary disclosure, manipulation and real effects. available online at: <http://ssrn.com/abstract=1647808>
- Cullinan, Charles P. Fangjun Wang, Bei Yang, Junrui Zhang (2012). Audit opinion improvement and the timing of disclosure, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 28, 333–343
- Daugherty B. E. , D. Dickins, R. C. Hatfield, & J. L. Higgs, (2013). Mandatory Audit Partner Rotation: Perceptions of Audit Quality Consequences, *American Accounting Association, Current Issues in Auditing*, Volume 7, Issue 1, PP. 30-35
- Francis, J. , Nanda, D. & Olsson, P. (2008). Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital. *Journal of Accounting Research*, 46, 53–99
- Francis, J. R. (1999). A test of audit pricing in the small-client segment of the US audit markets', *The Accounting Review*, Vol. 62, January, pp. 145–57.
- Guttman, I. (2010). The timing of analysts' earnings forecasts. *The Accounting Review*, 85, 513–545.
- Hamilton, J. , C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. (2005). "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism". Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.
- Hurt, R. K, et al. (2013). Research on Auditor Professional Skepticism: Literature Synthesis and Opportunities for Future Research, *journal of practice and theory*, Vol: 32, pp: 45-97
- Hurt, R. K. , M. Eining, and R. D. Plumlee. (2008). an experimental examination of professional skepticism. Working Paper. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1140267>.
- Leuz, C. & Wysocki, P. (2008). Economic consequences of financial reporting and disclosure regulation: a review and suggestions for future research. Working Paper, available online at <http://ssrn.com>
- Liao, C. H. (2011). The effect of stock-based incentives and governance mechanisms on voluntary disclosure of intangibles. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* ,27, 294–307
- Lindscheid, F. , and Pott, C, & Watrin, C. (2010). The Effect of Audit Engagement and Review Partner Rotation on Audit Quality. Working Paper, Institute of Accounting and Taxation of Germany.
- Lobo and Zhou. (2011). Does opinion shopping impair auditor independence and audit quality?, *Journal of Accounting and Research* 44 (June): 561-583.
- Lowry, M. (2009). Discussion of 'Shareholder litigation and changes in disclosure behavior. *Journal of Accounting and Economics*, 47, 157–159.

- Mouselli, S. , Jaafar, A. & K. Hussainey (2012). Accruals quality vis-à-vis disclosure quality: Substitutes or complements?. *The British Accounting Review*, 44
- Quadackers L et al, (2009). Auditors' Skeptical Characteristics and Their Relationship to Skeptical Judgments and Decisions; VU University Amsterdam.
- Reeb and Jaou S. (2013). The impact of mandatory audit rotation on audit quality and on audit pricing: the case of Italy. Academic research Unpublished.
- Turri, J. (2014). Skeptical Appeal: The Source-Content Bias, *A Multidisciplinary Journal*, ISSN: 0364-0213, pp: 1-18
- Velte P. and Markus S. (2012). Impact of Auditor and Audit Firm Rotation on Accounting and Audit Quality: A Critical Analysis of the EC Regulation Draft, *International Conference Improving Financial Institutions: the Proper Balance Between Regulation and Governance*, Helsinki, Finland.
- Yaghobnejad, A. , Royayi, R. & Azinfar, K. (2012). Relationship between the Doubtfulness and Audit Quality, *Journal of Management Accounting*, 5 (14) , pp. 25-35 [in persian].
- Zarefar, A. , Andreas & Zarefar, Atika (2016) , The Influence of Ethics, Experience and Competency toward the Quality of Auditing with Professional auditor Scepticism as a Mederating Variable, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 219, 828 – 832

فرا تحلیل در تحقیقات حسابداری

مهدی مران جوری، جهانگیر رضوانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۳۰

چکیده

در علوم انسانی و رفتاری بنا به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، محققان در تحقیقات خود درباه یک موضوع واحد گاهی نه تنها به نتایج یکسانی نمی‌رسند، بلکه در تحقیقات آن‌ها تناقضاتی نیز دیده می‌شود که شاید علت آن دقیق نبودن وسایل اندازه‌گیری باشد. برای کاهش این تناقضات روشی به نام فراتحلیل مطرح شد. فراتحلیل‌ها با مرور نظام‌مند منابع برای پیدا کردن، ارزشیابی، ترکیب و در صورت نیاز جمع‌بندی آماری به تحقیقاتی می‌پردازد که قبلاً پیرامون یک موضوع خاص به رشته تحریر درآمده‌اند. مهم‌ترین مزیت مطالعات فراتحلیل این است که آن‌ها با ادغام نتایج مطالعات مختلف، متغیرهای ساختاری تعدیل‌کننده در نتایج مطالعات گذشته را شناسایی و قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنادار افزایش می‌دهند. همین خصوصیت سبب شده است که در سال‌های اخیر، تعداد پژوهش‌های مربوط به فراتحلیل‌ها در علوم مختلف افزایش چشمگیری داشته باشد. با توجه به نتایج متناقض مشاهده شده در تحقیقات حسابداری به خصوص در حوزه‌هایی چون حاکمیت شرکتی، گزارشگری مالی و... ضرورت کاربرد این تکنیک در حسابداری پررنگ‌تر شده است. بر این اساس هدف مقاله حاضر معرفی فراتحلیل و روش شناسی آن در تحقیقات برای محققان حسابداری است.

واژه‌های کلیدی: فراتحلیل، اندازه اثر، تحقیقات حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2017.14420.1279

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، (نویسنده مسئول)، (Mr.maranjory@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، (Jahangir.Rezvani@gmail.com)

مقدمه

علوم کمی و آزمایشی نظیر فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و... از قوانین طبیعی خاصی پیروی می‌کنند. بنابراین یافته‌های هر پژوهشگر در هر مکانی به راحتی قابل تعمیم است و دیگر محققان با تکرار آزمایش وی در شرایط خاص می‌توانند به همان نتایج دست یابند، زیرا در این علوم، مفاهیم تعریف شده و وسایل اندازه‌گیری دقیق هستند. اما در علوم انسانی و رفتاری بنا به ماهیت و موضوع مورد مطالعه که اغلب انسان است، وضع به گونه دیگری است و محققان در تحقیقات خود درباره یک موضوع گاهی نه تنها به نتایج یکسانی نمی‌رسند بلکه در تحقیقات آن‌ها تناقضاتی نیز دیده می‌شود که شاید علت آن دقیق نبودن وسایل اندازه‌گیری و مختار بودن انسان باشد. برای کاهش این ناهمگونی‌ها در علوم انسانی حدود سی سال پیش روشی به نام فراتحلیل مطرح شد (بذرافشان، ۱۳۹۲). فراتحلیل، رویکردی پژوهشی است که کمک زیادی به پژوهشگر می‌کند تا به ترکیب مناسبی از نتایج کمی مطالعات متضاد و غیرمتضاد در گذشته دست یابد، تناقض‌ها را توضیح دهد و متغیرهای ساختاری تعدیل‌کننده در نتایج مطالعات گذشته را شناسایی کند. فراتحلیل، پژوهشگر را از اتکا به نتایج یک مطالعه انفرادی و یا اتکا به بازنگری‌های غیر کمی سنتی و تجربی مصون می‌دارد و به او امکان ترکیب و یک کاسه کردن داده‌های حاصل از چندین مطالعه را می‌دهد (هومن، ۱۳۹۵).

امروزه فراتحلیل در بسیاری از حوزه‌های علم به خصوص در علوم اجتماعی و پزشکی عمیقاً مورد پذیرش جامعه علمی سراسر دنیا قرار گرفته است. رشد سریع مطالعات به شیوه فراتحلیل گواهی بر این مدعاست (مهری، ۱۳۹۰). با وجود محبوبیت فراتحلیل از چند لحاظ (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳)، بطور وسیع در ادبیات حسابداری به کار نرفته است (پومروی و تورنتون، ۲۰۰۸). در دهه ۱۹۷۰، گلاس و همکارانش اصطلاح فراتحلیل را تعریف کردند و اغلب سلسله‌مراحلی که اکنون در روانشناسی به کار می‌روند را ارائه نمودند (لیونز، ۲۰۰۳). در اوایل دهه ۱۹۸۰، هانتر، اشمیدت و جکسون (۱۹۸۲) چیزی را ابداع کردند که عموماً سلسله‌مراحل تعمیم اعتبار نامیده می‌شود و اندازه اثرات را در یک فراتحلیل مربوط به خطای نمونه‌گیری تصحیح می‌کند (لیونز، ۲۰۰۳). سه سال بعد، کوپر و همکارانش (۱۹۸۵) اولین فراتحلیل را در ادبیات حسابداری مطرح کردند. اگرچه بررسی‌های تجربی به نتایج با ارزشی در مورد تحقیقات حسابداری می‌پردازند، اما فراتحلیل‌ها این نتایج را با خلاصه‌سازی آماری و جمع‌بندی یافته‌های

متفاوت تحقیقات مختلف توسعه می‌دهند (احمد و کورتیز، ۱۹۹۹). برخلاف بررسی‌های تجربی، فراتحلیل‌ها می‌توانند اثرات تعدیل‌کننده احتمالی را در تحقیقات بررسی کنند (احمد و همکارانش، ۲۰۱۳). تحقیقات حسابداری در مورد یک موضوع تحقیقاتی از لحاظ نمونه‌های بکار گرفته، دوره‌های تحلیل، مدل‌های نظری و تجربی و ساختارهای بررسی شده با هم متفاوتند (آرتیاج و کلارکسون، ۲۰۱۱). بنابراین این‌گونه تغییرات نیاز به بررسی‌هایی شدند که نشان می‌دهند چگونه این‌گونه تغییرات بر روی نتایج تأثیر می‌گذارند و مسائل محوری را در ادبیات موجود شناسایی می‌کنند (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳).

در پژوهش حاضر به بررسی پیشینه حسابداری فراتحلیلی می‌پردازیم تا بتوانیم به محققین حسابداری در درک کاربرد آن در حسابداری کمک کنیم. به‌علاوه، ما روش‌هایی را ذکر می‌کنیم که برای اجرای تحقیق حسابداری فراتحلیلی برای توسعه درک ما از این‌گونه تحقیقات به کار می‌روند و به مشکلات مربوط اشاره می‌نماییم. بدین ترتیب، این یک بررسی مفید برای کسانی است که به تجزیه و تحلیل تاریخچه آکادمیک یک موضوع خاص و به یک راهنما برای انجام تحقیق فراتحلیلی در زمینه‌های مختلف حسابداری علاقه دارند.

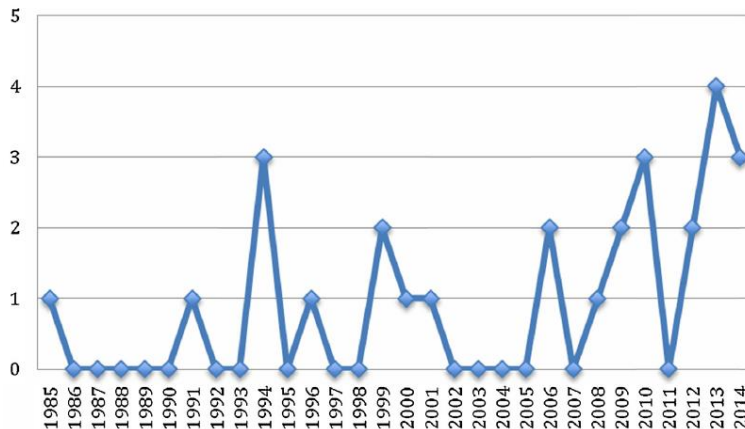
در پژوهش حاضر تحقیقات حسابداری فراتحلیلی به پنج موضوع براساس مسئله مورد بررسی تقسیم می‌شوند: (۱) گزارشگری مالی؛ (۲) حسابرسی؛ (۳) حسابداری مدیریت؛ (۴) حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری و (۵) موضوعات مختلف دیگر.

توسعه تاریخی فراتحلیل در تحقیقات حسابداری

تکنیک فراتحلیل با مشکل پزشکی آغاز شد. نخستین فراتحلیل عملاً در سال ۱۹۰۴ توسط کارل پیروسون (برای تعیین میزان تأثیر واکسیناسیون علیه آبله در رابطه با بازماندگان) انجام شد. تنها در دو دهه پایانی قرن بیستم بود که فراتحلیل در حوزه‌هایی مانند پزشکی، علوم رفتاری و سایر رشته‌ها شهرت یافت، اما اصطلاح فراتحلیل برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ توسط جین گلاس در انجمن پژوهشی آمریکا به کار برده شد (سهرابی فرد، ۱۳۸۵). در سال‌های اخیر بحث فراتحلیل در ایران نیز مطرح شده و در میان پژوهشگران و مجلات علمی به طرز گسترده‌ای جای خود را باز کرده است، به‌طوری که کمتر مؤسسه و مرکز پژوهشی را می‌توان یافت که در اولویت‌های پژوهشی خود به فراتحلیل اشاره نکرده باشد (مهری، ۱۳۹۰). اگرچه فراتحلیل به‌طور

وسیع مورد پذیرش و استفاده در علوم اجتماعی و پزشکی قرار گرفته است، اما کاربرد تقریباً محدودی در دانش حسابداری دارد (پومروی و تورنتون، ۲۰۰۸). اولین مطلب در مورد فراتحلیل در حسابداری توسط کوپر و همکارانش (۱۹۸۵) منتشر شد که اثر قانون منع فعالیت‌های فاسد بین‌المللی ۱۹۷۷ در مورد کیفیت کنترل را بررسی کردند. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴، چهار فراتحلیل منتشر شد (گرین‌برگ، ۱۹۹۴؛ کینی و مارتین، ۱۹۹۴؛ تورنتون، ۱۹۹۴؛ تروتمن و وود، ۱۹۹۱). دو تحقیق اول، اثر حسابرسی بر روی هماهنگی‌های حسابداری را محور بررسی قرار دادند. گرین‌برگ و همکارانش (۱۹۹۴) بیشتر به بودجه‌بندی مشارکتی پرداختند و تورنتون (۱۹۹۴) بطور خلاصه به ارائه نتایج چندین مقاله مربوط به آموزش حسابداری در کانادا پرداخت.

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، هفت تحقیق فراتحلیلی مربوط به حسابداری از جمله آثار درفوس (۲۰۰۹)، گارسیا و سانچز (۲۰۰۹)، پومروی و تورنتون (۲۰۰۸)، گارسیا و سانچز (۲۰۰۶)، هی و همکارانش (۲۰۰۶)، دال و شرودر (۲۰۰۱)، بریرلی و کاوتون (۲۰۰۰) انجام شد. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، دوازده مقاله حسابداری فراتحلیلی منتشر شده است (حمید و همکارانش، ۲۰۱۴؛ خلیف و حسینی، ۲۰۱۴؛ لیو و همکارانش، ۲۰۱۴؛ احمد و همکارانش، ۲۰۱۳؛ فیفکا، ۲۰۱۳؛ سوئیسی و خلیف، ۲۰۱۲؛ حبیب، ۲۰۱۳، ۲۰۱۲؛ هی، ۲۰۱۳؛ خلیف و سوئیسی، ۲۰۱۰؛ لین و هوانگ، ۲۰۱۰؛ گارسیا و سانچز، ۲۰۱۰). شکل ۱ روند تحقیق حسابداری فراتحلیلی در فاصله ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد. دوران اوج، ۱۹۹۴، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ هستند که سه مقاله در ۱۹۹۴، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ و چهار مقاله در ۲۰۱۳ منتشر شد. روند نشان می‌دهد که تحقیق حسابداری فراتحلیلی علاقه و پذیرش بیشتری را از ۲۰۰۶ به بعد به خود جلب کرد. توضیح مهم دیگر در مورد رواج فراتحلیل در تحقیق حسابداری، این است که میزان پذیرش برای این مطالعات به دلیل بکارگیری خوش‌بینانه جامعه آکادمیک حسابداری از این روش آماری برای بررسی پیشینه مطالعات انجام شده، افزایش یافته است.



شکل (۱): روند تحقیق حسابداری فراتحلیلی در فاصله ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۴ (خلیف و کالمرز، ۲۰۱۵)

بررسی روش شناختی فراتحلیل در تحقیق حسابداری

برای بکارگیری تکنیک فراتحلیل، محققین باید از چند فرآیند تبعیت کنند. یک تحقیق فراتحلیلی معمولاً ۵ مرحله دارد: (۱) شناسایی یک زمینه مفید از تحقیق و ارائه بیان مسئله (۲) جمع‌آوری داده‌ها (۳) آماده‌سازی مجموعه داده‌ها (۴) تجزیه و تحلیل داده‌ها (۵) تفسیر و بحث در مورد نتایج (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳؛ کیرکا و یاپراک، ۲۰۱۰).

شناسایی یک زمینه مفید از تحقیق و ارائه بیان مسئله

برای توجیه استفاده از تکنیک فراتحلیل، محققین باید وجود تعداد حساسی از مطالعات تجربی که در مورد یک موضوع تحقیق کردند را نشان دهند. به علاوه، این مطالعات باید شواهد مختلف در این مورد که هدف فراتحلیل، پیوند یافته‌های مطالعات مختلف و ارائه نتایج منطقی است را گزارش کنند (احمد و همکارانش، ۲۰۱۳؛ درفوس، ۲۰۰۹؛ هی و همکارانش، ۲۰۰۶). برخی از تحقیقات فراتحلیلی دارای این توجیه به دلیل تعداد محدود مطالعات نیستند (بریرلی و کاوتون، ۲۰۰۰). در پیشینه حسابداری، تحقیق فراتحلیلی بطور کلی به حوزه‌هایی از تحقیق دارای تعریف دقیق (نظیر مدیریت سود، دستمزدهای حسابداری، افشا، اظهار نظر حسابرس) که از روش‌های مشابهی برای بررسی یک مسئله تحقیقی استفاده می‌کنند گفته می‌شود.

جمع آوری داده‌ها

جمع آوری داده‌ها شامل شناسایی آثار منتشر شده در مورد یک موضوع خاص است. این مرحله به این خاطر مهم است که تصویر اولیه تعداد تحقیقات را نشان می‌دهد (کیرکا و یپراک^۸، ۲۰۱۰). برای ایجاد نمونه، نویسندگان از چندین پایگاه اطلاعاتی، نشریات تخصصی و بررسی‌های منتشر شده استفاده می‌کنند. پس از انتخاب مقالات مربوطه، لیست منابع این تحقیقات برای شناسایی مقالات مربوطه دیگر بررسی می‌شود (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳). روش‌های تحقیق بطور کلی شامل استفاده از بررسی لغات کلیدی در چندین پایگاه اطلاعاتی و منابع دیگر است (به عنوان مثال، وب سایت ISI علوم، EBSCO، sciencedirect، SSRN، ABI Inform، Emerald).

آماده‌سازی مجموعه داده‌ها

آماده سازی مجموعه داده‌های فراتحلیلی به محاسبه اندازه اثر برای هر یک از مطالعات تجربی بکار گرفته و شناسایی متغیر متعادل کننده احتمالی نیاز دارد (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳؛ کیرکا و یپراک^۸، ۲۰۱۰). اندازه اثر شاخصی است که برای نمایش و استانداردسازی یافته‌های تحقیقات مورد نظر به کار می‌رود (لیپسی و ویلسون، ۲۰۰۱) و اطلاعات مربوط به گستردگی رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای توصیفی مربوط به هر مطالعه را ارائه می‌دهد. سه نوع ماتریس اندازه اثر به طور کلی به کار می‌روند: (۱) اختلاف میانگین استاندارد؛ (۲) رابطه متقابل؛ و (۳) نسبت مبهم (دوینی و تانگ^۹، ۲۰۱۳). بطور کلی، ماتریس‌های رابطه متقابل در پیشینه فراتحلیلی حسابداری به کار می‌روند و از آمارهای استنباطی (نظیر ضریب‌ها، آماره t ، آماره Z پیرسون) یا سطوح احتمال معناداری (مقادیر p) به دست می‌آیند (کارد، ۲۰۱۲).

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، تمامی تحقیقات حسابداری انجام شده با روش فراتحلیل از شاخص‌های همبستگی اندازه اثر بهره بردند. به عبارت دیگر تحقیقات مذکور، تحقیقاتی بودند که جهت و رابطه متغیرهای مشخصی را دنبال می‌کردند. محققان آماره‌های P -Value، Z ، کای دو، F و t که بیانگر همبستگی بین متغیرها می‌باشند را به یک مقیاس مشترک که اندازه اثر (ES_i) نام دارد تبدیل می‌کنند.

پس از محاسبه اندازه اثر، آن دسته از متغیرهای تعدیل کننده احتمالی که می‌تواند بر روی روابط مورد نظر تأثیر بگذارند، مورد توجه قرار می‌گیرند (کوپر و هگز، ۱۹۹۴). متغیرهای تعدیل

کننده احتمالی که در تحقیق حسابداری فراتحلیلی شناسایی می‌شوند، میزان متغیرهای وابسته و مستقل (نظیر مدل‌های بکار رفته برای تخمین تعهدات گسسته، مدل‌های قیمت در برابر سود برای فراتحلیل مطالعات مربوط به رابطه ارزش، سنجش اندازه شرکت)، ویژگی‌های شرکت (نظیر صنعت، ویژگی‌های هیأت مدیره، ساختار مالکیت، کشور)، ویژگی‌های مطالعه (نظیر دوره زمانی، مطالب منتشر شده، مدل‌ها) و مشخصات حقوقی و سازمانی شرایط تحقیق (نظیر اجرای قانون، نظام حقوقی، حفاظت سرمایه‌گذار) هستند.

شناسایی متغیرهای تعدیل‌کننده احتمالی بطور کلی براساس بررسی متغیرهای موجود در هر مطالعه، مطالعات گذشته، بررسی‌های سبک شناختی و مطالعات ملی با توجه به جریان تحقیق حسابداری صورت می‌گیرد (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳). به عنوان مثال، آن دسته از مقالات فراتحلیلی که به افشا مربوطند، بطور کلی به بررسی سبک شناختی انجام شده توسط مارستون و شریوز (۱۹۹۱) رجوع می‌کنند که تشکیل یک شاخص افشا در تحقیق حسابداری (نظیر تعداد اقلام موجود در یک شاخص افشا، شاخص وزن‌دار در مقابل بی‌وزن) را محور قرار می‌دهد. یک تحقیق فراتحلیلی که به حاکمیت شرکتی مربوط است به تحقیق انجام شده توسط لیوز، ناندا و ویسوکا (۲۰۰۳) برای کسب اطلاعات در مورد دسته‌بندی‌های حفاظت سرمایه‌گذار و نظام حقوقی به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده رجوع می‌کند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یک محقق تجزیه و تحلیل داده‌ها را با ترکیب‌سازی اندازه اثر، محاسبه توزیع اندازه اثر و بررسی همگونی و متغیرهای تعدیل‌کننده آغاز می‌کند (کیرکا و یاپراک، ۲۰۱۰).

مراحل انجام کار

گام اول. برای انجام فراتحلیل، در ابتدا کلیه تحقیقات انجام شده در دسترس پیرامون موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گام دوم. در گام بعدی آماره‌های همبستگی (F , t , z , p -value) و کای دو) مطالعات مختلف باید به اندازه اثر تبدیل گردند. در این راستا می‌توان به پیروی از روش لپسی و ویلسون (۲۰۰۱) از فرمول‌های زیر بهره برد.

$$ES_r = \frac{t}{\sqrt{t^2 + df}} \quad \text{فرمول (۱)}$$

$$|ES_r| = \frac{\sqrt{F}}{\sqrt{F + n_1 + n_2 - 2}} \quad \text{فرمول (۲)}$$

$$ES_r = \sqrt{\frac{Z}{N}} \quad \text{فرمول (۳)}$$

$$ES_r = \sqrt{\frac{N^2}{N}} \quad \text{فرمول (۴)}$$

برای تبدیل آماره p-value به اندازه اثر، ابتدا این آماره را به t تبدیل نموده سپس t را با فرمول اول به اندازه اثر تبدیل می‌کنیم.

گام سوم. در مرحله بعد بایستی میانگین اندازه اثر محاسبه شود. محاسبه میانگین حسابی در صورتی امکان‌پذیر است که توزیع ضرایب همبستگی نرمال باشد، اما معمولاً با توجه به عدم نرمال بودن اندازه اثرها، این ارقام طبق فرمول زیر باید به Z فیشر تبدیل شوند.

$$ES_{zr} = 0.5 \log_e \left[\frac{1 + ES}{1 - ES} \right] \quad \text{فرمول (۵)}$$

سپس با استفاده از فرمول زیر میانگین اندازه اثر محاسبه شود.

$$\overline{ES} = \frac{\sum (W_{zr} \times ES_{zr})}{\sum W_{zr}} \quad \text{فرمول (۶)}$$

در این فرمول، W معکوس واریانس اندازه اثر است که برابر با n-3 می‌باشد (n تعداد مطالعات است). سپس برای تفسیر نتایج، میانگین اندازه اثر Z_r را با استفاده از فرمول زیر به شکل اولیه آن برمی‌گردانیم (چرا که به دلیل نرمال نبودن اندازه اثرها، این ارقام را به Z_r تبدیل کرده بودیم).

$$\overline{ES}_r = \frac{e^{2\overline{ES}_r} - 1}{e^{2\overline{ES}_r} + 1} \quad \text{فرمول (۷)}$$

گام چهارم. سپس برای آزمون معناداری مقدار کلی اندازه اثر، این مقدار را با بهره گیری از فرمول زیر در یک فاصله اطمینان برآورد می کنیم.

$$\left(\overline{ES}_{zr} - Z_{\frac{\alpha}{2}} \sqrt{\frac{1}{\sum W}}, \overline{ES}_{zr} + Z_{\frac{\alpha}{2}} \sqrt{\frac{1}{\sum W}} \right) \quad \text{فرمول (۸)}$$

در این فرمول $Z_{\frac{\alpha}{2}}$ مقدار بحرانی توزیع نرمال است.

تا اینجا، Z فیشر محاسبه می شود. باید با یک تبدیل، مقادیر متناظر با Z های به دست آمده را جایگزین نمود. اگر این فاصله شامل صفر نشود فرض صفر در خصوص رابطه بین متغیر مستقل و وابسته رد می شود. فاصله مذکور همچنین نشان می دهد که در مجموع اندازه اثر کلی به احتمال $(1 - \alpha)$ درصد در چه فاصله ای خواهد افتاد.

گام پنجم. شایان ذکر است که قبل از ترکیب اندازه اثرها باید به مساله تجانس یا همگنی اندازه اثرها توجه شود. به عبارت دیگر تجانس اندازه اثرها آزمون شود. در صورت متجانس بودن اندازه اثرها آن‌ها با هم تلفیق می شوند (انجام گام دوم تا چهارم زمانی صورت می گیرد که مشخص شود تحقیقات متجانس هستند). در غیر اینصورت مطالعات براساس متغیرهای کلیدی که احتمال می رود. واریانس اندازه اثرهای جمعیت ناشی از آن‌ها باشد به زیر گروه‌هایی تقسیم می گردد. این روش تا جایی ادامه پیدا می کند که مطالعات درون طبقات متجانس باشند و هیچ واریانسی از اندازه اثر تبیین نشده باقی نماند.

برای بررسی متجانس بودن اندازه اثرها، آزمون Q ، مورد استفاده قرار می گیرد. آماره Q دارای توزیع کای دو با درجه آزادی $n-1$ می باشد و از فرمول زیر محاسبه می شود:

$$Q = \sum (W_{zr} ES_{zr}^2) - \frac{(\sum W_{zr} ES_{zr})^2}{\sum W_{zr}} \quad \text{فرمول (۹)}$$

اگر مقدار Q به دست آمده از مقدار بحرانی نگاره کای دو کوچک تر باشد فرض متجانس بودن اندازه اثرها تایید می شود. بعد از اطمینان از متجانس بودن اندازه اثرها می توان مقدار کلی اندازه اثر جامعه را برآورد نمود. اگر مقدار Q به دست آمده از مقدار بحرانی نگاره کای دو بزرگتر باشد، فرض متجانس بودن اندازه اثرها رد می شود و باید از ترکیب اندازه اثرها پرهیز نمود و به کمک تحقیقات و نظریه های پیشین دنبال تبیین و توضیح این عدم تجانس بود. مطالعات براساس متغیرهای کلیدی که احتمال می رود واریانس اندازه اثرها جمعیت ناشی از آنها باشد به زیرگروه هایی تقسیم می گردد.

گام نهم. بعد از تقسیم بندی مطالعات، آماره های Q_B (آزمون تجانس بین گروهی) و Q_W (آزمون تجانس درون گروهی) محاسبه می شود. اگر مقدار Q_W معنادار نباشد، بیانگر این امر است که مطالعات درون طبقات متجانس اند و محقق در شناسایی متغیرهای کلیدی خوب عمل نموده است و میانگین اندازه اثر محاسبه شده با استفاده از فرمول شش برآوردی از اندازه اثر برای زیر گروه است. Q_B نیز یک آماره کمکی برای Q_W می باشد که میزانی که اندازه اثرها در میان طبقات متفاوتند را نشان می دهد. Q به تجانس کلی اندازه اثرها می پردازد که این تجانس کلی به دو تجانس درون مطالعات (Q_W) و بین مطالعات (Q_B) قابل تقسیم است (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۴).

$$Q_W = Q_{Group-1} + Q_{Group-2} + \dots$$

$$Q_B = Q - Q_W$$

تفسیر و بحث در مورد نتایج

در این قسمت از یک فراتحلیل، محقق در مورد یافته های فراتحلیلی بحث و تفسیر می کند. نتایج با ذکر یافته های عمده فراتر از آنچه که در مطالعات اولیه گزارش می شود و نحوه جمع بندی فراتحلیل در مورد نتایج مختلف منتشر شده در پیشینه تحقیق، ارائه می شوند (بوکلی و همکارانش، ۲۰۱۳؛ کیرکا و یاپراک، ۲۰۱۰). به علاوه، یک محقق باید مشخص کند که آیا نتایج با تئوری های موجود مطابقت دارد یا خیر و خلاءها و محدودیت های موجود در پیشینه تجربی را برای ارائه دستورالعمل های تحقیقی جدید مشخص کند (لیپسی و ویلسون، ۲۰۰۱).

انتشار مطالعات فراتحلیلی نقش مهمی در فهم یافته‌ها نیز ایفا می‌کند. نتایج فراتحلیلی را می‌توان به شکل کارآمد و مؤثری با استفاده از اشکال، نمودارها و جداول مختلف گزارش کرد (بوکلی و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج بطور کلی در قالب جداولی ارائه می‌شوند که یافته‌های فراتحلیلی نمونه کلی را همراه با نتایج فراتحلیل‌های زیر مجموعه‌های مختلفی که عوامل تعدیل کننده را آزمایش می‌کنند، نمایش می‌دهند.

خلاصه تحقیقات حسابداری فراتحلیلی از ۱۹۸۵ به بعد

با بررسی ۲۷ مطالعه صورت گرفته از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۴ مشاهده می‌شود که ۲۶٪ از تحقیقات فراتحلیل در زمینه گزارشگری مالی، ۲۲٪ به حسابرسی و ۱۹٪ به حاکمیت شرکتی مربوط هستند. همچنین ۱۸٪ از مطالعات در زمینه حسابداری مدیریت و ۱۵٪ به عنوان مطالعات متفاوت (در زمینه آموزش حسابداری و غیره) مربوطند؛ اما تا کنون هیچ مطالعه‌ای در زمینه‌های مختلف حسابداری نظیر حسابداری مالیاتی منتشر نشده است.

گزارشگری مالی

حوزه‌های گزارشگری مالی که توسط یک فراتحلیل خلاصه شده‌اند، شاخص‌های افشا، تأثیر افشا داوطلبانه بر هزینه سرمایه، شاخص‌های صحت پیش‌بینی تحلیلگران و اثرات بکارگیری IFRS هستند. ویژگی‌های عمومی این موضوعات، متغیرها و روش‌های مختلف بکار رفته در تحقیقات هستند.

خلیف و حسینی (۲۰۱۴) رابطه بین افشا ریسک و ویژگی‌های شرکت شامل اندازه، اهرم، سودآوری و عامل ریسک را با استفاده از ۴۲ تحقیق بطور دقیق تحلیل کردند. عوامل تعدیل کننده بررسی شده، نظام حقوقی (کشورهای تابع حقوق عرفی در مقابل حقوق مدنی)، اجتناب از عدم اطمینان و تردید، رویه افشا (اجباری در مقابل داوطلبانه) و نوع صنایع، معیار ویژگی‌های شرکت‌ها هستند. یافته‌های کلی فراتحلیلی نشان می‌دهند که ویژگی‌های بررسی شده شرکت‌ها یک اثر مثبت معنادار بر روی گزارش ریسک می‌گذارند. آزمون اثرات تعدیل کننده نشان می‌دهد که اندازه و اهرم رابطه مثبت معناداری با افشای ریسک در یک رویه افشای داوطلبانه دارند در حالی که اندازه و سودآوری با گزارش ریسک ارتباط مثبت دارند. در نهایت، رابطه بین چهار مشخصه شرکت و گزارش ریسک معنادار نیست.

فیفا (۲۰۱۳) نتایج ۱۸۶ رابطه تحقیق تجربی در مورد نشانه‌های گزارش اجتماعی را بدون هیچ‌گونه تفاسیر آماری ارئه نمود. متغیرهای بررسی شده به عوامل خارجی (نظیر قانونمندی، نفوذ سهامداران) و عوامل داخلی (نظیر صنعت، اندازه شرکت، ساختار مالکیت، عملکرد مالی) مربوطند. یافته‌ها نشان می‌دهند که محققین در مناطق مختلف روش‌های مختلفی را به کار می‌گیرند و هنگام بررسی شاخص‌های افشای اجتماعی و زیست محیطی از متغیرهای متعددی استفاده می‌کنند. متغیرهایی که همواره با گزارش اجتماعی در ارتباطند؛ اندازه، صنعت و نگرش‌های مدیریتی هستند.

احمد و همکارانش (۲۰۱۳) به بررسی دقیق پیشینه تجربی بر روی اثرات بکارگیری IFRS پرداختند. آن‌ها اثرات IFRS بر روی سرمایه‌گذاران (رابطه ارزشی)، مدیران (کیفیت سود و تعهدات اختیاری) و تحلیلگران مالی (صحت پیش‌بینی) را محور قرار دادند. عوامل تعدیل‌کننده‌ای که در نظر گرفته شدند، تفاوت‌های مربوط به قوانین، رویه‌های حسابداری و حسابرسی و میزان تطابق بین GAAP محلی با IFRS، ابتکار در انتخاب گزینه‌ها (داوطلبانه، غیرداوطلبانه)، مدل‌هایی که برای ارتباط ارزشی و معیارهای مدیریت سود و صحت پیش‌بینی تحلیلگران هستند. یافته‌های کلی فراتحلیل نشان می‌دهند که ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام باعث افزایش پس از انتخاب IFRS نمی‌شود، در حالی که رابطه ارزشی درآمدها هنگامی افزایش نمی‌یابد که با استفاده از مدل‌های قیمت‌ارزیابی شود. به‌علاوه، تعهدات اختیاری باعث کاهش بکارگیری پس از IFRS نمی‌شوند، اما درستی پیش‌بینی تحلیلگران به شدت افزایش می‌یابد. با بررسی متغیرهای تعدیل‌کننده، آن‌ها در این مورد مدرک ارائه می‌دهند که پیشرفت در رابطه با ارزش درآمد هنگامی که از یک مدل قیمت به جای یک مدل سود استفاده می‌شود، مشهود است. به‌علاوه، مدلی که برای محاسبه تعهدات به کار می‌رود، اثر بکارگیری IFRS بر روی ارقام تعهدی اختیاری را تعدیل می‌کند. رابطه بین بکارگیری IFRS و ارقام تعهدی بسیار مثبت است هنگامی که از مدل‌های تعهدی لارکر و ریچاردسون (۲۰۰۴) و جین‌جین و استولوی (۲۰۰۸) استفاده شود. به‌علاوه، فراتحلیل نشان می‌دهد که این روابط بنا به اصل حقوقی دستگاه قضایی، رویه‌های اجرایی حسابداری و حسابرسی یا میزان انحراف بین GAAP و IFRS تعدیل نمی‌شوند.

سوئسی و خلیف (۲۰۱۲) رابطه بین افشای داوطلبانه و هزینه سرمایه مالی را با استفاده از ۲۲ تحقیق به عنوان نمونه با تکنیک فراتحلیل مورد مطالعه قرار دادند. برای نمونه کلی فراتحلیلی، یک رابطه بی معنی بین هزینه سرمایه مالی و افشای داوطلبانه گزارش شد. در بررسی اثر تعدیل کننده محیط‌های افشای بالا (آمریکا، بریتانیا، استرالیا، کانادا) در مقابل محیط‌های با افشای پایین (اتریش، برزیل، آلمان، چین، فرانسه، اسپانیا، سوئیس، سوئد)، رابطه برای محیط‌های افشای بالا بی معنی ماند اما برای محیط‌های با افشای پایین، بسیار منفی است.

گارسیا و سانچز (۲۰۰۶) به بررسی دقیق رابطه بین خطاهای پیش‌بینی تحلیلگران و اندازه شرکت، افق پیش‌بینی و ویژگی‌های تحلیلگران پرداختند. اثرات تعدیل کننده بررسی شده، تفاوت‌های در محاسبه متغیرها، کشور (آمریکا و غیر آمریکا) و مدت پیش‌بینی (دهه ۱۹۸۰ در مقابل دهه ۱۹۹۰) هستند. یافته‌های کلی فراتحلیلی نشان می‌دهند که اندازه شرکت و وابستگی تحلیلگران اثر منفی معناداری بر روی خطاهای پیش‌بینی تحلیلگران دارند، در حالی که افق پیش‌بینی ارتباط مثبتی با خطاهای پیش‌بینی تحلیلگران دارد. در مقابل، پیچیدگی کار یا تجربه تحلیلگران، هیچکدام رابطه معناداری با خطاهای پیش‌بینی تحلیلگران ندارد. در آزمایش اثرات تعدیل کننده، فراتحلیل نشان می‌دهد که اندازه شرکت اثر منفی معناداری بر روی خطای پیش‌بینی در دهه ۱۹۸۰ در مقایسه با دهه ۱۹۹۰ دارد و اثر منفی معنادار اندازه شرکت بر روی خطاهای پیش‌بینی هنگامی مشهودتر است که اثر منفی بنا به ارزش بازار در نظر گرفته شود.

احمد و کورتیس (۱۹۹۹) یک فراتحلیل را در مورد اثر ویژگی‌های شرکت‌ها (اندازه، اهرم، اندازه مؤسسه حسابرسی، سودآوری) بر روی افشا در مورد شرکت انجام دادند. با استفاده از ۲۹ مطالعه به عنوان نمونه، آن‌ها پی بردند که افشا با اندازه و اهرم ارتباط مثبت دارد. عوامل تعدیل کننده‌ای که آن‌ها برای تشریح تنوع بررسی کردند، عبارتند از: رویه افشا (شاخص‌های افشای اجباری در مقابل داوطلبانه)، کشورهای منطقه بریتانیای کبیر و غیر بریتانیای کبیر و معیارهای مختلف مربوط به ویژگی‌های شرکت‌ها. یافته‌های فراتحلیل زیرمجموعه نشان می‌دهند که رابطه بین سودآوری و افشا فقط در رویه‌های افشا داوطلبانه معنادار است. به علاوه، رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و افشا در رویه‌های افشای اجباری و برای کشورهای غیر بریتانیایی معنادار است. خلیف و سوئسی (۲۰۱۰) کار احمد و کورتیس (۱۹۹۹) را توسعه دادند. متغیرهای تعدیل کننده‌ای که ناهمگونی را کاهش می‌دهند، معیار افشا و متغیرهای توصیفی و میزان توسعه

کشورها (کشورهای در حال توسعه در مقابل توسعه یافته) هستند. نتایج این فراتحلیل یافته‌های قبلی احمد و کورتیس (۱۹۹۹) را با توجه به اثرات مثبت اندازه شرکت و نوع شرکت تحت حسابرسی در افشا داوطلبانه تایید می‌کنند. به علاوه، یافته‌ها نشان می‌دهند که این اثرات توسط میزان توسعه بازار تعدیل می‌شوند، زیرا این روابط فقط برای بازارهای توسعه یافته معنادار می‌مانند. یک انتقاد مربوط به این مطالعه، محدود بودن تعداد مطالعات بکار گرفته در تحلیل (یعنی ۱۶ مطالعه) است که می‌تواند اعتبار تعمیم نتایج را کاهش دهد.

حسابرسی

در بررسی‌های فراتحلیلی در حسابرسی، موضوعاتی نظیر ارزیابی‌های کنترل داخلی، حق الزحمه حسابرسی و نظرات تعدیلی حسابرسی، روابط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت حسابداری مورد بررسی قرار گرفتند. محور بحث تروتمن و وود (۱۹۹۱)، این است که آیا یک اتفاق نظر در قضاوت‌های مربوط به ارزیابی کنترل داخلی حسابرس‌های مختلف وجود دارد یا خیر. نتایج فراتحلیلی ۱۷ تحقیق نشان می‌دهد که یک اتفاق نظر در مورد قضاوت‌های ارزیابی کنترل داخلی توسط حسابرسان مختلف وجود دارد. در بررسی متغیرهای تعدیل‌کننده، آن‌ها نشان دادند که متغیرهای تعدیل‌کننده بر روی میزان اتفاق نظر تأثیر نمی‌گذارند.

حیب (۲۰۱۳) متغیرهای مربوط به حسابرسی، متغیرهای خاص شرکت و اظهار نظر مقبول گذشته را از هم تفکیک می‌کند. یافته‌های فراتحلیل نیز نشان می‌دهند که رابطه بین متغیرهای خاص شرکت و ارائه نظر حسابرسی تعدیل شده با فرضیه‌های منتشر شده در هر یک از مطالعات منتشر شده، مطابقت دارد. متغیر تعدیلی در نظر گرفته شده، مطالعات آمریکایی در مقابل غیرآمریکایی است. بنا به متغیر تعدیل‌کننده، رابطه بین نظرات نوع حسابرسی و نظرات حسابرسی تعدیل شده، در آمریکا مثبت و معنادار می‌ماند در حالی که برای سایر مناطق غیر معنادار است. به علاوه، دستمزدهای حسابرسی که یک اثر بی‌معنا بر روی اظهار نظر تعدیل شده حسابرسی را نشان می‌دهد، به شکل مثبت (منفی) با محیط آمریکا (محیط غیرآمریکایی) رابطه برقرار می‌کند. در نهایت، اثر منفی معنادار حق الزحمه غیرحسابرسی بر روی اظهار نظر تعدیل شده حسابرسی برای محیط‌های غیرآمریکایی باقی می‌ماند در حالی که برای تحقیقات آمریکایی بی‌معنا می‌شود.

هی (۲۰۱۳) روابط ترکیبی مربوط به کیفیت حسابرسی داخلی، حاکمیت شرکتی و حق الزحمه‌های حسابرسی را با ترکیب تحقیقات منتشر شده جدیدتر مجدداً بررسی کرد. افزودن تحقیقات جدیدتر باعث مشخص شدن روابط مثبت و معنادار بین کنترل داخلی، حاکمیت شرکتی و حق الزحمه‌های حسابرسی نسبت به تحقیق هی و همکارانش (۲۰۰۶) می‌شود. این تحقیق که با نمونه وسیع‌تری از مطالعات جداگانه انجام شد، یافته‌های فراتحلیلی قابل اعتمادتری را ارائه می‌دهد. مطالعات فراتحلیلی با محوریت کیفیت حسابرسی و حسابداری شامل مطالعات کینی و مارتین (۱۹۹۴)، لین و هوانگ (۲۰۱۰) و حبیب (۲۰۱۲) هستند.

حبیب (۲۰۱۲) رابطه بین حق الزحمه‌های غیرحسابرسی و کیفیت حسابداری را برای ۴۵ تحقیق تجربی بررسی کرد. مفهوم کیفیت حسابداری دارای چند مشخصه شامل سطح اقلام تعهدی غیرعادی، توانایی ارائه اظهارنظر مقبول حسابرسی، محافظه‌کاری سود، تجدید ارائه درآمدها و ضریب واکنش سود است. این مطالعه نشان می‌دهد که حق الزحمه غیرحسابرسی و کیفیت پایین‌تر حسابداری، یک رابطه مثبت (منفی) معنادار با مدیریت سود (توانایی ارائه حسابرسی با کیفیت) دارد. به علاوه، تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که ضریب واکنش سود با سطح حق الزحمه غیرحسابرسی رابطه دارد. بطور کلی، این نویسنده نتیجه می‌گیرد که خدمات غیرحسابرسی با کاهش کیفیت حسابداری در ارتباطند.

لین و هوانگ (۲۰۱۰) به بررسی دقیق رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. محور بحث آن‌ها چهار مشخصه حسابرسی شامل تخصص حسابررس، دوره تصدی، اندازه و استقلال بودند. نتایج اولیه فراتحلیلی نشان می‌دهد که این مشخصات با مدیریت سود رابطه منفی دارند، در حالی که استقلال حسابرسی بنا به دستمزد حسابرسی، اثر معناداری بر روی مدیریت سود ندارد. نویسندگان موقعیت جغرافیایی (آمریکا و غیر آمریکا) را به عنوان یک متغیر تعدیل کننده در نظر گرفتند. این متغیر تعدیل کننده فقط برای گستردگی حسابرسی بنا به تعداد محدود تحقیقات برای چهار مشخصه کیفیت حسابرسی دیگر آزمون شد. نتایج فراتحلیلی نشان می‌دهد که اندازه حسابررس رابطه منفی و معناداری با مدیریت سود برای تحقیقات در آمریکا دارد، در حالی که این رابطه برای تحقیقات در خارج از آمریکا معنادار است به این معنا که موقعیت جغرافیایی رابطه بین اندازه حسابررس و مدیریت سود را تعدیل می‌کند.

هی و همکارانش (۲۰۰۶) اثر ویژگی‌های صاحبکار، ویژگی‌های حسابرسان و ویژگی‌های مشارکت بر روی حق الزحمه‌های حسابرسی را بررسی کردند. اثرات تعدیل کننده بررسی شده، مدت زمان و کشور هستند. براساس ۱۴۷ مورد، یافته‌های فراتحلیلی نشان می‌دهند که این رابطه‌ها برای سودآوری، اهرم، کیفیت حسابرسی و مدیریت داخلی و تخصص حسابرسان و نظر حسابرسان ترکیب شده‌اند. در بررسی اثرات تعدیل کننده، بعضی از رابطه‌های ترکیبی قبلی برای مدیریت پس از ۱۹۹۰ معنادار می‌شوند، در صورتی که نظر حسابرسان که یک متغیر معنادار پس از ۱۹۹۰ است، اهمیت خود را از دست می‌دهد.

کینی و مارتین (۱۹۹۴) مطالعات مربوط به اثر قضاوت‌های مربوط به حسابرسی را بررسی کردند و پی بردند که آن‌ها دستمزدها و دارایی‌های قبل از حسابرسی را کاهش می‌دهند.

حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های حسابداری

مطالعات فراتحلیلی که محور آن‌ها سرمایه‌گذاری در زمینه رشد و توسعه مطالعات مربوط به حاکمیت شرکتی، مطالعات فراتحلیلی است، باعث شروع تحقیق در زمینه رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت (نظیر ساختار مالکیت، ویژگی‌های هیات مدیره، ویژگی‌های کمیته حسابرسی) و ویژگی‌های حسابداری (نظیر افشا داوطلبانه، کیفیت سود) شدند.

در مورد حاکمیت شرکتی و افشا داوطلبانه، گارسیا و سانچز (۲۰۱۰) به بررسی دقیق رابطه بین استقلال هیات مدیره، تمرکز مالکیت و افشا داوطلبانه برای ۲۰۷ مورد از تحقیقات تجربی پرداختند. یافته‌های کلی فراتحلیلی این هستند که تمرکز مالکیت اثر منفی معنادار و استقلال هیات مدیره اثر مثبت معناداری بر روی افشا داوطلبانه دارند. در بررسی عوامل تعدیل کننده، نتایج نشان می‌دهد که اثر مثبت استقلال هیات مدیره بر روی افشا داوطلبانه، در محیط‌هایی که از سرمایه‌گذاران حمایت گسترده‌تری می‌شود، بهتر به چشم می‌آید. به علاوه، وقتی که استقلال هیات مدیره براساس درصد مدیران موظف اندازه‌گیری شود، رابطه بین استقلال هیات مدیره و افشا داوطلبانه، مثبت و معنادار باقی می‌ماند اما زمانی که درصد مدیران غیرموظف در هیات مدیره سنجیده شود، غیرمعنادار می‌شود. تمرکز مالکیت دارای رابطه منفی با افشا داوطلبانه برای کشورهای انگلستان و جامعه مدار است اما برای کشورهای آسیایی این گونه نیست. سطح

حمایت سرمایه گذار، عملکرد حقوقی و شاخص تمرکز مالکیت (سهامدار خارجی) رابطه بین تمرکز مالکیت و افشا داوطلبانه را تعدیل نمی کنند.

لین و هوانگ (۲۰۱۰) رابطه بین کمیته حسابرسی، مشخصات هیات مدیره و مدیریت سود را بررسی کردند. نتایج نشان می دهد که استقلال و تخصص هیات مدیره با مدیریت سود در ارتباط است. روابط منفی مشابهی بین مدیریت سود و استقلال، اندازه، تجربه و تعداد جلسات کمیته حسابرسی وجود دارد. در نهایت، مالکیت اشتراکی بین اعضای کمیته حسابرسی اثر مثبتی بر روی مدیریت سود دارد.

گارسیا و سانچز (۲۰۰۹) به بررسی دقیق نتایج ۳۵ مورد با بررسی اثر ویژگی های هیات مدیره و ساختار مالکیت بر روی مدیریت سود پرداختند. آن ها به بررسی این نکته پرداختند که آیا تفاوت های مدیر در نتایج را می توان به آثار تعدیل کننده مربوط به سیستم حاکمیت شرکتی، معیار متغیر حاکمیت و اقلام تعهدی اختیاری نسبت داد یا خیر. یافته های کلی فراتحلیلی نشان می دهند که فقط اندازه هیات مدیره و استقلال کمیته حسابرسی تأثیر منفی معناداری بر روی مدیریت سود دارد. در بررسی آثار تعدیل کننده، نتایج نشان می دهد که استقلال هیات مدیره اثر منفی معناداری بر روی مدیریت سود در محیط های انگلستانی و آمریکایی دارد. به علاوه اثر منفی و معنادار اندازه هیات مدیره بر روی مدیریت سود در نظام های حاکمیت شرکتی انگلستانی و آمریکایی، مهم است. در نهایت، رابطه منفی بین اندازه هیات مدیره و مدیریت سود مشاهده شد. پومروی و تورنتون (۲۰۰۸) به بررسی دقیق رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی با استفاده از ۲۷ مورد تحقیق پرداختند. آن ها مطالعات را بر اساس ۶ نماد بکار رفته برای سنجش کیفیت حسابداری دسته بندی کردند که عبارتند از کیفیت بالای گزارشگری مالی، تعدیلات حسابرسی، اقلام تعهدی، ثبت حسابرسی ها، تجدید ارائه سودها و گزارش های مربوط به عملکرد حسابداری و حسابرسی. نتایج فراتحلیل اثر مثبت استقلال کمیته حسابرسی بر روی کلیه نمادهای کیفیت حسابداری به استثناء تجدید ارائه سود را نشان می دهند.

حسابداری مدیریت

از زمان اجرای اولین تحقیق حسابداری فراتحلیلی در ۱۹۸۵ (کوپر و همکارانش، ۱۹۸۵)، چهار فراتحلیل در زمینه حسابداری مدیریت به طور پراکنده انجام شده است (لیو و همکارانش،

۲۰۱۴؛ درفوس، ۲۰۰۹؛ برکوسکی، ۱۹۹۶؛ گرینبرگ و همکارانش، ۱۹۹۴). کوپر و همکارانش از فراتحلیل در مورد چهار تحقیق در زمینه اثر قانون فعالیت‌های شرکت‌های خارجی (FCPA) بر روی فعالیت‌های کنترل داخلی استفاده کردند. آن‌ها پی بردند که FCPA باعث شد که شرکت‌های بسیاری سیستم کنترل داخلی خود را مورد بررسی قرار دهند در حالی که نتایج مربوط به تأثیر FCPA برای تغییرات سیستم کنترل داخلی یا سایر تلاش‌های تکمیلی نتیجه بخش نیستند.

لیو و همکارانش (۲۰۱۴) به بررسی دقیق عوامل منتهی به کنترل مدیریت در فعالیت‌های تجاری بین‌المللی پرداختند. آن‌ها با استفاده از ۴۵ تحقیق نشان دادند که عوامل را می‌توان از لحاظ وزن رابطه آن‌ها با کنترل مدیریت به ترتیب زیر اعلام کرد: نقش منابع، حقوق صاحبان سهام، اعتماد و اهمیت استراتژیک برای فعالیت تجاری بین‌المللی. آن‌ها در بررسی اثرات تعدیل‌کننده نشان دادند که نوع صنعت باعث تعدیل رابطه بین حقوق صاحبان سهام و کنترل مدیریت در فعالیت‌های مختلف بین‌المللی می‌شود چون چنین رابطه‌ای فقط برای شرکت‌های تولیدی معنادار است.

درفوس (۲۰۰۹) به بررسی دقیق رابطه بین مشارکت در بودجه و اتکای معیارهای عملکرد حسابداری با استفاده از ۷۹ تحقیق پرداخت و نشان داد که ساختار معیار و تفاوت‌های صنایع نمایانگر تعدیل‌کننده‌های اصلی روابط بررسی شده هستند.

برکوسکی (۱۹۹۶) انتخاب روش قیمت‌گذاری انتقالی را محور تحقیق خود قرار داد. با توجه به روش‌های تحقیق ناپایدار در تحقیقات مربوط به قیمت‌گذاری انتقالی، او فقط دو شاخص یعنی اندازه و صنعت را مورد بررسی قرار داد، یافته‌های فراتحلیلی نشان می‌دهند که اندازه رابطه مثبتی با انتخاب روش قیمت‌گذاری انتقالی براساس بازار دارد در حالی که نتایج اثرات صنعت، نتیجه‌بخش نیستند.

گرینبرگ و همکارانش (۱۹۹۴) به بررسی دقیق رابطه بین مشارکت در بودجه و عملکرد شرکت برای یک نمونه شامل ۴۰ تحقیق پرداختند. یافته‌های کلی فراتحلیلی نشان می‌دهند که مشارکت در بودجه اثر معناداری بر روی عملکرد دارد. بررسی متغیرهای تعدیل‌کننده شامل روش تحقیق، فرآیند گردآوری اطلاعات و موضوعات تحقیق را در این مورد به ما ارائه می‌دهد

که تعدیل کننده‌های روش شناختی بر روی رابطه بین مشارکت در بودجه و عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارند.

سایر موارد

محور بقیه مقالات انجام گرفته در زمینه فرا تحلیل روی رضایت شغلی حسابداران (دال و شرودر، ۲۰۰۱؛ بریرلی و کوتاون، ۲۰۰۰؛ بریرلی، ۱۹۹۹) و آموزش حسابداری (تورنتون، ۱۹۹۴) است.

دال و شرودر (۲۰۰۱) به بررسی روابط بین شخصیت، رضایت شغلی و هدف کسب سود حسابداران پرداختند. آن‌ها با توسعه تحقیق بریرلی (۱۹۹۹)، به بررسی اثرات تعدیل کننده قومیت، جنسیت، شرایط کار و سطح اختیار در تصمیم‌گیری بر روی این روابط پرداختند. نتایج کلی فراتحلیلی نشان دادند که یک رابطه معنادار بین شخصیت و رضایت شغلی یا هدف‌های کسب سود وجود ندارد. به علاوه، رابطه بین شخصیت و کسب سود بنا به جنسیت تعدیل می‌شود که در آن رابطه منفی برای مردان، قوی‌تر است.

بریرلی و کوتاون (۲۰۰۰) به بررسی مطالعاتی پرداختند که درگیری سازمانی - حرفه‌ای حسابداران در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. آن‌ها رابطه مثبت (منفی) معناداری را بین درگیری سازمانی - حرفه‌ای حسابداران و هدف‌های کسب سود سازمانی (رضایت شغلی) نشان دادند. ادامه تحقیق در این دسته به تورنتون (۱۹۹۴) مربوط است که چهار تحقیق در زمینه پروژه انجمن حسابداران آکادمیک کانادا (CAAA) را برای توسعه آموزش حسابداری مورد مطالعه قرار دادند. با مقایسه دانشجویان مقطع متوسطه حسابداری در هشت دانشگاه با دانشجویان دیگر، محققین پی بردند که دانشجویان حسابداری با سایر دانشجویان از همه لحاظ شباهت دارند به جز در مورد علاقه به حسابداری و مشخصات روانشناختی مربوط به دانشجویان حسابداری که انسان‌های دارای عملکرد عینی تری نسبت به تفاسیر ذهنی و داشتن علاقه‌هایی با گستردگی کمتر هستند.

بریرلی (۱۹۹۹) به بررسی دقیق رضایت شغلی حسابداران و پیامدهای آن با استفاده از ۲۶ تحقیق پرداخت. او نشان داد که مشخصات جمعیت شناختی و محیط کاری تأثیر مثبتی بر روی رضایت شغلی دارد.

نتیجه گیری

در حوزه علوم انسانی و اجتماعی که مدیریت نیز در این گروه می‌گنجد، روش‌های متعددی برای تحقیق و شناخت واقعیت و پدیده‌های اجتماعی وجود دارد. فراتحلیل یکی از این روش‌ها می‌باشد. فراتحلیل یکی از روش‌های توصیفی است که تحقیقات انجام شده را ارزیابی می‌کند. فراتحلیل عبارت است از تحلیل آماری بسیاری از مطالعات و تحقیقات منفرد در حوزه‌ای معین به منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها. در فراتحلیل تحقیقات موجود، تأکید بر ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها جهت استفاده علمی و کاربردی است. بنابراین فراتحلیل، مقایسه نتایج تحقیقات دیگران است. یعنی از تحقیقات و نتایج آن‌ها و تحلیل موجود، تحلیل دیگری ارائه کنیم. این فراتحلیل شامل کلیه مراحل تحقیق یعنی نظریه، روش، نتایج و... است. کاربرد صحیح فراتحلیل می‌تواند پژوهشگران هر حوزه را از محدوده دانش انباشته شده درباره هر موضوع، قوت و ضعف کارهای انجام شده، ابعاد شناخته شده و زمینه‌ها و زوایای ناشناخته، بینش‌ها و روش‌های مناسب‌تر آگاه کند و مانع تکرار اشتباهات گذشتگان و دوباره‌کاری و هدر دادن وقت و انرژی آن‌ها شود. آنچه بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده است، نقش آن در ترکیب و یکپارچه‌سازی پژوهش‌هایی است که به صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. از نظر روش شناختی نیز فراتحلیل به روشنی خلاءها و مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده را نشان می‌دهد. در حقیقت پایایی این نوع تحقیقات از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی آن‌ها از طریق آزمون سازگاری آن‌ها با واقعیت به دست می‌آید و هر دو مورد مرسوم انباشت دانش و توسعه آن در فراتحلیل است. به‌طورکلی می‌توان نتیجه گرفت که فراتحلیل در رابطه با همه علوم کاربرد دارد و می‌تواند با استفاده از روش‌های آماری و با بررسی روابط بین ویژگی‌های مطالعات و یافته‌ها به حل تناقض حاصل از پژوهش‌ها به کار آید. در این مقاله به بررسی تکنیک فراتحلیل در حسابداری پرداخته و تلاش کردیم تا محققین حسابداری را در درک کاربرد این تکنیک در حسابداری کمک کنیم. قابل ذکر است که تحقیقات فراتحلیل در برخی از حوزه‌های حسابداری نظیر مالیات و حسابداری مدیریت کمتر بوده، بنابراین محققان می‌توانند در پژوهش‌های آتی خود از این تکنیک در حوزه‌های ذکر شده استفاده کنند.

منابع

- Ahmed, K. , & Courtis, J. (1999). Associations between corporate characteristics and disclosure levels in annual reports: A meta-analysis. *British Accounting Review*, 31 (1) , 35–61.
- Ahmed, K. , Chalmers, K. , & Khelif, H. (2013). A meta-analysis of IFRS adoption effects. *International Journal of Accounting*, 48 (2) , 173–217.
- Artiach, T. C. , & Clarkson, P. M. (2011). Disclosure, conservatism and the cost of equity capital: A review of the foundation literature. *Accounting & Finance*, 51 (1) , 2–49.
- Bazrafshan, A. (2013). Methodology of meta- analysis in accounting: introduction, necessities and application. *confnews. um. ac. ir/ images/ 41/conferences/... /330_3. pdf* (in persian).
- Bazrafshan, A. , Hejazi, R. , Rahmani, A. , & Bastani, S. (2015). Meta- analysis of Audit committee independence and financial reporting quality. *Journal of Management Accounting*, 8 (25) , 101-117 (in persian).
- Brierley, J. (1999). Accountant's job satisfaction: A meta-analysis. *British Accounting Review*, 31 (1) , 63–84.
- Brierley, J. A. , & Cowton, C. J. (2000). Putting meta-analysis to work: Accountants' organizational-professional conflict. *Journal of Business Ethics*, 24 (4) , 343–353.
- Buckley, P. , Devinney, T. , & Tang, R. W. (2013). Meta-analytic research in international business and international management. In T. M. Devinney, T. Pedersen, & L. Tihanyi (Eds.) , *Philosophy of science and meta-knowledge in international business and management (Advances in International Management, Vol. (26) (pp. 263–297)*. Emerald Group Publishing Limited.
- Card, N. A. (2012). *Applied meta-analysis for social science research*. New York, NY: Guilford Press.
- Cooper, H. M. , & Hedges, L. V. (1994). *The handbook of research synthesis*. New York: The Russell Sage Foundation.
- Cooper, W. , Ho, J. , Hunter, J. , & Rodgers, R. (1985). The impact of the Foreign Corrupt Practices Act on internal control practices. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 9 (1) , 22–40.
- Derfuss, K. (2009). The relationship of budgetary participation and reliance on accounting performance measures with individual-level consequent variables: A meta-analysis. *European Accounting Review*, 18 (2) , 203–239.
- Devinney, T. , & Tang, R. (2013). Do we really understand a research topic? Finding answers through meta-analyses. In T. M. Devinney, T. Pedersen, & L. Tihanyi (Eds.) , *Philosophy of science and meta-knowledge in international business and management (Advances in International Management, Vol. 26) (pp. 239–262)*. Emerald Group Publishing Limited.
- Dole, D. , & Schroeder, R. (2001). The impact of various factors on the personality, job satisfaction and turnover intentions of professional accountants. *Managerial Auditing Journal*, 16 (4) , 234–245.
- Fifka, M. S. (2013). Corporate responsibility reporting and its determinants in comparative perspective: A review of the empirical literature and a meta-analysis. *Business Strategy and the Environment*, 22 (1) , 1–35.

- Garcia-Meca, E. , & Sanchez-Ballesta, J. P. (2006). Influences on financial analyst forecast errors: A meta-analysis. *International Business Review*, 15 (1) , 29–52.
- Garcia-Meca, E. , & Sanchez-Ballesta, J. P. (2009). Corporate governance and earnings management: A meta-analysis. *Corporate Governance: An International Review*, 17 (5) , 594–610.
- Garcia-Meca, E. , & Sanchez-Ballesta, J. P. (2010). The association of board independence and ownership concentration with voluntary disclosure: A meta-analysis. *European Accounting Review*, 19 (3) , 603–627.
- Greenberg, P. , Greenberg, R. , &Nouri, H. (1994). Participative budgeting: A meta-analytic examination of methodological moderators. *Journal of Accounting Literature*, 13, 117–141.
- Habib, A. (2012). Non-audit service fees and financial reporting quality: A meta-analysis. *Abacus*, 48 (2) , 214–248.
- Habib, A. (2013). A meta-analysis of the determinants of modified audit opinion decisions. *Managerial Auditing Journal*, 28 (3) , 184–216.
- Hamid, F. , Eddine, C. , Ayedh, A. , &Echchabi, A. (2014). Firms' financial and corporate governance characteristics association with earnings management practices: A meta-analysis approach. *Economic Review – Journal of Economics and Business*, 12 (2) , 49–72..
- Hay, D. (2013). Further evidence from meta-analysis of audit fee research. *International Journal of Auditing*, 17 (2) , 162–176.
- Hay, D. , Knechel, W. , & Wong, N. (2006). Audit fees: A meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23 (1) , 141–191.
- Hooman, H. (2016). Practical guide of meta-analysis in scientific Research, Tehran. Samt publication. 4th ed (in persian).
- Hunter, J. E. , Schmidt, F. L. , & Jackson, G. B. (1982). *Meta-analysis: Cumulating research findings across studies*. Beverly Hills, CA: SAGE Publications
- Jeanjean, T. , &Stolowy, H. (2008). Do accounting standards matter? An exploratory analysis of earnings management before and after IFRS adoption. *Journal of Accounting and Public Policy*, 27 (6) , 480–494.
- Khlif, H. , &Hussainey, K. (2014). The association between risk disclosure and firm characteristics: A meta-analysis. *Journal of Risk Research*. <http://dx.doi.org/10.1080/13669877.2014.961514>
- Khlif, H. , &Souissi, M. (2010). The determinants of corporate disclosure: A meta-analysis. *International Journal of Accounting and Information Management*, 18 (3) , 198–219.
- Kinney, W. , Jr. , & Martin, R. (1994). Does auditing reduce bias in financial reporting? A review of audit-related adjustment studies *A Journal of Practice and Theory*, 13 (1) , 149–155.
- Kirca, A. H. , &Yaprak, A. (2010). The use of meta-analysis in international business research: Its current status and suggestions for better practice. *International Business Review*, 19 (3) , 306–314
- Larcker, D. F. , & Richardson, S. A. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices, and corporate governance. *Journal of Accounting Research*, 42 (3) , 625–658.

- Leuz, C. , Nanda, D. , & Wysocki, P. D. (2003). Earnings management and investor protection: An international comparison. *Journal of Financial Economics*, 69 (3) , 505–527.
- Lin, J. , & Hwang, M. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: A meta-analysis. *International Journal of Auditing*, 14 (1) , 57–77.
- Lipsey, W. , & Wilson, D. (2001). *Practical meta-analysis*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Liu, X. , Vredenburg, H. , & Steel, P. (2014). A meta-analysis of factors leading to management control in international joint ventures. *Journal of International Management*, 20 (2) , 219–236.
- Lyons, L. C. (2003). *Meta-analysis: Methods of accumulating results across research domains*. Retrieved from <http://www.lyonsmorris.com/MetaA/index.htm>
- Marston, C. L. , & Shrives, P. J. (1991). The use of disclosure indices in accounting research: A review article. *British Accounting Review*, 25 (3) , 195–210.
- Mehri, N. (2011). Meta-analysis poverty in social science researches in iran. *Journal of Social Researches*, 4 (11) , 149-170 (in persian).
- Pomeroy, B. , & Thornton, D. (2008). Meta-analysis and the accounting literature: The case of audit committee independence and financial reporting quality. *European Accounting Review*, 17 (2) , 305–330.
- Sohrabifard, N. (2006). A meta-analysis review. *Journal of Iranian Psychologists*, 3 (10) , 169-171 (in persian).
- Souissi, M. , & Khlif, H. (2012). Meta-analytic review of disclosure level and cost of equity capital. *International Journal of Accounting and Information Management*, 20 (1) , 49–62

اندازه‌گیری و گزارش ارزش تسهیلات اعطایی بانک‌ها

مینا مقدسی^۱، رضوان حجازی^۲، مرتضی اکبری^۳، محمدعلی دهقان دهنوی^۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۳۱

چکیده

بانک‌ها و موسسات اعتباری در تامین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تجاری برای سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های آنها نقش مهمی دارند. بنابراین، بانک‌ها در توسعه اقتصادی کشورها سهم عمده‌ای را ایفا می‌کنند. علاوه بر این، تسهیلات اعطایی بانک‌ها اصلی‌ترین دارایی آنها در ترازنامه به شمار می‌رود که پس از بحران مالی جهانی اخیر، چگونگی اندازه‌گیری و افشای ارزش وام‌های بانک‌ها از اهمیت زیادی برخوردار شده است. در این مقاله مبانی ارزشیابی وام‌های بانکی شامل بهای تمام شده تاریخی منقضى شده و ارزش منصفانه و همچنین دیدگاه‌های کمیته نظارت بانکی بازل، هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا و بانک مرکزی ایران برای اندازه‌گیری و گزارشگری ارزش وام‌های اعطایی بانک‌ها ارائه شدند. پس از بحران مالی اخیر، گرایش به سوی اندازه‌گیری و گزارشگری رویکرد آینده‌نگر زیان‌های اعتباری مورد انتظار به جای رویکرد گذشته‌گر زیان تحقق یافته بوده است که باعث حرکت از روش بهای تمام شده تاریخی به سوی اندازه‌گیری و افشای ارزش منصفانه وام‌های بانکی شده است.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات اعطایی، بهای تمام شده تاریخی، ارزش منصفانه، زیان اعتباری مورد انتظار.

طبقه‌بندی موضوعی: G21

DOI: 10.22051/ijar.2017.13200.1239

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء (س)، نویسنده مسئول،

(mina_moghadasy@yahoo.com)

^۲ استاد گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء (س)، (hejazi33@gmail.com)

^۳ دکترای حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی، (akbari511@yahoo.com)

^۴ استادیار گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، (dehghandehnavi@gmail.com)

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین پیش نیازهای هر رشد و توسعه اقتصادی، بانک‌های پویا هستند و بدون سیستم بانکداری قوی و به روز نمی‌توان ادعای ارتباط با اقتصاد جهانی را داشت. وام‌ها و تسهیلات بانکی بخش مهمی از ساختار سرمایه شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند و تامین مالی در شرکتهای ایران عمدتاً از بازار پول انجام می‌شود تا از طریق اوراق قرضه و بازار سرمایه. بانک‌ها به دلیل نوع و ماهیت فعالیت‌شان درگیر انواع مختلف و پیچیده ریسک هستند. ریسک اعتباری که از ریسک نکول مشتریان بانک‌ها ناشی می‌شود، یکی از مهمترین ریسک‌هایی است که بانک‌ها با آن مواجه هستند و بر ارزش پورتنفوی اعتبارات بانک‌ها اثر می‌گذارد.

پورتنفوی وام‌ها مهمترین دارایی بانک‌ها را تشکیل می‌دهد و برآورد ارزش منصفانه پورتنفوی وام‌های اعطایی بر ترازنامه و سود و زیان بانک‌ها اثر مهمی می‌گذارد. سود هر سهم بانک‌هایی که سهام آنها در بورس معامله می‌شود به میزان زیادی تحت تاثیر این موضوع قرار می‌گیرد و بانک‌ها می‌توانند با دستکاری مبلغ ذخایر مطالبات مشکوک الوصول به هموار سازی و مدیریت سود بپردازند. بنابراین نحوه محاسبه ارزش منصفانه پورتنفوی اعتبارات و تسهیلات اعطایی بانک‌ها نقش بسزایی در شفافیت وضعیت مالی و عملکردی آنها دارد. به علاوه، به سرمایه‌گذاران و همچنین مراجع نظارتی کمک می‌نماید تا نظارت، پیش‌بینی و انتظارات بهتری از عملکرد آتی بانک‌ها داشته باشند.

در ادامه ابتدا، مبانی نظری روش‌های ارزشیابی وام‌های بانکی شرح داده می‌شود. سپس روش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، توصیه‌های کمیته نظارت بانکی بازل برای ذخیره‌گیری وام‌ها، رویکرد هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا برای اندازه‌گیری و افشای ارزش منصفانه و ذخیره‌گیری ارابه می‌شوند. در انتها، روش مورد استفاده در ایران مطابق دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای ذخیره‌گیری مطالبات تشریح می‌شود.

مبانی ارزشیابی وام‌های بانکی

بهای تمام شده تاریخی منقضي شده

ارزش وام‌های بانکی به طور سنتی به خالص بهای تمام شده تاریخی در صورت‌های مالی منعکس می‌شوند؛ به عبارتی ارزش اسمی وام منهای ذخیره زیان وام‌ها بابت وام‌هایی که نکول

شده‌اند. به طور معمول، وام‌های نکول شده بر حسب الگوی بازپرداخت در گذشته، در طبقات مختلف با نرخ‌های مختلفی برای محاسبه ذخیره زیان وام‌ها طبقه بندی می‌شوند. این نرخ‌ها بر حسب ارزش و ماهیت وثایق وام‌ها، شرایط اقتصادی و هر گونه شرایطی که روی قابلیت وصول آنها تأثیر گذار باشد محاسبه می‌شوند که معمولاً نرخ ثابت و استاندارد برای هر طبقه از سوی مراجع تعیین می‌شود. این رویکرد بهای تمام شده تاریخی منقضي شده با کسر زیان تحقق یافته وام‌ها نامیده می‌شود (کانترل، مک‌اینز و یاست، ۲۰۱۴).

ارزش منصفانه وام‌های بانکی

مهمترین ویژگی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، میزان نفوذ حسابداری ارزش منصفانه یا حسابداری ارزش بازار در آن است. مساله بنیادی در حسابداری ارزش منصفانه، وارد کردن اطلاعات بازار در صورت‌های مالی است که آگاهی دهنده‌گی اطلاعات صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد و برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و سایر گروه‌های استفاده‌کننده، اطلاعات مفیدتری را فراهم می‌کند. اطلاعات ارزش منصفانه در مقایسه با سایر مبانی ارزشیابی، معیارهای چارچوب نظری برای ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری را بهتر برآورده می‌کند. در واقع، اطلاعات ارزش منصفانه مربوط، بی‌طرفانه، به‌هنگام و قابل مقایسه هستند، اما ارزش منصفانه علیرغم مزایای زیادی که دارد، دارای مشکلاتی نیز هست. این مشکلات شامل مشکلات مربوط به نقدشوندگی بازار در طی بحرانهای اقتصادی، نبود تعریف شفافی از ارزش منصفانه، عدم تاییدپذیری، میزان توانایی مدیریت در برآورد ارزش منصفانه و مشکل ارزشیابی و تفسیر اطلاعات ارزش منصفانه توسط استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است (کوتاری، بارون، ۲۰۱۰).

متداول‌ترین شکل حسابداری ارزش منصفانه، حسابداری ارزش خروجی یا مبلغی است که دارنده یک دارایی می‌تواند از فروش آن بدست آورد. مزیت ارزش خروجی، مربوط بودن اطلاعاتی است که ارایه می‌کند، اما بیشتر وام‌های بانکی فعالانه مورد معامله قرار نمی‌گیرند و قیمت بازار ثانویه‌ای برای آنها مشخص نیست. بنابراین بانک‌ها عموماً با استفاده از مدل جریان‌های نقدی تنزیل شده، ارزش وام‌ها را مدلسازی می‌کنند (کانترل و همکاران، ۲۰۱۴). در این مدل‌ها، جریان‌های نقدی مورد انتظار آتی وام‌ها تنزیل می‌شوند (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴). فرض بر این است که جریان‌های نقدی آتی و عمر مورد

انتظار به طور قابل اتکایی قابل پیش‌بینی هستند، اما در غیر این صورت، واحد تجاری می‌تواند از جریان‌های نقدی طبق قرارداد و مدت قرارداد استفاده نماید (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

وام‌ها مانند سایر دارایی‌های مالی ریسکی دارای جریان آتی از جریان‌های نقدی نامطمئن هستند. تئوری قیمت‌گذاری دارایی‌های مالی همه از یک مفهوم نشأت می‌گیرند؛ قیمت با پرداخت‌های موردانتظار آتی تنزیل شده برابر است. این مفهوم می‌تواند برای وام‌ها نیز به کار رود (کانتزل و همکاران، ۲۰۱۴).

ارزش منصفانه و بهای تمام شده تاریخی در زمان پرداخت وام یکسان هستند، اما به طور نظری، ارزش منصفانه‌ای که از مدل جریان‌های نقدی تنزیل شده محاسبه می‌گردد با خالص بهای تمام شده تاریخی وام‌ها به سه دلیل متفاوت می‌گردد. اول، به دلیل اینکه ارزش منصفانه محاسبه شده به این روش، تمام زیان‌های اعتباری مورد انتظار را در نظر می‌گیرد و آینده‌نگر است، اما ذخیره زیان وام‌ها در روش بهای تمام شده تاریخی تنها بر زیان‌های اعتباری تحقق یافته تمرکز دارد و گذشته‌نگر است. دوم، با تغییرات نرخ تنزیل یا صرف ریسک بازار که وابسته به کیفیت اعتباری وام‌های بانکی است، ارزش منصفانه وام‌ها تغییر می‌کند و با بهای تمام شده تاریخی متفاوت می‌گردد. سوم، با تغییر نرخ بهره بازار مثلاً به دلیل تغییرات ساختار زمانی نرخ بهره^۳ یا نرخ بهره بدون ریسک، ارزش منصفانه وام‌ها نیز تغییر می‌کند. ارزش منصفانه وام‌ها در واقع ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی است که انتظار می‌رود وصول شوند. این روش نسبت به بهای تمام شده تاریخی آینده‌نگر است و اطلاعات جامع‌تری را در خصوص زیان‌های اعتباری بالقوه در نظر می‌گیرد، اما روش بهای تمام شده تاریخی به دلیل ماهیت رویکرد ذخیره‌گیری مورد استفاده در آن، برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی اطلاعاتی را در خصوص قابلیت وصول وام‌های بانکی فراهم نمی‌کند (کانتزل و همکاران، ۲۰۱۴).

هنگامی که در محاسبه ارزش فعلی جریان‌های نقدی مورد انتظار، نرخ بهره جاری بازار بدون در نظر گرفتن ریسک اعتباری به کار گرفته شود، برای محاسبه ارزش منصفانه وام‌ها زیان اعتباری مورد انتظار از مبلغ تنزیل شده بدست آمده کسر می‌گردد. زیان اعتباری مورد انتظار از کیفیت اعتباری وام‌ها ناشی می‌شود و در واقع مبلغ مورد نیاز برای ذخیره کاهش ارزش وام‌ها را

با دید آینده‌نگر نشان می‌دهد که با کسر این مبلغ از ارزش فعلی جریان‌های مورد انتظار آتی وام‌ها با نرخ تنزیل بازار، ارزش منصفانه وام‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

زیان اعتباری مورد انتظار

زیان اعتباری مورد انتظار، تفاوت میان جریان‌های نقدی ورودی یک وام مطابق با قرارداد وام و جریان‌های نقدی ورودی مورد انتظار تنزیل شده با نرخ سود موثر وام را اندازه‌گیری می‌کند. از آنجایی که زیان مورد انتظار مبلغ و زمان بازپرداخت‌ها را در نظر می‌گیرد، حتی اگر انتظار بازپرداخت کامل اما با دیرکرد نسبت به زمان قرارداد وجود دارد، باز هم زیان اعتباری شناسایی می‌شود. زیان مورد انتظار، برآورد زیان‌های اعتباری مورد انتظار موزون شده بر حسب احتمال است. هنگام اندازه‌گیری زیان‌های اعتباری مورد انتظار، لازم نیست تمام سناریوهای ممکن شناسایی شوند و با انعکاس احتمال تحقق زیان اعتباری و احتمال اینکه هیچ زیان اعتباری تحقق نیابد، می‌توان زیان اعتباری مورد انتظار را برآورد نمود (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴). هنگام محاسبه زیان مورد انتظار، ارزش زمانی پول باید در نظر گرفته شود. مدیریت باید جریان‌های نقدی وصولی مورد انتظار را به نرخ سود موثر تعیین شده در زمان پرداخت وام یا تقریبی از آن، تنزیل کند. اگر نرخ سود متغیر باشد، زیان مورد انتظار باید با استفاده از نرخ سود موثر جاری محاسبه شود (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

در واقع زیان مورد انتظار، تفاوت میان موارد زیر را نشان می‌دهد:

نگاره (۱): زیان اعتباری مورد انتظار

ارزش فعلی جریان‌های نقدی طبق قرارداد	\neq	ارزش فعلی جریان‌های نقدی مورد انتظار واحد تجاری برای وصول
--------------------------------------	--------	---

اندازه‌گیری زیان‌های اعتباری مورد انتظار

برآورد زیان اعتباری مورد انتظار نیاز به برآورد سه عامل اصلی دارد که بانک‌ها باید برای هر یک از قسمت‌های پورتهوی وام‌های خود مدل‌های مناسبی را برای برآورد این سه پارامتر مهم و کلیدی توسعه دهند (شوئرمن، ۲۰۰۴؛ هان و ژانگ، ۲۰۱۳؛ لوترمن، براون، مارتنز، میوس و بائسنس، ۲۰۱۲؛ فرونتک و رزتک، ۲۰۱۵):

- احتمال نکول^۴ (PD): احتمال عدم بازپرداخت وام توسط مشتری.
- نرخ زیان نکول^۵ (LGD): درصدی از وام که در صورت نکول شدن سوخت می‌شود.
- دارایی در معرض نکول^۶ (EAD): مانده وامی که در معرض خطر عدم بازپرداخت مشتری قرار دارد، یعنی برای آن احتمال نکول وجود دارد.

زیان مورد انتظار در یک افق زمانی به صورت زیر محاسبه می‌شود:

دارایی در معرض نکول * نرخ زیان نکول * احتمال نکول = زیان مورد انتظار

$$ECL=PD*LGD*EAD$$

در فرمول‌بندی تخمین مبلغ زیان اعتباری مورد انتظار، در نظر گرفتن اطلاعات قابل دفاع و معقولی به‌ویژه اطلاعات آینده‌نگر شامل عوامل کلان اقتصادی که بر ریسک اعتباری اثر می‌گذارند، اهمیت دارد. یک بانک باید قضاوت‌های باتجربه اعتباری خود را اعمال کند تا هم اطلاعات کیفی و هم اطلاعات کمی که ممکن است بر ارزیابی بانک از ریسک اعتباری تاثیرگذار باشد را در نظر بگیرد (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۱۵). مدیریت باید زیان‌های اعتباری مورد انتظار را به گونه‌ای اندازه‌گیری کند که مبلغ بدون سوگیری و موزون شده بر حسب احتمال نکول، ارزش زمانی پول و اطلاعات معقول و قابل دفاع درباره رویدادهای گذشته، شرایط جاری و تخمینهای معقول و قابل دفاع در تاریخ گزارشگری از رویدادها و شرایط اقتصادی آینده را انعکاس دهند (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

هنگام تخمین زیان مورد انتظار، میزان قضاوت مدیریت که برای این تخمین‌ها لازم است به جزئیات اطلاعات در دسترس بستگی دارد. برای دوره‌های زمانی فراتر از تخمین معقول و قابل دفاع، مدیریت باید در نظر بگیرد که چگونه با توجه به اطلاعات موجود درباره شرایط جاری، تخمین رویدادها و شرایط اقتصادی آتی در تاریخ گزارشگری، انتظارات قضاوتی خود را به بهترین شکل ممکن منعکس کند. با افزایش افق تخمین، دسترسی به جزئیات اطلاعات کاهش و میزان قضاوت برای تخمین زیان مورد انتظار افزایش می‌یابد. در عمل، این تخمین نیازمند یک تحلیل پیچیده نیست. به عنوان مثال، میانگین زیان اعتباری گروه بزرگی از وام‌های دارای

ویژگی‌های مشترک ریسک اعتباری می‌تواند برآورد معقولی از مبلغ موزون شده به احتمال باشد (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۱۵).

رویکرد کمیته بازل برای ذخیره‌گیری

کمیته نظارت بانکی بازل^۷ توسط بانک‌های مرکزی ۱۰ کشور صنعتی^۸ در سال ۱۹۷۴ تاسیس شد که هدف آن فراهم کردن مجموعه‌ای از رهنمودها و استانداردهای گسترده نظارتی برای مراجع قانونی و نظارتی جهت نظارت بر بانک‌ها و کفایت این نظارت است. در سال ۱۹۸۸ کمیته بازل مجموعه‌ای از توصیه‌ها را با هدف کاهش احتمال ورشکستگی بانک‌ها و موسسات مالی معرفی می‌کند که به عنوان بازل ۱ شناخته می‌شود. در بازل ۱ دارایی‌ها به پنج دسته تقسیم می‌شوند و ضریب ریسک یکسانی برای دارایی‌های هر دسته اختصاص می‌یابد و نسبت سرمایه به جمع دارایی‌های موزون شده به ریسک باید حداقل ۸٪ باشد (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۱۵). به دلیل اینکه در بازل ۱ انواع مختلف وام با ویژگی‌های مختلف ریسک اعتباری در طبقه یکسانی قرار می‌گرفتند، در ژوئن ۱۹۹۹، کمیته بازل شروع به تدوین توافق سرمایه‌ای جدیدی می‌کند که بازل ۲ نامیده می‌شود و در سال ۲۰۰۶ نسخه جامع آن منتشر شد. بحران مالی اخیر بر اهمیت الزامات مقرراتی و نظارتی افزوده است و در ژوئن ۲۰۱۱، کمیته نظارت بانکی بازل توافقنامه جدید بازل ۳ را توسعه داد که انواع عمده و مهم ریسک شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و ریسک عملیاتی را پوشش داده است. رویکرد بازل ۳ در خصوص ریسک اعتباری مشابه بازل ۲ است (هان و ژانگ، ۲۰۱۳).

در بازل ۱، ذخیره‌گیری بانک‌ها شامل زیان‌های شناسایی شده (ذخایر خاص) و زیان‌های شناسایی نشده که انتظار تحقق آنها وجود دارد (ذخایر عام) بود. ذخایر خاص به زیان‌های شناسایی شده وام‌هایی مربوط می‌شود که دارای دیرکرد در بازپرداخت هستند و ذخیره عام به زیان آتی وام‌هایی مربوط می‌شود که فعلاً دیرکرد در بازپرداخت ندارند اما ممکن است بسته به شرایط اقتصادی و شرایط مالی بدهکار در آینده ایجاد شوند (گستن و سانگ، ۲۰۱۴).

در بازل ۲، هدف از ذخیره‌گیری، حصول اطمینان از سطح کافی سرمایه برای پوشش ریسک اعتباری بانک‌ها است. در این چارچوب، زیان‌های آتی وام‌ها در دو گروه زیان‌های مورد انتظار و زیان‌های غیرمنتظره، دسته‌بندی می‌شوند. مفهوم کلی این است که سرمایه باید ظرفیت کافی

برای جذب زیان‌ها بر مبنای تداوم فعالیت و انگیزه کافی و قوی برای سرمایه‌گذاران آنها فراهم آورد تا آنها بتوانند بر ریسک پذیری بانک‌ها نظارت کنند. مطابق با این مفهوم، زیان‌های اعتباری غیرمنتظره ناشی از ریسک اعتباری باید به طور مستقیم توسط سرمایه جذب شوند. زیان‌های مورد انتظار (که از حاصل ضرب احتمال نکول در زیان نکول محاسبه می‌شود) به عنوان حصاری برای بانک‌ها در نظر گرفته می‌شود که چگونه بانک‌ها در مقابل زیان‌های اعتباری مورد انتظار، ترکیبی از ذخایر عام و خاص را ارایه می‌کنند (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۱۲).

مراجع قانونی و نظارتی برای ذخیره‌گیری زیان اعتباری، رویکرد زیان مورد انتظار را ترجیح می‌دهند، زیرا رویکرد حسابداری مبتنی بر زیان تحقق یافته^۹، از نظر مراجع نظارتی زیان‌های اعتباری را دیر و اندک شناسایی می‌کرد (گستن و سانگ، ۲۰۱۴). در سال ۲۰۰۹ کمیته نظارت بانکی بازل انتظارات خود را از مدل جدید زیان‌های اعتباری تصریح و اصول راهنمای خود را برای جایگزین کردن روش ذخیره‌گیری جدیدی ارایه کرد که مطابق با آن، استاندارد ذخیره‌گیری باید (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۰۹):

- زیان مورد انتظار برای عمر پورتفوی وام‌ها را با در نظر گرفتن تجربه زیان در طول چرخه کامل اقتصادی منعکس کند؛
- اجازه تعیین و شناخت زود هنگام زیان‌ها را بدهد؛
- گستره وسیع‌تری از اطلاعات اعتباری در دسترس را در نظر بگیرد؛
- هنگام استفاده از شاخص‌های اقتصادی، تغییرات رویه‌های وصول مطالبات و استانداردهای تعهد و تضمین و سایر اطلاعات مربوط، اجازه استفاده از قضاوت حرفه‌ای را بدهد؛
- اجازه ذخیره‌گیری برای گروه وام‌هایی که دارای ویژگی‌های ریسکی مشابه هستند را بدهد.

رویکرد بازل ۱، رویکرد استاندارد است که مستلزم تخمین مدل‌های داخلی برای پارامترهای زیان مورد انتظار نیست. در رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی^{۱۰} (IRB) بازل ۲، بانک‌ها می‌توانند یکی از رویکردهای پایه و پیشرفته را برای محاسبه اجزای زیان مورد انتظار انتخاب کنند. در رویکرد پایه، بانک‌ها می‌توانند از مدل‌های توسعه یافته داخلی خود برای تخمین احتمال نکول استفاده کنند، اما برای زیان نکول باید از نرخ‌های تعیین شده برای انواع مختلف وام و اعتبارات استفاده کنند. در رویکرد پیشرفته، موسسات باید مدل‌های داخلی خود را برای تخمین پارامترهای زیان مورد انتظار توسعه دهند (لئو، ۲۰۱۰؛ گستن و سانگ، ۲۰۱۴).

نگاره (۲): تخمین پارامترهای زیان مورد انتظار در رویکرد IRB

زیان نکول	احتمال نکول	
مدل نظارتی	مدل داخلی	رویکرد پایه
مدل داخلی	مدل داخلی	رویکرد پیشرفته

در نتیجه پس از بحران مالی جهانی اخیر، مدل مبتنی بر زیان مورد انتظار جایگزین مدل مبتنی بر زیان تحقق یافته گشت. در چارچوب حسابداری شناخت زیان اعتباری، اندازه‌گیری و شناسایی زیان مورد انتظار وام‌ها و تسهیلات بانکی به عنوان ذخیره زیان وام‌ها (ذخیره مطالبات مشکوک الوصول) لازم است (گستن و سانگ، ۲۰۱۴).

در دسامبر سال ۲۰۱۵ کمیته بازل اصول راهنمای یازده‌گانه خود برای ریسک اعتباری و حسابداری زیان‌های اعتباری مورد انتظار (اصول ۱ تا ۸) و ارزیابی نظارتی حسابداری زیان‌های اعتباری مورد انتظار و کفایت سرمایه (اصول ۹ تا ۱۱) را منتشر کرد که هدف آن تعیین راهنمای نظارتی برای حسابداری زیان‌های اعتباری مورد انتظاری است که با استانداردهای حسابداری کاربردی وضع شده توسط استاندارد‌گذاران تضادی نداشته باشد. نمایندگان هیات تدوین استانداردهای حسابداری بین‌المللی^{۱۱} (IASB) از فرصت اظهارنظر برخوردار بودند و هیچ جنبه‌ای از این راهنما را در برآورده کردن الزامات استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی توسط بانکها، به عنوان بازدارنده شناسایی نکردند (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۱۵).

اصول راهنمای حسابداری زیان‌های اعتباری مورد انتظار:

اصل ۱: اعضای هیات مدیره یک بانک و مدیران ارشد آن باید اطمینان حاصل کنند که بانک روش‌های مناسبی شامل یک سیستم موثر کنترل داخلی برای ریسک اعتباری داشته باشد تا به طور مداوم ذخایر کافی را مطابق با سیاست‌ها، رویه‌ها و چارچوب حسابداری لازم‌الرعا^{۱۲} و راهنمای نظارتی مربوط تعیین کنند.

اصل ۲: یک بانک باید روش شناسی را اتخاذ و مستند نماید که بتواند تمام اعتبارات در معرض ریسک را در سیاست‌ها، رویه‌ها و کنترل‌های ارزیابی و اندازه‌گیری ریسک اعتباری، پوشش دهد. اندازه‌گیری ذخایر باید بر مبنای روش شناسی قوی^{۱۳} بنا شود و مطابق با چارچوب حسابداری لازم‌الرعا^{۱۴}، منتج به شناسایی به هنگام و درست زیان‌های اعتباری مورد انتظار شود.

اصل ۳: یک بانک باید فرآیند رتبه‌بندی ریسک اعتباری را در جایگاه مناسبی داشته باشد تا به طور صحیحی تمام اعتبارات در معرض ریسک را بر مبنای ویژگی‌های مشترک ریسک اعتباری گروه‌بندی کند.

اصل ۴: بدون توجه به اینکه اجزای ذخایر بر مبنای تک تک اعتبارات یا تجمیعی تعیین می‌شوند، مانده انباشته ذخایر بانک باید کافی و مطابق با اهداف چارچوب حسابداری لازم‌الرعايه باشند.

اصل ۵: یک بانک باید سیاست‌ها و رویه‌هایی در جایگاه مناسب برای تعیین اعتبار مدل‌های مورد استفاده برای ارزیابی و اندازه‌گیری زیان‌های اعتباری داشته باشد.

اصل ۶: استفاده از قضاوت‌های باتجربه در زمینه اعتباری، برای ارزیابی و اندازه‌گیری زیان‌های اعتباری مورد انتظار ضروری است به ویژه هنگام در نظر گرفتن اطلاعات معقول و قابل دفاع آینده‌نگر شامل عوامل کلان اقتصادی.

اصل ۷: یک بانک باید فرآیند درستی برای ارزیابی و اندازه‌گیری ریسک اعتباری داشته باشد که مبنای محکمی از سیستم‌های مشترک، ابزارها و داده‌ها را برای ارزیابی ریسک اعتباری و حسابداری زیان‌های اعتباری فراهم می‌آورد.

اصل ۸: افشای عمومی باید با فراهم کردن اطلاعات به هنگام، مربوط و سودمند در تصمیم‌گیری، شفافیت و قابلیت مقایسه را افزایش دهد.

ارزیابی نظارتی حسابداری زیان‌های اعتباری مورد انتظار و کفایت سرمایه:

اصل ۹: ناظران بانکی باید به طور ادواری اثربخشی روش‌های ریسک اعتباری هر بانک را ارزیابی کنند.

اصل ۱۰: ناظران بانکی باید از روش‌های به کار گرفته شده توسط هر بانک برای تعیین ذخایر حسابداری که منتج به اندازه‌گیری صحیح زیان‌های اعتباری مورد انتظار مطابق با چارچوب حسابداری لازم‌الرعايه می‌شود، رضایت حاصل کنند.

اصل ۱۱: ناظران بانکی باید هنگام ارزیابی کفایت سرمایه هر بانک، روش‌های مدیریت ریسک اعتباری آن بانک را مد نظر قرار دهند.

توصیه‌های منتشر شده توسط کمیته بازل به طور خلاصه در زیر ارائه شده‌اند.

نگاره (۳): کمیته نظارت بانکی بازل

سال	موضوع
۱۹۸۸	بازل ۱: رویکرد استاندارد برای الزامات سرمایه‌ای
۲۰۰۶	بازل ۲: همگرایی بین‌المللی اندازه‌گیری سرمایه و استانداردهای سرمایه
۲۰۰۹	اصول راهنمای جایگزینی روش ذخیره‌گیری
۲۰۱۱	بازل ۳: چارچوب مقرراتی جهانی برای بانکها و سیستم بانکی مستحکم‌تر
۲۰۱۲	اصول مرکزی برای ذخیره‌گیری موثر در بانکها
۲۰۱۵	اصول راهنمای یازده‌گانه برای ریسک اعتباری و حسابداری زیان‌های اعتباری مورد انتظار و ارزیابی نظارتی

رویکرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

در طول دوره بحران مالی اخیر، گروه کشورهای گروه ۲۰۱۴ استانداردگذاران جهانی حسابداری را موظف کرد تا به سوی هدف ایجاد مجموعه واحدی از استانداردهای جهانی با کیفیت بالا فعالیت کنند. در پاسخ به این تقاضا، هیات استانداردهای حسابداری مالی (FASB)^{۱۵} و هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) کار مشترک توسعه استانداردهای جدید ابزارهای مالی را با هم آغاز کردند.

هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) استاندارد شماره ۹ از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را توسعه داد و آن را به سه بخش اصلی طبقه‌بندی و اندازه‌گیری، کاهش ارزش^{۱۶}، و مصون‌سازی، تقسیم کرد. در ابتدای پروژه این دو هیات به صورت مشترک روی این سه بخش فعالیت می‌کردند، اما هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی تصمیم گرفت که دنبال کردن مدل طبقه‌بندی و اندازه‌گیری مشابه با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را ادامه نخواهد داد. در نتیجه، استاندارد شماره ۹ گزارشگری مالی بین‌المللی یک استاندارد همگرا نیست. پیاده‌سازی این استاندارد از سال ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا می‌باشد (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

مبانی اندازه‌گیری دارایی‌های مالی

واحد تجاری باید تمام دارایی‌های مالی را به عنوان بهای تمام شده منقضی شده^{۱۷}، ارزش منصفانه از طریق سود و زیان جامع^{۱۸} و ارزش منصفانه از طریق صورت سود و زیان^{۱۹} بر مبنای مدل واحد تجاری برای نگهداری یا فروش دارایی مالی و ویژگی جریان‌های نقدی دارایی مالی طبقه‌بندی کند. اگر هدف مدل تجاری، نگهداری دارایی مالی تا سررسید آن باشد و واحد تجاری از حق مطالبه اصل و بهره آن در تاریخ‌های معینی برخوردار باشد، این دارایی مالی به بهای تمام شده منقضی شده اندازه‌گیری می‌شود. اگر هدف مدل تجاری، نگهداری دارایی مالی و فروش آن باشد و واحد تجاری از حق مطالبه اصل و بهره آن در تاریخ‌های معینی برخوردار باشد، این دارایی مالی به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان جامع اندازه‌گیری می‌شود. اگر دارایی مالی در هر یک از دو مورد یاد شده قرار نگیرد باید به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان اندازه‌گیری شود.

ارزش منصفانه در تاریخ گزارشگری، قیمتی است که در آن تاریخ برای فروش یک دارایی در معامله‌ای متعارف میان فعالان بازار قابل دریافت خواهد بود. در صورتی که قیمت‌های قابل مشاهده‌ای در دسترس نباشد، برای تعیین ارزش منصفانه از تکنیک‌های ارزشیابی با رویکردهای درآمدی و بازار استفاده می‌شود. رویکرد درآمدی از ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی دارایی که انتظار دریافت آنها وجود دارد استفاده می‌کند. رویکرد بازار، از قیمت‌های اعلامی برای دارایی‌های مشابه استفاده می‌کند (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۳).

واحد تجاری باید ارزش منصفانه هر یک از طبقات دارایی‌ها و بدهی‌های مالی را به گونه‌ای افشا کند که امکان مقایسه آن را با مبالغ دفتری آنها در صورت وضعیت مالی فراهم کند (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۱). بنابراین ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌های مالی که به بهای تمام شده منقضی شده اندازه‌گیری شده‌اند نیز باید اندازه‌گیری و افشا شود.

برای دارایی‌های مالی که به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان اندازه‌گیری شده‌اند، واحد تجاری باید مبلغ تغییر در ارزش منصفانه دارایی مالی را که قابل انتساب به تغییرات در ریسک اعتباری است را افشا کند. مبلغ تغییر در ارزش منصفانه مربوط به تغییرات دو عامل می‌شود:

تغییرات شرایط بازار (ریسک بازار) یا تغییرات ریسک اعتباری. مبلغ تغییرات مربوط به شرایط بازار شامل تغییرات نرخ بهره، قیمت کالا، نرخ ارز یا سایر شاخص‌های مربوط به بازار است (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۱).

برای دارایی‌های مالی که به بهای تمام شده منقوضی شده و ارزش منصفانه از طریق سود و زیان جامع اندازه‌گیری شده‌اند، واحد تجاری باید الزامات مربوط به کاهش ارزش را به کار گیرد. کاهش ارزش از طریق محاسبه زیان اعتباری مورد انتظار اندازه‌گیری می‌شود (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

مدل سه مرحله‌ای اندازه‌گیری زیان اعتباری مورد انتظار

زیان‌های اعتباری مورد انتظار ناشی از یک دارایی مالی مثل مطالبات دریافتی، دارایی قراردادی یا وام‌ها و قراردادهای ضمانت مالی که امکان کاهش ارزش آنها وجود دارد، باید به صورت ذخیره زیان شناسایی شوند. مدل سه مرحله‌ای برای اندازه‌گیری زیان اعتباری مورد انتظار وام‌ها و اعتبارات (ECL)، اندازه‌گیری کاهش ارزش مالی وام‌ها را بر مبنای تغییرات کیفیت اعتبارات از زمان پرداخت وام، ترسیم می‌کند (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

نگاره (۴): نمای کلی مدل سه مرحله‌ای

تغییرات کیفیت اعتبارات از زمان ایجاد آنها		
مرحله ۱: مانده جاری	مرحله ۲: مانده جاری (دارایی‌هایی که ریسک آنها افزایش قابل توجهی داشته است)	مرحله ۳: مانده غیرجاری (دارایی‌هایی که از نظر اعتباری خسارت دیده اند)
Performing	Under-performing	Non-performing
شناسایی زیان اعتباری مورد انتظار		
زیان مورد انتظار ۱۲ ماهه	زیان مورد انتظار عمر دارایی	زیان مورد انتظار عمر دارایی
شناسایی سود		
سود موثر روی مبلغ ناخالص مانده	سود موثر روی مبلغ ناخالص مانده	سود موثر روی مانده مستهلک شده (مانده خالص پس از کسر ذخایر)

مرحله ۱، شامل وام‌هایی است که ریسک اعتباری آنها از زمان پرداخت وام افزایش با اهمیتی نداشته است یا آنهایی که در تاریخ گزارشگری مالی از ریسک اعتباری پایینی برخوردار هستند. برای این وام‌ها، زیان مورد انتظار ۱۲- ماهه در نظر گرفته می‌شود و درآمد ناشی از سود وام بر حسب مانده جاری ناخالص (یعنی بدون کسر کردن ذخیره زیان‌ها^{۲۰} یا همان ذخایر مطالبات مشکوک الوصول) محاسبه می‌شود. زیان اعتباری مورد انتظار ۱۲- ماهه، زیان رویداد نکولی است که ممکن است طی ۱۲ ماه پس از تاریخ گزارشگری رخ دهد. این زیان، کمبود وجه نقد مورد انتظار طی دوره ۱۲ ماهه آتی نیست بلکه کل زیان اعتباری دارایی است که با احتمال رخ دادن زیان طی ۱۲ ماه آینده موزون می‌شود.

مرحله ۲، شامل وام‌هایی است که ریسک آنها نسبت به زمان پرداخت وام افزایش با اهمیتی یافته است، اما شواهد عینی (دیرکرد در بازپرداخت) در خصوص کاهش ارزش آنها وجود ندارد. برای این دسته از وام‌ها، زیان مورد انتظار عمر دارایی^{۲۱} شناسایی می‌شود، اما درآمد ناشی از سود وام همچنان بر مبنای مانده ناخالص محاسبه می‌شود. زیان مورد انتظار عمر دارایی، زیان مورد انتظاری است که نتیجه تمام رویدادهای ممکن از نکول در طول عمر وام است و به صورت میانگین موزون زیان‌های اعتباری و با استفاده از احتمال نکول به عنوان وزن محاسبه می‌شود.

مرحله ۳، شامل تمام وام‌ها و اعتباراتی می‌شود که شواهد عینی در خصوص کاهش ارزش آنها در تاریخ گزارشگری وجود دارد. برای این وام‌ها، زیان اعتباری مورد انتظار عمر دارایی شناسایی می‌شود و درآمد ناشی از سود وام بر مبنای مانده خالص (یعنی پس از کسر ذخایر) محاسبه می‌شود.

هدف مدل سه مرحله‌ای، شناسایی زیان‌های اعتباری مورد انتظار وام‌ها است. این رویکرد مدیریت را ملزم می‌کند تا در زمان ارزیابی ریسک اعتباری، اطلاعات معقول و قابل دفاع در دسترس را به منظور مقایسه ریسک نکول در زمان گزارشگری با ریسک نکول در زمان پرداخت وام در نظر بگیرد. زمان نکول باید به گونه‌ای تعیین شود که با اهداف مدیریت داخلی ریسک اعتباری سازگاری داشته باشد و در این راستا باید عوامل کیفی در جایی که مقتضی است در نظر گرفته شوند. در این رویکرد فرض می‌شود نکول نمی‌تواند دیرتر از ۹۰ روز دیرکرد در بازپرداخت رخ دهد مگر اینکه اطلاعات معقول و قابل دفاعی وجود داشته باشد که مناسب‌تر بودن معیار طولانی‌تری از دیرکرد را تعیین کند. هدف این فرض این نیست که نکول یک

دارایی مالی را تا ۹۰ روز پس از سررسید آن به تاخیر انداخت، بلکه هدف آن حصول اطمینان از این موضوع است که بدون اطلاعات قابل دفاع و معقول، نکول دیرتر از این فاصله زمانی تعریف نخواهند شد (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

روش شناسی به کار رفته برای برآورد زیان مورد انتظار باید قوی باشد و اجازه شناسایی به هنگام زیان اعتباری مورد انتظار را بدهد. اندازه‌گیری زیان مورد انتظار باید در هر تاریخ گزارشگری به روز شود و تغییرات آن در حساب ذخیره زیان (ذخیره مطالبات مشکوک الوصول) ثبت و کنترل شود (کمیته نظارت بانکی بازل، ۲۰۱۵).

هدف رویکرد سه مرحله‌ای این است که برای تمام وام‌هایی که نسبت به زمان پرداخت ریسک اعتباری آنها افزایش با اهمیتی داشته است، زیان مورد انتظار عمر دارایی شناسایی شود. افزایش ریسک اعتباری به تدریج و در طول زمان و قبل از اینکه ارزش وام کاهش یابد یا نکول شود، اتفاق می‌افتد. در نتیجه، شناسایی زیان مورد انتظار عمر دارایی نباید به تاخیر افتد و قبل از طبقه‌بندی شدن وام به عنوان کاهش ارزش یافته یا نکول شده، شناسایی شود. هنگام تعیین اینکه آیا ریسک اعتباری افزایش با اهمیتی داشته است یا خیر، مدیریت باید شواهد قابل دفاع و معقول در دسترس را در نظر بگیرد. این اطلاعات باید شامل شاخص‌های بازار (که شاخص‌های خارجی هستند)، عوامل مربوط به وام و اطلاعات قرض‌گیرنده باشند (هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۴).

رویکرد هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا

مطابق بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۰۷^{۲۲} درباره افشای ارزش منصفانه ابزارهای مالی، بانک‌ها ملزم به افشای ارزش منصفانه تمام ابزارهای مالی خود از جمله وام‌ها در صورت‌های مالی یا یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی هستند که این ارقام به عنوان بخشی از حسابرسی سالیانه مورد حسابرسی قرار می‌گیرند (هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۱۹۹۱).

مطابق با بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۱۴، هنگامی یک وام کاهش ارزش پیدا می‌کند که بر مبنای رویدادها و اطلاعات جاری، این احتمال وجود دارد که اعتباردهنده قادر به وصول تمام مبالغ سررسید شده مطابق با قرارداد نباشد. هنگامی که یک وام کاهش ارزش پیدا

می‌کند، اعتباردهنده باید مبلغ کاهش ارزش وام را بر مبنای ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی مورد انتظاری که با نرخ بهره موثر وام تنزیل شده‌اند، محاسبه کند به استثنای مواردی که مقتضی است در آنها اعتباردهنده کاهش ارزش وام‌ها را با استفاده از قیمت بازار قابل مشاهده وام یا ارزش منصفانه وثایق در صورتیکه وام متکی بر وثیقه است و احتمال تملیک وثیقه وجود دارد، محاسبه کند. در صورتی که ارزش محاسبه شده با یکی از این روش‌ها کمتر از ارزش ثبت شده وام باشد، اعتباردهنده باید این کاهش ارزش را از طریق حساب ذخیره کاهش ارزش که طرف حساب آن هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول است شناسایی نماید (هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۱۹۹۳).

مطابق بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۵۷، ارزش خروجی تفسیر مورد ترجیح هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا برای افزایش ارزش منصفانه مطابق با بیانیه استانداردهای حسابداری مالی شماره ۱۰۷ است (هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۲۰۰۶)؛ اما بسیاری از وام‌ها قابل معامله در بازار نیستند و ارزش خروجی آنها مشخص نیست و بانک‌ها از تنزیل جریان‌های نقدی آتی برای مدلسازی ارزش منصفانه استفاده می‌کنند. در سال ۲۰۱۰ هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی تغییر مهمی را در گزارشگری وام‌ها و سایر ابزارهای مالی پیشنهاد کرد که بانک‌ها را ملزم به گزارش هر دو بهای تمام شده تاریخی و ارزش منصفانه در ترازنامه می‌کرد. در این پیشنهاد، بانک‌ها باید مانده ناخالص وام‌ها و ذخیره زیان وام‌ها را مطابق با اصول حسابداری پذیرفته شده آمریکا^{۲۳} به همراه تغییرات ذخیره زیان وام‌ها در صورت سود و زیان گزارش می‌کردند. همچنین بانک‌ها باید ردیفی برای تعدیل ارزش منصفانه در ترازنامه گزارش می‌کردند که در محاسبه خالص ارزش وام‌ها استفاده شده است و تغییرات ارزش منصفانه را در صورت سود و زیان جامع گزارش می‌کردند. پس از ارایه این پیشنهاد، هیات با اعتراض و مخالفت شدیدی که غالباً از سوی موسسات و نهادهای بانکی بود مواجه شد و به همین دلیل از موضع پیشنهادی خود برای شناسایی ارزش منصفانه وام‌ها در صورت‌های مالی، عقب نشینی کرد؛ اما در سال ۲۰۱۳ مجدداً پیشنهاد جدیدی را منتشر کرد که دوباره مستلزم ارایه دوگانه بهای تمام شده تاریخی و ارزش منصفانه در ترازنامه است (کانترل و همکاران ۲۰۱۴).

مطابق با به روز رسانی استاندارد حسابداری شماره ۱۳-۲۰۱۶^{۲۴}، شناسایی زیان‌های اعتباری ابزارهای مالی با روش زیان تحقق یافته، شناسایی زیان را به تاخیر می‌اندازد که این باعث نگرانی موسسات مالی و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی شده است. در دوره پس از بحران مالی، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، زیان‌های اعتباری مورد انتظار خود و در نتیجه ارزش موسسات مالی را پایین‌تر تخمین می‌زدند. موسسات مالی می‌توانستند این زیان‌ها را که انتظار تحقق آنها را داشتند، شناسایی کنند. بنابراین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی با آنچه اصول پذیرفته شده حسابداری ملزم می‌دانست، متفاوت بود. بنابراین روش شناسایی آینده‌نگرتری نسبت به روش زیان تحقق یافته ضرورت یافت. بنابراین هدف به روز رسانی استاندارد حسابداری شماره ۱۳-۲۰۱۶، فراهم کردن اطلاعات سودمندتری برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی درباره زیان‌های اعتباری مورد انتظار ابزارهای مالی و تعهدات اعتباری در هر تاریخ گزارشگری است. هدف این به روز رسانی، جایگزینی روش زیان کاهش ارزش تحقق یافته با روش زیان اعتباری مورد انتظار است که گستره وسیعی از اطلاعات معقول و قابل دفاع را در نظر می‌گیرد (هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۲۰۱۶).

رویه بانک‌های ایرانی

در ایران در حال حاضر، ذخیره مطالبات موسسات اعتباری مطابق بخشنامه شماره ۹۱/۲۱۲۷۰ مورخ ۱۳۹۱/۱/۳۱ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی محاسبه می‌گردد. طبق بخشنامه مذکور، "موسسه اعتباری موظف است به منظور جبران زیان یا خسارت احتمالی ناشی از عدم ایفای تعهدات مشتریان در رابطه با تسهیلات اعطایی آنان نسبت به احتساب ذخیره عمومی و اختصاصی در چارچوب دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های موسسات اعتباری اقدام نماید". ذخیره مطالبات موسسات اعتباری شامل دو نوع ذخیره عمومی و اختصاصی است.

ذخیره عمومی متناسب با مطالبات بانک است و حداقل به میزان ۱/۵ درصد مانده کل تسهیلات اعطایی موسسات اعتباری به استثنای مانده تسهیلاتی است که جهت آن ذخیره اختصاصی منظور گردیده است. این ذخیره در پایان هر سال مالی یا در مقاطع تهیه صورتهای مالی محاسبه و ثبت می‌گردد.

میزان ذخیره اختصاصی براساس تعریف مانده تسهیلات اعطایی در طبقه‌بندی آنها در سرفصلهای سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول در پایان هر سال مالی یا در مقاطع تهیه صورت‌های مالی محاسبه و در حسابهای مربوط لحاظ می‌گردد. طبقه‌بندی مطالبات مطابق بخشنامه شماره ۲۸۲۳/مب مورخ ۸۵/۱۲/۰۵ اداره مطالعات و مقررات بانکی تعیین می‌شود. نحوه طبقه‌بندی و درصد ذخیره‌گیری به شرح نگاره زیر است.

نگاره (۵): نحوه طبقه‌بندی مطالبات

نام طبقه	مشخصات اصلی طبقه	درصد ذخیره اختصاصی
طبقه مطالبات سررسید گذشته	دیرکرد در بازپرداخت از ۲ تا ۶ ماه	۱۰٪
طبقه مطالبات معوق	دیرکرد در بازپرداخت از ۶ تا ۱۸ ماه	۲۰٪
طبقه مطالبات مشکوک‌الوصول	دیرکرد در بازپرداخت از ۱۸ ماه به بالا	۵۰٪ تا ۱۰۰٪

در مورد تسهیلاتی که از تاریخ سررسید آنها بیش از ۵ سال دیرکرد در بازپرداخت دارند، مبنای محاسبه ذخیره اختصاصی باید مانده کل تسهیلات بدون کسر نمودن ارزش وثایق آنها باشد و معادل ۱۰۰ درصد مانده تسهیلات ذخیره اختصاصی در حساب‌های مربوط منظور شود.

به استناد مواد ۳۳ و ۳۶ قانون پولی و بانکی کشور، جزء (۱) بند (د) ماده ۹۷ قانون برنامه پنجم توسعه و به موجب ماده ۸۶ تصویب نامه شماره ۱۳۰۶۷۱/ت/۴۸۴۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۴ هیات محترم وزیران، بهبود در گزارشگری مالی و افشای اطلاعات و تهیه صورت‌های مالی در قالب استاندارد گزارشگری مالی، در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت. به استناد بخشنامه شماره ۹۴/۳۴۳۷۲۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ بانک مرکزی تهیه صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ و سال‌های آتی مطابق نسخه نهایی صورت‌های مالی نمونه پیوست بخشنامه به واحدهای ذیربط ابلاغ گردید. یکی از چالش‌های تهیه صورت‌های مالی بانکها در قالب استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تطبیق دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های نظارتی بانک مرکزی با استانداردهای مذکور است که یکی از مهمترین آنها نحوه محاسبه ذخیره زیان و ام‌ها مطابق با استاندارد شماره ۹ به منظور اندازه‌گیری ارزش منصفانه پورتنفوی و ام‌ها در ترازنامه بانک‌ها است که به نظر می‌رسد پس از اصلاح بخشنامه بانک مرکزی، اثرات بکارگیری آن توسط بانکها باعث شناسایی زیان‌های قابل توجهی خواهد شد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به اصلاح بخشنامه ذخیره‌گیری مطالبات با در نظر گرفتن اثرات احتمالی استاندارد شماره ۹ و همچنین به بررسی سازوکارهای لازم برای اثرات احتمالی بپردازد.

نتیجه‌گیری

چگونگی اندازه‌گیری و افشای ارزش وام‌های اعطایی بانک‌ها نقش مهمی در ارزیابی عملکرد و شفافیت مالی آنها بر عهده دارد. بهای تمام شده تاریخی و ارزش منصفانه وام‌های بانکی روش‌های مطرح و مورد بحث برای اندازه‌گیری ارزش وام‌ها هستند.

در روش بهای تمام شده تاریخی ارزش اسمی وام‌ها منهای ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول یا همان ذخیره زیان وام‌ها، در ترازنامه گزارش می‌شود و تغییرات حساب ذخیره زیان وام‌ها در صورت سود و زیان بانک‌ها به عنوان زیان اعتباری گزارش می‌شود که این روش، روش زیان تحقق یافته نامیده می‌شود. این روش گذشته‌نگر است و شناسایی زیانهای اعتباری مورد انتظار را به تاخیر می‌اندازد. روش اندازه‌گیری ارزش منصفانه، مستلزم برآورد ارزش خروجی وام‌ها است اما وام‌ها در بازار مورد معامله قرار می‌گیرند و بنابراین تخمین ارزش آنها از روش تنزیل جریان‌های نقدی آتی مورد انتظار آنها انجام می‌شود. این روش نسبت به روش بهای تمام شده تاریخی دارای این مزیت است که آینده‌نگر است، گستره وسیع‌تری از اطلاعات را در نظر می‌گیرد، زیان‌های اعتباری را زودتر شناسایی می‌کند و در نتیجه اطلاعات مفیدتری را برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان فراهم می‌سازد.

پس از بحران مالی اخیر، گرایش ناظرین بانکی، هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی به سوی اندازه‌گیری و گزارشگری زیان‌های اعتباری مورد انتظار به جای زیان تحقق یافته بوده است. زیان مورد انتظار به عنوان ارزش فعلی مبلغی که انتظار می‌رود توسط بدهکار بازپرداخت نشود و یا به عنوان ارزش زمانی پول هنگامیکه دیرکرد در بازپرداخت وجود دارد، تعریف می‌شود. زیان مورد انتظار وام‌های پرداختی به شرکت‌ها تحت تاثیر متغیرهای مختلفی شامل ویژگی‌های وام، ویژگی‌های وام‌گیرنده و عوامل اقتصادی و صنعتی است که بدهکار در آن مشغول فعالیت است.

پی نوشت

- | | | | |
|----|---|----|---|
| ۱ | Amortized historical cost less incurred loss | ۲ | Mark to market accounting |
| ۳ | Term structure | ۴ | Probability of Default |
| ۵ | Loss-Given-Default | ۶ | Exposure At Default |
| ۷ | Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) | ۸ | بلژیک، کانادا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هلند، ایالات متحده آمریکا، آلمان و سوئد |
| ۹ | Incurred loss-based accounting approach | ۱۰ | Internal Rating Based |
| ۱۱ | ¹ International Accounting Standards Board | ۱۲ | The applicable accounting framework |
| ۱۳ | ¹ Robust methodologies | ۱۴ | گروه ۲۰ متشکل از کشورهای آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، انگلیس، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا است. |
| ۱۵ | Financial Accounting Standards Board | ۱۶ | Impairment |
| ۱۷ | Amortised cost | ۱۸ | Fair value through comprehensive income |
| ۱۹ | Fair value through profit or loss | ۲۰ | Credit allowance |
| ۲۱ | Lifetime ECL | ۲۲ | Statement of Financial Accounting Standards (SFAS 107) |
| ۲۳ | U. S. GAAP | ۲۴ | Accounting Standards Update No. 2016. 13 |

منابع

- 4th Development Plan, Clause 97, In Persian.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) , 2006, International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards (Basel II) , Bank for International Settlements.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) , 2009, Guiding Principles for the Replacement of IAS 39, Bank for International Settlements.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) , 2011, Basel III: A global regulatory framework for more resilient banks and banking systems, Bank for International Settlements.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) , 2012, Core Principles for Effective Banking Supervision, Bank for International Settlements.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) , 2015, Basel Committee on Banking Supervision, Bank for International Settlements.
- Basel Committee on Banking Supervision (BCBS) , 2015, Guidance on credit risk and accounting for expected credit losses, Bank for International Settlements.
- Central Bank of Iran, 2006, Classification of loans and receivables and measurement of loan loss reserves, In Persian.
- Central Bank of Iran, 2012, Measurement of loan loss reserves, In Persian.
- Central Bank of Iran, 2014, Circular No. 94/343723.
- Council of Ministry, 2013, Resolution No. 130671/48436, Clause 86, In Persian.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) , 1991, Disclosures About Fair Value of Financial Instruments, FASB Statement No. 107, Financial Accounting Series, Norwalk, CT: FASB.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) , 1993, Accounting By Creditors for Impairment of a Loan—An Amendment of FASB Statements No. 5 and 15, FASB Statement No. 114, Financial Accounting Series, Norwalk, CT: FASB.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) , 1993, Accounting By Creditors for Impairment of a Loan—An Amendment of FASB Statements No. 5 and 15, FASB Statement No. 114, Financial Accounting Series, Norwalk, CT: FASB.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) , 2006, Fair Value Measurements, FASB Statement No. 157, Financial Accounting Series, Norwalk, CT: FASB.
- Financial Accounting Standards Board (FASB) , 2016, Financial Instruments—Credit Losses, FASB Accounting Standards Update No. 2016-13, Financial Accounting Series, Norwalk, CT: FASB.
- Frontczak, Robert, Rostek, Stefan, 2015, Modeling loss given default with stochastic collateral, Economic Modelling, 44, 162–170.
- Gaston, Ellen, Song, In Won, 2014, Supervisory Roles in Loan Loss Provisioning in Countries Implementing IFRS, IMF Working Paper.
- Han, Chulwoo, Jang, Youngmin, 2013, Effects of debt collection practices on loss given default, Journal of Banking & Finance, 37, 21-31.

- International Accounting Standards Board (IASB) , 2011, Financial Instruments: Disclosures (IFRS 7) , IFRS Foundation.
- International Accounting Standards Board (IASB) , 2013, Fair Value Measurement (IFRS 13) , IFRS Foundation.
- International Accounting Standards Board (IASB) , 2014, Financial Instruments (IFRS 9) , IFRS Foundation.
- Knott, Samuel, Richardson, Peter, Rismanchi, Katie, Sen, Kallol , 2014, Understanding the fair value of banks' loans, Financial Stability Paper, No. 31, 1-17.
- Kothari, Jagdish, Barone, Elisabetta, 2010, Advanced Financial Accounting: An International Approach, Pearson, First edition, 58-59.
- Leow, Mindy, 2010, Credit risk models for mortgage loan loss given default, University of Southampton, School of management, Phd Thesis.
- Loterman, Gert, Brown, Iain, Martens, David, Mues, Christophe, Baesens, Bart, 2012, Benchmarking regression algorithms for loss given default modeling, International Journal of Forecasting, 28, 161-170.
- Schuermann, Til, 2004, What Do We Know About Loss Given Default?, Federal Reserve Bank of New York, 1-28.
- The Monetary and Banking Act, Clause 33 and 36, In Persian.

Measuring and Reporting Values of Bank Loans

Mina Moghaddasi¹, Rezvan Hejazi², Morteza Akbari³, Mohammad Ali Dehghan Dehnavi⁴

Received : 2016/12/21

Approved: 2017/06/21

Abstract

Banks and financial institutions have a crucial role in financing business entities to develop their investing and business activities. Hence, banks significantly contribute to the economic development of the countries. Moreover, loans are the most significant assets of a bank and measuring and disclosing loans values have become of considerable importance after the recent financial crisis. In this paper, different bases for measuring and reporting the values of bank loans including amortized historical cost less incurred loss and fair value are explained and recognizing loans impairment approaches of the International Accounting Standards Board, the Financial Accounting Standards Board of USA, the Basel Committee on Banking Supervision, and the Central Bank of Islamic Republic of Iran are presented. Recognizing loans impairment using a forward-looking approach of expected credit loss instead of using past-due information approach of incurred loss has led to movement towards measuring and reporting fair values of banks loans.

Keywords: Expected credit loss, Fair value, Historical cost, Loans.

JEL classification: G21

DOI: 10.22051/ijar.2017.13200.1239

¹PhD Student of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran, Corresponding author (mina_moghadasy@yahoo.com)

²Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran(hejazi33@gmail.com)

³PhD of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran(akbari511@yahoo.com)

⁴Assistant Professor of Finance and Banking, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (dehghandehnavi@gmail.com)

Meta-Analysis in Accounting Research

Mehdi Maranjory¹, Jahangir Rezvani²

Received : 2017/02/28

Approved: 2017/06/20

Abstract

In the humanities and behavioral sciences according to the nature and subject of the study, sometimes researchers in their studies about a single topic not reach to the same conclusion but there are contradictions in their research perhaps due to the inaccuracy of measurement tools. A technique, called meta- analysis, was proposed to reduce such contradictions. Meta-Analysis reviews research systematically to find, evaluate, combine and summarize resources that which have already been written about a specific topic. The most important advantage of meta- analysis studies is that, by integrating the results of different studies, they identify moderator structural variables of previous findings and increase the power of the study in order to come up with meaningful results. This feature has caused a remarkably increased number of meta-analysis researches in several sciences in recent years. Given the conflicting results found in accounting researches, especially in areas such as corporate governance, financial reporting, the necessity of the application of this technique has become more prominent in accounting. The aim of this article is the introduction of meta-analysis and its methodology in studies for the accounting researchers.

Keywords: Accounting researches, Effect size, Meta-Analysis.

JEL classification: H50, M41, M42

DOI: 10.22051/ijar.2017.14420.1279

¹Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran,

Corresponding author, (Mr.maranjory@gmail.com)

²MSc. of Accounting(Jahangir.Rezvani@gmail.com)

Relationship Between the Auditor's Professional Skepticism, Rotation of Auditors and Audit Quality of company

Aziz Gord¹, Mona Naseri²

Received : 2017/06/13

Approved: 2017/10/16

Abstract

What society expects of the auditing profession is rendering of high quality report. But the actions of managers can lead to professional skepticism and understanding of risk of auditor's rotation, so these factors can effect on audit quality. Therefore, in this study, the relationship between the auditor's professional skepticism, the rotation of auditors and audit quality of listed companies on the Stock Exchange of Tehran was studied. Research methodology is Practical and correlated. The study also include all companies listed on Tehran Stock Exchange during a period of six years from 2011 up to 2015. Data needed for the study were collected from the database of Stock Exchange. In order to analyzing of data, multiple regression analysis was used. The results showed that there is a significantly positive relationship between the auditor's professional skepticism and rotation of auditor with audit quality, but mandatory auditor rotation variable was not significantly associated with audit quality.

Keywords: Audit quality, Auditor's professional skepticism, Compulsory rotation of auditors, Rotation of auditors.

JEL classification: M42

DOI: 10.22051/ijar.2017.16015.1312

¹Assistant Professor of Accounting, Payame Noor University (PNU), West Tehran Center, Tehran, Iran, Corresponding author (afmgord@yahoo.com)

²MSc. of Accounting, Payame Noor University (PNU), West Tehran Center, Tehran, Iran (naserimonanaseri@gmail.com)

Why International Financial Reporting Standards Are Accepted in Developing Countries

Manuchehr Roosta¹, Ali Asghar Dehghani Sadi²

Received : 2017/07/21

Approved: 2017/11/01

Abstract

Today the increasing efforts for harmonizing accounting have become a prominent and controversial theme in many countries at the international level. The tendency towards international standards for increasing the comparability of financial statement and for drawing the attraction of foreign investors is advancing considerably. Among countries, those with unsuitable infrastructures are on the top of the list of acceptance and implementation of international financial reporting standards. This study has utilized both institutional and economic theories and is trying to elucidate the movement of the developing countries towards the acceptance and implementation of international reporting standards. From the perspective of institutional theory, internationalization of accounting is a tool for acquiring the legitimacy and for responding to the pressure imposed by international and domestic institutions. From another point of view, economic theory suggests that international reporting standards are precious commodities.

Keywords: Institutional Theory, International Financial Reporting Standard (IFRS), The Economic Theory of Networks.

JEL classification: M41, G15

DOI: 10.22051/ijar.2018.16510.1329

¹PhD Student of Accounting, Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding author (Manuchehr.Roosta@yahoo.

²MSc. of Accounting, Shiraz University, Shiraz, Iran(ira.dehghani@gmail.com)

The Effect of Stock Price Crash Risk on Product Market Competition

Zahra Fazlollahi Dehkordi¹, Farshid Ahmadi²

Received : 2018/03/15

Approved: 2018/06/30

Abstract

The aim of this study is to investigate the effect of stock price crash risk on product market competition of listed companies of Tehran Stock Exchange. In this study, the information of 100 stock companies during the period of 2004-2014, based on the combined data were analyzed. Results of this study showed that there is a significantly negative relationship between stock price crash risk and product market competition. The existence of such a relationship can be explained by the information asymmetry and the lack of transparency in financial reporting. dissemination of negative information to market and the increased stock price crash risk cause that financial analysts revise their opinion about of company' performance and evaluate negatively situation of company. In this way, the company will lose competitive advantage in the market.

Keywords: Competitive advantage, Product market competition, Stock price crash risk.

JEL classification: D53, O16

DOI: 10.22051/ijar.2018.19758.1388

¹MSc. of Accounting, Corresponding author(z.fazlollahi@gmail.com)

²Lecturer of Accounting, Payame Noor University (PNU), Shahr-e Kord Center, Shahr-e Kord, Iran(Ahmadi.farshid2@gmail.com)

Ownership Type (Institutional and Single) with Information Asymmetry: Emphasizing on Financial Information Reliability as Moderator Variable

Mehdi Heidari¹, Hamzeh Didar², Ali Baydaghi³

Received : 2017/09/15

Approved: 2017/11/16

Abstract

Information asymmetry is formed as a result of the relationship between the representation and separation of ownership and management and among different factors that can modify this relationship, is the structure or type of ownership. The aim of this paper was to investigation of relationship between type of ownership (institutional and Single) with information asymmetry with an emphasis on reliability of financial information as a moderator variable. The percentage of institutional ownership and bid-ask spread were used to measuring to type of ownership and information asymmetry respectively. In order to calculate the reliability of financial reporting, was used the report of Stock Exchange Organization named "Ranking of companies listed on Tehran Stock Exchange in terms of disclosure and quality of information appropriate". Statistical population of study is all companies listed on Tehran Stock Exchange in the period 2008-2016. The results show that the institutional ownership in companies more, reliability of financial information, affect the information asymmetry as moderating variable, but there is not this relationship in companies with individual ownership.

Keywords: Asymmetry of information, Property type (institutional and individual), Reliability of financial information.

Jel classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.16421.1325

¹Assistant Professor of Accounting, Urmia University, Urmia, Iran, Corresponding author(m.heidari@urmia.ac.ir)

²Assistant Professor of Accounting, Urmia University, Urmia, Iran(H.didar@urmia.ac.ir)

³MSc. of Accounting, Urmia University, Urmia, Iran(Ali_beidaghi@yahoo.com)

The Effect of Ownership, Control and CEO of the Family on Dividend Policy

Vahid Bekhradinasab¹, Hesam Rahmani², Fateme Zholanejad³

Received : 2017/07/03

Approved: 2017/10/25

Abstract

Family companies, with different characteristics in global businesses play important role. On the other hand, increase the superiority of the family businesses in the global economy, research and study in family ownership, has attracted more attention of researcher and different characteristics of family ownership and organizational policies of family companies has been studied. The present study has focused on family ownership, family control and CEO of the family among different characteristics of family companies and has studied the effect of these factors on dividend policy. 44 companies among the companies registered on the Tehran Stock Exchange that is controlled by members of a family during the period from 2000-2017 were chosen. Findings show that whatever the ownership of one or two family members in the company increase, dividend of company decrease. Also, the control of one or two family members on the company increase, and these people have owned at least 50% stock in the company, the amount of dividend decrease.

Keywords: CEO of the family, Dividend policy, Family control, Family ownership.

JEL classification: G35, G32

DOI: 10.22051/ijar.2018.16267.1320

¹PHd. Student of Accounting, Najafabad branch, azad university, Najafabad, Iran, Corresponding author, (vahid.bekhradinasab@gmail.com) Corresponding author,

²MSc. of Accounting, science and research branch, azad university, Ahvaz, Iran (hesamrahmani1989@gmail.com)

³MSc. of Accounting, Isfahan university, Isfahan, Iran, (jolanejad1022@gmail.com)

Taking Time-Driven Activity-Based Costing to Identify Better Actions in Academic Libraries (Case Study: Kashan University Library)

Abdoreza Mohseni¹, Abdolrasoul Rahmanian Koushkaki²

Received : 2017/07/01

Approved: 2017/10/25

Abstract

In today's competitive environment and the emergence of digital media, libraries must also provide new ideas and maintain their flexibility. In recent decades, libraries have been in constant process, but with the advent of digital services, high maintenance costs and constraint of libraries' budget, improved productivity and quick delivery of high-quality with low costs, has increased the need for planning in costing of libraries' activities. In this context, the optimization of the public and academic library management system has become a necessity. However, little research has been done in this area for libraries. The methodology of Time-Driven Activity-Based Costing for calculating the cost of library services was carried out through the library of different faculties of Kashan University. In order to collect data, accounting documents were reviewed. The findings of the research indicate that the performance has improved using time-based costing in the library. Based on the results, libraries across the country can use Time-Driven Activity-Based Costing and use this method to achieve true and correct costs and avoid losses from mistaken costing and reduce cost and increase performance.

Keywords: Capacity cost Rate, Costing, Time-Driven Activity-Based Costing.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.16239.1319

¹Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran(Mohseni.abdoreza@yahoo.com)

²Lecturer of Accounting, Payame Noor University (PNU), Iran, Corresponding author(abr.rahmanian@gmail.com)

Table of content

Taking Time-Driven Activity-Based Costing to Identify Better Actions in Academic Libraries (Case Study: Kashan University Library)	1
Abdoreza Mohseni, Abdolrasoul Rahmanian Koushkaki	
The Effect of Ownership, Control and CEO of the Family on Dividend Policy	21
Vahid Bekhradinasab, Hesam Rahmani, Fateme Zholanejad	
Ownership Type (Institutional and Single) with Information Asymmetry: Emphasizing on Financial Information Reliability as Moderator Variable	49
Mehdi Heidari, Hamzeh Didar, Ali Baydaghi	
The Effect of Stock Price Crash Risk on Product Market Competition	71
Zahra Fazlollahi Dehkordi, Farshid Ahmadi	
Why International Financial Reporting Standards Are Accepted in Developing Countries	87
Manuchehr Roosta, Ali Asghar Deghani Sadi	
Relationship Between the Auditor's Professional Skepticism, Rotation of Auditors and Audit Quality of company	101
Aziz Gord, Mona Naseri	
Meta-Analysis in Accounting Research	125
Mehdi Maranjory, Jahangir Rezvani	
Measuring and Reporting Values of Bank Loans	149
Mina Moghaddasi, Rezvan Hejazi, Morteza Akbari, Mohammad Ali Dehghan Dehnavi	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting Research
Autumn 2018, Volume 8, Issue number 3
Number 30

Jornal of

Accounting research

Licence Holder: Alzahra University
Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University
Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University
Executive Manager: Behbahaninia. Parisa saadaat, Assistant Prof. Alzahra University
Editorial Board:
Behbahaninia, Parisa saadaat, Assistant Prof. of Alzahra University
Hejazi, Rezvan, Prof. of Alzahra University
Hoseini, Seyed Ali, Assistant Prof. of Alzahra University
Haghighat, Hamid, Associate Prof. of Imam Khomeini International University
Khodadadi, Vali, Associate Prof. of Chamran University
Khalifesoltani, seyed Ahmad, Associate Prof. of Alzahra University
Kashanipour, Mohamad, Associate Prof. of Tehran University
Kordestani, Gholamreza, Associate Prof. of Imam Khomeini International University
Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University
Mashayekhi, Bita, Associate prof. of Tehran university
Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University
Mehrani, Kaveh, Associate Prof. of Tehran university
Valizadeh Larijani, Azam, Assistant Prof. of Alzahra University
Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa saadaat
Literally editor: Taheri, Mandana
English Editor: Mostafaie, Parasto
Cover Designer: Samadian, Maryam
Lay out editor: Esfandi, Khadijeh
Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh
Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973
Tel: (+9821) 85692421- 85692745
Fax: 88252178
Website: <http://ijar.alzahra.ac.ir/>
Email: jar@alzahra.ac.ir